

# انتظارات

سال بیست و سوم، بهار ۱۴۰۲، شماره ۸۰



رویکردهای گوناگون به مهدویت در سده اخیر حوزه علمیه قم  
مجسی کلباسی - محمدعلی فلاح شیخزری

سیر تطور اندیشه مهدویت در سده اخیر حوزه علمیه قم  
روح‌الله شاکری زوردهی - سیدمحمدحسینی وردنجانی - مصطفی اسلامی

سیر تطور آموزه مهدویت در اندیشه فیلسوفان و متکلمان سده اخیر حوزه علمیه قم  
حسن پناهی آزاد - محمدکاظم خواجه احسنی - زهرا نام

سیر تطور آثار مکتوب (برگزیده) مهدوی در سده اخیر حوزه علمیه قم  
سید مجتبی معنوی

تحلیل پروتئادهای شبه جریان عقل‌گرایی ابتدایی و نفس‌گرایی افراتعلی در مهدویت پژوهی سده اخیر حوزه علمیه قم  
ابوذر رجیبی - سیدمحمد کاظمی شیخ شیبلی

نقش علمای قم در مبارزه با بهائیت در سده اخیر  
حجت‌الهدی چرانی

مکتوبات حوزه علمیه قم در تقابل با جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت و شهادت آنان در سده اخیر  
محمد شهبازیان - محمد غلامی

ویژه‌نامه همایش

یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی - پژوهشی

# انتظار موعود

با استاد به نامه شماره ۶۰۶۴ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۸ فصلنامه انتظار موعود از شماره ۵۰ به رتبه علمی - پژوهشی ارتقا یافت. براساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارد.

صاحب امتیاز:

مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

مدیر مسئول:

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

سرمدبیر:

حجت الاسلام دکتر روح‌الله شاکری زواردهی

مدیر داخلی و دبیر تحریریه:

محسن رحیمی جعفری

ویراستار:

ابوالفضل علیدوست

صفحه‌آرا:

مسعود سلیمانی

طراح جلد:

عباس فریدی

مترجم انگلیسی:

زینب فرجام فرد

مترجم عربی:

ضیاء الزهاوی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

بهروز لک، غلامرضا

(استاد دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام)

جباری، محمدرضا

(دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام)

خسروپناه، عبدالحسین

(استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

رضانژاد، عزالدین

(استاد جامعة المصطفی العالمیة)

رضایی اصفهانی، محمدعلی

(استاد جامعة المصطفی العالمیة)

زارعی متین، حسن

(استاد دانشگاه تهران)

شاکری زواردهی، روح‌الله

(دانشیار دانشگاه تهران)

صفری فروشانی، نعمت‌الله

(استاد جامعة المصطفی العالمیة)

کلباسی، مجتبی

(استاد حوزه علمیه قم)

محمدرضایی، محمد

(استاد دانشگاه تهران)

پایگاه‌های استنادی که این فصلنامه در آن‌ها نمایه شده است:

www.entizar.ir

پایگاه مجله انتظار موعود

www.isc.gov.ir (ISC)

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

www.magiran.com

بانک اطلاعات نشریات کشور

www.noormags.com

پایگاه مجلات تخصصی نور



مرکز تخصصی مهدویت

نشانی: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه آمار، مرکز تخصصی مهدویت، دفتر

فصلنامه انتظار موعود علیه السلام

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۶۶۱ - ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰ - نمابر: ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰

سایت فصلنامه: www.entizar.ir

پست الکترونیکی: Entizarmagg@gmail.com

قیمت: ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال

## راهنمای تدوین و نگارش مقالات

«فصلنامه انتظار موعود<sup>ع</sup>» نشریه‌ای علمی - پژوهشی است که به صورت تخصصی در حوزه معارف مهدوی به منظور ارتقای علمی و ایجاد فضای نقد و بررسی بین محققان و اندیشمندان حوزه مهدویت به نشر مقالات علمی - پژوهشی می‌پردازد. مخاطبان اصلی نشریه، متخصصان و صاحب نظران معارف مهدوی بوده و فصلنامه تلاش دارد مقالاتی در این نشریه منتشر کند که به تأیید ارزیابان علمی مجله رسیده و دارای شرایط زیر باشد:

۱. مسئله محور و بر یک موضوع خاص تمرکز کرده باشد؛
۲. به منابع معتبر اسلامی و به ویژه معارف اهل بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> مستند و دارای قدرت استدلال و تبیینی در عرصه مهدویت باشد؛ به طوری که با ارائه دیدگاه‌های جدید، یا روش جدید در حل مسائل، به توسعه علم بیفزاید؛ به گونه‌ای که از نظر اهل تحقیق، مقالات در حد مقالات پژوهشی باشد.
۳. علاوه بر نوآوری در عرصه مهدویت، به شبهات و مسائل علمی پیش‌روی جامعه اسلامی پاسخ دهد.

### مقاله باید از نظر ساختاری دارای شرایط ذیل باشد:

- الف) مشخصات مقاله: در صفحه نخست باید عنوان دقیق مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، رتبه علمی، تلفن و ایمیل درج شود؛
- ب) چکیده: حداکثر در ۱۵۰ تا ۱۷۰ کلمه که حاوی مسئله مقاله، روش تحقیق، نوآوری‌ها و سؤال اصلی مقاله باشد (چکیده عربی و انگلیسی، همراه مقاله ارائه گردد)؛
- ج) واژگان کلیدی: (کلمات اصلی و کلیدی مقاله جهت نمایه، حداقل ۳ و حداکثر ۷ واژه)؛
- د) مقدمه: به بیان مساله و ضرورت آن و همچنین به پیشینه پرداخته می‌شود.
- ه) نتیجه‌گیری مطالب در انتهای مقاله، در ۱۰ الی ۱۵ سطر ذکر شود؛
- و) شیوه ارجاع به منابع داخل متن و طبق الگوی زیر باشد: (عباسی، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۱۵)؛ در صورت تکراری بودن سال نشر: (حسینی، ۱۳۸۴: الف، ص ۱۲۴)؛
- ز) در پایان مقاله فهرست کامل منابع به شیوه زیر ذکر شود: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان (پر رنگ)، مترجم، محقق یا مصحح، مکان نشر، ناشر.

ح) برگردان لاتین اسامی و مفاهیم مهم و همچنین توضیحات ضروری در پاورقی بیاید.

### تذکرات:

۱. مقالات، از ۱۵ صفحه (حدود ۴۵۰۰ کلمه) کم‌تر و ۲۵ صفحه (حدود ۷۵۰۰ کلمه) بیش‌تر نباشد.
  ۲. مقالات ترجمه‌ای پذیرفته نمی‌شود.
  ۳. هر مقاله باید دارای موضوع مستقل باشد (مقالات مسلسل پذیرفته نمی‌شود).
  ۴. مقاله قبلاً در هیچ جای دیگر نباید چاپ شده باشد (از ارسال هم زمان مقاله به مجله دیگر جداً خودداری شود).
  ۵. در صورت درخواست نویسنده، دفتر فصلنامه گواهی پذیرش مقاله را صادر خواهد کرد.
- دیدگاه‌های ارائه شده در مقاله الزاماً دیدگاه فصلنامه نیست.
  - فصلنامه در ویرایش مطالب (با حفظ مفهوم) آزاد است.
  - مقالات ارسالی، بعد از ارزیابی بازگردانده نمی‌شود.

## فهرست مقالات

- ۵..... رویکردهای گوناگون به مهدویت در سده اخیر حوزه علمیه قم.....  
مجتبی کلباسی - محمدعلی فلاح شیخلری
- ۳۴..... سیر تطور اندیشه مهدویت در سده اخیر حوزه علمیه قم.....  
روح الله شاکری زواردهی - سیدمحمدحسینی وردنجانی - مصطفی اسلامی
- ۶۵..... سیر تطور آموزه مهدویت در اندیشه فیلسوفان و متکلمان سده اخیر حوزه علمیه قم.....  
حسن پناهی آزاد - محمدکاظم خواجه احسنی - زهرا تام
- ۹۳..... سیر تطور آثار مکتوب (برگزیده) مهدوی در سده اخیر حوزه علمیه قم.....  
سید مجتبی معنوی
- تحلیل برون دادهای غلبه جریان عقل گرایی اعتدالی بر نص گرایی افراطی در مهدویت پژوهی سده اخیر حوزه  
علمیه قم.....  
ابوذر رجبی - سیدمحمد کاظمی شیخ شبانی
- ۱۲۱..... نقش علمای قم در مبارزه با بهائیت در سده اخیر.....  
حجت حیدری چراتی
- ۱۵۳..... مکتوبات حوزه علمیه قم در تقابل با جریان های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت و شبهات آنان در سده  
اخیر.....  
محمد شهبازیان - محمد غلامی
- ۱۸۳..... ترجمه چکیده مقالات عربی-انگلیسی.....  
۲۱۱.....



## رویکردهای گوناگون به مهدویت در سده اخیر حوزه علمیه قم<sup>۱</sup>

مجتبی کلباسی<sup>۲</sup>

محمدعلی فلاح شیخلری<sup>۳</sup>

### چکیده

«مهدویت» در بین امت اسلامی، به‌ویژه علمای شیعه مورد اتفاق نظر است. در عین حال، تفاوت در نگرش به این موضوع، در بین عالمان به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که دانشمندان اسلامی را در طی اعصار مختلف می‌توان از این زاویه بازشناسی و طبقه‌بندی کرد. در سده اخیر نیز متفکران و دانشمندانی در جهان اسلام و از جمله در حوزه علمیه قم، در عین وفاق در اصل عقیده مهدویت، منظر و زاویه نگاه آنان به موضوع متفاوت است. این نگرش‌های مختلف به چند دسته کلی قابل طبقه‌بندی است: رویکرد روایی، عقلی، عرفانی، تاریخی، اجتماعی-سیاسی و... قابل طبقه‌بندی است.

این مقاله در صدد است با تبیین رویکردهای مختلف به موضوع مهدویت و نیز معرفی چهره‌های شاخص در هر رویکرد، به سیر این خطوط در قرن چهاردهم شمسی، در حوزه علمیه قم بپردازد. روش این پژوهش تحلیلی-توصیفی از طریق بررسی آثار مکتوب مهدوی قرن اخیر در حوزه علمیه قم است.

**واژگان کلیدی:** حوزه علمیه قم، مهدویت، رویکردهای مهدوی، سده اخیر، رویکردشناسی.

---

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله علیه تألیف شده است.

kalbasirmka@gmail.com

۲. استاد حوزه و دانشگاه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

m.ali.fallah@chmail.ir

۳. دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم، ایران.

## مقدمه

«رویکرد شناسی» دانشی است درجه دوم که شیوه‌های بنیادین و روش تفکر در حیطه علوم را به صورت عام و کلی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. این نوشتار در صدد است به این سوال پاسخ دهد که در مطالعات و آثار مهدوی قرن اخیر چه رویکردهایی قابل مشاهده است. روشن است که هر رویکردی بر اساس مجموعه‌ای از اصول موضوعه و مبادی خاص تکوین یافته که آن مبادی و اصول دارای پیشینه‌ای طولانی در تاریخ علمی حوزه‌های علمیه است. این زمینه‌ها در عرصه مهدویت، بستر لازم را برای گرایش‌ها و رویکردهای مختلف در این موضوع فراهم کرده است. شناخت این رویکردها و چارچوب‌ها برای بازشناسی آن‌ها ضروری است. بر این اساس، می‌توان رویکردهای مختلف به مهدویت را در قرن اخیر در حوزه علمیه قم مورد بررسی قرار داد. این گونه پژوهش‌ها بسترهای شناخته شده‌ای برای ادامه، توسعه و تکمیل مطالعات مهدوی و رویکردهای آن فراهم خواهد کرد.

«رویکرد» واژه ترکیبی جدیدی است و درباره معنای لغوی از آن در منابع مربوط نکته‌ای ذکر نشده است. براساس موارد استعمال، رویکرد به معنای راه و روش، برداشت، زاویه دید، منظر، نظرگاه، نحوه نگاه، نوع نگاه و شیوه مطالعه آمده است. در کار برد اصطلاحی که همان معنای لغوی است، رویکرد، به معنای زاویه دید و نوع نگاه اندیشمندان در بیان اندیشه و فکر است.<sup>۱</sup>

### مهدویت و رویکردهای مختلف به آن در حوزه علمیه قم

اصولا هر نهاد فرهنگی و سیاسی از ابتدا تا انتهای حیات خود سه دوره مختلف را پشت سر می‌گذارد که با توجه به شاکله و ماهیت و رسالتی که آن نهاد بر عهده دارد می‌توان این دوره‌ها را در حقیقت «رویکرد» آن نهاد دانست: این سه دوره عبارتند از: دوره ایجاد و تکوین رویکرد، دوره رشد و رونق رویکرد و دوره اضمحلال.

در خصوص حوزه علمیه قم این نکته امری بدیهی می‌نماید که سده اخیر را باید دوران تجدید حیات حوزه مذکور دانست. آغاز آن قرن دورانی بسیار سخت برای حوزه‌های علمیه و



۱. ر.ک: عبدالحسین، خسروپناه، فلسفه، فلسفه اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ش، ص ۷۳.

از جمله برای حوزه تازه جان یافته قم بوده است. با هجرت مرحوم آیت الله العظمی حائری یزدی، حوزه علمیه قم رونق جدیدی گرفت؛ ولی با روی کار آمدن رضاخان بر اساس رسالتی که استعمار پیر انگلیس برای وی تعریف کرده بود او برنامه‌هایی که در مقابله با حوزه‌های علمیه و علمای شیعه و مذهب تشیع در پیش گرفت؛ و لذا از این رهگذر فشارها و تضییقات شدیدی بر پیکره حوزه‌ها وارد شد. در یک نگاه کلی این اقدامات استعمارگران و دست نشانده‌های آن‌ها کشورهای اسلامی را در تیررس خود قرار داده بود و از آن جا که کشور ایران، حوزه‌های علمیه این کشور، مذهب تشیع و علمای مذهبی سردمدار و مبلغ اسلام بودند، به زعم استعمارگران این شخصیت‌های حقوقی بایستی در معرض خطر جدی قرار بگیرند و حتی این شخصیت‌ها و نهادها را تا مرز اضمحلال پیش ببرند. بر همین اساس، مشخصاً حوزه‌های علمیه از دو زاویه مورد نظر بود:

الف) مورد توجه استعمارگران بود تا آنان بتوانند با اقدامات ویرانگر فکری، فرهنگی و سیاسی خود این حوزه را از درون تهی کنند و مانند حوزه‌ها علمیه برخی از کشورهای مسلمان آن را از استقلال و هدف اصلی خود بازدارند؛

ب) مورد توجه عالمان دینی بود تا با رونق بخشی به این مرکز مهم شیعی، وظایف آن و وظایف خویش را در برابر اسلام به انجام برسانند. به این مورد می‌توان نیم نگاه دلسوزان دیگر را نیز افزود.

از آن جا که سنت خداست تا حق در برابر باطل استحکام و دوام خویش را نشان دهد بر خاکستر آتش‌هایی که استبداد رضاخانی در حوزه‌ها برافروخت، عنقای انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام متولد شد و این انقلاب در اواسط قرن چهاردهم شمسی به پیروزی رسید. این رخداد بزرگ فرصت‌های جدید علمی در برابر حوزه علمیه قم قرارداد و حوزه در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی و سیاسی حرکت رو به رشد خود را ادامه داد و با ایجاد مراکز گوناگون تخصصی در زمینه‌های کلام، تاریخ، فقه، اصول، تفسیر، حکمت، فلسفه و سایر شاخه‌های علمی رسالت دینی و اجتماعی خود را پی گرفت. در موضوع مهدویت نیز حوزه علمیه شاهد تلاش‌های فراوانی برای رشد و تعالی این معرفت بوده است. در این دوران همزمان با توسعه پژوهش‌ها و آثار منتشر شده در این زمینه، رویکردهای جدیدی نیز در زمینه استفاده از





شیوه‌های مختلف تبلیغی و اضافه کردن این شیوه‌ها به رویکرد سنتی تبلیغ شکل گرفت و همراه با رویکردهای پیشین به رشد خود ادامه داد.

در بررسی تاریخی نگاه به مهدویت، نخستین رویکرد که دارای پیشینه طولانی در حوزه‌هاست، بیش‌تر «رویکرد روایی» است و گفتمانش در این دایره دارای تمرکز بیش‌تری است. دسته‌ای دیگر از مهدی باوران با «زاویه عرفانی» به موضوع نگریسته و از این دریچه مهدویت را مورد بحث قرار داده‌اند. جمع سوم، با نگاه «کاربردی - اجتماعی - سیاسی» به مهدویت پرداخته و چشم اندازه‌های جدیدی در این میدان گشوده‌اند و گروه دیگر «رویکرد تاریخی» به آن داشته و فراز و نشیب‌های موضوع مهدویت را در گذر تاریخ مورد بررسی قرار داده‌اند.

البته خرده رویکردهای دیگری مانند «رویکرد کرامت و ملاقات محور» نیز نشان‌هایی از خود برجای گذاشته‌اند که به آن‌ها اشاره خواهد شد.

این مقاله در صدد است با تبیین رویکردهای مختلف به موضوع مهدویت و نیز معرفی آثار و چهره‌های شاخص در هر رویکرد؛ به ترسیم این خطوط در قرن چهاردهم شمسی در حوزه علمیه قم بپردازد.

### ریشه و سیر رویکردهای مهدویت

عقیده مهدویت، وحیانی است و در آیات قرآن و احادیث پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام ریشه دارد. بر این اساس، نگاه‌های اولیه به موضوع مهدویت، صرفاً رویکرد روایی بوده است. در ادامه، پژوهشگران عرصه مهدویت با توجه به نیازهای زمان و بر اساس مذاق و مشرب علمی خود، از زوایای مختلف به مهدویت نگریسته‌اند.

محدثان به اندیشه مهدویت، به نقل اخبار و تبویب آن‌ها پرداخته‌اند. فیلسوفان و عقل‌گرایان با رویکرد عقلی و اهل معرفت با رویکرد عرفانی به موضوع مهدویت نگریسته‌اند. برخی از پژوهشگران نیز با رویکرد تاریخی به موضوع مهدویت، آن را رویداد محور مورد بررسی قرار داده‌اند.

جمعی دیگر از محققان نیز به مهدویت از زاویه نوعی پدیده اجتماعی-سیاسی نگریسته و با رویکرد سیاسی - اجتماعی به اندیشه مهدویت می‌پردازند. بر این اساس، این مقاله رویکردهای

مختلف عالمان و تربیت یافتگان حوزه علمیه قم را به موضوع مهدویت در محدوده قرن چهاردهم شمس مورد بررسی قرار می‌دهد.

### یکم: رویکرد روایی

برخی از مهدی پژوهان از دریچه آموزه‌های روایی به موضوع مهدویت پرداخته‌اند. از این نوع نگرش به مهدویت، به «رویکرد روایی» تعبیر می‌شود.

### پیشینه رویکرد روایی

با بررسی و مقایسه رویکردهای مختلف به مهدویت (رویکردهایی که گفته شد) پریشینه‌ترین نوع نگرش به مهدویت، «رویکرد روایی» است. گردآوری روایات مهدویت در مجموعه‌های حدیثی و تبویب آن‌ها، نخستین تلاش‌های مهدی پژوهان بوده است. در عرصه این رویکرد موضوع شخصیت از زوایای مختلف در بدنه روایات مورد کنکاش قرار گرفته است؛ عناوینی چون زندگی و تبار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مباحث آن، سفیران و نایبان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت صغرا، وظایف مردم در عصر غیبت و امکان ملاقات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ادعیه و زیارات منسوب به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ظهور و انواع نشانه‌های ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تشکیل حکومت و سیره حکومتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محورهای اصلی مباحث در مجموعه‌های حدیثی است.

حاصل این نوع رویکردها به مهدویت، تألیف اولین مهدویت نگاشته‌ها در آثار اصحاب ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ مانند «الملاحم»، از محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق) (نجاشی، ۱۴۱۸: ص ۳۲۶) و کتاب «الغیبه»، تألیف هشام اسدی (م ۲۱۰ یا ۲۲۰ ق) (همان، ص ۲۸۰) و «اثبات الرجعه»، «الملاحم» و «القائم» از آثار فضل بن شاذان نیشابوری (همان، ص ۳۰۶) و کتاب‌های دیگر که اصل آن‌ها به جز مواردی اندک از میان رفته است (ر.ک: محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۱۰، ص ۲۳۲)؛ ولی خوشبختانه احادیث آن‌ها توسط علمای عصر غیبت صغرا و اوایل غیبت کبرا (قرن چهارم ق) نقل شده و در کتاب‌هایی مانند کتاب «الامامه و التبصره من الحیره»، از علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) و «کتاب الغیبه»، از شیخ نعمانی (م ۳۶۰ ق) و کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» از شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) منعکس شده است.



در قرون بعدی نیز علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) در «بحار الانوار» و مرحوم بحرانی (م ۱۱۴۸ق) در «عوالم» ادامه دهنده این رویکرد بوده‌اند. این نوع نگرش به اندیشه مهدویت، در ادوار مختلف همواره متداول بوده و متوقف نشده و در هر دوره‌ای با نگاه‌های جدید تداوم یافته است.

### نگاشته‌های روایی مهدویت در سده اخیر در حوزه علمیه قم

«رویکرد روایی» به مهدویت، در قرن اخیر در حوزه علمیه قم نیز پر رنگ‌تر و پر فروغ‌تر از گذشته تداوم یافته و عمدتاً به صورت تألیف مهدویت نگاشته‌ها به سیر خود ادامه داده است. اندیشمندان و مهدی پژوهان بسیاری در دوره معاصر، از منظر روایات به بحث مهدویت پرداخته‌اند. با عنایت به این که باور مهدویت از عقاید مشترک میان همه فرقه‌های اسلامی است؛ در تبویب و تنظیم احادیث مهدویت، افزون بر استناد به منابع حدیثی شیعه، از منابع اهل سنت به وفور استفاده شده است و تألیفات ارزشمندی به این بحث پرداخته‌اند. در ادامه به آثار مکتوب این رویکرد که در حوزه علمیه قم نشر یافته، اشاره می‌شود:

#### ۱. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف، اثر آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

در قرن چهاردهم شمسی صاحب نظرانی در عرصه مهدویت به نگارش آثاری دست زدند. یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های مطرح در قرن چهاردهم شمسی در حوزه علمیه قم، حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی بودند که کتاب ارزشمند و گرانسنگ «منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف» را پدید آوردند.

این عالم ارزشمند در سال ۱۳۷۳ هجری، کتاب گرانسنگ «منتخب الاثر» را تألیف کردند. این کتاب برگزیده احادیث از کتاب‌های شیعه و سنی است و در ده فصل تنظیم شده است. بخش اول آن به اثبات وجود و امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص دارد. احادیث مربوط به زندگانی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، نایبان آن حضرت، عصر غیبت، ظهور و حکومت جهانی، در فصل‌های بعدی قرار گرفته‌اند. نویسنده در مواقع لزوم، توضیحاتی درباره بعضی از احادیث، در پاورقی ذکر کرده است. در بخش پایانی کتاب، به طرح برخی از شبهات در موضوع مهدویت پرداخته و پاسخ لازم را نیز به صورت متقن ارائه کرده است. این ویژگی در مجموعه‌های روایی دیگر چون

«معجم أحاديث الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف» دیده نمی‌شود.

این کتاب در آغاز در یک جلد منتشر شد؛ اما با اضافه شدن مقالات نویسنده، تکمیل شد و در سه جلد انتشار یافت و با ترجمه فارسی این کتاب توسط آقای محسن احمدی در شش جلد منتشر شده است.

قابل ذکر است که نمی‌توان از اثر مذکور روایات مربوط به مهدویت را در همه موضوعات پی‌جویی کرد؛ زیرا هدف مؤلف از تألیف منتخب الاثر، جمع‌آوری همه احادیث در موضوعات مختلف مهدویت نبوده؛ لذا تنها به ذکر بعضی از احادیث در هر موضوعی بسنده کرده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۱۴).

گفتنی است آنچه در باره رویکرد کتاب منتخب الاثر گفته شد، وجه غالب کتاب است؛ وگرنه این کتاب به‌ویژه نسخه تکمیل شده آن، مشتمل بر مباحث اجتهادی و تحلیلی است. لذا باید توجه داشت که این اثر ارزشمند، صرفاً یک اثر نقل محور نیست، بلکه برخی از روایات که از نظر مؤلف چالش برانگیز بوده و به تحلیل نیاز داشته‌اند، مورد بحث و نظر قرار گرفته‌اند.

## ۲. معجم أحاديث الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، تالیف جمعی از پژوهشگران

یکی دیگر از مجموعه‌های روایی که با رویکرد روایی در عصر کنونی و در حوزه علمیه قم تدوین شده، کتاب ارزشمند «معجم أحاديث الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف» است. این موسوعه، حاصل کار گروهی از پژوهشگران عرصه مهدویت در حوزه علمیه قم است که تحت اشراف استاد علی کورانی سامان یافته است.

محققانی که در خلق این اثر همکاری کرده‌اند، عبارتند از: محمد جعفر طبسی، محمد جواد طبسی، نجم الدین طبسی، سید صالح مدرسی، عبادالله طهرانی، عزت‌الله مولایی، حامد عبد الخالق و محمد امین پورامینی (کورانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۵).

کتاب معجم أحاديث الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، مجموعه‌ای است هشت جلدی که حاوی بیش از دو هزار روایت در موضوعات مختلف درباره امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف از چهار صد منبع، از منابع عامه و خاصه است (همان، ص ۴).

از ویژگی‌های معجم أحاديث الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف این است که احادیث این مجموعه، از



قدیمی‌ترین مصادر أخذ شده‌اند؛ مگر این که قدیمی‌ترین مصدر موجود نباشد (همان، ص ۱۲). همچنین مصادر همه احادیث، اعم از مصادر شیعه و سنی، بر اساس ترتیب زمانی ذکر شده‌اند (همان).

### ۳. دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی دیگر از مجموعه‌های روایی که در دوره معاصر با محوریت روایات مهدوی در حوزه علمیه قم تدوین شده، کتاب «دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» است. این اثر ارزشمند، که دایرةالمعارف مهدوی است، حاصل تلاش گروهی از حدیث پژوهان، در حوزه علمیه قم است که تحت إشراف حضرت آیت‌الله محمد محمدی ری شهری در ده جلد، بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ نگاشته شده است. گرچه مباحث تاریخی و کلامی نیز در این اثر وجود دارند؛ ولی محور اصلی آن، مباحث روایی است.

پژوهشگرانی که در تألیف این دانشنامه با مرحوم آیت‌الله ری شهری همکاری داشته‌اند، عبارتند از: سیدمحمد کاظم طباطبایی، محمود کریمیان، محمدرضا سجادی طلب، سیدمحمود طباطبایی نژاد و سیدروح‌الله سیدطباطبایی (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۱۰). ترجمه این دانشنامه به قلم حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالهادی مسعودی صورت گرفته است (همان) و ارزیابی علمی این مجموعه نیز بر عهده آیت‌الله رضا استادی بوده است (همان).

از ویژگی‌های دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که اسناد روایات ذکر شده مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و میزان اعتبار آن اسناد، در پا نوشت بیان شده است. بنابراین، نبودن ارزیابی سندی در پانوشت یک حدیث، نشانه ضعف سند آن است (همان، ص ۴۴).

استناد گسترده به منابع فریقین، نقد و ارزشیابی دلایل غیر نقلی مهدویت، جامعیت و گزیده نگاری، تبیین و تحلیل، نقد و بررسی، تبیین عقاید دیگران درباره منجی، جمع بندی و تحلیل گزارش‌های متعارض، پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهه‌ها، تنظیم منطقی و آسان یاب، از دیگر ویژگی‌های این دانشنامه است (همان، ص ۴۵).

در این دانشنامه سعی شده است نیازهای فرعی پژوهشگر، از قبیل اعراب‌گذاری متون عربی،

ترجمه متون عربی برای فارسی زبانان، شرح حال اجمالی اشخاص، توضیح الفاظ دشوار، توضیح درباره مکان‌ها و نکات مبهم گزارش‌ها نیز برطرف گردد (همان، ص ۵۰). برای نگارش این دانشنامه، افزون بر استناد به منابع معتبر حدیثی شیعه، از منابع اهل سنت فراوان بهره برده شده است. در این مجموعه، به بیش از ۹۸۵ کتاب در بیش از ۳۸۰۰ مجلد مراجعه شده است (همان، ص ۴۵).

### دوم: رویکرد روایی-اجتهادی

یکی دیگر از رویکردها به موضوع مهدویت، در صد ساله اخیر در حوزه علمیه قم؛ «رویکرد اجتهادی-تحلیلی» به احادیث مهدویت است. گرچه محور اصلی در این رویکرد روایات است؛ در رویکرد اجتهادی-تحلیلی، تنها به نقل روایات، بسنده نشده، بلکه علاوه بر نقل روایات، به تحلیل و ارزیابی آن‌ها نیز پرداخته شده است. در این تحلیل، با نگاهی جامع، روایات هر موضوع و جمع روایات متعارض و نظریه‌های اجتهادی ارائه شده و محصول رویکرد تحلیلی و اجتهادی به موضوع مهدویت، در قالب‌های تألیف و تدریس ارائه گردیده است. تفاوت این رویکرد، با رویکرد روایی آن است که در رویکرد روایی، اساس دسته بندی و تنظیم گری روایات است؛ گرچه به مناسبت گاهی به برخی مباحث تحلیلی هم پرداخته می‌شود؛ ولی در رویکرد روایی-اجتهادی، اصل بر بررسی دلالتی و سندی روایات و جمع بین آن‌ها و استنتاج از آن‌ها به روش رایج اجتهادی است.

شایان ذکر است نویسندگان و دانشمندانی که در باره مهدویت به تألیف پرداخته‌اند، ممکن است یک یا دو و در مواردی بیش از دو رویکرد داشته باشند؛ بدین صورت که در طول تاریخ تلاش علمی خود، در مرحله‌ای یک رویکرد را دنبال کرده و در زمانی دیگر به رویکرد دیگری پرداخته‌اند. برای نمونه آیت‌الله صافی گلپایگانی در آغاز، مهدویت پژوهی خود را با رویکرد روایی آغاز کردند و سپس رویکردی روایی اجتهادی-تحلیلی را در پیش گرفتند. بنابراین، ممکن است یک مؤلف در زمان‌های مختلف رویکردهای متفاوتی داشته و در آن قالب حرکت کرده باشد. البته همان‌گونه که در سطور گذشته اشاره شد روش اجتهادی بر روش روایی مبتنی است و از توابع آن به شمار می‌رود؛ گرچه با توجه به نتایج از یکدیگر قابل تفکیک هستند.



## تألیفات مهدوی با رویکرد روایی\_اجتهادی

برخی از تألیفاتی که به روش مذکور در قرن اخیر حوزه علمیه قم به رشته تحریر در آمده‌اند، به شرح زیر است.

### ۱. سلسله مباحث امامت و مهدویت

از جمله تألیفاتی که نگاه روایی \_ اجتهادی به مباحث امامت و مهدویت دارد؛ کتاب «سلسله مباحث امامت و مهدویت»، نوشته حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی است. این کتاب با بهره‌گیری از آیات، روایات، منابع تاریخی و کلامی، موضوع امامت و مهدویت را به صورت مستدل و تحلیلی و اجتهادی مورد بررسی قرار داده است. این اثر ارزشمند در چهار جلد منتشر شده است.

### ۲. موعودی که جهان در انتظار اوست

از دیگر تألیفاتی که رویکرد اجتهادی - تحلیلی به موضوع مهدویت دارد، کتاب «موعودی که جهان در انتظار اوست» می‌باشد. این کتاب توسط مرحوم علی دوانی تألیف شده است. نویسنده با استناد به آیات و روایات به صورت تحلیلی و اجتهادی به بررسی موضوعات مهدویت و همچنین به نقض و ابرام آرای دیگران درباره مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام پرداخته است (دوانی، ۱۳۸۵: ص ۱۶).

### ۳. تدریس مهدویت با روش روایی اجتهادی و آثار مکتوب آن

تدریس مهدویت با روش اجتهادی می‌تواند با رویکردی استنباط محور روایات مهدویت را در عرصه حوزه رونق ببخشد و صاحب نظرانی را در این زمینه تحویل دهد. بدیهی است این کار مستلزم ایجاد کلاس‌ها و کارگاه‌هایی است که روایات مهدویت را به صورت اجتهادی بررسی کند و این کار در حوزه علمیه طی دهه‌های اخیر صورت گرفته است. «مرکز تخصصی مهدویت» با ابتکاری جدید، اولین بار در طول تاریخ حوزه‌های علمیه، به برگزاری درس خارج مهدویت اقدام کرده است. با تشکیل اولین حلقه درس خارج مهدویت در حوزه علمیه قم، فصل جدیدی در شکوفایی و بالندگی مباحث مهدوی، گشوده شده است.

درس خارج مهدویت، از سال ۱۳۸۶ شمسی آغاز شد و این سلسله دروس بیش از پانزده سال



است که همچنان توسط پژوهشگر نام آشنای عرصه امامت و مهدویت، حضرت آیت الله نجم الدین طوسی در مرکز تخصصی مهدویت ارائه می شود. این درس که به صورت تحلیلی و استدلالی به مباحث می پردازد، موضوعات مختلف مهدوی را با محوریت روایات، به صورت اجتهادی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. از زمان آغاز این درس تا کنون ۱۱۲۰ جلسه درسی در موضوع مهدویت برگزار شده است.

در این مدت چهل و پنج موضوع، از موضوعات مهدویت در این حلقه درس مطرح شده و چهل و یک عنوان، به صورت جزوه درآمده که پانزده عنوان آن به شرح زیر به چاپ رسیده، و بقیه نیز در دست تدوین است.<sup>۱</sup>

۱. بررسی و نقد روایات یمانی؛ ۲. نقش علما در عصر ظهور؛ ۳. سفیانی؛ ۴. سرنوشت یهود در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ ۵. دجال؛ ۶. جریانات آذربایجان، قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ ۷. توقیت؛ ۸. بررسی روایات صحیحہ آسمانی؛ ۹. بحثی پیرامون روایات سود؛ ۱۰. اصحاب امام زمان در دوران غیبت کبری؛ ۱۱. اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغری؛ ۱۲. ادله ولادت؛ ۱۳. ادله ولادت؛ ۱۴. نفس زکیه و خراسانی؛ ۱۵. عباسیان.

#### ۴. دوره آموزشی سطح سه و چهار مهدویت و دستاوردهای آن

علاوه بر درس خارج مهدویت، دوره آموزشی سطح چهار مهدویت با رویکرد تحلیلی \_ اجتهادی، طی چند سال اخیر، در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم در حال برگزاری است. این دوره ها طی سال های مختلف در گرایش های گوناگون برگزار شده و تعدادی از دانش پژوهان آن فارغ التحصیل شده اند. همچنین این سطح آموزشی در موسسه موعود در حال اجرا است. این اقدامات بدون تردید نقش بسیار موثری در توسعه نگاه اجتهادی و جامع به موضوع مهدویت داشته و خواهند داشت.

دوره آموزشی سطح چهار مهدویت، از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ در سه گرایش، با عناوین مهدویت با رویکرد قرآن و حدیث، مهدویت با رویکرد کلام و مهدویت با رویکرد سیاسی \_ اجتماعی در

۱. استعلام شفاهی نویسنده از مدیران آموزشی مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.





حال برگزاری است. همچنین سه گرایش، با عناوین مهدویت با رویکرد آینده پژوهی، مهدویت با رویکرد موعود در ادیان و مهدویت با رویکرد تمدنی، در مسیر بررسی و تصویب در شورای گسترش حوزه است.

تا سال ۱۴۰۲، از ۱۷۰ عنوان رساله علمی در سطح سه و سطح چهار دفاع شده و ده‌ها رساله نیز در حال تدوین است. این موارد تنها گوشه‌ای از این دستاوردهای علمی را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup> بدون تردید، این تلاش علمی با رویکردهای مختلف، سهم ارزنده‌ای در توسعه و تکامل علمی مباحث مهدویت خواهد داشت.

بر این اساس نگاه به روایت مهدوی و بررسی آن‌ها در دو قالب بررسی‌های اجتهادی و دوره‌های آموزشی دو اقدام اساسی است که می‌تواند روایت مربوط به مهدویت را رونقی ویژه دهد و فهم کلاسیک و روشمند را برای محققان این عرصه ارزانی دارد. بدیهی است این امر و دستاورد مهم به ذات اجتهاد و ذات استنباط و نیز تدوین پایان‌نامه‌ها و آثار قلمی دیگر برمی‌گردد و همان‌طور که گفته شد این دو رویکرد توانسته است در ده‌های اخیر رونقی ویژه به مقوله مهدویت بدهد.

### سوم: رویکرد عقلی

سومین رویکردی که اندیشمندان اسلامی در مواجهه با اندیشه مهدویت در پیش گرفته‌اند، «رویکرد عقلی» است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهند که این رویکرد از قرن پنجم و از حوزه علمیه بغداد آغاز شده است. نخستین اندیشمندانی که با رویکرد عقلی به مسئله مهدویت پرداخته‌اند، شخصیت‌هایی بوده‌اند چون شیخ مفید (م ۴۱۳ق)، سید مرتضی (م ۴۳۶ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ق). البته این رویکرد در دوره‌های بعد نیز ادامه یافته است. در قرن هفتم هجری خواجه نصیرالدین طوسی، و در قرن یازدهم صدرالدین شیرازی این روش را ادامه داده‌اند (همان، ص ۵۸).



۱. استعلام شفاهی نویسنده از مدیران آموزشی مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.

## تبیین رویکرد عقلی

مقصود از «روش عقلی» این است که برای تبیین و اثبات آموزه‌های اعتقادی و دفاع از آن‌ها، از تفکر عقلی و استدلال آن استفاده شود. پیش فرض این روش آن است که متکلم عقل را به منزله ابزاری مستقل برای کسب معرفت بشناسد؛ یعنی از نظر معرفت‌شناسی، توانایی عقلی را در کسب معرفت بپذیرد، و از جنبه شرعی نیز به حجیت عقل معتقد باشد (ربانی گلیپاگانی، ۱۳۸۵: ص ۳۳-۴۴). در روش عقلی، اتکا تنها به تعبد نیست. لذا کارایی این روش به گروه خاص با اعتقادات معینی اختصاص ندارد، بلکه برای همه انسان‌ها راهگشاست. این ویژگی، امتیازی برای روش عقلی است. روش عقلی به دو نگرش «مستقلات عقلی» و «غیر مستقلات عقلی» تقسیم می‌شود. روش عقلی همان مستقلات عقلی است که هر دو مقدمات روش و استدلال، عقلی می‌باشد.

## کاربست روش عقلی در مهدویت پژوهی

از آن جا که مسائل مهدویت پژوهی متنوع و متکثر و دارای شاخصه‌های گوناگونی، نظیر «کلی و جزئی»، «بیرونی و درونی»، «فیزیکی و متافیزیکی» می‌باشند؛ روش عقلی را نمی‌توان به طور کلی و یکسان در همه آن‌ها ساری و جاری دانست؛ بلکه در میان مسائل مختلف مهدویت برخی از آن‌ها که با رویکرد کلی، بیرونی و متافیزیکی و با شاخصه‌های ضروری، دوام و حتمیت توجیه پذیر می‌باشند، قابل به کارگیری هستند؛ یعنی مسائلی که این رویکردها و شاخصه‌ها را داشته باشند، با روش عقلی می‌توان آن‌ها را پردازش کرد.

رویکرد عقلی به مهدویت، در یکصد سال اخیر، در حوزه علمیه قم، طرفدارانی یافته است. البته باید توجه داشت که، این نوع نگرش به موضوع مهدویت، در گذر زمان با تطوراتی همراه بوده است. در این نوع نگرش، گاه از عقل کلامی محض، و گاه از عقل فلسفی محض بهره برده اند. در ادامه به معرفی چهره‌های شاخص این رویکرد می‌پردازیم:

### ۱. علامه طباطبایی

از جمله اشخاصی که با رویکرد عقلی به مقوله مهدویت نگرست، علامه سید محمد حسین طباطبایی است که رویکرد ایشان به مسئله مهدویت، عمدتاً رویکرد عقلی است. علامه



طباطبایی فارغ از روایات، و با نگرش عقلی، بحث ظهور را قطعی شمرده و آینده‌ای درخشان برای بشر ترسیم می‌کند:

بشر از روزی که در بسیط زمین سکنا ورزیده، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت (به تمام معنا) می‌باشد و به امید رسیدن چنین روزی قدم بر می‌دارد و اگر این خواسته تحقق خارجی نداشت، هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد وی نقش نمی‌بست؛ چنان که اگر غذایی نبود، گرسنگی نبود و اگر آبی نبود، تشنگی تحقق نمی‌گرفت و اگر تناسلی نبود، تمایل جنسی تصور نداشت. از این رو، به حکم ضرورت (جبر)، آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که در آن روز جامعه بشری پر از عدل و داد شده و با صلح و صفا همزیستی نماید و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال شوند و البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه‌ای منجی جهان بشری و به لسان روایات، «مهدی» خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۴: ص ۳۱۷).

از همین رو است وقتی تفسیر المیزان را در زمینه تحلیل آیات و روایات، مورد بررسی قرار می‌دهیم، نقش عقل به صورت ویژه در جای جای تفسیر مذکور ملاحظه می‌شود.<sup>۱</sup>

## ۲. آیت‌الله عبدالله جوادی آملی

از دیگر شخصیت‌های برجسته حوزه علمیه قم که در عصر حاضر، با رویکرد عقلی به مسئله مهدویت پرداخته، حضرت آیت‌الله عبدالله جوادی آملی است. ایشان در تألیف کتاب «امام مهدی موجود موعود عَلَيْهِ السَّلَام» با رویکرد عقلی در کنار نقل به مسئله مهدویت پرداخته است. در مقدمه این کتاب مذکور آمده است: «کتاب حاضر با استعانت از عقل و استمداد از نقل جریان مهدویت شخصی حضرت حجت بن الحسن مهدی موجود موعود عَلَيْهِ السَّلَام را ارائه می‌نماید» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۱۸).

البته دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی به موضوع مهدویت، در این کتاب، تنها رویکرد عقلی نیست؛ از منظر ایشان، بعضی از مسائل مهدویت، صرفاً با رویکرد عقلی قابل اثبات نیستند. در

۱. برای مطالعه این موارد، ر.ک: تفسیر المیزان ذیل بحث‌های روایی در مباحث پیشین.

این گونه مسائل، استمداد از نقل نیز لازم است. ایشان می‌گویند:

اثبات مهدویت شخصی با عقل صرف میسر نیست؛ زیرا حکمت و کلام، خطوط کلی رهبری، اوصاف، شرایط و برنامه‌های آن را تبیین می‌نمایند و عهده دار اثبات بسمت خاص برای شخص مخصوص نیستند؛ چنان‌که فقه نیز راجع به تعیین مرجع تقلید چنین است که ضرورت اصل مرجع از یک سو و شرایط و اوصاف و ویژگی او از سوی دیگر کاملاً در فقه ارائه می‌شود؛ اما مرجعیت فلان شخص معین را پژوهشگری خبرگان اولاً، و مراجعه توده مردم به آنان ثانیاً، تعیین می‌کند (همان).

### چهارم: رویکرد عرفانی

یکی دیگر از رویکردها به مسئله مهدویت، «نگاه عرفانی» به این باور دینی است. اندیشمندانی در عالم اسلام، یافته‌های باطنی خود را مبنای اصلی مباحث مهدویت قرار داده‌اند و از منظر کشف و شهود و نیز استدلال‌های عرفانی، به آموزه مهدویت می‌نگرند. از این رویکرد و نگاه به مهدویت، به «رویکرد عرفانی» یاد می‌کنیم.

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهند که رویکرد عرفانی به اندیشه مهدویت، از قرن هفتم در میان مسلمانان شکل گرفته است (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۶۵). بر همین مبنا عرفای اسلامی، مسئله مهدویت را با تکیه بر اصول متعدد عرفانی و از منظر مبانی عرفانی، به مسئله مهدویت نگریسته‌اند. محور رویکرد عرفا به مسئله مهدویت «انسان کامل» است.

انسان کامل در عرفان اسلامی دارای جایگاه برجسته‌ای است؛ تا آن‌جا که برخی، عرفان را بعد از توحید، یعنی شناخت خدا، شناخت موجد، یعنی انسان می‌دانند، از این رو بحث «انسان کامل» یکی از مهم‌ترین مسائل عرفان است.

از منظر عرفان نظری، انسان کامل چنین تعریف شده است:

الإنسان الكامل: الذي هو الكون الجامع لحقائق الوجود كلها في نفسه والذي تتمثل فيه جميع الصفات والأسماء الإلهية؛ انسان کامل، کسی است که همه حقایق وجودی را در نفس خود داشته و همه صفات و اسمای الهی در او پدیدار است (ابن عربی، بی‌تا: ج ۲، ص ۸۴).

در طول تاریخ پرورش یافتگان مدرسه عرفان، از این منظر به آموزه مهدویت نگریسته و امام



مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ را در عصر کنونی، مصداق انسان کامل می‌دانند. پرچم داران این رویکرد در قرن چهاردهم شمسی در حوزه علمیه قم عبارتند از:

## ۱. امام خمینی

امام خمینی یکی از کسانی است که علاوه بر فقه، فلسفه و تفسیر و اصول از آبشخور عرفان اسلامی جرعه‌ها نوشید و به همین دلیل در مکتب عرفانی حوزه علمیه قم سرآمد بودند. ایشان به تبع معاریف بزرگ عرفای اسلامی، انسان کامل را مظهر جمیع اسما و صفات خداوند متعال می‌دانند و در این خصوص می‌فرمایند: «کسی که انسان کامل است، مظهر جمیع اسما و صفات حق تعالی است» (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۰، ص ۲۷).

از منظر عارفان اسلامی، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به عنوان انسان کامل است. از منظر امام خمینی، نیز پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مصداق اعلا و اتم انسان کامل می‌باشد: «پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که اولین فرد انسان‌هاست و بزرگ‌ترین انسان کامل است» (همان، ج ۱۶، ص ۱۳۹).

امام خمینی به مسئله مهدویت همین رویکرد را دارند. ایشان از منظر انسان کامل، اندیشه مهدویت را تحلیل می‌کنند. امام خمینی معتقدند در عصر غیبت، امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ مصداق انسان کامل هستند. همین رویکرد عرفانی، به مسئله مهدویت، در جای جای بیانات امام خمینی، نمایان است. ایشان در تفسیر سوره مبارکه عصر می‌گویند:

﴿وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكْفُورٍ﴾ - عصر - هم محتمل است که در این زمان حضرت مهدی - سلام الله علیه - باشد یا انسان کامل باشد که مصداق بزرگش رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه هدا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، و در عصر ما حضرت مهدی - سلام الله علیه - است (همان، ص ۱۷۰).

امام خمینی در جای دیگر می‌فرمایند:

﴿وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكْفُورٍ﴾، عصر انسان کامل است، امام زمان - سلام الله علیه - است؛ یعنی عصاره همه موجودات. قسم به عصاره همه موجودات؛ یعنی قسم به انسان کامل (همان، ج ۷، ص ۲۲۵).

## ۲. علامه حسن حسن زاده آملی

یکی دیگر از سرآمدان مکتب عرفانی حوزه علمیه قم، در قرن اخیر، حضرت آیت الله حسن

حسن زاده آملی است. ایشان، به تبع معاریف بزرگ عرفای اسلامی، با رویکرد عرفانی به مهدویت نگریسته و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را معرفی می‌کنند:

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر محمدی صلی الله علیه و آله و سلم انسان کاملی است که جز در نبوت تشریحی و دیگر مناصب مستأثره ختمی حائز میراث خاتم به نحو اتم است و مشتمل بر علوم و احوال و مقامات او به طور اکمل است و با بدن عنصری در عالم طبیعی و سلسله زمان موجود است؛ چنان که لقب شریف «صاحب الزمان» بدان مشعر است؛ هر چند احکام نفس کلیه الاهییه وی بر احکام بدن طبیعی او قاهر و نشأه عنصری او مقهور روح مجرد کلی ولوی اوست و از وی به «قائم» و «حجت الله» و «خلیفه الله» و «قطب عالم امکان» و «واسطه فیض» و به عناوین بسیار دیگر نیز تعبیر می‌شود (حسن زاده آملی ۱۳۷۲: ص ۶۹ و همان، ۱۳۷۳: ص ۷).

حضرت آیت الله حسن زاده آملی می‌نویسند:

انسان کامل قطب عالم امکان است و همچنین خازن و منبع علم لدنی است. انسان کامل عبدالله و عندالله است و صاحب مرتبه ولایت اعنی ولی الله است و قلب او اوعی و اوسع قلبها است و قطب عالم امکان و حجت الله و خلیفه الله است و راسخ در علم و خازن و منبع علم لدنی و ینبوع حکم و زارع قلوب و شوراننده دفائن عقول و مأمون و امین الله است و متصرف در کائنات و مسخر جن و انس و وحوش و طیور و در عین حال، بی اعتنا به دنیا است و شجاع و در مرتبه یقین و بر طریق واضح و صراط مستقیم و مسیر عدل و در افق اعلای انسانی و عالم ربانی است و زمین هیچ گاه خالی از چنین انسان کامل نیست (حسن زاده آملی، ۱۳۷۲: ص ۶۶).

ایشان معتقدند، انسان کامل مایه کمال عالم کونی است و عالم کون هیچ گاه از انسان کامل خالی نیست:

پس اگر عالم کونی و نشأه عنصری را چنین انسان در همه وقت نباشد، باید آن را بی کمال گفت چون شجر بی ثمر. لذا هیچ گاه نشأه عنصری که عالم کونی است خالی از انسان کامل نیست (همان، ص ۱۹۷).

## ختم ولایت

از عناوین دیگری که در رویکرد عرفانی از محورها به شمار می‌آید، موضوع «ختم ولایت» است



که در آثار بزرگان اهل عرفان به تفصیل درباره آن بحث شده است. به تبع اهمیت بحث ختم ولایت، مسئله خاتم الأولیا نیز اهمیت بالایی در عرفان اسلامی دارد.

بزرگان اهل معرفت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را خاتم الأولیا معرفی می‌کنند. این دیدگاه، در آثار عرفای نخستین نیز مشهود است. همین دیدگاه در آثار ابن عربی نیز منعکس شده است.

و اما ختم الولاية المحمدية فهي لرجل من العرب، من أكرمها أصلاً و بدأً. و هو في زماننا اليوم موجود عرفت به سنة خمس و تسعين و خمس مائة، و رأيت العلامة التي له قد أخفاها الحق فيه عن عيون عباده، و كشفها لي بمدينة فاس حتى رأيت خاتم الولاية منه؛ اما ختم ولایت محمدیه، از آن مردی از عرب است که از گرامی‌ترین ایشان از حیث اصل و آغاز است و او امروز در زمان ما موجود است و مرا با او در سال ۵۹۵ آشنا ساختند و من علامتی را که خدای متعال در او از چشمان مردم پنهان ساخته بود، دیدم و در شهر فاس آن علامت را برای من آشکار کرد تا آن که خاتم ولایت را از او مشاهده نمودم (ابن عربی، بی‌تا: ج ۱۲، ص ۶۸).

عرفای معاصر نیز، با همین رویکرد به بحث مهدویت پرداخته و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را خاتم الأولیا می‌دانند.

### خاتم الأولیا از منظر امام خمینی

امام خمینی، چنین معتقد هستند که موضوع ختم ولایت، یک اصل کلی بوده که فرع بر موضوع ختم رسالت است. ایشان به تبع بزرگان عرفان، معتقدند: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خاتم الأولیا هستند:

همان طوری که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حسب واقع حاکم بر جمیع موجودات است، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان طور حاکم بر جمیع موجودات است. آن خاتم رسل است و این خاتم ولایت، آن خاتم ولایت کلی بالاصالة است و این خاتم ولایت کلی به تبعیت است (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۸۲).

### پنجم: رویکرد اجتماعی-سیاسی

یکی دیگر از رویکردها به موضوع مهدویت، «رویکرد اجتماعی-سیاسی»، به این اندیشه دینی است.



برخی از مهدی پژوهان، از منظر جامعه شناسانه به موضوع مهدویت نگرسته و موضوع ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پدیده‌ای مهم اجتماعی قلمداد می‌کنند و انقلاب آن حضرت را انقلابی سیاسی فرض می‌کنند. از این نوع نگرش به موضوع مهدویت، به «رویکرد اجتماعی \_ سیاسی» تعبیر می‌کنیم.

در قرن اخیر، نگرش به ابعاد اجتماعی و سیاسی اندیشه مهدویت، از سوی اندیشمندان حوزه علمیه قم، مورد توجه بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، چنین رویکردی به موضوع مهدویت، بیش از گذشته بروز و ظهور یافته است.

### ۱. رویکرد اجتماعی \_ سیاسی امام خمینی به مهدویت

نگرش امام خمینی به موضوع مهدویت، به نگاه عرفانی خلاصه نمی‌شود. از آن جا که ایشان دارای شخصیتی جامع و دارای ابعاد بودند؛ از زوایای مختلف به مسئله مهدویت می‌نگریستند. ایشان علاوه بر دارا بودن شخصیت علمی و عرفانی، در عرصه سیاست نیز از سیاستمداران برتر دنیا در عصر حاضر محسوب می‌شوند. بر این اساس، ایشان علاوه بر رویکرد عرفانی به مسئله مهدویت، رویکرد سیاسی به این موضوع دارند. مکتوبات و سخنرانی‌های ایشان، حاکی از رویکرد عمیق سیاسی ایشان به موضوع مهدویت است.

امام خمینی هنگام پرداختن به مسئله مهدویت، گاهی از مفاهیمی استفاده می‌کنند که رنگ و بوی اجتماعی \_ سیاسی به رویکرد ایشان می‌دهد. توجه به این مفاهیم سیاسی در کلمات امام خمینی، نوع دیدگاه ایشان را به مهدویت آشکار می‌کند.

### عدالت گستری

یکی از مفاهیمی که در کلمات و مکتوبات امام خمینی فراوان به چشم می‌خورد، واژه «عدالت گستری» است.

اجرای عدالت جزء اصلی‌ترین اهداف انبیای الهی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ائمه معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف و صالحان، در طول تاریخ بوده است. جریان عدالت گستری، جزء اهداف اساسی دولت کریمه مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام خمینی از جمله شخصیت‌های حوزه علمیه قم است که با این رویکرد به موضوع مهدویت می‌نگرد. ایشان قلمرو عدالت گستری دولت کریمه





امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراتر از ابعاد اقتصادی و اجتماعی و مانند آن که نوعاً مورد توجه عمومی است؛ مطرح کرده است و اصلاح تمام شئون عالم و آدم را جزء قلمرو عدالت‌گستری آن حضرت خوانده و از این رهگذر روزنه‌ جدیدی برای افراد محقق در مسئله مهدویت گشوده است تا جریان عدالت‌گستری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با استفاده از متون دینی با این رویکرد نیز مورد تحقیق و تحلیل قرار دهند (همان، ج ۱۲، ص ۲۰۷).

### انتظار فرج

یکی دیگر از مفاهیمی که در سخنرانی‌ها و مکتوبات امام خمینی متبلور است، مفهوم «انتظار فرج» است. ایشان در بیانات خود به تفسیر جدیدی از مفهوم انتظار پرداخته‌اند. تفسیر جدیدی که امام خمینی از مفهوم انتظار ارائه کرده‌اند؛ گویای آن است که انتظار فرج نه تنها تکلیفی فردی نیست، بلکه کاملاً برنامه‌ای کاربردی \_ اجتماعی است. امام خمینی پس از انقلاب اسلامی، تفسیر کاملاً متفاوتی از مفهوم انتظار فرج ارائه کردند. در اندیشه امام خمینی، انتظار فرج، از کنج خلوت به صحنه اجتماع آورده می‌شود. ایشان تلاش کردند با نقد برداشت‌های ناصحیح از مسئله انتظار، مفهوم درست و تفسیر زنده و کارآمدی که بتواند پاسخ‌گوی انسان معاصر باشد ارائه کند (همان، ج ۹، ص ۲۰۲).

### ۲. آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، نگرشی سیاسی - اجتماعی به موضوع مهدویت دارند. ایشان با تألیف کتاب «حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، به بررسی ابعاد سیاسی و اجتماعی حکومت جهانی پرداخته‌اند. برخی عناوینی که در این کتاب مطرح شده و گویای این دیدگاه است، عبارتند از:

### انتظار عمومی

تمام اقوام جهان در انتظار یک رهبر بزرگ انقلابی به سر می‌برند که هر کدام او را به نامی می‌شناسند؛ ولی همگی در اوصاف کلی و اصول برنامه‌های انقلابی او اتفاق دارند... اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد که این یک اعتقاد عمومی و قدیمی، در میان همه اقوام و مذاهب شرق و غرب است، اگر چه در پاره‌ای از مذاهب همچون

اسلام، تأکید بیش‌تری روی آن شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ص ۵۱).

ایشان در بحث ضرورت انقلابی وسیع می‌گویند:

اگر بنا هست جهان کنونی پر از بیدادگری و ظلم و فساد، از لبه پرتگاه فنا و نیستی کنار رود، باید انقلابی وسیع در آن صورت گیرد (همان، ص ۶۷).

آیت‌الله مکارم شیرازی در بخشی از کتاب «حکومت جهانی مهدی» به بیان شاخصه‌ها و ویژگی‌های حکومت جهانی و البته بیش‌تر به بیان شاخصه‌های اجتماعی و سیاسی حکومت جهانی پرداخته است (همان، ص ۲۶۰).

### ۳. رویکرد اجتماعی\_سیاسی استاد شهید مرتضی مطهری به مهدویت

استاد شهید مرتضی مطهری، همانند استاد خود، از مسائل اجتماعی و سیاسی غافل نبود و در موضوع مهدویت از منظر سیاسی - اجتماعی مسائل آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌داد. این رویکرد در مجموع سخنرانی‌ها و مکتوبات شهید مطهری انعکاس دارد. ایشان آرمان قیام و انقلاب امام مهدی عجل‌الله‌تعالی ورحمه‌الله‌شریف را فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۸۷: ص ۵۰).

### تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده آل

شهید مطهری در بخشی از کتاب «قیام و انقلاب مهدی عجل‌الله‌تعالی ورحمه‌الله‌شریف»، به تقابل همیشگی حق و باطل اشاره و پیروزی حق بر باطل را مطرح می‌کند و تشکیل مدینه فاضله توسط امام مهدی عجل‌الله‌تعالی ورحمه‌الله‌شریف را نوید می‌دهد. ایشان در این خصوص می‌نویسد:

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده آل، و بالاخره اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی مقدس و عالیقدر که در روایات متواتر اسلامی از او به «مهدی» تعبیر شده است؛ اندیشه‌ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی - با تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی - بدان مؤمن و معتقدند (همان، ص ۱۳).



## انواع انتظار

استاد مرتضی مطهری، در بخش دیگری از کتاب «قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» به تفسیر انتظار فرج می‌پردازد. ایشان دو تفسیر متضاد از انتظار فرج ارائه می‌کند:

انتظار فرج و آرزو و امید و دل بستن به آینده دوگونه است: انتظاری که سازنده و نگهدارنده است، تعهدآور است، نیرو آفرین و تحرک بخش است؛ به گونه‌ای است که می‌تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود؛ و انتظاری که گناه است، ویرانگر است، اسارت بخش است، فلج کننده است و نوعی «اباحیگری» باید محسوب گردد (همان، ص ۱۵).

### ششم: رویکرد تاریخی

یکی دیگر از رویکردها به مسئله مهدویت، «رویکرد تاریخی» به این اندیشه است. برخی از اندیشمندان و پژوهشگران، از منظر رویدادی تاریخی، به موضوعات مهدویت پرداخته و مباحث مهدویت را رویداد محور دنبال کرده و فراز و نشیب‌های آن را در بستر زمان مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. این نوع نگرش به بحث مهدویت، «رویکرد تاریخی» نامیده شده است. در این مقوله می‌توان به مباحثی چون مدعیان دروغین مهدویت، مدعیان دروغین نیابت، مدعیان دروغین وکالت، فرقه‌های انحرافی، جنبش‌هایی که با شعار مهدویت به وجود آمده‌اند و حکومت‌هایی که با ادعای زمینه سازی ظهور، تشکیل شده‌اند، تاریخ عصر غیبت صغرا و کبرا اشاره کرد. در ادامه به معرفی برخی از آثار مکتوب با صبغه این رویکرد می‌پردازیم:

۱. «اوضاع سیاسی \_ اجتماعی و فرهنگی شیعه در غیبت صغرا» اثر حسین شانه چی: شانه چی در کتاب خود اوضاع شیعیان در عصر غیبت صغرا را به تصویر کشیده است. گزارش‌هایی از وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شیعیان و انشعابات فرقه‌ای در آن زمان در بخش‌های دیگر ارائه شده است.

۲. «تاریخ تحلیلی امامیه در غیبت صغرا»، مجید احمدی کچایی: این کتاب با رویکردی توصیفی، تاریخ سیاسی آن عصر و اوضاع اجتماعی و سیاسی امامت عسکریین علیهم السلام و دولت‌های شیعی آن عصر را مورد بحث قرار داده و مکاتب فکری آن زمان را نیز مطرح کرده است.

۳. «تاریخ عصر غیبت»، اثر پور سید آقایی، محمدرضا جباری، حسن عاشوری وسید منذر



حکیم: این کتاب با ترسیم شرایط سیاسی، اجتماعی و اعتقادی عصر غیبت صغرا و توضیح سازمان وکالت و نواب اربعه، رویکرد تاریخی را در بحث مهدویت دنبال کرده است.

۱. «مهدیان دروغین»، اثر رسول جعفریان: رسول جعفریان، با تألیف کتاب «مدعیان دروغین»، به معرفی مدعیان دروغین مهدویت در اعصار مختلف پرداخته است. ایشان پیشینه مدعیان دروغین را تا صدر اسلام و عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پی می‌گیرد. هنگام رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، برخی از صحابه معتقد شدند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رحلت نفرموده است و در آینده تمام زمین را فتح خواهند کرد (همان، ص ۵۰).

«در منبع کهن دیگر این تعبیر آمده است: قال عمر: نَظَنُّ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَا يَمُوتُ حَتَّى يَفْتَحَ الْأَرْضَ لِرُؤُوسِ اللَّهِ؛ گمان ما این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله نخواهد مرد تا آن که بر اساس وعده خداوند تمام زمین را فتح کند» (همان). نخستین سوء استفاده کنندگان از نام «مهدی» نیز به صدر اسلام و قرن اول بر می‌گردد.

در منابع معمول تاریخ اسلام، مانند تاریخ طبری، فرض بر این است که مختار، نظریه مهدویت محمد حنفیه (م ۸۱) را مطرح کرده و در برخی از نامه‌های رسمی خود از این لقب برای وی استفاده کرده است. آنان گفته‌اند که وی نهضت خود را با این ادعا شروع کرد: «إِنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ مِنْ قَبْلِ الْمَهْدِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ الْحَنْفِيَّةِ» (همان، ص ۵۱).

در کتاب مهدیان دروغین، مدعیان مهدویت از صدر اسلام تا قرن پنجم هجری (همان، ص ۴۹) و در فصول دیگر نیز از مدعیان دیگر قرن‌ها تا زمان حاضر سخن به میان آمده است. ۵. «جریان شناسی مهدویت در فرقه‌های شیعی استاد حیدر مظفری: از جمله محققانی که به صورت تخصصی به این موضوع پرداخته، حیدر مظفری است، که با تألیف کتاب «جریان شناسی مهدویت در فرقه‌های شیعی»، به معرفی فرقه‌های منحرف شیعی، که با ادعای مهدویت پدید آمده‌اند، پرداخته است.

### هفتم: رویکرد آسیب شناسی

یکی دیگر از رویکردها به موضوع مهدویت، «رویکرد آسیب شناسانه» به این موضوع است. برداشت‌های انحرافی از مقوله انتظار فرج، افراط و تفریط در ارائه چهره مهر و قهر از امام



عصر عَلَيْهِ السَّلَام، شتابزدگی و تعجیل، تعیین وقت ظهور، تطبیق نادرست نشانه‌های ظهور، ملاقات گرابی، مدعیان دروغین مهدویت و نیابت خاصه و عامه، عدم پیروی از ولایت فقیه و نواب عام؛ باور مهدویت را در معرض آسیب و انحراف قرار داده است.

موضوع آسیب‌شناسی مهدویت در دهه‌های اخیر، مورد توجه فعالان عرصه مهدویت در حوزه علمیه قم قرار گرفته است. در این زمینه، آثار مکتوب ارزشمندی ارائه و با این حرکت، گام بلندی در آسیب‌زدایی از چهره فرهنگ اصیل مهدویت و پیشگیری از آسیب‌های آینده برداشته شده است. برخی از آثار مکتوب عبارتند از:

۱. «گفتمان مهدویت و چالش‌های آسیب‌شناسی»، علیرضا صدرا: یکی از آثار مکتوبی که با رویکرد آسیب‌شناسی به موضوع مهدویت پرداخته، کتاب «گفتمان مهدویت و چالش‌های آسیب‌شناسی»، نوشته آقای علیرضا صدرا است. مؤلف در این اثر، به جنبه سیاسی - اجتماعی مهدویت پرداخته و موضوع مهدویت را با این رویکرد آسیب‌شناسی کرده است. در این اثر، آسیب‌شناسی سیاسی - اجتماعی عصر انتظار در رهیافت قرآنی (صدرا، ۱۳۹۵: ص ۶۳)؛ همچنین در رهیافت روایی (همان، ص ۱۰۱) و نیز در رهیافت نظری - سیاسی (همان، ص ۱۷۹)؛ مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. «آسیب‌شناسی جامعه منتظر»، اثر محمد میرتبار: از دیگر آثار مکتوبی که با رویکرد آسیب‌شناسی به موضوع مهدویت پرداخته، کتاب «آسیب‌شناسی جامعه منتظر»، نوشته سیدمحمد میرتبار است. مؤلف در این اثر به آسیب‌های فکری - اعتقادی و رفتاری جامعه منتظر پرداخته است (میرتبار، ۱۳۹۰: ص ۲۵). در این اثر، عوامل پیدایش آسیب‌ها (همان، ص ۱۴۷) و نیز راهکارهای مقابله با این آسیب‌ها (همان، ص ۱۸۹)؛ مطرح شده است.

۳. «آسیب‌شناسی جامعه منتظر در آینه روایات»، اثر فرج‌الله عباسی: دیگر اثر مکتوب که با رویکرد آسیب‌شناسی به موضوع مهدویت پرداخته، کتاب «آسیب‌شناسی جامعه منتظر در آینه روایات»، نوشته فرج‌الله عباسی است. مؤلف در این اثر، به آسیب‌های فردی (عباسی، ۱۳۹۵: ص ۵۵)؛ اجتماعی (همان، ص ۹۱) و سیاسی فرهنگ مهدویت (همان، ص ۱۷۴) پرداخته است.

## هشتم: رویکرد ملاقات و کرامت محور

از جمله رویکردهایی که در پرداختن به مهدویت نمی‌توان آن را نادیده گرفت «رویکرد ملاقات و کرامت محوری» است. این رویکرد آثار مکتوب بسیاری را در گذشته و حال به خود اختصاص داده است و برخی موارد آن به شکل مستندهای تصویری نیز ارائه شده است (مانند مستند قرارسیز). صرف نظر از نقدهایی که بر این رویکرد وارد است، در ادامه به برخی آثار شاخص این رویکرد در قرن اخیر حوزه علمیه قم اشاره می‌کنیم.

با جست و جو در کتابخانه مرکز تخصصی مهدویت، حدود پنجاه اثر در این زمینه منتشر شده که بیش‌تر آن‌ها در قم انتشار یافته و نگاشته‌های حوزویان است؛ گرچه افراد شاخص علمی در بین آنان نادر هستند.

برخی از این آثار عبارتند از:

«میرمهر»، نگاشته مسعود پورسیدآقایی؛ «داستان‌ها و کرامت‌های خواندنی از امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و...»، نگاشته میرزا علی بابایی؛ «نسیم ظهور»، نگاشته محمدحسن استادی مقدم؛ «معجزات امام زمان»، نگاشته احمد متوسل؛ «امام زمان و سید بحرالعلوم»، «امام زمان و سیدبن طاووس»، نگاشته سید جعفر رفیعی و «داستان‌هایی از امام زمان»، نگاشته حسن ارشاد.<sup>۱</sup>

این رویکرد گرچه از نظر اعتبار نقل‌ها جای نقد و بررسی فراوان دارد؛ به عنوان رویکردی است که از سوی قشرهایی از جامعه مورد اقبال است و لذا باید مورد مذاقه و بررسی جدی پژوهشی قرارگیرد.

۱. ر.ک: امام مهدی در آئینه قلم.



## نتیجه‌گیری

با توجه به گستردگی مسائل موضوع مهدویت، رهیافت‌ها و رویکردهای مختلفی در حوزه مسائل مهدویت شکل گرفته است. این رویکردها در منابع مکتوب مهدی پژوهان معاصر در حوزه علمیه قم، همچون اسلاف این حوزه منعکس است.

در این مقاله با مراجعه به منابع مکتوب و بر اساس روش تحقیق کتابخانه‌ای، رویکردهای مختلف مهدویت پژوهی و مهدویت نگاری در قرن چهاردهم شمسی در حوزه علمیه قم در هشت عنوان طبقه بندی گردید.

بر اساس گزارش‌های تاریخی، نخستین نوع رویکرد به اندیشه مهدویت، «رویکرد روایی» بوده که به جمع‌آوری مجموعه‌های روایی در حوزه مباحث مهدویت انجامیده است. در قرن اخیر نیز مجموعه‌های حدیثی متعددی، با محوریت روایات مهدوی، در حوزه علمیه قم تألیف شده است.

در دهه اخیر رویکرد جدیدی در حوزه علمیه قم، ابداع شده که بر اساس آن، موضوعات مهدوی، به صورت «اجتهادی» با محوریت روایات، استنباط می‌گردد.

سومین نوع رویکرد به اندیشه مهدویت «رویکرد عقلی» است؛ که از قرن پنجم هجری و از حوزه علمیه بغداد آغاز شده است. این رویکرد در دوره‌های بعد نیز ادامه یافته است. رویکرد عقلی به مهدویت، در یکصد سال اخیر، در حوزه علمیه قم، طرفدارانی به خود اختصاص داده است. از شخصیت‌های برجسته در حوزه علمیه قم که چنین رویکردی به اندیشه مهدویت دارند، می‌توان از علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی یاد کرد.

چهارمین نوع نگرش به اندیشه مهدویت «رویکرد عرفانی» است؛ که در این رویکرد، یافته‌های باطنی مبنای اصلی مباحث مهدویت قرار گرفته و از منظر کشف و شهود و نیز استدلال‌های عرفانی، به آموزه مهدویت می‌نگرند. برجسته‌ترین منادیان رویکرد عرفانی به مهدویت در قرن اخیر، حضرت امام خمینی و آیت‌الله حسن زاده آملی، هستند.

پنجمین نوع نگرش به اندیشه مهدویت، «رویکرد اجتماعی \_ سیاسی» به این اندیشه دینی است. برخی از مهدی پژوهان، از منظر «جامعه‌شناسانه» به موضوع مهدویت نگریده و موضوع ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پدیده مهم اجتماعی قلمداد می‌کنند و انقلاب آن حضرت را

انقلاب سیاسی فرض می‌کنند. حضرت امام خمینی، استاد شهید مرتضی مطهری و آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی که از بزرگان حوزه علمیه قم در قرن اخیر هستند، چنین رویکردی به مهدویت دارند.

ششمین نوع نگاه به اندیشه مهدویت، «رویکرد تاریخی» به این باور دینی است، که مباحث مهدویت را، رویداد محور، دنبال کرده و فراز و نشیب‌های آن را در بستر زمان، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند. تألیفات متعددی با این رویکرد در یکصد سال اخیر در حوزه علمیه قم تألیف شده که می‌توان به «مهدیان دروغین»، اثر رسول جعفریان و «جریان شناسی مهدویت در فرقه‌های شیعی»، اثر حیدر مظفری اشاره کرد.

هفتمین نگرش به اندیشه مهدویت، «رویکرد آسیب‌شناسی» به موضوع مهدویت است. در این رویکرد، برداشت‌های انحرافی فرهنگ مهدویت، زمینه‌ها و عوامل پیدایش آسیب‌ها و نیز پیامدها و راهکارهای مقابله با این آسیب‌ها مطرح گردیده است.

آخرین رویکرد به مهدویت «رویکرد ملاقات و کرامت نگارانه» است که به دنبال مطرح کردن ملاقات‌ها و کرامت‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الصلوات در عصر غیبت است. این رویکرد محل بحث و قائل جدی است و نمی‌توان به ادعاهایی که در این رویکرد می‌شود به سادگی نگریت.





## منابع

۱. ابن عربی، محیی الدین (بی تا). *الفتوحات المکیه*، بیروت، دار صادر.
۲. \_\_\_\_\_ (بی تا). *فصوص الحکم*، محقق: ابو العلاء عقیفی، بیروت، دار الکتب العربی.
۳. اشعری قمی، سعدبن عبدالله (۱۳۶۰). *کتاب المقالات و الفرق*، مصحح: محمد جواد مشکور، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. جعفریان، رسول (۱۳۹۱). *مهدیان دروغین*، تهران، نشر علم.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). *امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود موعود*، قم، أسراء.
۶. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۲). *انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه*، قم، انتشارات قیام.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳). *نهج الولاية*، قم، انتشارات قیام.
۸. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹). *فلسفه فلسفه اسلامی*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *ولایت فقیه: حکومت اسلامی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. دوانی، علی (۱۳۸۵). *موعودی که جهان در انتظار اوست*، قم، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۲. ربانی گلپایگانی، علی (پاییز ۱۳۸۵). «جایگاه و گونه های روش عقلی در علم کلام»، مجله معارف عقلی، شماره ۳.
۱۳. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۲ق). *منتخب الاثر فی أحوال الإمام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف*، قم، مکتب المؤلف.
۱۴. صدرا، علیرضا (۱۳۹۵). *گفتمان مهدویت و چالش های آسیب شناسی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۹۴). *شیعه در اسلام*، محقق: محمد علی کوشا، قم، انتشارات ادباء.
۱۶. عباسی، فرج الله (۱۳۹۵). *آسیب شناسی جامعه منتظر در آینه روایات*، قم، مرکز نشر کتاب.

۱۹. کورانی عاملی، علی (۱۴۱۱ق). **معجم أحاديث الإمام المهدي** عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.

۲۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳). **دانشنامه امام مهدی** عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، دارالحدیث.

۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). **قیام و انقلاب مهدی** عجل الله تعالى فرجه الشريف **از دیدگاه فلسفه تاریخ**، تهران، انتشارات صدرا.

۲۲. مظفری، حیدر (۱۳۹۲). **جریان شناسی مهدویت در فرقه های شیعی**، قم، انتشارات دلیل ما.

۲۳. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). **أوائل المقالات**، بیروت، دار المفید.

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). **حکومت جهانی مهدی** عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، انتشارات نسل جوان.

۲۵. میر تبار، سید محمد (۱۳۹۰). **آسیب شناسی جامعه منتظر**، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف.

۲۶. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۸ق). **رجال**، قم، نشر اسلامی.

۲۷. نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ق). **فرق الشیعة**، بیروت، دار الأضواء.



## سیر تطور اندیشه مهدویت در سده اخیر حوزه علمیه قم<sup>۱</sup>

روح الله شاکری زواردهی<sup>۲</sup>

سید محمد حسینی وردنجانی<sup>۳</sup>

مصطفی اسلامی<sup>۴</sup>

### چکیده

حوزه علمیه قم در سده اخیر بالنده‌ترین رویکرد را طی زمان حیات خود داشته است. توجه به معارف اهل بیت با تکیه بر عقل و نقل، میراث گرانبهایی برای معارف دینی فراهم کرده است. اندیشه مهدویت، یکی از این آموزه‌ها است که در حوزه علمیه قم به رغم فراز و نشیب‌هایی که در این سده داشته است، نسبت به سده قبل با تطورات و تغییرات متعددی همراه بوده است. در این نوشتار، پنج تطور اندیشه مهدویت در سده اخیر بیان شده است: ۱. تطور روشی، ۲. تطور دامنه‌ای، ۳. تطور تبیینی که در این جا تنها بر دو آموزه انتظار و نیابت عامه تاکید می‌شود، ۴. تطور غایی، ۵. تطور ارائه‌ای. آنچه این تطورات پنج‌گانه را با هم مرتبط می‌کند، «تطور غایی» است. شواهد و قرائن حکایت از آن دارند که در سده اخیر در حوزه علمیه قم، اندیشه مهدویت از آموزه‌ای صرفاً اعتقادی، به اندیشه‌ای راهبردی تبدیل شده است که هدفش تنها دفاع از نوعی اعتقاد نیست، بلکه در پی آن است که در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی خود را نشان دهد و جامعه در تمامی شئونش از این اندیشه تاثیر بپذیرد. در این نوشتار با تکیه بر آثار مکتوب در این سده، تلاش شده، مسیری که در این تطورات طی شده است، بیان شود.

**واژگان کلیدی:** مهدویت، تطور، انتظار، عقل، حوزه علمیه قم، انقلاب اسلامی ایران.

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله علیه تالیف شده است.

۲. دانشیار گروه شیعه‌شناسی دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول) shaker.r@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری گروه کلام امامیه دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، ایران vardanjani7200@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری گروه کلام امامیه دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، ایران eslami69.mz@gmail.com

## بیان مسئله

آموزه مهدویت، یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های اعتقادی در حوزه امامت پژوهی است. این اندیشه در طول تاریخ با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است؛ از جریان‌هایی که با ادعای مهدویت به قدرت رسیدند تا شبهات و مباحثی که در صدد بوده‌اند، اصل اعتقاد به مهدویت را به چالش بکشند. با این حال، اندیشه مهدویت دارای پشتوانه محکمی از آیات و مخصوصاً روایات فریقین است که حیات آن را تاکنون تداوم بخشیده و آن را از گزند جریان‌های انحرافی مصون داشته است.

یکی از حیطه‌هایی که حوزه علمیه قم در آن ورود کرده و تاثیر شگرفی بر آن داشته، مباحث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا همان مهدویت است.

## مفهوم شناسی

**مهدویت:** «مهدویت» اگر واژه‌ای در قاموس زبان عرب باشد، یا مصدر صناعی مهدی است (اسفندیاری، بی‌تا: ص ۷۰ و سلیمیان ریزی، بی‌تا: ص ۴۳۴) و یا اسم منسوب آن (مهدی‌پور، بی‌تا: ص ۵۹ و تاجری‌نسب، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۰) و از آن‌جا که مصدر صناعی با آنچه از واژه مهدویت اراده می‌شود، تناسبی ندارد؛ مهدویت اسم منسوب است و چون الحاق «تا» به اسم منسوب تنها به لحاظ موصوف مونث است (غلابینی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۷۸)؛ مهدویت قاعدتاً باید در اصل المباحث المهدویة و مانند آن باشد. بنابراین، منظور از اندیشه مهدویت آن دسته از آموزه‌ها است که حضرت مهدی نقش محوری در آن‌ها دارد (موسسه آینده روشن، بی‌تا: ص ۱۲ و ۱۳). اندیشه مهدویت در سده اخیر در حوزه علمیه قم، با تغییراتی همراه شده است که در این نوشتار، درباره این تغییرات صحبت می‌شود.

**تطور:** «تطور» مصدر باب تفاعل است، از ماده «طور». به گزارش ابن فارس این ماده به معنای امتداد در زمان و مکان است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۴۳۰). این‌که گفته می‌شود «لقیته طورا بعد طور» (ابن عباد، ۱۴۱۴: ج ۹، ص ۲۰۶)؛ با این معنای محوری تناسب دارد. تطوّر مطاوعه طوّر است. طورت الشیء، یعنی آن را از حالتی به حالت دیگر درآوردم (بستانی، ۱۳۷۵: ص ۲۳۶ و ۵۸۵). تطور الشیء، یعنی شیء از حالتی به حالت دیگر در آمد (احمد مختار عمر،



۱۴۲۹: ج ۲، ص ۱۴۲۰ و مجمع اللغة العربية بالقاهرة، بی تا: ج ۲، ص ۵۷۰). با توجه به معنای تطور، هر تغییری که بتوان گفت شیء از گونه‌ای به گونه دیگر در آمده است، در گستره واژه تطور داخل می‌شود و این واژه به تغییرات مثبت اختصاص ندارد. بنابراین، در این نوشتار تأکید بر تغییراتی است که در طول این صد سال در این اندیشه پدید آمده است، بی آن که مثبت یا منفی بودن این تطورات ارزیابی شود.

### گونه‌های تطور اندیشه مهدویت

تغییراتی که در هر اندیشه پدید می‌آید، از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است (روشی، محتوایی و ارائه‌ای). در این نوشتار از پنج جهت به تغییراتی که در این سده در آموزه مهدویت رخ داده، توجه شده است. روشی، دامنه‌ای، تبیینی، غایی و ارائه‌ای. تطور دامنه‌ای، تبیینی و غایی ذیل تطور محتوایی گنجانده می‌شوند. لذا پنج عنوانی که در ذیل مطرح می‌شوند، در واقع به همان سه وجه اصلی باز می‌گردند. البته از آن جا که در این نوشتار هدف سیر تطور اندیشه مهدویت است، تمرکز بر تطور محتوایی است و تطور روشی و ارائه‌ای به دلیل این که با تطور محتوایی مرتبطند، بررسی می‌شوند.

پیش از ذکر این موارد، تذکر دو نکته لازم است:

۱. تفاوت بین تطور در اندیشه و تطور در مطالعات: در تطور اندیشه، سخن از ورود اندیشه به مرحله جدیدی است، نسبت به آنچه پیش از آن بوده است. ادعای ما در این نوشتار آن است که بحث و بررسی‌هایی که در سده اخیر در حوزه علمیه قم در مورد اندیشه مهدویت صورت گرفت، سبب شد که آنچه امروز از این اندیشه برداشت می‌شود، با آنچه در ابتدای این سده از آن برداشت می‌شده است، متفاوت شود. لذا مهم‌ترین بخش تطور، تطور محتوایی است که در ادامه بیان خواهد شد؛ اما تطور در مطالعات که در واقع به آثاری که حول مهدویت پدید آمده و به سیر تاریخی آن‌ها توجه دارد، از غرض این نوشتار خارج است. البته در این نوشتار، از تطور دامنه‌ای و تطور در ارائه به اجمال سخن به میان خواهد آمد که لاجرم به گزارش برخی آثار منتهی خواهد شد؛ ولی دلیل این امر چنان که بعداً بیان می‌گردد، تأکید مقاله پیش رو بر این نکته کلیدی است که از آموزه مهدویت در این سده از متون دینی تلقی خاصی صورت گرفته

است که به تطور در ساحت‌های دیگر انجامید.

۲. برای بررسی سیر تطور اندیشه مهدویت در سده اخیر، ممکن است ساختارهای متفاوتی به ذهن برسد که عمدتاً به دو مدل بازگشت می‌کند: یکی ساختارمندی نوشتار بر اساس زمان و دیگری ساختارمندی بر اساس تطورهای صورت گرفته.

مراد از مدل اول، آن است که سده اخیر حوزه علمیه قم، به چند بخش زمانی، تقسیم و تطورها در این بستر زمانی نشان داده شوند. برای همین بخش بندی نیز چندین ایده قابل طرح است: یک ایده بخش‌بندی بر اساس زعیم حوزه است که در این صورت می‌توان چهار بخش در نظر گرفت: دوران زعامت آیات عظام: حاج شیخ عبد الکریم حائری، آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای که همچنان ادامه دارد. ایده دیگر، با توجه به مرکزی بودن انقلاب سال ۱۳۵۷ در تحول‌های حوزه قم و رابطه وثیق اندیشه مهدویت و انقلاب اسلامی، می‌توان به دو بخش انقلاب و بعد انقلاب تقسیم کرد. ایده سوم ترکیب دو ایده پیشین است؛ یعنی علاوه بر دو دوره مرحوم حاج شیخ و آیت‌الله بروجردی، دوره مرحوم امام به قبل انقلاب و بعد انقلاب تقسیم و سپس از تطور مهدویت در دوره زعامت آیت‌الله خامنه‌ای صحبت شود. اگر کمی دقیق‌تر شویم و به شکل‌گیری انجمن حجتیه و نفوذ آن به حوزه قم و سپس انحلال آن در این سده توجه کنیم؛ شاید بخش بندی جزئی‌تری برای بررسی تطورها در بستر زمانی لازم باشد.

مدل دیگر بررسی جداگانه تطورها است. در این شیوه، تطورهای صورت گرفته در آموزه مهدویت، هر یک جداگانه بررسی می‌شود و اگر احیاناً عنصر زمان و بستر زمانی در آن تطور مدخلیت داشته باشد، ذیل آن گزارش می‌شود.

در این نوشتار، مدل دوم دنبال شده است؛ زیرا طبق مدل اول، اگر به کلی گویی و گزارش برخی آثار هر دوره بسنده شود، نتیجه علمی و ملموسی نخواهد داشت و اگر هر تطوری در هر دوره با شواهد بررسی گردد، مطالب بیش از گنجایش یک مقاله است. از سوی دیگر، همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، عنصر زمان در برخی از تطورها دخالت چندانی ندارد؛ مثلاً دوره حاج شیخ و دوره آیت‌الله بروجردی از این لحاظ که این دو عالم زعیم حوزه قم بودند، تفاوت جدی در اندیشه مهدویت و تطور آن نداشت و یا مثلاً برخی تطورهای محتوایی، مثل معنای انتظار



قبل از انقلاب شکل گرفته و همچنان همان معنا مورد توجه است. بر همین اساس، در این نوشتار تلاش بر نشان دادن رهاورد حوزه قم در اندیشه مهدویت بود و در این میان، اگر درباره تطوری، عنصر زمان مدخلیت داشته باشد، مثل تطور ارائه‌ای ذیل همان تطور از عنصر زمان نیز بحث خواهد شد. با توجه به آنچه گفته شد، تطورهای صورت گرفته در این سده در اندیشه مهدویت ذکر می‌شود.

### ۱. تطور روشی؛<sup>۱</sup> برجسته شدن روش عقلی در پرداختن به اندیشه مهدویت

اندیشه مهدویت از آن جا که بر اثبات وجود حضرت مهدی و امامت ایشان استوار است، در مباحث امامت خاصه داخل می‌شود (صافی، بی‌تا: ص ۸۳). امامت خاصه عهده‌دار اثبات امامت هر کدام از امامان دوازده‌گانه است در قبال امامت عامه که صرفاً اصل ضرورت امامت، امتناع خلو از امام و اوصاف امام را به صورت کلان بحث می‌کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ص ۲۷۱). متکلمان امامیه مباحث امامت عامه را با روش عقلی نقلی ارائه کرده‌اند؛ ولی در مباحث امامت خاصه بر روش نقلی تکیه دارند. برخی از متکلمان اثبات امامت خاصه را صرفاً از طریق نص می‌دانند (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ج ۱۶، ص ۱۰۶). برخی نیز معجزه و افضلیت را به آن اضافه کرده‌اند (حمصی رازی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۹۸ و مفید، بی‌تا: ص ۴۰). اگرچه دلالت معجزه و افضلیت بر امامت، امری عقلی است؛ اثبات این که فلان امام این معجزه را انجام داد یا دارای اوصاف خاص بود، بر گزارش‌های معتبر مبتنی خواهد بود.

متکلمان امامیه در اثبات وجود و امامت حضرت مهدی، از همین الگو پیروی می‌کردند. به عنوان نمونه، خواجه نصیر طوسی در «تجرید الاعتقاد» پس از اثبات امامت علی بن ابی طالب علیه السلام، امامت سایر امامان را از طریق خبر متواتر و این که تنها آنان در زمان خود معصوم بوده‌اند، اثبات کرده است (طوسی، بی‌تا: ص ۲۹۳). محقق لاهیجی نیز امامت امام زمان را از طریق نص و اجماع شیعه اثبات و وجود امام زمان را نیز به واسطه گزارش‌های کسانی که او را بعد از تولد مشاهده کرده‌اند، اثبات کرده است (لاهیجی، ۱۳۸۳: ص ۵۸۲ \_ ۵۸۷). با این حال،

۱. منظور از «تطور روشی»، تغییر روش بحث از آموزه مهدویت از روش عمدتاً نقلی به روش عقلی نقلی است.

در آثاری که در سده اخیر در حوزه علمیه قم، نوشته شده‌اند، تلاش شده است از طریق عقل نیز برای اثبات حضرت مهدی استفاده شود. البته واضح است که براهین عقلیه نمی‌توانند، امر جزئی را ثابت کنند؛ چون «الجزئی لا یكون کاسبا و لا مکتسباً» (تفتازانی، ۱۴۱۲: ص ۱۶ و ۱۷)؛ ولی نقش ویژه آموزه مهدویت، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مصداق برخی عناوین کلی می‌کند که از طریق عقل دستیابی به آن‌ها ممکن است. به عنوان نمونه، علامه طباطبایی، از نخستین اندیشمندان حوزه علمیه قم در این سده است که در کتاب «شیعه شناسی» برای ضرورت منجی دلیل عقلی اقامه کرده و از آن‌جا که بر پایه روایات، بارزترین نقش حضرت مهدی همین منجی بودن است؛ حضرت مهدی را اثبات کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ص ۲۳۲ و ۲۳۳). تلاش برای اثبات مهدویت از روش عقلی در این سده، به تالیف کتاب و مقالات متعددی در حوزه علمیه قم انجامیده است. کتاب «دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت»، نوشته رحیم لطفی، کتاب «مهدویت و آینده جهان: مبانی اعتقادی موعودگرایی در ادیان»، نوشته روح الله شاکری زواردهی و مقالاتی نظیر «تحلیل روش شناسی عقلی مهدویت پژوهی»، نوشته حسین الهی نژاد؛ «رویکرد عقلی ائمه به امامت و مهدویت»، «قواعد عقلی و روایات مهدویت»، «رویکرد عقلی به امامت و مهدویت»؛ هر سه نوشته سیدمحمد علی داعی نژاد و «ادله عقلی ضرورت حجت الاهی و مسئله مهدویت»، نمونه‌های اندکی از تاکید جدی بر روش عقلی در مباحث مهدویت در سده اخیر است.<sup>۱</sup>

به هر حال، رویکرد عقلی به مباحث مهدویت، به اثبات وجود و امامت حضرت مهدی محدود نیست و در سایر مباحث آموزه مهدویت نیز خود را نشان می‌دهد. برخی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، رویکرد عقلی در مهدویت پژوهی را در هفت حوزه عنوان کرده‌اند: ۱. ضرورت حجّت در همه زمان‌ها؛ ۲. بایستگی و ضرورت مهدویت در عالم هستی؛ ۳. غایت و فلسفه

۱. شایان توجه است، مباحثی که خصوص مهدویت را از طریق برهان عقلی اثبات می‌کنند، از آن‌جاکه شخص حضرت مهدی را اثبات نمی‌کنند، مناسب است ذیل «مهدویت عامه» گنجانده شوند؛ در قبال مباحثی که با شخص حضرت مرتبط هستند که می‌توان از آن‌ها به «مهدویت خاصه» تعبیر کرد. البته باید توجه داشت که مباحث مهدویت عامه از مباحث امامت عامه تفکیک شود. در این نوشتار به این نکته تاکید می‌شود.





وجودی مهدویت در جهان هستی؛ ۴. علت و فاعل وجودی مهدویت در جهان هستی؛ ۵. علت غایی و هدف مهدویت در جهان هستی؛ ۶. فواید و کارکرد مهدویت در نظام خلقت؛ ۷. دلایل و توجیهاات اصل مهدویت.

به نظر ایشان، عناوین مذکور از جمله مسائلی هستند که با اسلوب و مقدمات عقلی قابل توجیه‌اند؛ زیرا شاخصه‌های قواعد عقلی، نظیر «کلیت و فراگیری»، «دوام و خدشه ناپذیری»، «ضرورت و قطعیت» که شاخصه‌های مقدمات قیاس و روش‌های عقلی هستند؛ به نحوی در آن‌ها وجود دارند (الهی‌نژاد، ۱۳۹۷). جدا از این‌که موارد مذکور چه اندازه مستقیماً به اندیشه مهدویت مربوط می‌شوند؛ روش عقلی در مباحث مهدویت در سده اخیر حوزه علمیه قم، به موارد مذکور محدود نیست. بسیاری از تطورهایی که در ادامه نوشتار می‌آیند، از همین نگرش عقلی به مباحث مهدویت متأثرند. تطور در تبیین مفاهیمی چون انتظار، نیابت عامه، آینده پژوهی، موعودگرایی و تحلیل مباحثی نظیر رابطه ظهور و پرشدن عالم از ظلم، رابطه ظهور و علامات ظهور، وظایف شیعیان در زمان غیبت، همگی در این سده با تکیه بر دخالت دادن عقل در آموزه مهدویت است.

اما این‌که چرا رویکرد عقلی در مباحث مهدویت، در این سده مورد توجه بوده است، دارای دو دلیل اساسی است که یکی به رویکرد حوزه علمیه قم باز می‌گردد و دیگری به وضعیت عصر حاضر.

دلیل اول، رویکرد عقل‌گرای حوزه علمیه به معارف دینی است. شکوفا شدن حوزه علمیه قم در قرن حاضر با آیت الله حائری به عنوان یک فقیه اصولی بود؛ یعنی با این نگرش که عقل یکی از حجت‌های الهی است و قطع حاصل از براهین عقلیه، همچون قطع حاصل از کتاب و سنت حجت است (حائری، بی‌تا: ج ۲، ص ۵ و ۶) و سپس این منهج با آیت الله بروجردی تداوم یافت. ملاحظه کتاب‌های اصولی و فقهی آیت الله بروجردی از اعتنای گسترده به روش عقلی حکایت دارد؛ به عنوان مثال ملاحظه شود بحث حجیت قطع در کتاب نه‌ایة الاصول (بروجردی، بی‌تا: ص ۳۹۳ - ۴۰۳). این‌که آیت الله بروجردی و آیت الله حائری هر دو از شاگردان مدرسه آخوند خراسانی بودند که به عنوان چهره‌ای عقل‌گرا و حتی فلسفه‌آموخته شناخته می‌شد؛ شاهد دیگری برای جایگاه روش عقلی در حوزه علمیه قم به حساب می‌آید.

البته در زمان آیت الله بروجردی به میراث پیشینیان و همچنین روایات توجه ویژه‌ای شد که کتاب «جامع احادیث الشیعه» نتیجه همین رویکرد است. همچنین در این زمان به تقریب مذاهب توجه ویژه‌ای صورت گرفت. تبادل نظری که میان آیت الله بروجردی و شیخ شلتوت رئیس دانشگاه الازهر صورت گرفته، دلیل روشنی بر این ادعا است. با همه این‌ها، نفوذ و بسط دانش فلسفه و کلام عقلی در حوزه قم، رویه پیشین حوزه علمیه قم در توجه به روش عقلی را به اوج رساند و رویکرد عقلی، رویکرد عام در فضای حوزه علمیه گشت و بسیاری از آثاری که پس از آن در حوزه انتشار یافت، به وضوح از همین رویکرد متأثر است (آل بویه، ۱۴۰۱: ص ۶۹\_ ۷۶).

دلیل دوم نیز به مولفه‌های عصر حاضر برمی‌گردد. اندیشه مهدویت از آن‌جا که با آینده پژوهی و همچنین موعودگرایی در ادیان ارتباط دارد، محل بحث و گفت و گو میان ادیان، مذاهب و حتی نحله‌های غیر مذهبی قرار گرفته و از آن‌جا که زبان مشترک و فرا مذهبی، زبان عقل است (سند، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۷۷ و ۲۸۲)؛ رویکرد عقلی در مباحث مهدویت در این سده افزایش یافته است. اگر این نکته به رویکرد تبلیغی حوزه علمیه قم ضمیمه شود، رویکرد عقلی حوزه علمیه به مباحث مهدویت نه تنها متوقع، بلکه ضروری می‌نماید.

گفتنی است مراد این نیست، که پیش از سده اخیر در حوزه علمیه قم، از روش عقلی در مباحث مهدویت بهره گرفته نمی‌شد. تتبع در آثار مربوط به مهدویت نشان می‌دهد در آثار نخستین مثل «الغیبة» شیخ طوسی تا «کشف المراد» علامه حلی و کتاب «المهدی» سید صدر الدین صدر، از روش عقلی استفاده شده است؛ ولی رویکرد محوری، نقلی است. همچنین دو منشأ که برای توجه به رویکرد عقلی گفته شد، پیش از سده مذکور تا حدودی وجود داشت. به نظر برخی محققان، در بررسی تاریخچه مطالعات مهدوی، هر چه به قرن چهاردهم نزدیک‌تر می‌شویم، با توجه به رشد فرقه‌های انحرافی و مناظرات بین الادیانی، زمینه برای توجه به روش عقلی در مباحث مهدویت بیش‌تر فراهم شده است (گودرزی، ۱۳۹۶: ص ۳۵۵). با این همه، رشد و توجه بیش از پیش به روش عقلی را نمی‌توان در آثار این سده حوزه قم نادیده گرفت.



## ۲. تطور محتوایی دامنه‌ای<sup>۱</sup>

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، اگر مباحث مهدویت را به مثابه شاخه‌ای از علم تلقی کنیم، موضوع این مباحث شخص حضرت مهدی است. بر این اساس، نمی‌توان به صورت جعلی و صوری مباحث مهدویت را گسترش داد؛ زیرا هر بحثی که حقیقتاً به حضرت مهدی مربوط باشد، جزء مباحث مهدویت قرار می‌گیرد و هر آنچه به آن حضرت مربوط نباشد، اساساً نباید ذیل مباحث مهدویت از آن صحبت کرد. بنابراین، ادعای تطور دامنه‌ای در سده اخیر، اگر به این معنا باشد که دامنه مباحث مهدویت در سده اخیر در حوزه علمیه قم گسترش پیدا کرده است، با ابهام و تردید خواهد بود؛ چون چندان طبیعی به نظر نمی‌رسد که آموزه‌ای اعتقادی حدود هزار و صد سال، دامنه مشخصی داشته باشد و سپس در صد سال دامنه آن تطور پیدا کند؛ هر چند این پدیده ممکن است در آموزه‌های تجربی و طبیعی و حتی فلسفی اتفاق بیفتد؛ کما این‌که بعد از رنسانس این تطور در علوم تجربی به وضوح مشاهده می‌شود.

با این حال، شواهد و قرائین، بر تطور دامنه‌ای در مباحث مهدویت صحه می‌گذارد. در ابتدای این سده و حتی تا میانه‌های آن، برخی آثار که درباره مهدویت نگاشته شده‌اند، همان مباحث پیش از این سده را دنبال می‌کردند. کتاب «المهدی»، اثر سید صدرالدین صدر، کتاب «دادگستر جهان»، اثر ابراهیم امینی و همچنین کتاب «الامام المهدی من المهد الی الظهور» بیانگر این واقعیتند. کتاب *نه جلدی «العبقری الحسان»* همین فضا را تداعی می‌کند؛ با این حال، از میانه سده حاضر، برخی نوشته‌ها در حوزه علمیه قم نشان می‌دهند، آموزه مهدویت در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بررسی شده‌اند. به عنوان نمونه در جلد ۲۴ مجموعه آثار استاد مرتضی مطهری پیوند مباحث مهدویت با مباحث سیاسی و اجتماعی به چشم می‌خورد (مطهری، ۱۳۷۶: ج ۲۴، ص ۴۰۵ تا ۴۴۳). محمد محمدی اشتهاردی نیز در کتاب «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فروغ تابان ولایت»، به بخشی از ابعاد تاثیر اندیشه مهدویت در حوزه اجتماعی اشاره کرده است (محمدی اشتهاردی، بی‌تا: ص ۱۲۵ تا ۱۵۷). موسوی گیلانی در کتاب «دکترین مهدویت»، این توسعه دامنه‌ای را به خوبی تشریح کرده است (موسوی گیلانی، بی‌تا).

۱. منظور از «تطور دامنه‌ای»، تغییر دامنه و ابعاد آموزه مهدویت است.

شفیعی سروستانی در کتاب «استراتژی انتظار»، به ابعاد فرهنگی و تمدن ساز آموزه مهدویت پرداخته است (شفیعی سروستانی، بی تا). با این همه، اوج این تطور را می توان در دو دهه اخیر این سده مشاهده کرد. در ذیل به برخی از مقالاتی که در این دو دهه نوشته شده است، اشاره می شود که بیانگر وسعت بخشی به دامنه مباحث مهدویت است. دلیل تکیه بر مقالات، مسئله محور بودن مقالات است که این مزیت در عناوین کتاب ها به چشم نمی خورد.

## ۲-۱. تطور دامنه ای در حوزه سیاسی

نظیر «امامت و مهدویت؛ اندیشه مهدویت و دموکراسی» (مصباح، ۱۳۸۵؛ شماره ۱۹): «بررسی تطبیقی مفاهیم حقوقی و سیاسی در اندیشه معاصر و مهدویت (حق و تکلیف، عدالت و امنیت، قدرت، مشروعیت آزادی، برابری و...)» (فاطمه روشن بخش یزدی، دکترین مهدویت، ۱۳۸۷؛ دوره ۴): «مهدویت و زندگی سیاسی معاصر اسلامی» (غلامرضا بهروز لک، انتظار موعود، ۱۳۸۲؛ شماره ۱۰): «کاربست آموزه مهدویت در سپهر سیاسی انقلاب اسلامی ایران» (مشرق موعود، ۱۳۹۷؛ شماره ۱/۴۶): «دکترین مهدویت و حکومت جهانی مهدوی» (انتظار موعود، ۱۳۸۴؛ شماره ۱۶): «اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی» (انتظار موعود، ۱۳۹۴؛ شماره ۴۲) و «آموزه مهدویت و لیبرال دموکراسی» (بهرام اخوان کاظمی، دکترین مهدویت، ۱۳۸۵؛ دوره ۲).

## ۲-۲. تطور دامنه ای در حوزه اجتماعی

مانند «تحلیل مبانی فرهنگ اجتماعی دفاعی امنیتی در عصر غیبت در پرتو اندیشه مهدویت» (حسین الهی نژاد، اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳۹۹؛ شماره ۲۸): «جهانی شدن و دکترین مهدویت» (محمد قاسم عرفانی، دکترین مهدویت، ۱۳۸۶؛ دوره سوم): «درآمدی بر نقش جامعه شناسی هنر در اشاعه فرهنگ مهدویت و ارائه راهکارهای لازم آن» (محمد حسن شربتیان، دکترین مهدویت، ۱۳۹۱؛ دوره ۸): «نقش مهدویت در تحکیم نظام اجتماعی عصر غیبت» (محمود ملکی راد، ۱۳۹۷؛ حکومت اسلامی، شماره ۸۷): «کارکرد مهدویت در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی» (مشرق موعود، ۱۳۹۷؛ شماره ۲/۴۵): «جامعه شناسی: بسترها و پیامدهای اجتماعی خرافات در مهدویت» (مرتضی داود پور، مشرق موعود، ۱۳۸۶؛ شماره ۳): «تجلی امید در فرهنگ مهدویت» (محمد رضا حاتمی، مشرق موعود، ۱۳۸۵؛ همان،



شماره ۱) و «بررسی نظام کارکردهای آینده‌پژوهی در تبیین آموزه‌های مهدویت» (حمیدرضا کاشف، دکترین مهدویت، ۱۳۹۴: دوره ۱۱).

## ۲-۳. تطور دامنه‌ای در حوزه فرهنگی

مثل، «زن و مهدویت» (بهرروز لک، انتظار، ۱۳۸۶: سال هفتم، شماره ۲۰)؛ «طراحی الگوی تصویر پردازی مبتنی بر آیات و روایات از مهدویت» (احمد سیاح، مطالعات رسانه‌ای، ۱۳۹۹: شماره ۴۹)؛ «عوامل و زمینه‌های پیدایش جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت از منظر فرهنگی» (علی مؤیدی، مطالعات مهدوی، ۱۳۹۸: شماره ۴۳)؛ «نقش حوزه و دانشگاه در زمینه سازی فرهنگ مهدویت با رویکرد رسانه‌های پست مدرن» (میرمحمد سیدکلان، دکترین مهدویت، ۱۳۹۰: دوره ۷)؛ «رهیافت‌های عملیات روانی آخرالزمانی سینمای هالیوود با رویکرد مهدویت‌ستیزی» (احمد باصر، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴: شماره ۱۲)؛ «راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه ساز، براساس مدل SWOT» (محسن پورسید آقایی، ۱۳۸۹: مشرق موعود، شماره ۱۵)؛ «چشم اندازی بر برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت» (انتظار موعود، ۱۳۸۳: شماره ۱۱ و ۱۲)؛ «رویکرد هنری به مهدویت» (سیدرضی موسوی گیلانی، ۱۳۸۵: عصر آدینه، شماره ۱) و «اثربخشی آموزش سبک زندگی مبتنی بر مهدویت در بهزیستی روان‌شناختی و معنوی دانش آموزان» (سیدمحمد سیدکلان، ۱۳۹۵: مشرق موعود، شماره ۴۰).

مقالات مذکور که تنها نمونه‌هایی از انبوه پژوهش‌هایی است که در این حوزه‌ها انجام شده است، به خوبی تطور دامنه‌ای را در بحث مهدویت در نیمه دوم سده اخیر نشان می‌دهد. با این حال، ابهامی که پیش‌تر به آن اشاره شد، کماکان به قوت خود باقی است. دو جواب برای آن قابل طرح است: یکی این که مطالعات مذکور را بین رشته‌ای بدانیم که در عصر جدید مرسوم شده است. طبق این نگرش، دامنه مباحث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف تغییر خاصی نکرده است؛ ولی با توجه به این که علوم و دانش‌ها با یکدیگر بی‌ارتباط نیستند و در عصر جدید، بر این ارتباطها تمرکز می‌شود؛ ارتباط مهدویت با علوم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بررسی شده است. جواب دوم این است که در مباحث مهدویت، به لحاظ محتوایی



تطوری صورت گرفته که خود را در دامنه مباحث نشان داده است. این احتمال که در ادامه مقاله به آن پرداخته خواهد شد، بر این نکته تاکید می‌کند که در سده اخیر، برخی از گزاره‌ها در مورد حضرت مهدی، به گونه‌ای تبیین شده که پای مباحث دیگر را به حوزه مهدویت باز کرده است. به عنوان مثال، نگاهی که در این سده نسبت به آموزه انتظار و نیابت عامه پذیرش گسترده یافت، آموزه مهدویت را از آموزه‌ای اعتقادی صرف به عنوان آموزه‌ای اثرگذار در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تبدیل کرد.

گفتنی است، مهدویت، حتی به عنوان آموزه اعتقادی تا پیش از سده اخیر در حوزه علمیه قم عمدتاً در مباحث کلام قدیم متمرکز بود؛ ولی در سده اخیر، خصوصاً در سال‌های اخیر، مباحث کلام جدید نیز در اندیشه مهدویت راه یافته است که این را نیز می‌توان گونه‌ای از تطور دامنه‌ای در اندیشه مهدویت قلمداد کرد. صحبت درباره تفاوت کلام جدید و قدیم و تعریف دقیق آن مفصل است و در جای دیگری باید آن را دنبال کرد (محمد رضایی، ۱۳۹۰: ص ۲۷\_۳۲)؛ ولی بدون شک می‌توان گفت بر اثر پیشرفت‌های علوم تجربی، مسائل و شبهات جدیدی مطرح شده که در گذشته در کلام قدیم نبوده است که از این شبهات و مسائل، گاهی به «مسائل جدید کلامی» تعبیر می‌شود (همان). اندیشه مهدویت در سال‌های اخیر در بستر مسائل کلامی نیز سنجیده شده است که می‌توان به برخی نوشته‌ها در این زمینه اشاره کرد، از قبیل «مهدویت و کلام جدید» (ابوذر رجبی، پژوهش‌های مهدوی، ۱۳۹۰: شماره ۲)؛ «پلورالیسم دینی و عصر» ظهور (حسن پناهی آزاد، ۱۳۸۳: مشرق موعود، شماره ۸) و «درآمدی بر براهین عقلی و نقلی مهدویت با رویکرد کلام جدید»، نوشته مهدی حسن زاده، مهدویت و زبان دین (حسین الهی نژاد، ۱۳۸۶: انتظار موعود، شماره ۲۰).

### ۳. تطور محتوایی تبیینی<sup>۱</sup>

اندیشه مهدویت یکی از اصول اعتقادی شیعیان از زمان حضور امامان تا زمان غیبت بوده است. لذا نمی‌توان ادعا کرد که در میان شیعیان، در مورد این اندیشه، تغییر ماهوی صورت

۱. منظور از «تطور تبیینی»، تبیین‌های ارتقا یافته از برخی مولفه‌های اندیشه مهدویت است.



گرفته است. مولفه‌های اساسی اندیشه مهدویت، از دیرباز تا کنون ثابت بوده و عموم شیعیان با سلیق متفاوت در این مولفه‌ها اشتراک داشته‌اند. وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه، امامت ایشان، غیبت صغرا و کبرا، وظیفه انتظار برای شیعیان در زمان غیبت و رجوع به راویان احادیث برای پی بردن به احکام وقایع پیش‌رو و وجود نشانه‌هایی برای ظهور و فراگیری عدل با ظهور حضرت مهدی؛ از جمله این مولفه‌ها هستند که همه شیعیان به آن‌ها باور دارند.

با این حال، آنچه در این قرون محل اختلاف بوده، تقریری است که اندیشمندان شیعی از این مولفه‌ها داشته‌اند؛ مثل این‌که غیبت حضرت مهدی، غیبت شخص است یا شخصیت؟ مراد از رجوع به راویان احادیث چیست؟ آیا این رجوع همه شئون و مسائل پیش‌رو را در بر می‌گیرد یا صرفاً در حیطه احکام شرعی خلاصه می‌شود؟ انتظار که وظیفه شیعیان در زمان غیبت است به چه معنا است؛ آیا با مفهوم تقیه پیوند خورده و صبر استراتژیک است یا با مفهوم ظهور مرتبط است و گویای لزوم آمادگی و زمینه سازی برای ظهور است؟ این نکات درباره دیگر مولفه‌های اندیشه مهدویت نیز مصداق خواهد داشت.

به نظر می‌رسد یکی از حیطه‌هایی که در سده اخیر در حوزه علمیه با گذشته متفاوت است؛ همین تبیین‌ها درباره مولفه‌های آموزه مهدویت است که در این جا تنها به دو مورد بسنده می‌شود:

### ۳-۱. انتظار

«انتظار» مصدر باب افتعال است که بر اساس گزارش لغویان، با ثلاثی مجرد هم معنا است (ابن سیده، ۱۴۲۱: ج ۱۰، ص ۱۵ و ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۲۱۸). «نظر»، به معنای چشم چرخاندن برای دیدن چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۸۱۲). به گزارش ابوهلال عسکری، انتظار معنای وسیعی دارد که در خیر و شر به کار می‌رود و تفاوت نمی‌کند که امر مورد انتظار یقینی باشد یا مشکوک (عسکری، ۱۴۰۰: ص ۶۶).

«انتظار»، کلیدی‌ترین آموزه مهدویت برای زمان غیبت است. در روایات متعددی انتظار به عنوان وظیفه شیعیان در زمان غیبت شمرده شده و از آن، به «افضل الاعمال» تعبیر شده است (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۶۲۱ و خزاز رازی، ۱۳۶۰: ص ۲۸۱).

در برخی روایات انتظار در کنار واژگانی سلبی چون صمت و صبر به کار رفته است (مفید، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۳۰۲ و نعمانی، بی تا: ص ۱۹۹) و در برخی روایات در کنار واژگانی ایجابی چون «وليعمل بالورع» (نعمانی، بی تا: ص ۲۰۰) و نیز این که آموزه انتظار از کدام دسته است: آیا به نوعی وظیفه سلبی ناظر است که شیعه باید در لباس تقیه همه ناملايمات زمان غیبت را ببیند و دم بر نزند و منتظر آمدن حضرت مهدی باشد تا ظلم را ریشه کن کند و بساط عدل را بگستراند؛ یا وظیفه ای ایجابی و محرک است تا شیعه در زمان غیبت همیشه متوجه حکومت عدل گستر حضرت باشد و زندگی و منش خویش را با آن وفق دهد و در مورد خود تا آن جا که توان دارد؛ عدل و داد برقرار کند.

هر دو تفکر را می توان در پیش از سده اخیر حوزه علمیه مشاهده کرد؛ هرچند ظاهراً رویکرد غالب، همان رویکرد سلبی به انتظار است. نعمانی در الغیبة فصلی را تحت عنوان «ما روي فيما أمر به الشيعة من الصبر و الكف و الانتظار للفرج و ترك الاستعجال بأمر الله و تدبيره» ذکر کرده و ذیل آن هفده روایت عنوان و در پایان، در چند جمله، بر همسویی انتظار و صبر تأکید می کند (نعمانی، بی تا: ص ۱۹۴-۲۰۱). یکی از واژه های کلیدی در عبارت نعمانی، مذمت «استعجال» است که در صدر و ذیل عبارت او آمده است. استعجال در این جا به معنای عجله کردن برای ظهور مهدی است. نکوهیدن عجله در کنار قرار دادن انتظار در کنار صبر نشان می دهد از نظر نعمانی، در معنای انتظار در عین سلبی بودن، معنای رضایت و تسلیم نسبت به خواست خداوند اشراب شده است و طبیعتاً دست یافتن به چنین انتظاری کار آسانی نیست. این که فرد در بزنگاه سختی ها و ناملايمات، عنان از کف ندهد و همچنان به تقدیر خداوند به امر غیبت رضایت داشته باشد و ذره ای از اعتقاد به وجود «امامی که خواهد آمد» دست بر ندارد، گویای نفوذ ایمان در او است و نمی توان او را به تنبلی و اعوجاج از مسیر حق متهم کرد. واضح است که این معنا برای انتظار ابداً به معنای رضایت به ظلم و جور موجود نیست. آری؛ ممکن است از این نگاه به انتظار، مطلوب نبودن قیام بر حاکمان جور استفاده شود؛ چنان که در ذیل عبارت نعمانی آمده است: «لاتكونوا ممن أردته الهوى و العجلة و مال به الحرص عن الهدى و المحجة البيضاء وفقنا الله و إياكم لما فيه السلامة من الفتنة» (نعمانی، بی تا: ص ۲۰۱). با این حال، نه معنای مذکور از انتظار و نه تعبیر نعمانی صریح در این نتیجه نیستند.





رویگرد نعمانی به روایات انتظار در آثار پس از او نیز دنبال شده است، تا آن جاکه علامه مجلسی با آن که در زمان حکومت صفویه می‌زیسته است، در بحار الانوار، ذیل باب انتظار، ۷۷ روایت گزارش می‌کند (مجلسی، ۱۳۶۵: ج ۵۲، ص ۱۲۲\_۱۵۰) و ذیل روایت ۴۹ عبارت نعمانی درباره همسویی انتظار و صبر را ذکر کرده و نقدی بر آن مطرح نمی‌کند (پرهیزکار، ۱۳۸۹: ص ۸۵ و مجلسی، ۱۳۶۵: ج ۵۲، ص ۱۴۰). افزون بر این، در «مرآة العقول» در تبیین آموزه انتظار می‌گوید:

انتظار القائم عَلَيْهِ السَّلَام وَرَجَاءُ التَّوَكُّلِ يتضمن العلم بوجوده و ظهوره و عدم الشك فيه و التسليم لغيبته و الصبر على ما يلقاه من الأذى فيها و التمسك بما في يده من آثارهم و الرجوع إلى رواة أخبارهم بِإِسْنَادِهِ (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۷، ص ۱۱۷).

عبارت مذکور در بحار نیز تکرار شده است (همان، ۱۳۶۵: ج ۶۶، ص ۳). در مقابل، تلقی دیگری از آموزه انتظار وجود داشت که بر اساس آن، انتظار ظهور امام زمان به معنای آمادگی برای ظهور ایشان است. کسی می‌تواند خود را منتظر ظهور حضرتش قلمداد کند که همیشه آماده ظهور آن حضرت باشد. موسوی اصفهانی در «مکیال المکارم» این معنا را برای انتظار مطرح کرده است (حائری قزوینی و اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۲۳۵). تتبع در احوال شیعیان نشان می‌دهد، چنین معنایی میان عوام شیعیان سابقه‌ای طولانی دارد. ابن بطوطه در سفرنامه خود در مورد احوال برخی شیعیان چنین گزارش می‌کند:

در حله در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد ... آن جا را مسجد صاحب الزمان می‌خوانند. شب‌ها پیش از نماز عصر، صد مرد مسلح با شمشیرهای آخته ... اسبی یا استری زین کرده می‌گیرند و به سوی مسجد صاحب الزمان روانه می‌شوند. پیشاپیش این چارپا، طبل و شیپور و بوق زده می‌شود. سایر مردم در طرفین این دسته حرکت می‌کنند و چون به مسجد صاحب الزمان می‌رسند، در برابر در ایستاده و آواز می‌دهند که: بسم‌الله، ای صاحب‌الزمان! بسم‌الله بیرون آی که تباهی روی زمین را فراگرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است که برآیی، تا خدا به وسیله تو حق را از باطل جدا گرداند ... و به همین ترتیب به نواختن بوق و شیپور و طبل ادامه می‌دهند تا نماز مغرب فرارسد ... (ابن بطوطه، بی‌تا: ج ۲، ص ۵۶). همچنین در مورد اهل کاشان نقل است که در قرن پنجم جمعی از علویان هر روز صبحگاهان در انتظار ظهور قائم عَلَيْهِ السَّلَام و رَجَاءُ التَّوَكُّلِ

بودند. آنان بر اسب سوار می‌شدند سلاح بر می‌گرفتند و از روستاهای خود برای استقبال از امام خارج می‌شدند؛ ولی وقتی از آمدن حضرت ناامید می‌شدند به خانه باز می‌گشتند (پرهیزکار، ۱۳۸۹: ص ۸۶ و یاقوت حموی، بی‌تا: ج ۴، ص ۲۹۶ و ۲۹۷).

عمده آنچه در آموزه مهدویت پیش از سده اخیر درباره انتظار گفته می‌شد، به دو بیان مذکور باز می‌گشت. حتی در سده اخیر این دو نگاه به انتظار همچنان طرفدارانی دارند؛ اما در این سده آموزه انتظار با محوریت اندیشمندانی که به شکلی خروجی حوزه علمیه قم تلقی می‌شدند، تبیین دیگری از انتظار ارائه کردند. انتظار از منظر اینان، نه به معنای صبر استراتژیک و نه به معنای آمادگی برای ظهور است، بلکه به معنای زمینه سازی برای ظهور است. انتظاری که روایات، ما را به آن فرا می‌خوانند، این است که شیعیان همه آنچه می‌توانند انجام دهند تا زمینه ظهور حضرت فراهم شود. به نظر می‌رسد تفاوت این رویکرد با دو رویکرد پیشین در معنای انتظار، آن است که اراده انسانی بر روند ظهور حضرت حجت چه تاثیری دارد. از منظر دو دیدگاه نخست، ظهور خارج از اراده شیعیان است و شیعیان صرفاً نقش تماشاگر را دارند؛ اما در نگرشی که در این سده در حوزه علمیه قم، ترویج شده است، شیعیان اگر وظیفه انتظار را به خوبی انجام دهند، در زمینه سازی برای ظهور حضرت نقش ایفا کرده‌اند و به تعبیری، ظهور حضرت را جلو انداخته‌اند (سوزنجی، ۱۳۸۳: ص ۷۲ و ۷۳). این معنا برای انتظار در بسیاری از آثاری که به حوزه علمیه قم در سده اخیر متعلق است، به وضوح دیده می‌شود. مرحوم امام در این باره می‌گوید:

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاءالله تهیه بشود (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۸، ص ۴۱۲).

آیت‌الله خامنه‌ای درباره انتظار می‌گوید:

انتظار واقعی مستلزم زمینه‌سازی برای ظهور است. زمینه‌سازی برای ظهور عبارت است از عمل کردن به احکام اسلامی که با حاکمیت اسلام و قرآن حاصل می‌شود (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

آیت الله جوادی آملی مقدس بودن انتظار را چنین تأکید می‌کند:



انتظار حقیقی زمینه ساز ظهور حضرت ولی عصر است و این انتظار مقدس از جهات مختلفی درخور بررسی است (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ص ۱۷۴).

آیت الله خرازی در بدایة المعارف الالهية منتظر را چنین معرفی می‌کند:

المنتظر من يصلح نفسه و أصلح الامور، و ينتظر و يتوقع الفرج، فيما لم يقدر علی اصلاحه (خرازی، بی تا: ج ۲، ص ۱۶۵).

در کتاب معارف و عقاید که از سوی مرکز مدیریت حوزه به عنوان کتاب درسی حوزه علمیه قم معرفی شده، انتظار چنین تبیین شده است:

«انتظار تنها یک حالت روحی و درونی نیست، بلکه از درون به بیرون سرایت می‌کند و حرکت و اقدام می‌آفریند» در ادامه انتظار به عنوان عامل پویایی و سازندگی فرد و اجتماع دانسته شده است: «انتظار انسان را برای رسیدن به آینده مطلوب به حرکت وا می‌دارد».

گفتنی است انتظار به معنای زمینه سازی برای ظهور را می‌توان در آثار پیش از سده اخیر در حوزه علمیه قم نیز مشاهده کرد؛ ولی استقرار آن به عنوان معنایی که مقبولیت جدی میان اندیشمندان و نفوذ میان عوام داشته باشد، در این سده اخیر با تلاش اندیشمندان حوزه علمیه قم رخ داد. افزون بر این، حوزه علمیه قم با تلاش همه جانبه در حمایت از انقلاب ایران، زمینه سازی برای ظهور را عملی کرد و به تعبیر برخی از عالمان، تلاش کرد تا جلوه‌ای از حکومت مهدوی صورت پذیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ص ۱۵۸). از سوی دیگر، در پژوهش‌های پرشماری که در حوزه علمیه قم درباره آموزه انتظار در این سده انجام گرفته، بر می‌آید که انتظار به معنای زمینه سازی برای ظهور، در دیگر ابعاد مهدویت دنبال شده و کارکردهای این تبیین از انتظار ارائه شده است.

### ۳-۲. نیابت عامه

یکی از مباحثی که ابتدای غیبت حضرت مهدی دغدغه شیعیان مطرح شد، آن بود که در زمان غیبت باید به کسی رجوع کرد چه کسی خلأ حضور امام و شئون ایشان را تامین می‌کند. امامان شیعه که چنین وضعیتی را پیش‌بینی می‌کردند، به طرق مختلف، شیعیان را به فقها (روایان احادیث) ارجاع دادند. البته در زمان غیبت صغرا؛ از آن جا که نوابی توسط امام مشخص



شده بودند و مردم از طریق آن‌ها با امام ارتباط می‌گرفتند، وضعیت آنچنان پیچیده نبود؛ اما پس از پایان نیابت چهارمین نائب در غیبت صغرا و توقیعی که از ناحیه مقدسه صادر شد و شروع غیبت کبرا (طوسی، بی‌تا: ص ۳۹۵)؛ خلأ ارتباط با امام پیش از پیش احساس شد. به تحلیل برخی پژوهشگران، همین امر سبب شده است که بحث غیبت و دسترسی نداشتن به امام، مهم‌ترین دغدغه مهدویت پژوهان در نخستین کتاب‌های مربوط به مهدویت باشد (پرهیزکار، ۱۳۸۹: ص ۷۹ و ۸۰).

در ادامه، با توجه به همان خط سیری که از حضرت حجت در آن توقیع مشخص شده بود؛ روایان احادیث محور مراجعه مردم قرار گرفتند؛ اما این محوریت در زمان غیبت کبرا همیشه به یک شکل نبود و در آن تطور صورت گرفت؛ گاهی از ناحیه خود فقها که شأنی را برای فقیه در زمان غیبت کبرا اثبات می‌کردند (که تا پیش از آن ثابت نشده بود) و گاهی از طرف مردم و حکومت که تا چه حد، جایگاه فقیه را می‌پذیرفتند. یقیناً حکومت‌هایی نظیر آل بویه، مغولان و صفویان بر محوریت فقهای شیعه برای رجوع مردم اثرگذار بودند.

برخی از پژوهشگران معاصر، خط سیر تطور جایگاه فقها در زمان غیبت کبرا را به خوبی جمع بندی کرده‌اند؛ به گزارش آنان، نیابت عام پس از غیبت کبرا شکل گرفت. این نیابت، در ابتدا ساده و در شکل روایت دانی و روایت خوانی به وجود آمد و سپس به اجتهاد رسید که «نیابت علمی» نامیده شد. پس از آن «نیابت مالی» و سپس «نیابت سیاسی» شکل گرفت. نیابت سیاسی که مقدمات تاریخی آن تا پیش از انقلاب اسلامی، به ویژه در عصر صفوی و نهضت مشروطه خواهی به وجود آمده بود؛ با انقلاب اسلامی به تکامل رسید و سبب شد نیابت عام از مرجعیت تقلید به شکل پیچیده‌تر و نزدیک‌تر آن به مفهوم نیابت، یعنی «ولایت فقیه» تغییر یابد و البته «مرجعیت تقلید» نیز در کنار ولایت فقیه در حال استمرار حیات خود است (همان، ص ۲۵۷).

طبق این گزارش که در مصدر مذکور مفصل به آن پرداخته شده است (همان، ص ۹۳\_ ۱۱۵)؛ نیابت عام تا پیش از سده اخیر حوزه علمیه قم، با مرجعیت فقیه در امور فهم می‌شد و همین رویکرد تا میانه قرن حاضر نیز ادامه داشت و شخصیت‌هایی نظیر آیت الله حائری و آیت الله بروجردی، به عنوان مرجعیت شیعه شناخته می‌شدند؛ ولی در ادامه با تلاش‌هایی که حوزه



علمیه قم به پرچمداری امام خمینی صورت داد، این محوریت با عنوان ولایت فقیه تبیین شد و رویکرد حوزه علمیه قم دست کم در حدود پنجاه سال اخیر، تبیین ولایت فقیه و حدود و ثغور آن با توجه به نیازهای حکومت اسلامی است.

شایان توجه است مراد از گزارش مذکور این نیست که نظریه ولایت فقیه پیش از سده مذکور وجود نداشت، بلکه این نظریه دارای پیشینه‌ای طولانی است که نوشته‌های مستقلی به آن پرداخته‌اند؛ حتی تعبیر نیابت عام در آثار محقق کرکی مشاهده می‌شود؛ بلکه مراد این است که جایگاه فقیه به عنوان ولی فقیه در این سده، هم در فضای علمی بازتاب گسترده‌تری یافت و جوانب مختلف آن بررسی و درباره آن نظریه پردازی شد.

#### ۴. تطور غایی مهدویت در سده اخیر<sup>۱</sup>

اندیشه مهدویت آموزه‌ای صرفاً اعتقادی یا آموزه‌ای راهبردی (دکترین مهدویت)، دارای سابقه‌ای طولانی است که پیش از تولد حضرت مهدی نیز وجود داشته است. طرح مباحث مهدویت از دیرباز تا کنون عمدتاً با هدف دفاع از آموزه‌ای اعتقادی بوده است که این هدف، با توجه به چالشی که در مقاطع زمانی برای این آموزه پدید می‌آمد، متفاوت بوده است. گاهی هدف مشخص کردن مهدی بود که با توجه به مدعیان دروغین که به دروغ مهدی را برای خود یا کسی مطرح می‌کردند، ضرورت داشت و گاهی هدف، برطرف کردن چالش غیبت و حیرت شیعه از نبود دسترسی به امام معصوم بوده است که کتب غیبت محصول این دوران است (نوری، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۳۷) و گاهی طول عمر حضرت و اثبات وجودشان در زمان غیبت. همه این‌ها ابعاد یک آموزه اعتقادی است که بسته به مقتضیات زمان، از جهات مختلفی نیازمند بررسی است. با این حال، همه این اغراض از این منظر که درصد پوشش نوعی خلأ اعتقادی هستند، مشترکند که توجه به آثار تدوین شده در این مقاطع دلیل قابل توجهی بر ادعای مزبور است.

بررسی آثار مربوط به اندیشه مهدویت، در ابتدای این سده بیانگر همان فضای پیش از این



۱. «تطور غایی» در این جا به این معنا است که هدف از ارائه اندیشه مهدویت از گذشته متفاوت شده است.

سده است؛ مثلاً سید صدرالدین صدر هدف از نگارش کتاب «المهدی» را مقابله با انحرافات در عقیده مهدویت دانسته است (صدرالدین صدر، بی تا: ص ۲۴). شبیه همین انگیزه را محمد کاظم قزوینی در «الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهدی الی الظهور» ذکر کرده است (قزوینی، بی تا: ص ۵ \_ ۱۶). از اواسط این سده با آغاز حرکتی توسط امام خمینی، جنبش‌های آزادی خواهانه در خاورمیانه و مشخصاً در ایران به اوج رسید. اندیشه مهدویت برای دمیدن در حرکت انقلابی مردم، بستر کاملاً مناسبی بود و لذا در این زمان آثاری مشاهده می‌شوند که در آن‌ها، هدف، صرفاً دفاع از آموزه اعتقادی مهدویت نیست، بلکه هدف از ترویج آموزه مهدویت، امید بخشی به مردم و زمینه سازی برای ظهور است. به این عبارت شهید مطهری توجه کنید:

استنباط این شخصیت‌ها از مجموع آیات و اخبار و احادیث مهدی این نبوده که جناح حق و عدل و ایمان باید یکسره درهم بشکند و نابود شود و اثری از صالحان و متقیان باقی نماند تا دولت مهدی ظاهر شود؛ بلکه آن را به صورت پیروزی جناح صلاح و عدل و تقوا بر جناح فساد و ظلم و بی بند و باری تلقی می‌کرده‌اند (مطهری، ۱۳۷۶: ج ۲۴، ص ۴۴۰).

کتاب «انتظار عامل مقاومت و حرکت» در نیمه همین سده نگاشته شده است که به وضوح تلاش دارد تقریری از اندیشه مهدویت ارائه کند که هدف مقاومت و حرکت را پوشش بدهد (صافی گلپایگانی، ۱۳۶۵). البته این تغییر نگرش در هدف اندیشه مهدویت به حوزه علمیه قم اختصاص ندارد. کتاب «حسین وارث آدم» که در آن از نظریه انتظار مکتب اعتراض سخن گفته شده است و همچنین «بحث حول المهدی»، اثر شهید صدر همین هدف را از آموزه مهدویت دنبال می‌کنند (شریعتی، بی تا: ص ۲۹۵ به بعد و صدر، بی تا: ص ۴۴ و ۴۵).

بنابراین، می‌توان ادعا کرد در سده اخیر، حوزه علمیه قم و خصوصاً پس از انقلاب اسلامی طرح مباحث مربوط به حضرت مهدی، صرفاً برای دفاع از آموزه‌ای اعتقادی نبود؛ بلکه اندیشه مهدویت به مثابه اندیشه‌ای راهبردی که می‌تواند در ابعاد مختلف زندگی شیعیان در زمان غیبت نقش بسزایی داشته باشد؛ مطرح است. بسیاری از تطوراتی که تا این جای نوشتار آمده است، نشانه قابل توجهی برای این تطور غایی است.

البته به نظر می‌رسد پس از انقلاب اسلامی ایران، هدف از اندیشه مهدویت مجدداً ارتقا یافت.



مطرح شدن اصطلاح «دکترین مهدویت» (استراتژی مهدویت) به جای آموزه اعتقادی مهدویت در دو دهه اخیر را باید از همین منظر ارزیابی کرد. دکترین مهدویت در دیدگاهی کلی، به معنای توجه به ظرفیت‌های اندیشه مهدویت نزد امامیه برای نظریه‌پردازی و ارائه پاسخ‌های کاربردی در سایر علوم انسانی است. در این نظریه‌پردازی‌ها، گاه دکترین مهدویت، همان پاسخ به مسئله‌ای علمی است و گاه دکترین مهدویت مبنای پاسخ به یک مسئله است (موسوی‌گیلانی، ۱۳۸۵: ص ۸). برای مثال در بسیاری از مسائل علمی ذیل عنوان آینده‌پژوهی دکترین مهدویت به عنوان پاسخ مطرح می‌شود؛ اما در بسیاری از مسائل علمی، مثلاً علوم اجتماعی، دکترین مهدویت مبنای پاسخ است. به تعبیر برخی محققان:

از این مولفه دینی می‌توان به عنوان یک نظریه اعتقادی استفاده نمود که قابلیت تفسیر حوزه‌های متفاوت حیات فردی و جمعی همچون سیاست، حکومت، اقتصاد، مدیریت، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و امثال آن را داراست؛ به طوری که می‌توان نظریه‌ها و الگوهای متفاوتی را در این ساحت‌ها براساس فرهنگ مهدویت ارائه داد (موسوی‌گیلانی، بی‌تا: ص ۶۲).

نکته دیگری که تحت عنوان دکترین مهدویت مطرح شده است، نظریه «جهانی شدن» است، این نظریه را اندیشمندان علوم سیاسی و علوم اجتماعی با توجه شرایط عصر کنونی و گسترش فناوری اطلاعات و رسانه‌های ارتباطی مطرح کرده‌اند. اگرچه ممکن است گفته شود که نظریه جهانی شدن به لحاظ نظری و مبانی آن با اندیشه مهدویت در تباین است؛ یقیناً ابزار و تکنولوژی ارتباطات در عصر کنونی، می‌تواند راهگشای تبلیغ و گسترش دکترین مهدویت در سطح جهانی باشد (عرفانی، ۱۳۸۶: ص ۲۱۷). با توجه به سیاست‌ها، نقشه مهندسی فرهنگی و این که حوزه علمیه قم خود را عهده دار گسترش و ترویج این سیاست‌ها با توجه به مبانی دینی می‌داند؛ در دو دهه اخیر شاهد تحول در نحوه تبلیغ اندیشه مهدویت هستیم که به این مطلب در بخش بعد پرداخته می‌شود.



## ۵. تطور ارائه‌ای<sup>۱</sup>: سیری معنادار در تبلیغ مهدویت

پیش از اشاره به تلاش‌های حوزه علمیه قم در ارائه اندیشه مهدویت، لازم است ارتباط تطور در ارائه آموزه مهدویت و تطور در اندیشه مهدویت بیان شود.

شواهد حکایت از آن دارند که در سده اخیر، خصوصاً در ربع پایانی آن، در زمینه تبلیغ آموزه مهدویت از سوی حوزه علمیه قم تحول گسترده‌ای رخ داده است. منظور از تبلیغ در این جا معنای متعارف آن، یعنی اعزام مبلغ به نقاط مختلف ایران و جهان برای تبیین آموزه مهدویت نیست؛ هرچند این امر نیز به صورت گسترده در بستر حوزه علمیه قم صورت گرفته است، بلکه مراد از تبلیغ، معنای عام آن است که ارائه اندیشه به مخاطب در هر قالبی را در بر می‌گیرد.

مقدمتاً باید توجه داشت که ارائه هر اندیشه‌ای متفرع بر اصل اندیشه است؛ زیرا اندیشه، محتوایی است که ممکن است اصلاً ارائه نشود و در صورت ارائه، بسته به محتوا، شیوه‌های مختلفی برای ارائه آن وجود دارد. بنابراین، تطور در ارائه، الزاماً به تطور در اندیشه مربوط نمی‌شود. این مطلب در آموزه‌های اعتقادی وضوح بیش‌تری دارد؛ زیرا ممکن است آموزه اعتقادی در زمانی بسته به مقتضیات آن زمان، نشر و تبلیغ نشود و در زمان دیگری با وضعیت متفاوت همان آموزه به شدت تبلیغ و نشر داده شود، بی آن‌که در آن آموزه تطوری ایجاد شده باشد. با این حال، باید توجه داشت تطور در ارائه، همان‌طور که می‌تواند معلول اوضاع زمان باشد؛ ممکن است به دلیل تطور در محتوای ارائه شده باشد.

درباره ارائه آموزه مهدویت در سده اخیر حوزه علمیه قم، سیر جالب توجهی به چشم می‌خورد. پیش از انقلاب اسلامی فعالیت‌هایی که برای ارائه آموزه مهدویت دنبال می‌شد، به نوشتن برخی کتاب‌ها و مقالات محدود بود. کتاب «المهدی» از اولین کتاب‌های این سده در موضوع مهدویت است که توسط سید صدر الدین صدر (متوفای ۱۳۷۲ق) از شخصیت‌های برجسته حوزه علمیه قم، در سال ۱۳۵۸ هجری نگاشته شده است. آیت‌الله صافی نیز از دیگر شخصیت‌های برجسته حوزی است که برخی از آثار خود را پیش از انقلاب نگاشته است؛ نظیر کتاب «انتظار عامل مقاومت» (پور طباطبایی، بی‌تا: ص ۱۶۰). جلد بیست و چهارم مجموعه آثار

۱. «تطور ارائه‌ای» به تغییری که در تبلیغ آموزه مهدویت صورت گرفته است، اشاره دارد.





استاد مرتضی مطهری را از دیگر نوشته‌های مهدوی می‌توان شمرد که خروجی حوزه علمیه قم به شمار می‌رود. همچنین برگزاری مراسم مرتبط به حضرت مهدی در جشن‌های موسوم به نیمه شعبان از دیگر موارد مربوط به این موضوع است. البته در این بین با تشکیل انجمن حجتیه که پیدایش آن را نمی‌توان به حوزه علمیه قم نسبت داد (هرچند در ادامه کارشان در حوزه علمیه قم نیز نفوذ پیدا کردند)، فعالیت‌هایی که برای تبلیغ مهدویت صورت می‌گرفت، تشدید شد (صدقی، ۱۳۸۸: ص ۱۳۲\_۱۳۷). پس از انقلاب اسلامی که یقیناً آموزه مهدویت بر شکل‌گیری آن تاثیر داشت (شجاعی مهر و لک‌زایی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۸ و ۲۶۹ و محسن شریعتی، ۱۳۹۸: ص ۶)؛ فعالیت‌ها در مورد تبلیغ مهدویت با قبل از انقلاب تفاوت شگرفی پیدا نکرد. البته انجمن حجتیه دستخوش تغییراتی شد که طبیعتاً بر فعالیت‌هایشان بی‌تاثیر نبود تا این که امام خمینی در یکی از سخنرانی‌ها بدون آن که اسمی از انجمن حجتیه ببرد، در برابر برخی رویکردها که به این انجمن نسبت داده می‌شد، موضع گرفت (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۷، ص ۵۴۳) و همین امر سبب شد که حلبی رئیس انجمن، انجمن را منحل و تمام فعالیت‌های انجمن را تعطیل کند (صدقی، ۱۳۸۸: ص ۱۵۱\_۱۵۴). از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۷۴، به تعبیر برخی تحلیلگران دوره سکوت درباره آموزه مهدویت در ایران یاد می‌شود (پرهیزکار، ۱۳۸۹: ص ۱۷۷ تا ۱۸۱ و ۱۹۸ و ۱۹۹). البته منظور از دوره سکوت، عدم تحقیق و پژوهش درباره مهدویت نیست؛ چرا که بزرگانی در همین بازه زمانی به نوشتن کتاب‌ها و مقالاتی در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همت گماردند؛ به عنوان نمونه می‌توان به برخی آثار آیت الله صافی و برخی آثار استاد نجم الدین طبری اشاره کرد؛ ولی از میانه دهه هفتاد به بعد، با تاسیس برخی مراکزی که مستقلاً به تبلیغ مهدویت می‌پرداختند، ارائه آموزه مهدویت وارد مرحله جدیدی شد و در حدود ۲۵ سالی که از آن زمان می‌گذرد، رشدی انفجارگونه در ارائه آموزه مهدویت در ایران، خصوصاً در حوزه علمیه قم صورت گرفته است.

برای تحلیل این تطور، توجه به ارتباط سه جانبه حوزه علمیه قم، انقلاب اسلامی و مهدویت ضرورت دارد. در کنار عوامل دیگر، عواملی مانند طرح شبهات جدید در زمینه مهدویت آرای مستشرقان درباره مهدویت، رشد فزاینده اقبال مردم به مسجد جمکران (به عنوان پایگاهی عبادی مهدوی در قم)، تاثیر مهدویت بر حدوث انقلاب اسلامی و مهم‌تر از آن، نیاز انقلاب

اسلامی به مهدویت برای بقای خود؛ اساسی‌ترین دلیل برای رشد ارائه آموزه مهدویت در فضای عمومی و بین‌المللی است (پرهیزکار، ۱۳۸۹: ص ۱۷۵ تا ۲۰۰ و موسسه آینده روشن، بی‌تا: ص ۱۵ تا ۱۷). بنابراین، با تحقق انقلاب اسلامی، مقتضی برای ارائه مهدویت فراهم بوده است؛ لیکن مانعی در میان بوده که مقتضی به‌طور بایسته، عمل نکرده است. به تحلیل برخی پژوهشگران (غلامرضا پرهیزکار) این مانع برجسب انجمن حجتیه‌ای بودن است که پس از تعطیلی آن انجمن، هر کس که می‌خواست در بحث مهدویت متمرکز بشود، متهم می‌شد که قرار است همان روند انجمن حجتیه پیش رود و این نگرانی تا مدت‌ها فعالیت متمرکز درباره مهدویت را با محدودیت مواجه کرده بود (همان، ص ۱۷۷-۱۸۱)؛ ولی با گذشت زمان و پیشگامی برخی مهدویت‌پژوهان که این تهمت‌ها را به جان خریدند و نشان دادند که می‌توان درباره مهدویت، موسسه و مرکز تشکیل داد (همان، ص ۱۹۸ و ۱۹۹)؛ ولی خوانشی از مهدویت ارائه کرد که با نیازهای انقلاب اسلامی هم‌راستا باشد و با برخی قرائت‌ها که به انجمن حجتیه نسبت داده می‌شود، هیچ‌گونه شباهتی نداشته باشد. بنابراین، با کنار رفتن مانع مذکور، مقتضی نشر آموزه مهدویت اثر خود را به بهترین شکل گذاشت و تجربه‌ای بی‌نظیر در ارائه آموزه مهدویت در تاریخ تشیع رقم زد.

از این‌جا است که می‌توان حدس زد تطور در ارائه مهدویت، هم از وضعیت عصر متأثر است و هم به خوانشی که از مهدویت در حوزه علمیه قم مطرح است؛ ارتباط دارد. روشن است اگر حوزه علمیه قم قرائتی از مهدویت داشت که با انقلاب اسلامی و حکمرانی در عصر غیبت سنخیتی نداشت، نمی‌توانست چنین در عرصه ارائه مهدویت پویا و فعال باشد. به هر رو، در این بازه بیست‌ساله، فعالیت‌های بسیاری در ارائه آموزه مهدویت در حوزه علمیه قم صورت گرفته است که گزارش آن، نوشتار مستقلاً می‌خواهد؛ با این حال به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) موسسات و مراکز مهدوی که ذیل حوزه علمیه قم فعالیت می‌کنند؛ مثل مرکز تخصصی مهدویت و موسسه آینده روشن؛

ب) تالیف کتاب‌های متعدد و متنوع متناسب با ذائقه هر مخاطب؛

ج) چاپ و نشر مجلاتی که به مقالات مرتبط با مهدویت می‌پردازند؛ مثل مشرق موعود،



پژوهش‌های مهدوی، جامعه مهدویت، پژوهش‌نامه مهدویت و انتظار موعود؛  
د) کارهایی که برای ارائه مهدویت به نوجوانان و کودکان صورت گرفته است؛ مثل ماهنامه  
انتظار نوجوان برای قشر نوجوان و مجله ملیکا و سایت دردانه برای قشر کودک؛  
ه) برگزاری همایش‌های گوناگون با موضوع مهدویت، خصوصاً همایش دکترین مهدویت و  
همایش‌های پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی که تا کنون هفده بار برگزار شده و هجدهمین  
آن در شرف برگزاری است.



## نتیجه‌گیری

مباحث مطرح شده در حوزه علمیه قم، عمده معارف اهل بیت را در برمی‌گیرد؛ تقریباً در هر بحثی که تمرکز شود، می‌توان تاثیر حوزه علمیه را بر آن بحث مشاهده کرد. اندیشه مهدویت یکی از این آموزه‌ها است که هر کس اندک توجهی به رهاوردهای حوزه علمیه قم در این زمینه داشته باشد و آثار پیشا سده اخیر را با آثاری که خصوصاً در انتهای این سده توسط اندیشمندان حوزه علمیه قم نگارش شده است، مقایسه‌ای نه چندان تفصیلی هم بکند؛ تغییراتی را که در مباحث مربوط به حضرت مهدی است، مشاهده می‌کند که در این نوشتار از پنج نوع تغییر و تطور در اندیشه مهدویت صحبت شد: تطور روشی، تطور دامنه‌ای، تطور تبیینی، تطور غایی و تطور ارائه‌ای. از این میان دو تطور دامنه‌ای و ارائه‌ای، الزاماً بیش از آن که تطوری در اندیشه مهدویت باشند؛ کاشف از تطور در اندیشه مهدویت هستند.

به تعبیر دیگر، برای فهم تطور اندیشه مهدویت در سده اخیر، در کنار توجه به مقتضیات عصر فعلی، ارتباطات گسترده بین المللی و شبهات جدید در مورد مهدویت، توجه به پیوند مهدویت، انقلاب اسلامی و حوزه علمیه قم، در فهم تطور صورت گرفته در اندیشه مهدویت، دارای نقش کلیدی است. از کنار هم گذاشتن مجموع قراین و شواهد، چنین به دست می‌آید که آموزه مهدویت در سده اخیر از آموزه‌ای صرفاً اعتقادی که در پیش از این سده و تاحدودی در بخشی از این سده بر آن تأکید می‌شد؛ به اندیشه‌ای راهبردی که می‌توان جنبه‌های مختلف زندگی را پوشش دهد، تبدیل شده است. تطوراتی را که در این نوشتار ذکر شد، باید ذیل همین نکته اساسی فهم کرد.



## منابع

۱. آل بویه، علیرضا (تابستان ۱۴۰۱). *وضعیت فلسفه اخلاق در حوزه علمیه در سده اخیر*، نقد و نظر، شماره ۱۰۶.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن بطوطه، محمد بن عبد الله (بی تا). *تحفة النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار*، رباط، مطبوعات أكاديمية المملكة المغربية.
۴. ابن سیده المرسی، علی (۱۴۲۱ق). *المحکم و المحيط الأعظم*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر.
۷. احمد مختار، عمر (۱۴۲۹ق). *معجم اللغة العربية المعاصرة*، بی جا، عالم الکتب.
۸. اسفندیاری، مصطفی (بی تا). *حجت موجه*، بی جا، انتشارات بصیرت.
۹. الهی نژاد، حسین (پاییز ۱۳۹۷). «*تحلیل روش شناسی عقلی مهدویت پژوهی*»، انتظار موعود، شماره ۶۲.
۱۰. بروجردی، حسین (بی تا). *نهایة الأصول*، تهران، نشر تفکر.
۱۱. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی*، ترجمه کامل المنجد الابدی، تهران، اسلامی.
۱۲. پرهیزکار، غلامرضا (۱۳۸۹). *انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۳. پور طباطبایی، مجید (بی تا). *در جستجوی قائم* عجل الله تعالی فرجه الشریح، قم، مسجد مقدس جمکران.
۱۴. تاجری نسب، غلامحسین (بی تا). *فرجام شناسی حیات انسان*، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۱۵. تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۱۲ق). *الحاشیة علی تهذیب المنطق للتفتازانی* مصحح: عبد الله بن حسین یزدی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱). *امامت پژوهی* (بررسی دیدگاههای امامیه، معتزله و اشاعره)، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد.



۱۷. جمعی از نویسندگان (بی تا). *فی رحاب اهل البيت* عليه السلام، قم، المجمع العالمي لاهل البيت عليه السلام.
۱۸. جوادی آملی، عبد الله (۱۳۹۹). *امام مهدی موجود موعود*، قم، اسراء.
- حائری، عبد الکریم (بی تا). *درر الفوائد* (حائری یزدی، عبدالکریم - طبع قدیم)، قم، مطبعة مهر.
۱۹. حائری قزوینی، مهدی و اصفهانی، محمدتقی (۱۳۸۷). *مکیال المکارم*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۲۰. حمصی رازی، محمود بن علی (بی تا). *المنقذ من التقليد*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. خرازی، محسن (بی تا). *بدايه المعارف الالهيه في شرح عقايد الاماميه*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۳۶۰). *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، قم، بیدار.
۲۳. خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار الشامیه.
۲۵. سلیمیان ریزی، خدامراد (بی تا). *فرهنگ نامه مهدویت*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۶. سند، محمد (بی تا). *دعوی السفارة فی الغیبة الكبرى* (مرکز الدراسات التخصصية فی الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف)، بی جا، بقية العترة.
۲۷. سوزنجی، حسین (پاییز ۱۳۸۳). *مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری*، قسبات، شماره ۳۳.
۲۸. شجاعی مهر، رضا و لک زایی، نجف (پاییز ۱۳۹۷). *کاربست آموزه مهدویت در سپهر سیاسی انقلاب اسلامی ایران*، مشرق موعود، شماره ۴۷.
۲۹. شریعتی، علی (بی تا). *حسین وارث آدم*، تهران، بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی.
۳۰. شریعتی، محسن (پاییز زمستان ۱۳۹۸). «*نقش باورداشت مهدویت در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران*»، پژوهشنامه موعود، شماره ۲.
۳۱. شفیعی سروستانی، اسماعیل (بی تا). *درآمدی بر استراتژی انتظار*، تهران، موعود عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۳۲. صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتب.
۳۳. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۶۵). *انتظار عامل مقاومت و حرکت*، تهران، بنیاد بعثت.



۳۴. \_\_\_\_\_ (بی تا). **گفتمان مهدویت**، (موسسه فرهنگی انتظار نور)، قم، بوستان کتاب.
۳۵. صدر، صدرالدین (بی تا). **المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف**، قم، بوستان کتاب.
۳۶. صدر، محمد باقر (بی تا). **بحث حول المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف**، قم، مرکز الغدير للدراسات الإسلامية.
۳۷. صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۸). **جریان شناسی انجمن حجتیه**. پانزده خرداد، شماره ۲۰.
۳۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸). **شیعه در اسلام**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). **الغیبة**، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
۴۰. عرفانی، محمدقاسم (۱۳۸۶). **جهانی شدن و دکترین مهدویت**، همایش بین المللی دکترین مهدویت، دوره ۳.
۴۱. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰). **الفروق فی اللغة**، بیروت، دار الآفاق الجديدة.
۴۲. غلابینی، مصطفی بن محمد (۱۴۱۴ق). **جامع الدروس العربية**، بیروت، المكتبة العصرية.
۴۳. قزوینی، محمدکاظم، (۱۴۲۷ق). **الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد إلى الظهور**، قم، فاجی الجزائری.
۴۴. گودرزی، مجتبی (۱۳۹۶). **بررسی تحول و تطور مطالعات مهدوی**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۵. لاهیجی، عبد الرزاق بن علی (۱۳۸۳). **گوهر مراد**، تهران، نشر سایه.
۴۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۵). **بحار الأنوار**، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۴۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۳). **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۴۸. مجمع اللغة العربية بالقاهرة (بی تا). **المعجم الوسيط**، بیروت، دار الدعوة.
۴۹. محمد رضایی، محمد (۱۳۹۰). **کلام جدید با رویکرد تطبیقی**، قم، دفتر نشر معارف.
۵۰. محمدی اشتهاردی، محمد (بی تا). **حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فروغ تابان ولایت**، قم، مسجد مقدس جمکران.
۵۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). **مجموعه آثار**، تهران، صدرا.
۵۲. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲). **الإرشاد**، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
۵۳. \_\_\_\_\_ (بی تا). **اوائل المقالات**، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.

۵۴. مهدی پور، علی اکبر (بی تا). **پژوهه مهدوی**، قم، رسالت.

۵۵. موسسه آینده روشن (بی تا). **مهدویت**، قم، مؤسسه آینده روشن.

۵۶. موسوی گیلانی، رضی (بی تا). **دکترین مهدویت**، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی

موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف.

۵۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). **دکترین مهدویت؛ نظریه پردازی براساس فرهنگ مهدوی**، قم،

همایش بین المللی دکترین مهدویت، دوره ۲.

۵۸. نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد (بی تا). **تجربید الاعتقاد**، تهران، مرکز النشر التابع لمکتب

الإعلام الإسلامی.

۵۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم (بی تا). **الغیبه**، تهران، مکتبه الصدوق.

۶۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۸۳). **نجم الثاقب**، قم، مسجد مقدس جمکران.

۶۱. یاقوت حموی، یاقوت بن عبد الله (بی تا). **معجم البلدان**، بیروت، دار صادر.







## سیر تطور آموزه مهدویت در اندیشه فیلسوفان و متکلمان سده اخیر حوزه علمیه قم<sup>۱</sup>

حسن پناهی آزاد<sup>۲</sup>

محمدکاظم خواجه احسنی<sup>۳</sup>

زهرا تام<sup>۴</sup>

### چکیده

«ولایت» و «امامت» کانون معارف شیعه است و آموزه مهدویت به دلیل اتصال و انتساب به امام حجت و حاضر، همواره در کانون تلاش‌های علمی و عملی حوزه‌های علمیه جهان تشیع و بزرگان آن در طول تاریخ بوده است. حکمای حوزه در قرن چهاردهم شمسی، که خود در مرکز تحولات نظری و عینی بوده‌اند، سعی کرده‌اند با نظریه‌پردازی در مورد این آموزه گرانسنگ، ضمن پاسخگویی به شبهات و رفع نیازهای علمی، جامعه شیعه را سرپرستی و هدایت کنند. این پژوهش تلاش دارد با بررسی اندیشه‌های مهدوی حکمای حوزه علمیه قم، ضمن تحلیل مهم‌ترین نظریه‌ها و ابتکارات، سیر تطورات آن‌ها را بررسی و نقاط عطف آن را واکاوی کند. در این زمینه برجسته‌ترین آرای متکلمان و فیلسوفان حوزوی در موضوع مهدویت تحلیل شده و سپس سیر تطورات آن، خصوصاً در سه عرصه‌ای که در کانون توجهات و تأملات ایشان بوده؛ یعنی «اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف»، «انتظار» و «آرمان شهر مهدوی» بررسی شده است.

**واژگان کلیدی:** مهدویت، فیلسوفان حوزوی، متکلمان حوزوی، اثبات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتظار، آرمان شهر.

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته الله علیه تألیف شده است.

۲. دانشیار مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. hasan.panahiazad@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، ایران، تهران (نویسنده مسؤول).

mk.khajeahsani@ut.ac.ir

ztam110@chmail.ir

۴. طلبه سطح چهار تفسیر جامعه الزهراء عجها السلام، قم، ایران.

## مقدمه

«مهدویت» یعنی طریق، فکر و اعتقادی که به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتسب است. هر چند در انتساب، کوچک‌ترین تناسب کافی است؛ معمولاً به تناسب حداکثری سوق می‌یابد. بنابراین، مهدویت‌پژوهی و مهدویت‌شناسی به عنوان عرصه‌ای دانشی و حوزه‌ای مطالعاتی موضوعاتی نظیر وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و جایگاه ایشان در عالم هستی، ظهور و غیبت، انتظار، حکومت دینی، جهانی‌سازی و آینده‌پژوهی را شامل می‌شود.

ولایت و امامت کانون معارف شیعه است و آموزه مهدویت به دلیل اتصال و انتساب به امام حی و حاضر، همواره در کانون تلاش‌های علمی و عملی حوزه‌های علمیه جهان تشیع و بزرگان آن در طول تاریخ بوده است. هدف پژوهش آن است که با بررسی آرا و اندیشه‌های حکمای سده اخیر حوزه علمیه قم در موضوع مهدویت، مهم‌ترین نظریه‌ها و ابتکارات تئوری در این موضوع را واکاوی کرده و ضمن تحلیل سیر تطورات آن‌ها، نقاط عطف آن معرفی گردند. البته در تقریر اندیشه‌های حکما به نظریات عقلی و حکمی آنان بسنده نشده، بلکه ابتکارات نظری آنان در سایر دانش‌ها همچون تفسیر، حدیث و تاریخ نیز مطرح شده است.

به منظور پیشبرد پژوهش، فهرستی از بزرگ‌ترین متکلمان و فیلسوفان حوزه علمیه قم از بدو تأسیس تاکنون، که بالغ بر بیست عالم تراز اول در دهه‌های مختلف است، تهیه شده و جست و جوی کتابخانه‌ای برای یافتن تألیفات و آثار آنان در موضوع تحقیق صورت گرفت. در نهایت دایره پژوهش به اندیشه‌های حکمایی اختصاص یافت که اولاً، نظریات آنان نقطه عطفی در تحولات آموزه مهدویت بر جای گذاشته و ثانیاً، اندیشه‌های آنان در مورد مهدویت چه از طریق تألیفات خودشان و چه از طریق تحقیقات دیگران، در دسترس بوده است.

توضیح آن‌که در تاریخ حکمای سده اخیر، اسامی شخصیت‌هایی به چشم می‌آید که دارای آثار ارزشمندی هستند؛ اما در زمینه مهدویت، اثر مستقل و مجزایی از ایشان بر جای نمانده است. از آن‌جا که موضوع مهدویت در نظام علمی حوزه‌های علمیه، دانش مستقلاً محسوب نمی‌شود؛ از عالمان حوزوی به ندرت تألیف مستقلی در این عرصه ملاحظه می‌شود. به همین دلیل آرا و دیدگاه‌های آنان در این موضوع مهم و تأثیرگذار در لابه‌لای مباحث دیگر و به صورت پراکنده مطرح شده است و غالباً تقریر جامع و کاملی از نظریات ایشان در مورد آموزه مهدویت در



دسترس نیست. این معضل آن قدر جدی است که درباره اندیشمندان گذشته، صورت‌بندی دیدگاه‌های مهدوی آنان بسیار دشوار و احیاناً ناممکن است و درباره هر یک از اندیشمندان متأخر نیز نیازمند پژوهش مفصلی است که خود می‌بایست موضوع مقاله مستقلی باشد. لذا دست‌یابی به آرای مهدوی بزرگان، گاه با جست و جوی اینترنتی و از لایه‌لای اخبار سخنرانی‌ها و بیانات ایشان، خصوصاً در همایش‌ها و نشست‌های پژوهشی و همچنین برخی مصاحبه‌های علمی حاصل شده است. با توجه به همین نکته، هیچ پژوهشی مشابه تحقیق حاضر، که اندیشه‌های مهدوی عالمان دینی را به صورت تطبیقی بررسی کرده باشد، یافت نشد. این تحقیق به اقتضای موضوع و هدفش، با روش تحلیلی - قیاسی انجام شده و متن نهایی بر مبنای چارچوب طرح تفصیلی و پس از مرحله انبوه‌خوانی اسناد و فیش‌برداری از آن‌ها نگارش یافته است. در این زمینه پس از گردآوری آرا و دیدگاه‌های حکیمان حوزوی در موضوع مهدویت، برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین نظریه‌پردازی‌ها به لحاظ علمی و اجتماعی، در سه عرصه که بیش‌تر مورد توجه و تأملات نظری ایشان بوده است؛ دسته‌بندی شد. این ریز موضوعات عبارتند از: اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتظار فرج و وظایف مؤمنان در دوره غیبت و همچنین آرمان‌شهر مهدوی. در پایان ضمن بررسی تطورات نظریه‌های مهدوی حکما، نقاط عطف آن واکاوی و تحلیل شد. نتایج پژوهش، شامل برجسته‌ترین اندیشه‌های نه فیلسوف و متکلم حوزه علمیه قم و بررسی سیر تطورات و نقاط عطف آن‌ها، ذیل سه عنوان مذکور، جداگانه نگارش شد.

#### ۱. اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

«فلسفه»، علم هستی‌شناسی است؛ یعنی درباره هست‌های عالم و ارتباط بین آن‌ها و همچنین قواعد و احکام آن‌ها بحث می‌کند. لذا فیلسوفان اسلامی عموماً از خاستگاه هستی‌شناختی و وجودشناختی به آموزه مهدویت پرداخته و تلاش کرده‌اند جایگاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عالم هستی را تحلیل و همچنین کیفیت و نوع ارتباط ایشان با سایر موجودات را واکاوی کنند. در این زمینه گاهی از روش‌های برهانی و قواعد عقلی بهره گرفته‌اند؛ گاهی از مبانی کلامی و دین‌شناختی و گاهی از روش‌های شهودی و عرفانی و گاهی با تلفیق این



روش‌ها و منابع، به اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف پرداخته‌اند. حکیمان اسلامی از دیرباز برای اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف براهین و قواعد مختلفی مطرح کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: قاعده لطف، قاعده قسر، قاعده امکان اشرف، برهان دوام فیض، برهان غایت‌مندی آفرینش و انسان کامل، برهان عنایت و نظام احسن، بحث اُسماء الله، اصل ربوبیت الاهی. همچنین از زوایه مبانی دین‌شناختی و کلامی همچون نبوت و امامت، خاتمیت، نزاع حق و باطل، به این موضوع پرداخته‌اند.

در این زمینه بخشی از تلاش علمی حکمای سده اخیر ارائه تقریرهای نو و متقن از دلایل سابق برای رفع نواقص و دفع اشکالات مخالفان بوده و تلاش کرده‌اند از این منظر بر استحکام آموزه مهدویت بیفزایند. بخشی از تألیفات و نظریات حضرات آیات: سبحانی، خرازی و امامی کاشانی به این مهم معطوف بوده است. همچنین استفاده از ظرفیت این براهین و قواعد برای پاسخگویی به شبهات نوظهور، خصوصا در موضوع علت و فلسفه غیبت در همین حوزه قابل دسته‌بندی است.

آیت الله سبحانی، در تبیین مبانی عقلی مهدویت، وجود امام را بر اساس سه برهان «دوام فیض»، «قاعده لطف» و «انسان کامل، غایت آفرینش» بیان کرده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۰: ص ۷۷). طبق برهان اول، نبوت و امامت فیضی معنوی است. توضیح آن‌که امت‌های پیشین از فیض الاهی به واسطه نبی بهره‌مند بوده‌اند و دلیلی نداریم که بعد از انبیا، ارتباط بشر با عالم بالا قطع شده و جوامع پس از انبیا از این فیض محروم شود. به تعبیر دیگر، دلیلی نداریم که خَلَف، از این فیض سَلَف محروم باشد و چنین محرومیتی خلاف عدل الاهی است. از دیدگاه شیعه، این فیض بعد از انبیا، به واسطه امام، به عنوان انسان کاملی هر دوران جریان می‌یابد که آن واسطه در دوران کنونی، حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌باشد (همان، ص ۶۹-۷۲). دلیل دوم ایشان بر اثبات وجود امام، «قاعده لطف» است. طبق این قاعده، اختلاف بشر همیشگی است و لذا جامعه نیازمند کسی است تا امت را از خطای مطلق باز دارد. به تعبیر دیگر، برای این‌که جامعه به طور مطلق گمراه نشود، دست کم نیازمند یک محور حق و باطل است که همان امام است. در واقع، از منظر عقل، چنین امکانی برای خداوند هست و هیچ مانعی برای جریان لطف او نیست. از دیدگاه ایشان، مفاد حدیث نبوی «لا تجتمع أمتی علی الضلالة» (طبرسی، ۱۴۰۳:

ج ۲، ص ۴۵)، بر فرض اعتبار سندی آن، همین است. ایشان ریاست امام بر جامعه و مراقبت او نسبت به مردم را از لوازم این قاعده دانسته و می‌گوید: در غیر این صورت، قاعده لطف تمام نیست (همان، ص ۷۲-۷۴). بنا بر برهان سوم، خداوند عالم هستی را برای غایتی آفریده است و این غایت به فعل حضرت حق برمی‌گردد؛ چون اگر به خداوند (فاعل) برگردد، موجب نقص فاعل و لذا محال است. روشن است که همه بشر نمی‌تواند غرض خداوند باشد؛ زیرا افراد غاصب و ظالمی در بین ایشان وجود دارند؛ لذا ناچار باید بگوییم که جهان برای انسان کامل خلق شده است؛ یعنی این جهان برای آن خلق شده که در دامن خود، انسان کاملی را پرورش دهد. البته انسان کامل دارای مراتبی است و همه آن‌ها می‌توانند هدف آفرینش باشند؛ اما اگر مرتبه قوی انسان ممکن است، دلیلی بر عدم خلق آن نیست. به تعبیر دیگر اگر کامل‌ترین انسان که همان امام است نباشد، فعل الهی یا غایت ندارد و یا این که فاقد غایت کامل است (همان، ص ۷۶-۷۷).

آیت الله خرازی، وجود امام در هر عصر را بر اساس لزوم ارتباط بین خلق و خالق، یا به سبب نبوت و یا امامت، ثابت کرده است (خرازی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۳۵) و در ادامه صرف وجود امام را قطع نظر از سایر ابعادش، در نظام احسن الهی لطف می‌داند که علم، رحمت و کمال مطلق پروردگار آن را اقتضا می‌کند (همان، ج ۲، ص ۱۵۲). بنابراین، تصرف امامان یکی از ابعاد لطف آنان است که به صورت ظاهری یا باطنی محقق می‌شود و غیبت امام فقط یکی از ابعاد لطف ایشان را منع می‌شود (همان، ج ۲، ص ۱۵۳). همچنین در بحث علت غیبت، به تنافی اولیه غیبت امام با قاعده لطف الهی چنین پاسخ می‌دهد: «غیبت ناشی از تقصیر مردم است و شرط تحقق عدل عمومی در همه جهان آن است که بیش‌تر مردم پذیرای عدالت عمومی از جانب شخص الهی باشند» (همان، ج ۲، ص ۱۴۸). ایشان در این زمینه به استدلال شهید صدر استناد کرده است که می‌گوید:

چنین انقلاب بزرگی تنها با ظهور رسالت الهی و رهبری صالح قابل انجام نیست، وگرنه در زمان نبی اکرم ﷺ تحقق می‌یافت، بلکه بستر مناسب جهانی و فضای عمومی مساعدی می‌خواهد که زمینه انقلاب و عملیات جهانی را فراهم شود (صدر، ۱۴۱۷: ص ۷۹-۸۰).



آیت‌الله خرازی در اثبات ضرورت امام، نظریه‌ای جدید به نام «برهان استکمال» نیز مطرح کرده است. وی پس از اثبات اضطرار به حجت و معناشناسی حجت، در تقریر این برهان می‌گوید:

خدای متعال کمال بی‌نهایت است و می‌تواند دیگران را، اعم از انسان‌ها و سایر موجودات به کمال خویش برساند. از سوی دیگر، هر موجود باشعوری خواهان استکمال است و این استکمال به افاضه باری تعالی بستگی دارد و تمامیت این افاضه وقتی است که حجت تمام شود. چنین استکمالی هم مرحله اخلاقی و رشد نفس را شامل می‌شود و هم در باره احکام جاری است. به تعبیر دیگر، اگر کسی در هر مرتبه‌ای از مراتب روحی، بخواهد سیر و سلوک کند و به مقامات عالی برسد و قابلیت‌اش را هم دارد؛ ولی خداوند متعال، امامی و راهنمایی برای او نگذارد، بخل ورزیده است و این خلف است. ایشان تصریح دارند که این برهان عقلی محض نبوده و برخی پیشفرض‌های نقلی همچون افاضه باری تعالی و انحصار مجرای فیض در حجت در آن نهفته است. از دیدگاه وی، این برهان از قاعده لطف و امکان اشرف مناقشات کم‌تری دارد (خرازی، ۱۳۸۲: ص ۵۶-۵۹).

از سوی دیگر، برخی علما سعی کرده‌اند با ارائه دلایل جدید و تولید ادبیات و اصطلاحات روزآمد، در ارتقا و تکمیل دلایل اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گام بردارند.

علامه طباطبایی در تبیینی جدید، منجی‌گرایی را بر اساس قانون هدایت عمومی و مدینه فاضله اثبات کرده است. طبق این قانون که در همه انواع آفرینش جاری است، نوع انسان به حکم ضرورت، به نیرویی (نیروی وحی و نبوت) مجهز است که او را به سوی سعادت نوعی راهنمایی می‌کند و بدیهی است اگر چنین کمالی برای انسان امکان وقوع نداشته باشد، اصل تجهیز لغو و باطل خواهد بود. به تعبیر دیگر، انسان در درون خویش برای رسیدن به زندگی اجتماعی مقرون به سعادت امید و آرزو دارد و اگر چنین خواسته‌ای امکان تحقق خارجی نداشت، هرگز چنین آرزویی در نهاد وی نقش نمی‌بست. لذا ضرورتاً جهان در آینده، روزی را خواهد داشت که در آن، جامعه بشری از عدل و داد پر شده و افراد انسان با صلح و صفا، غرق فضیلت و کمال شوند. البته تحقق چنین روزی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه‌ای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ص ۱۹۴-۱۹۵). ایشان در جایی دیگر این

نظریه را به اصل فطرت پیوند داده است و زمان ظهور را عرصه تحقق همه خواسته‌های فطری انسانی معرفی می‌کند (همان، ۱۳۸۴: ص ۷۳).

از دیگر ابتکارات ایشان که در مسائل مهدویت نیز امتداد دارد، تعریف امامت به «هدایت باطنی و ملکوتی» است. توضیح آن که عالمان شیعی از دیرباز در مقام بیان تفاوت امامت با نبوت، امامت را به زمامداری و تدبیر امور جامعه تعریف کرده‌اند؛<sup>۱</sup> اما از دیدگاه علامه طباطبایی، امامت، مقام هدایت باطنی و ملکوتی به معنای ایصال به مطلوب است؛ بر خلاف مقام نبوت که هدایتش به معنای ارائه طریق است. (همان، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۷۲-۲۷۳ و ج ۱۴، ص ۳۰۴). طبق این نظریه، «امام بر اساس پیوند با مقام کن فیکون و ارواح انسان‌ها و به عنوان مظهر مقلّب القلوب، هر چیز را بر اساس ملکوت آن و با تصرف در قلب آن هدایت می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۹۷ الف: ج ۶، ص ۴۱۵-۴۱۶). این نظریه مبتنی بر «عالم‌أمر» و در تفسیر المیزان، عمدتاً ذیل آیات ۱۲۴ سوره بقره، ۷۳ سوره انبیاء و ۲۴ سوره سجده مطرح شده است؛ اما ایشان در رساله «الانسان قبل الدنيا» تصریح دارند که نظریه عالم‌أمر، همان دیدگاه عوالم سه‌گانه: «ماده»، «مثال» و «عقل» در رویکرد فلسفی است (طباطبایی، ۱۴۲۸: ص ۱۵-۱۷). از جمله آثار این نظریه در موضوع مهدویت، اثبات ضرورت امامت در همه دوران‌هاست؛ چرا که هدایت ایصالی در همه زمان‌ها ضرورت دارد. لذا علامه ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره پس از بیان نظریه هدایت باطنی امام، سومین نتیجه این نظریه را چنین بیان می‌کند: «أن الأرض و فیه الناس، لا تخلو عن إمام حق» (همان، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۷۵). امتداد دیگر این نظریه در تبیین فواید امام غایب است. یکی از اشکالات مخالفان در موضوع مهدویت، آن است که اگر وجود امام برای بیان احکام دین و راهنمایی مردم است، غیبت امام ناقض این غرض است. علامه در پاسخ به این اشکال، با بهره‌گیری از نظریه هدایت باطنی امام، معتقد است که وظیفه امام تنها بیان صوری معارف و راهنمایی ظاهری مردمی نیست، بلکه علاوه بر آن‌ها ولایت و رهبری باطنی اعمال را به عهده دارد و حیات معنوی مردم را تنظیم می‌کند؛ چرا که طبق این نظریه، حضور و غیبت امام بر هدایت باطنی تأثیری نداشته و امام از راه باطن به نفوس و ارواح مردم اشراف و اتصال دارد؛ اگر

۱. ر.ک: شیخ طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۴۴۶ و طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۰.



چه از چشم جسم ایشانی مستور است (همان، ۱۳۸۸: ص ۱۹۷-۱۹۸).

آیت‌الله امامی کاشانی نیز از منظری دیگر، ضرورت مهدی موعود را بر اساس استقرای مرکب و همچنین فلسفه تاریخ اثبات کرده است. ایشان در تبیین ضرورت امام بر اساس استقرای مرکب - که بر نظریه شهید صدر در کتاب «الأسس المنطقیة للإستقراء» مبتنی می‌باشد- می‌گوید: استقرا و جست و جو در حالت‌های گوناگون و انواع مدیریت‌ها و مؤسسات، ما را به این یقین می‌رساند که تعیین جانشین و نصب وصی، در کار عقلا ریشه‌ای عمیق دارد و همگان به حکم عقل برای دوران پس از خود جانشینی برمی‌گزینند (امامی کاشانی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۲۴۳). وی در ادامه با بررسی دلایل نقلی و تاریخی تأکید می‌کند که بررسی سیره انبیا، به ویژه پیامبران اولوالعزم و صاحبان شرایع در زمینه تعیین اوصیا، در می‌یابیم که تعیین وصی، نه تنها عملی عقلایی محض، بلکه جزئی از سیره و رفتار انبیا و اولیای خداست (همان، ص ۲۴۷). مصنف عنصر سوم این استقرا را جامعیت و فراگیری اسلام در بیان و تأمین نیازهای جامعه برشمرده و در پایان نتیجه می‌گیرد که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هرگز از بیان اوصاف کامل وصی آخرین خویش، امام مهدی علیه السلام دریغ نفرموده است (همان، ص ۲۵۸).

آیت‌الله امامی کاشانی همچنین ضرورت منجی را بر اساس فلسفه تاریخ تحلیل کرده است. وی ضمن مسلم دانستن حرکت مستقیم و تکاملی تاریخ، هشت دیدگاه مختلف درباره موضوع این تکامل را نقد کرده و در بیان دیدگاه اسلام می‌گوید: اولاً، حرکت پیش‌رونده جامعه بشری به سوی کمال، پدیده‌ای فطری است؛ ثانیاً، سنت‌های الهی همچون پیروزی حق بر باطل، بر حرکت جامعه بشری حاکمیت دارد و همراه آن انسان در انتخاب راه خویش از آزادی برخوردار است؛ ثالثاً، در جریان حرکت پیش‌رونده تاریخ به سوی کمال، امکان وقوع انحطاط‌ها و سقوط تمدن‌ها وجود دارد (همان، ص ۳۰۲). لذا در پایان نتیجه می‌گیرد که نهضت جهانی و تاریخی امام مهدی موعود صلی الله علیه و آله همان آینده روشن تاریخ است که انسان کامل با بهره‌گیری از آموزه‌های الهی به آن دست می‌یابد (همان، ص ۳۱۰) و در این زمینه به دیدگاه‌های فارابی درباره مدینه فاضله استناد می‌کند. ایشان در استدلالی دیگر، ضرورت منجی را بر اساس اصل فطرت صورت‌بندی کرده است. از دیدگاه وی، فطرت از دو منظر بر وجود امام و مصلح جهانی دلالت دارد: نخست، گرایش فطرت به توحید و فروعش که ولایت کانون و محور آن است؛ و

دوم، گرایش ذاتی انسان به استقرار امنیت و عدالت در سراسر جهان که از طریق عقل فطری و به اقتضای ضمیر و باطن آدمی حاصل می‌آید (همان، ص ۸۷).

با تأمل در دلایل اثبات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و استدلال‌های مطرح شده، نکاتی چند قابل طرح است: اولاً، دلایل مذکور به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شرایط خاص دوران غیبت اختصاص ندارد، بلکه تمامی استدلال‌های مطرح شده درباره سایر ائمه معصوم علیهم السلام نیز قابل بیان است. به تعبیر دیگر، از مباحث اختصاصی مهدویت شمرده نمی‌شود، بلکه به امامت عامه ناظر است. ثانیاً، دلایل مذکور ضرورت امامت را در حوزه تکوین اثبات می‌کند و نسبت به امتداد آن در مقیاس هدایت تاریخ و جامعه ساکت است. لذا نسبت به تمایزات دوران غیبت و ظهور ائمه علیهم السلام که یکی از مسائل جدی مهدویت پژوهی در عصر غیبت است، تحلیل جدی ارائه نمی‌کند.

ثالثاً، ضرورت دارد که این شیوه ورود به مباحث مهدویت با توجه به محوریت اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن و نوع دلایل مطرح شده، از حیث مسئله‌یابی و معرفت‌شناسی واکاوی شود. همان‌طور که شهید صدر تصریح دارند، قبل از ورود به مباحث مهدویت باید خاستگاه و ریشه مسائل و شبهات را تحلیل کرد (صدر، ۱۴۱۷: ص ۵۱). شاید بتوان گفت که پیش‌فرض مباحث حکمی گذشته این بوده که مسئله عمده در موضوع مهدویت، اثبات ذهنی و منطقی وجود حضرت و پاسخگویی به منکران اصل مهدویت بوده است. در پاسخ باید گفت ممکن است این‌گونه مسئله‌شناسی در برخی دوره‌های تاریخی و در مواجهه با برخی مذاهب رقیب قابل پذیرش باشد؛ اما مسئله مستحدثه زمانه ما، مرعوب شدن بخش‌هایی از جامعه مؤمنان در مواجهه با دستگاه ظالمانه و استکباری طاغوت و شبهه کارآمدی حکومت دینی در عصر غیبت است.

به نظر می‌رسد، نظریه‌پردازی استاد مطهری و علامه مصباح یزدی درصدد رفع همین کاستی‌ها بوده است. شهید مطهری، ضمن ارائه تبیینی نو از ختم نبوت، ضرورت امامت پس از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان مرجع حل اختلافات عقلا و علما اثبات می‌کند. وی با رد دیدگاه مرحوم اقبال که با تکیه به بلوغ عقلی بشر و توانایی او در دریافت کل برنامه هدایت، ختم نبوت را به معنای ختم دیانت دانسته است؛ با ارائه نظریه جدیدی در نسبت بین عقل و وحی، دیانت



و امامت را در دوران پس از نبی اکرم ضروری دانسته است. بنا بر تقریر استاد مطهری، تحقق خاتمیت مستلزم سه امر است: توانایی بشر در حفظ کتاب آسمانی و عدم تحریف آن (مطهری، ۱۳۷۱ الف: ج ۳، ص ۴۱-۴۲)؛ وجود عالمان و مجتهدانی که بتوانند برنامه کلی دین را بر حوادث زمانه تطبیق دهند (همان، ۱۳۷۱ ب: ص ۳۶ و همان، ۱۳۷۲ ب: ص ۱۰۷) و انسانی که مرجع حل اختلاف بین علما باشد که همان امام است (همان، ص ۵۱-۵۲). مزیت این تبیین آن است که مسیر را برای مرجعیت و حکومت فقها در عصر غیبت فراهم می‌کند. جالب توجه آن که در همین چارچوب، شبهه بی‌فایده بودن امام غایب نیز حل می‌شود؛ چرا که با توجه به جایگاه علما، وظیفه اصلی امام از حیث رفع اختلافات، ارائه روش فهم دین است، نه این که تا ابد به صورت مستقیم محتوای دین را ارائه کند. لذا غیبت از زمانی شروع می‌شود که کلیات روش‌های صحیح فهم دین، تعلیم و تثبیت شده است. البته ایشان نظریه علامه طباطبایی مبنی بر ولایت باطنی و تکوینی ائمه را نیز به طور مفصل مطرح کرده و از این طریق نیز به این شبهه پاسخ گفته است (همان، ۱۳۷۰: ص ۵۶-۷۱).

علامه مصباح یزدی، نیز در کتاب «آموزش عقاید» ضرورت وجود امام زمان و هدف ایشان را بر اساس حکومت الهی جهانی اثبات کرده است. از دیدگاه وی یکی از اهداف انبیا تشکیل جامعه ایده‌آل بر اساس خدایپرستی و ارزش‌های الهی، و گسترش عدل و داد در سراسر زمین بوده است که فقط با تشکیل حکومت الهی جهانی تحقق می‌یابد. از سوی دیگر می‌دانیم که به‌رغم حرکت انبیا برای تحقق این هدف و برپایی برخی حکومت‌ها در محدوده جغرافیایی و زمانی خاص؛ امکان تشکیل چنین حکومت جهانی برای هیچ‌کدام از ایشان فراهم نشده است. از آن جا که امامت متمم نبوت و تحقق بخش حکمت خاتمیت است، می‌توان نتیجه گرفت که این هدف به طور کامل به وسیله آخرین امام تحقق خواهد یافت (مصباح، ۱۳۷۷: ص ۳۲۹-۳۳۰). لذا از منظر ایشان مفهوم «مهدویت» برآیندی از سه مؤلفه است: اولاً، با جهانی‌شدن تلازم دارد؛ چرا که گسترش عدل در همه عالم مستلزم آن است که این جوامع به نحوی با هم ارتباط پیدا کنند و از وصف جهانی بودن برخوردار شدند؛ ثانیاً، در زمان ظهور، حکومت واحد و مرکزی بر جهان حاکم می‌شود؛ یعنی علاوه بر جهانی‌شدن به معنای ارتباطات اقتصادی یا علمی یا ایدئولوژیک، نوعی وحدت سیاسی نیز وجود دارد؛ ثالثاً، در رأس آن

حکومت یک مرد الهی مورد تأیید است؛ یعنی حکومت به دست یک پیشوای معصوم خطاناپذیر اداره می‌شود (همان، ۱۳۸۶: ص ۱۷).

در جمع‌بندی می‌توان گفت که دیدگاه‌ها و مباحث علامه مصباح در موضوع مهدویت چند امتیاز مهم دارد: اولاً، نگاهی کارکردگرایانه دارد؛ یعنی به کارکردهای فردی، اجتماعی و حکومتی این آموزه در زندگی و عملکرد مؤمنان توجه دارد؛ ثانیاً، عینی است؛ یعنی به وظایف منتظران در قبال نظام جمهوری اسلامی به عنوان جلوه کوچکی از حکومت جهانی حضرت تأکید دارد؛ ثالثاً، جهان شمول است؛ یعنی مباحث جهانی‌سازی را ذیل آموزه مهدویت امتداد داده و به دنبال ارائه ابعاد مشترک جهانی آن است.

آیت الله جوادی آملی، با ابتکاری اساسی، شروع مباحث مهدوی خویش را مباحث امام شناسی قرار داده است و لذا ذیل مباحث مهدوی، به واکاوی معرفت و جایگاه امام پرداخته و آن را در سه بخش «امامت عامه»، «امامت خاصه» و «مهدویت شخصی» مطرح کرده است. به نظر می‌رسد چنین تبویبی با لسان نصوص دینی سازگارتر است و گویا از دیدگاه ایشان بحث اثبات وجود حضرت اولویت چندانی ندارد و مسئله‌ای خرد به شمار می‌آید. البته ایشان در لابه‌لای همین مباحث، ضرورت وجود امام را تحت عنوان وجه نیازمندی بشر به امام مطرح کرده و به ابدیت بشر و نیازمندی به معلم را برای وصول به رستگاری ابدی استدلال کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۴۷-۴۹). چنین عنوانی با ادبیات منابع روایی ما تناسب بیش‌تری دارد؛ چنان‌که مرحوم کلینی «کتاب الحجّة» اصول کافی را با «باب الاضطرار الی الحجّة» شروع کرده است.

## ۲. انتظار فرج

یکی از موضوعات مهدویت که حکیمان و اندیشمندان حوزوی درباره آن نظریه پردازی کرده‌اند، بحث «انتظار فرج»، به عنوان تکلیف ویژه مؤمنان در دوران غیبت است. از دیرباز معمولاً عالمان دینی در پایان مباحث مهدویت به وظایف مؤمنین نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته و به تکالیفی همچون تهذیب اخلاقی، تقویت معرفتی، ارتباط قلبی و معنوی و آمادگی روحی و جسمی اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال، آیت‌الله خرازی در پایان مباحث مهدویت



خویش، ضمن بیان تنبیهات چهارگانه مرحوم سید صدرالدین صدر، مواردی همچون اصلاح نفس، تخلق به اخلاق نیکو و تحصیل معارف را به عنوان تکالیف منتظر واقعی مطرح کرده است (خرازی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۳۲۶-۳۲۷ به نقل از المهدی، ۱۳۵۸: ص ۲۱۱-۲۱۲) که کاملاً به آثار فردی انتظاری و تکالیف آحاد مؤمنان ناظر است.

با شروع نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی در سال ۱۳۴۲، نظریه‌پردازی در موضوع انتظار، از حیثه فردی و شخصی فراتر رفته و در مقیاس اجتماعی تحلیل شده است؛ یعنی علاوه بر تبیین وظایف فردی آحاد مؤمنان در دوران غیبت، وظایف جامعه مؤمنان در زمینه‌سازی ظهور مطرح شده و تکالیفی همچون برقراری عدالت و مقابله با فساد، مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی و ایستادگی و مقاومت در برابر کشورهای ظالم و استکباری برای جامعه مؤمنان برشمرده شده است. آیت‌الله سبحانی در مقاله «قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت واحد جهانی»، وظایف اجتماعی مؤمنان، برای زمینه‌سازی حکومت جهانی حضرت مهدی را این‌گونه معرفی کرده است: تکامل صنایع، تشکیل ارتش جهانی امام، تکامل خرد و اندیشه انسانی و آمادگی روحی جهانیان (سبحانی، ۱۳۶۳: ص ۱۸-۲۲).

استاد مرتضی مطهری یک گام فراتر رفته و نظریه انتظار خویش را در مقیاس تاریخی صورت‌بندی کرده است. وی با بهره‌گیری از مبانی دینی در مورد نزاع تاریخی حق و باطل، انتظار فرج و قیام آن حضرت را از زاویه فلسفه تاریخ تحلیل کرده است. از دیدگاه وی، قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین حلقه از مبارزات حق و باطل است که در سرتاسر تاریخ برپا بوده است. لذا مؤمن معتقد به آرمان مهدویت، به گذشته تاریخ و مسیر آن درکی متفاوت دارد و نزاع‌ها و مصائب اجتماعی را بخشی از نبردهای جبهه حق و باطل می‌بیند و جایگاه خود را در یکی از مراحل این سلسله به هم پیوسته بازشناسی می‌کند. لذا در دیدگاه ایشان، انتظار فرج امری سازنده، تحرک‌بخش و تعهد آور است، نه انتظاری ویرانگر، بازدارند و فلج‌کننده زیرا نگرش اخیر نوعی اباچیگری محسوب می‌شود. وی همچنین تلاش کرده در چارچوب همین نظریه، به مهم‌ترین اندیشه‌های رقیب و شبهات برخاسته از آن پاسخ دهد.

با توجه به اهمیت دیدگاه ایشان، بنیان‌های نظریه مذکور و صورت‌بندی کلان آن به اختصار بیان می‌گردد: از دیدگاه شهید مطهری، جامعه و تاریخ دارای شخصیت و طبیعت مستقل

هستند و عامل اصلی حرکت آن، انسان است: «عامل اصلی حرکت تاریخ، فطرت تکامل جو و قناعت‌ناپذیر انسان است که به هر مرحله‌ای برسد، مرحله بالاتر را آرزو و جست و جو می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۲ج: ج ۲۴، ص ۴۲۸). از آن‌جا که انسان موجودی مختار و آزاد و انتخابگر می‌باشد، تاریخ در حرکت خود نوسانات دارد؛ ولی در مجموع یک خط سیر تکاملی را طی کرده و می‌کند (همان، ۱۳۷۳: ص ۴۳-۴۴). از منظر ایشان، نبردهای پیشبرنده و تکاملی تاریخ ماهیت طبقاتی ندارند؛ بلکه در طول تاریخ گذشته و آینده نبردهای انسان تدریجاً بیش‌تر جنبه ایدئوتیک پیدا می‌کنند (همان، ۱۳۷۲ج: ج ۲۴، ص ۴۲۷-۴۲۸) و قیام مهدی عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشریف موعود آخرین حلقه از مجموع حلقه‌های مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است (همان، ۱۳۷۳: ص ۵۹). لذا درکی که مؤمن معتقد به مهدویت از گذشته تاریخ، وضعیت فعلی او و مسیر تاریخ دارد با درک انسان کافر بسیار متفاوت است. انسان مؤمن همه تلاش‌های جریان حق را سلسله به هم پیوسته‌ای می‌بیند که به هم کمک می‌رسانند و نبردهای پیش‌برنده تاریخ را نبردهای جبهه حق و جبهه باطل می‌بیند و جایگاه خود را در یکی از این مراحل بازشناسی می‌کند (همان، ص ۴۳-۴۴).

از دیدگاه ایشان، انتظار فرج، انتظاری سازنده، تحرک‌بخش و تعهدآور است که بافضیلت‌ترین عبادت شمرده شده است، نه انتظاری ویرانگر، بازدارنده و فلج‌کننده که مورد اخیر نوعی اباچیگری محسوب می‌شود (همان، ۱۳۷۲ج: ج ۲۴، ص ۴۳۶). این تبیین در واقع پاسخی به انجمن حجتیه و پیروان آن است. بنابراین، منتظر عدل جهانی کسی است که خودش عدل را دوست داشته باشد و در درجهٔ اول خودش اهل عدل خواهد بود. به لحاظ اجتماعی نیز هر حرکت اصلاحی که با پیروزی حق همسو باشد، وظیفهٔ منتظران است. پس اصلاحات جزئی و تدریجی نه تنها محکوم نیست، بلکه به نوبهٔ خود، آهنگ حرکت تاریخ را به سود اهل حق تند می‌کند و بر عکس، فسادها، تباهی‌ها و فسق و فجورها کمک به نیروی مقابل است و آهنگ حرکت تاریخ را به زیان اهل حق گُند می‌کند (همان، ج ۲۴، ص ۴۲۸). شهید مطهری همچنین به نقد دیدگاه اگزیستانسیالیستی از تاریخ پرداخته که برای اراده انسان نقش محوری در تحولات تاریخی قائل است، در عین حال، معتقد است هدفی ورای انسان نیست و خود انسان باید برای خود هدف بیافریند (همان، ۱۳۷۲الف: ص ۵۱-۴۶). طبق این دیدگاه، انتظار به



معنای اعتراض همیشه‌گی به هر وضعی است و مستلزم اصالت انقلاب است. به نظر می‌رسد این دیدگاه در پاسخ به اندیشه دکتر شریعتی در کتاب «انتظار، مذهب اعتراض» می‌باشد.

نکته حائز اهمیت آن که تحقق وظایف جمعی مؤمنان در دوران غیبت، جز با تأسیس حکومت دینی در عصر غیبت امکان‌پذیر نیست. لذا تئوری‌پردازی امام خمینی علیه السلام در زمینه حکومت دینی و بنیان‌گذاری چنین حکومتی بر محور ولایت فقیه با پیروزی انقلاب مردمی ملت ایران، یکی از نقاط عطف تاریخ عصر غیبت در زمینه مقدمه‌سازی ظهور است. بنا بر اندیشه امام خمینی، تشکیل حکومت ضرورتی عقلی و دینی برای تمام دوران بوده و هرگز تعطیل‌بردار نیست:

این حرف که قوانین اسلام تعطیل‌پذیر یا منحصر و محدود به زمان یا مکان خاصی است، بر خلاف ضروریات اعتقادی اسلام است ... به ضرورت شرع و عقل آنچه در دوره حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و زمان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام لازم بوده؛ یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره [جامعه]، پس از ایشان و در زمان ما لازم است (خمینی، ۱۳۷۸: ص ۲۷).

ایشان با استناد به دلایل نقلی معتقدند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف راویان حدیث را حجت خود بر مردم و جانشین خود قرار داده است و لذا مردم موظفند در تمام امورشان به ایشان رجوع و از آنان اطاعت کنند: «فقه‌های جامع شرایط از طرف معصومان نیابت در تمام امور شرعی و سیاسی و اجتماعی دارند و تولی امور در غیبت کبرا موقوف به آنان است» (خمینی، ۱۳۷۸: الف: ج ۱۶، ص ۴۰۳).

ایشان از سوی دیگر، زمینه‌سازی ظهور را با برپایی حکومت میسر می‌دانند و می‌فرمایند:

ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود (همان، ج ۸، ص ۳۷۴).

چرا که از دیدگاه ایشان قدرت، شرط واجب است نه شرط وجوب. به تعبیر دیگر قدرت شرط تحصیلی است نه شرط حصولی؛ یعنی ما نباید بنشینیم تا شرایط خود به خود حاصل شود و کارها بی‌خطر به پیش رود، بلکه باید در تحصیل قدرت تلاش و آن شرایط را ایجاد کرد (جوادی



آملی، ۱۳۸۷: ص ۵۴).

لذا امام خمینی، آرمان انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی در ایران را از مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی فراتر و به عنوان مقدمه‌ای برای انقلاب جهانی حضرت مهدی می‌دانستند. ایشان در آغاز نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۱ خطاب به یکی از مبارزان، هدف و مراحل نهضت را چنین مطرح می‌کنند: شما بدانید که مبارزه ما سه مرحله دارد: اول، اسلامی کردن ایران؛ دوم، اسلامی شدن کشورهای اسلامی؛ سوم، اسلامی شدن جهان. آن روز است که به مولا عرض می‌کنیم: مولا! جهان منتظر قدوم مبارک شماست (پورسید آقایی، ۱۳۸۳: ص ۱۵). ایشان با صدور پیامی در آخرین نیمه شعبان عمرشان، مسیر آینده انقلاب را از دل درگیری همه‌جانبه با شرق و غرب توصیف کرده و وظیفه مسؤولان و مردم را در این نزاع تمدنی و مصایب اقتصادی آن چنین بیان می‌کنند:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی، اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید؛ ولی این، بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند. مردم عزیز ایران که حقاً چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختی‌ها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسی شان که نشر اسلام در جهان است، برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری و صمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند. چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقه مستضعف فشار می‌آورد؛ ولی هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دولت دنیای امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با امریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده‌اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار می‌کنند. این روشن است که شکستن فرهنگ شرق و غرب، بی





شهادت میسر نیست (خمینی، ۱۳۷۸ الف: ج ۲۱، ص ۳۲۵).

در مقابل نظریه انتظار امام و تأسیس حکومت برای زمینه‌سازی ظهور، نگرش‌های انحرافی مختلفی وجود داشتند و امام تلاش کردند با پاسخگویی مستدل و منطقی، جلو ترویج آن‌ها و آثار مخربشان را بگیرند که مهم‌ترین آن نظریات مخرب، عبارتند بودند از نفی تأسیس هر گونه حکومتی قبل از ظهور (همان، ج ۲۱، ص ۱۳-۱۶)، بی‌عملی و فرار از مسؤلیت در دوران انتظار فرج (همان، ج ۳، ص ۳۴۰-۳۴۱)، بی‌تفاوتی و سازش‌کاری با مستکبران و ستمگران (همان، ج ۲۱، ص ۱۳)، نفی امر به معروف و نهی از منکر به منظور فراگیری ظلم (همان، ص ۱۴)، دامن زدن و گسترش گناه و ظلم در عالم (امام خمینی، ۱۳۷۸ ب: ص ۶۹).

در اندیشه امام خامنه‌ای راهبرد انتظار، علاوه بر تبیین ضرورت تأسیس حکومت اسلامی، یک گام فراتر رفته و مسیر پیشبرد حکومت در جهت تحقق ظهور را نیز مشخص می‌کند. انتظار از دیدگاه امام خامنه‌ای بی‌عملی نیست، بلکه نوعی عمل است و به همین دلیل در روایات انتظار به «افضل الأعمال» تعبیر شده است. به بیان دیگر، انتظار به معنای رهاکردن و نشستن برای این‌که کار به خودی خود صورت بگیرد نیست، بلکه انتظار خود نوعی حرکت و آمادگی است:

انتظار به معنای این است که ما باید خودمان را آماده کنیم، برای سربازی امام زمان، سربازی امام زمان کار آسانی نیست، سربازی آن منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی دارد، احتیاج به آگاهی دارد، احتیاج به روشن‌بینی دارد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰).

در اندیشه ایشان، فرج نهایی به صورت تدریجی محقق می‌شود و مؤمنان و وظیفه دارند با کسب قدرت زمینه را برای ظهور آماده کنند:

عدالتی که ما در انتظار آن هستیم با موعظه و نصیحت به دست نمی‌آید؛ یعنی مهدی موعود ملت‌ها نمی‌آید ستمگران عالم را نصیحت کند که ظلم و زیاده‌طلبی و سلطه‌گری و استثمار نکنند. با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه عالم مستقر نمی‌شود. استقرار عدالت چه در سطح جهانی، آن طور که وارث انبیا انجام خواهد داد، و چه در همه بخش‌های دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند»



(همان).

لذا از دیدگاه ایشان زمینه‌سازی ظهور جز با تحقق حکومت اسلامی امکان‌پذیر نیست:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک زمینه مساعد و مناسب ظهور خواهد کرد، نه در یک زمینه نامساعد (بیانات آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷) «قبل از آمدن امام زمان، مقدمات پر شدن دنیا از عدل و داد باید وجود داشته باشد. امام زمان می‌آید، حکومت صددرصد عادلانه را به وجود می‌آورد. قبل از آن که این حکومت عادلانه صددرصد به وجود بیاید، ای بسا مردم، بندگان خدا، مؤمنین، مبارزین بتوانند حکومت عدالت پنجاه درصد، شصت درصد، هفتاد درصد، را به وجود بیاورند و من می‌خواهم به شما برادران و خواهران بگویم که بدون به وجود آمدن حکومت عادلانه‌ی الهی با درصد بالا، آمدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امکان‌پذیر نیست. اگر انقلاب اسلامی انجام نمی‌گرفت، امکان و احتمال ظهور امام زمان خیلی کم‌تر بود» (بیانات آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۳/۰۲/۲۷).

بنابراین جمهوری اسلامی، هرچه به سمت عدالت و اجرای احکام اسلامی پیش‌تر برود، ظهور نزدیک‌تر خواهد شد.

نظریه ایشان در مورد انتظار، علاوه بر تبیین ضرورت تأسیس حکومت اسلامی، یک گام فراتر رفته و راهبردهای پیشبرد حکومت همسو با تحقق ظهور را نیز مشخص می‌کند. ایشان در بیانیه راهبردی گام دوم که منشور اساسی برای چهل سال دوم انقلاب اسلامی است، هدف نهایی انقلاب را ایجاد تمدن جدید اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمای معرفتی کرده‌اند (همان، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) و مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی در اندیشه ایشان شامل «پیروزی انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی، تمدن اسلامی» (همان، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸)؛ در واقع گویای مراحل و سیر زمینه‌سازی ظهور در انقلاب اسلامی است. از دیدگاه ایشان ایجاد جامعه منتظر، بر تشکیل دولت اسلامی متوقف است و انقلاب اسلامی در مرحله کنونی می‌بایست با اتکا بر جوانان، به عنوان موتور محرک جامعه و پیشران تحول و پیشرفت کشور، دولت اسلامی را شکل دهد که دو اقدام اساسی ایجاد نهادهای انقلابی و جبهه فرهنگی انقلاب توسط امامین انقلاب در همین چارچوب قابل تحلیل است. بنا بر دیدگاه محققان، شکل‌گیری جامعه اسلامی نیازمند حلقه واسطی است که حرکت جامعه را بر اساس



آرمان‌ها و تفکر رهبر جامعه به پیش ببرد؛ چرا که ارتباط بین «ولّی جامعه» و «توده‌های مردمی»، مستقیم و بی‌واسطه نیست، بلکه همراهی و نقش‌آفرینی عامه مردم، به مجموعه‌ای واسط نیازمند است که وظیفه دولت اسلامی را به عهده گیرند. بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب، می‌بایست مجموعه‌ای به عنوان امتّ وسط پیدا شوند که وظیفه دولت‌سازی اسلامی را به عهده بگیرند. طبیعتاً هماهنگ‌سازی و ساماندهی این نیروها به یک قرارگاه نیازمند است که همان جبهه انقلاب است (میرباقری، ۱۳۹۸: ص ۶۶). تحقق دولت و جامعه اسلامی در ایران و اثبات عینی کارآمدی نظام اسلامی، برای سایر ملت‌ها الهام‌بخش بوده و با الگوگیری از آن حرکت به سمت تمدن اسلامی تسریع می‌شود:

ما امروز در سطح جهان باید کاری کنیم که عمل اسلامی و خواست اسلامی در کشور ما، با برجستگی در مقابل چشم ملت‌ها قرار بگیرد... طرفداران اسلام بایستی بتوانند اسلام را در چشم آن‌ها آن‌چنان شیرین و پُر جاذبه نشان بدهند که احساسات آن‌ها هرگز به سردی نگراید و این امید در دل آن‌ها باقی بماند؛ و این نمی‌شود، مگر این‌که جامعه ما از لحاظ مادی، از لحاظ معنوی، از لحاظ نظم، از لحاظ امنیت، از لحاظ تلاش‌های اجتماعی و از لحاظ همه اندازه‌ها و میزان‌هایی که در یک جامعه پیشرفته مورد نظر است، پیشگام باشد (بیانات آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۱/۰۲)

در جمع‌بندی کلان می‌توان گفت راهبرد انتظار در جامعه مؤمنان، از سه رکن تشکیل می‌شود: «احتراز»، «اعتراض» و «سازندگی». بنابر رکن احتراز، جامعه مؤمنان در طول تاریخ زیر بار نظام‌های ظالمانه نمی‌رود و همواره مرزبندی خویش را با جامعه کفار حفظ می‌کند و درون آن استحاله نمی‌شود؛ برخلاف برخی جریان‌های انحرافی که سازش با دشمن و عدم مقاومت را تجویز می‌کنند. از سوی دیگر، احتراز و مرزبندی با دشمن را به معنای کناره‌گیری و حاشیه‌نشینی قلمداد نمی‌کند، بلکه نسبت به نظام‌های سلطه موضع اعتراضی و سازش‌ناپذیر دارد؛ چرا که می‌داند نپذیرفتن سلطه طاغوت، به تهاجم آنان به جامعه مؤمنان منجر خواهد شد و سکوت در این عرصه به منزله آتش‌بس یکجانبه خواهد بود. سرانجام طبق راهبرد سوم، سعی می‌کند در دل درگیری با دشمن، تهدیدها را به فرصت تبدیل و تشکیلات جامعه مؤمنان را در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، نظامی و اجتماعی بازسازی کند. در این زمینه برنامه‌ریزی‌ها و



اسناد کلان حکومت دینی می‌بایست هم در چارچوب راهبرد انتظار نگاشته شود و هم ساختارهای کلان جامعه مؤمنان بر همین اساس ایجاد گردد. تأکید مقام معظم رهبری بر تدوین الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی و ایجاد دولت اسلامی به عنوان مرحله سوم انقلاب اسلامی و مقدمه جامعه‌سازی اسلامی بر همین افق مبتنی است.

### ۳. آرمان شهر مهدوی

یکی از مسائل عمده حکمت عملی، اداره جامعه است و فیلسوفان بزرگی همچون افلاطون، الگوی آرمانی جامعه را «مدینه فاضله» یا «اتوپیا» تعبیر کرده‌اند. این موضوع در میان اندیشمندان مسلمان صبغه دینی به خود گرفت و اندیشمندان بزرگی همچون فارابی، آرمان‌شهر اسلامی را بر اساس مبانی فلسفی خویش تحلیل کرده‌اند. از آن‌جا که در حکمت شیعی موضوع آرمان‌شهر مطلوب با جامعه موعود گره خورده است؛ عالمان شیعی در دوران اخیر، ذیل مباحث مهدویت به ارتباط این دو پرداخته و مدینه فاضله را با عنوان آرمان شهر مهدوی توصیف کرده‌اند.

از اندیشمندان معاصر حوزه علمیه قم، آیت‌الله عبدالله جوادی آملی به صورت مبسوط به این موضوع پرداخته است و اهداف، ویژگی‌ها و سیمای کلی دولت کریمه مهدوی را در مقابل جهانی‌سازی به مثابه اندیشه آرمان‌شهری مکاتب مادی کنونی معرفی می‌کند. از دیدگاه وی، هدف غایی مدینه فاضله تربیت انسان‌ها و گام برداشتن به منظور خلیفه‌الله گشتن است:

همان‌گونه که نظام داخلی انسان را روح و جسم او می‌سازد، ولی اصالت از آن روح است و بدن پیرو روح می‌باشد... تأمین مدینه فاضله نیز برای پرورش انسان‌هایی است که در جهت خلیفه‌الله گشتن گام برمی‌دارند و اصالت در بین دو رکن یاد شده، همانا از آن خلافت الاهی است (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ج ۱، ص ۱۳).

به تعبیر دیگر، تشکیل مدینه فاضله، هدف دوم یا میانی خلقت بشر و در خدمت پرورش انسان و تهذیب اوست. طبق این اندیشه، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان انسان کامل و رهبر مدینه فاضله دو رسالت اصلی بر عهده دارد: یکی افروختن و پاسداشت سراج وحی و دیگری حراست از سلامت مصباح عقل و دیده بصیرت بشر (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۲۵۱). یکی از ویژگی‌های



عمده جامعه موعود، تکامل عقل نظری و عملی در پرتو حکومت مهدوی است. با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عقل اسیر هواپرستی آزادی خویش را بازیافته و به برکت وجود حضرت همچون گنجی نهفته اثاره<sup>۱</sup> می‌شود و با بهرمندی از سرچشمه وحی شکوفا می‌گردد و بدین سان، مدینه آرمانی به دست انسان‌های با عقل کمال یافته تحقق می‌یابد (همان، ص ۲۶۱-۲۶۳). ایشان با اشاره به پیشرفت همه‌جانبه مدینه فاضله مهدوی، مواردی از رشد صنعت و تکنولوژی جامعه مهدوی را تشریح می‌کند. از دیدگاه ایشان، برخی تکنولوژی‌های ارتباطی دوران کنونی از آثار و علائم ظهور است و بخش کامل‌تر آن در زمان ظهور حضرت محقق می‌گردد (همان، ص ۲۶۶-۲۶۸). ایشان در بیان دیگری در ترسیم هندسه مدینه مهدوی، دو رکن اساسی را معرفی می‌کنند: یکی غنای قلوب مردم و تقویت روح استغنا در آنان و دیگری تحقق عدل فراگیر (همان، ص ۲۵۵). از دیدگاه ایشان، برقراری عدالت در جامعه و حکومت سه شرط اساسی دارد: «قانون عادلانه»، «رهبر عادل» و «امت عدل خواه و عادل». با توجه به این که ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف عدل ممثل هستند و قانون الهی نیز بر اساس عدل است؛ نتیجه می‌گیرند که مشکل عدم تحقق حکومت دینی از ناحیه جامعه است (همان، ۱۳۸۳: ص ۴۴).

نکته مهم این که از دیدگاه امام خمینی، عدالتی که در عصر ظهور محقق خواهد شد، فراتر از رفاه مادی است و همه مراتب انسانیت را شامل می‌شود:

هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند؛ لکن موفق نشدند... و آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد، بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت. انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش؛ این ایجاد عدالت است در انسان... حضرت صاحب این معنا را اجرا خواهد کرد و در تمام عالم زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد به همه مراتب عدالت (خمینی، الف ۱۳۷۸: ج ۱۲، ص ۴۸۰-۴۸۲).

۱. برانگیختن. برگرفته از بیان امیرمؤمنان عجل الله تعالی فرجه الشریف: «وَيُيْمِرُوا لَكُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱).

به نظر می‌رسد ایشان به دنبال تبیین حقیقت عدالت از منظر اسلام و تمایز آن با عدالت مطرح در مکاتب مادی همچون سوسیالیسم و لیبرالیسم هستند.

شهید مطهری نیز در بحثی در زمینه عدالت به عنوان هدف انبیا و غایت تاریخ، دیدگاه‌های مختلف در نسبت بین عدالت و عبودیت را بررسی کرده است. وی در گفتار اول از کتاب «هدف زندگی»، برخلاف دیدگاه‌هایی که عدالت را اصل و عبودیت را مقدمه آن، یا هر دو را هدفی مستقل می‌دانند؛ یا این‌که هر دو را به صورت توأمان اصیل تلقی می‌کنند؛ معتقد است در قرآن کریم و متون دینی هدف اصلی انبیا عبودیت است و عدالت هدف متوسط و میانه شمرده می‌شود (مطهری، ۱۳۷۲ ج: ۲۹، ص ۳۳۳-۳۴۳). یکی دیگر از ابتکارات مهم شهید مطهری، الهام‌گیری از آرمان ظهور برای اصلاح وضعیت موجود است. از دیدگاه وی، وضع مطلوب و آرمانی عصر ظهور، موعود اصلی اسلام است که سمت و سوی حرکت اسلامی را به سوی انتظار بزرگ نشان می‌دهد (همان، ۱۳۹۰ ج: ۹، ص ۳۸۶-۳۸۸). جالب توجه آن‌که وی این الهام‌گیری را فراتر از آرمان‌های فردی و اجتماعی، بلکه در اهداف حکومتی نیز مطرح کرده و می‌گوید: «همان‌طوری که سیره واقع‌شده رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام، مثلاً امیرالمؤمنین در دوره چهارساله خلافت، نشان‌دهنده آرمان‌های اسلامی است؛ سیره توصیف‌شده مهدی در آینده نیز معرّف آرمان‌های اسلامی است» (همان، ج ۹، ص ۳۸۶). وی در ادامه می‌کوشد فهرستی از ارکان و عناصر مختلف آرمان مهدی را در زمینه‌های فلسفی و جهان‌بینی، فرهنگی و آموزشی و پرورشی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، انسانی و طبیعی معرفی کند (همان، ص ۳۸۸-۳۹۲).

یکی از نظریات بدیع علامه طباطبایی در موضوع مهدویت تبیین نسبت بین ظهور، رجعت و قیامت ذیل آیه ۲۱۰ سوره بقره است. ایشان با استناد به دلایل نقلی معتقد است که ظهور مرتبه‌ای است از رجعت و این دو مرتبه‌ای از قیامت هستند و لذا نتیجه می‌گیرد که از آیات قرآنی ناظر به قیامت، می‌توان در تحلیل مختصات قرآنی دوره ظهور بهره گرفت. علامه همچنین تلاش کرده است این آموزه را مبتنی بر نظام هستی‌شناسی حکمت متعالیه تبیین کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ج: ۲، ص ۱۰۶-۱۰۹).

ترسیم جامعه آرمانی مهدوی و ضرورت الگوبرداری از آن در حکومت عصر غیبت؛ بر همه عرصه‌های فردی و اجتماعی آثار علمی و عینی شگرفی دارد. ورود مطالعات مهدوی به حوزه



آینده‌پژوهی در سالیان اخیر بر همین اساس بوده است و ضرورت نظریه‌پردازی فیلسوفان و متکلمان اسلامی برای امتداد حکمت تا عرصه عینیت و پاسخگویی به نیازهای حکومت دینی را مضاعف می‌کند. حکمای اسلامی کوشیده‌اند ضمن نظریه‌پردازی در عرصه‌های مهمی همچون عدالت، پیشرفت و عقلانیت؛ ضمن تبیین این مفاهیم بر اساس حکمت اسلامی، تمایز آن را با تعاریف مکاتب مادی نشان دهند. به نظر می‌رسد ابتکار علامه طباطبایی در قاعده «وقوع مرحله‌ای قیامت» و نگرش به ظهور، به عنوان مرحله‌ای از تحقق قیامت، گامی بلند در استفاده منضبط و روشمند از منابع دینی در این زمینه است؛ به طوری که الگوی روشی مناسبی به منظور تولید حکمت مضاف در حوزه آینده‌پژوهی و فرآوری اندیشه‌های مهدوی در عرصه‌های مختلف علمی، خصوصاً در زمینه سیاست‌گذاری و ساختارسازی پیش‌روی عالمان و صاحب‌نظران قرار می‌دهد.



## نتیجه‌گیری

در این پژوهش سیر تطور اندیشه‌های فیلسوفان و متکلمان معاصر حوزه علمیه قم در موضوع مهدویت مورد پژوهش قرار گرفت و نقاط عطف آن‌ها در سه موضوع محوری زیر که بیش‌تر مورد توجه و تأمل ایشان بوده است؛ بررسی شد:

اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف: حکیمان اسلامی از دیرباز برای اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف براهین و قواعد مختلفی مطرح کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: قاعده لطف، قاعده قسر، قاعده امکان اشرف، برهان دوام فیض، برهان غایت‌مندی آفرینش و انسان کامل، برهان عنایت و نظام احسن، بحث اُسماء الله و اصل ربوبیت الهی. همچنین از زاویه مبانی دین‌شناختی و کلامی همچون نبوت و امامت، خاتمیت، نزاع حق و باطل، به این موضوع پرداخته‌اند.

در این زمینه بخشی از تلاش علمی حکمای سده اخیر ارائه تقریرهای نو و متقن از دلایل سابق برای رفع نواقص و دفع اشکالات مخالفان بوده و تلاش کرده‌اند از این جهت بر استحکام آموزه مهدویت بیفزایند. بخشی از تألیفات و نظریات حضرات آیات: «سبحانی، خرازی و امامی کاشانی به این مهم معطوف بوده است. از سوی دیگر، برخی علما سعی کرده‌اند با ارائه دلایل جدید و تولید ادبیات و اصطلاحات روزآمد در ارتقا و تکمیل دلایل اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گام بردارند. علامه طباطبایی با استناد به قانون هدایت عمومی و اصل فطرت، منجی‌گرایی را اثبات کرده است. ایشان همچنین با تعریف امامت به هدایت باطنی و ملکوتی، ضرورت امام در همه دوره‌ها را اثبات و فواید امام غایب را بر این اساس تبیین کرده است. آیت الله امامی کاشانی نیز با روشی ابتکاری، ضرورت مهدی موعود را بر اساس استقرای مرکب و همچنین فلسفه تاریخ اثبات کرده است.

استاد مطهری ضمن ارائه تبیینی نو از ختم نبوت، ضرورت امامت پس از نبی اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان مرجع حل اختلافات عقلا و علما اثبات کرده است. از دیدگاه علامه مصباح، تشکیل جامعه آرمانی انبیا، فقط با ایجاد حکومت الهی جهانی ممکن است؛ اما شرایط تشکیل چنین حکومت جهانی برای هیچ‌کدام از ایشان فراهم نشده است و از آن‌جا که امامت متمم نبوت و تحقق‌بخش حکمت خاتمیت است، می‌توان نتیجه گرفت این هدف به طور کامل به وسیله آخرین امام، تحقق خواهد یافت. مزیت این دو تحلیل آن است که مسیر را برای مرجعیت و





حکومت فقها در عصر غیبت فراهم می‌کند. سرانجام آیت‌الله عبدالله جوادی آملی با ابتکاری اساسی، شروع مباحث مهدوی خویش را مباحث امام شناسی قرار داده است و لذا ذیل مباحث مهدوی، به واکاوی معرفت و جایگاه امام پرداخته است. به نظر می‌رسد چنین تبویبی با لسان نصوص دینی سازگارتر است و گویا از دیدگاه ایشان بحث اثبات وجود حضرت اولویت چندانی ندارد و مسئله‌ای خرد به شمار می‌آید.

انتظار: از گذشته تاکنون معمولاً عالمان دینی در پایان مباحث مهدویت به وظایف مؤمنان نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه پرداخته و به تکالیفی همچون تهذیب اخلاقی، تقویت معرفتی، ارتباط قلبی و معنوی با حضرت مهدی و آمادگی روحی و جسمی برای ظهور اشاره کرده‌اند. با شروع نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی نظریه‌پردازی در موضوع انتظار، از حیثه فردی و شخصی فراتر رفته و به مقیاس اجتماعی ارتقا یافته است؛ یعنی علاوه بر تبیین وظایف فردی آحاد مؤمنان در دوران غیبت، وظایف جامعه مؤمنان و زمینه‌سازی ظهور نیز مطرح شده و تکالیفی همچون برقراری عدالت و مقابله با فساد، مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی، ایستادگی و مقاومت در برابر کشورهای ظالم و استکباری؛ برای مؤمنان برشمرده شده است. استاد شهید مطهری یک گام فراتر رفته و نظریه انتظار خویش را در مقیاس تاریخی صورت‌بندی کرده است. وی با بهره‌گیری از مبانی دینی در مورد نزاع تاریخی حق و باطل، انتظار فرج و قیام آن حضرت را از زاویه فلسفه تاریخ تحلیل کرده است. لذا در دیدگاه ایشان انتظار فرج امری سازنده، تحرک‌بخش و تعهد آور است، نه انتظاری ویرانگر، بازدارند و فلج‌کننده که نوعی اباحیگری محسوب می‌شود.

نظریه‌پردازی امام خمینی در زمینه حکومت دینی و بنیانگذاری چنین حکومتی بر محور ولایت فقیه با پیروزی انقلاب مردمی ملت ایران، یکی از نقاط عطف تاریخ عصر غیبت به‌منظور مقدمه‌سازی ظهور است. راهبرد انتظار علاوه بر تبیین ضرورت تأسیس حکومت اسلامی، یک گام فراتر رفته و مسیر پیشبرد حکومت در جهت تحقق ظهور را نیز مشخص می‌کند. مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی در اندیشه امام خامنه‌ای شامل پیروزی انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی، در واقع مراحل و سیر زمینه‌سازی ظهور در انقلاب اسلامی را بیان می‌کند. در این زمینه هم برنامه‌ریزی‌ها و اسناد کلان حکومت دینی می‌بایست

در چارچوب راهبرد انتظار نگاشته شود و هم ساختارهای کلان جامعه مؤمنان بر همین اساس ایجاد گردد.

آرمان شهر مهدوی: ترسیم جامعه آرمانی مهدوی و ضرورت الگوبرداری از آن در حکومت عصر غیبت، دارای آثار علمی و عینی شگرفی در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی است. ورود مطالعات مهدوی به حوزه آینده‌پژوهی در سالیان اخیر بر همین اساس بوده است. حکیمان معاصر کوشیده‌اند ضمن نظریه‌پردازی در عرصه‌های مهمی همچون عدالت، پیشرفت و عقلانیت؛ ضمن تبیین این مفاهیم بر اساس حکمت اسلامی، تمایز آن را با تعاریف مکاتب مادی نشان دهند. به نظر می‌رسد ابتکار علامه طباطبایی در قاعده «وقوع مرحله‌ای قیامت» و نگرش به ظهور به عنوان مرحله‌ای از تحقق قیامت، گامی بلند در استفاده منضبط و روشمند از منابع دینی در این زمینه است.

نکته پایانی این‌که آموزه مهدویت در اندیشه عالمان سده اخیر حوزه علمیه قم، رشد و تکامل فوق‌العاده‌ای داشته است؛ به طوری که از اعتقادی جزئی و خرد در حوزه اعتقادات فراتر رفته و نه تنها به اعتقادی بنیادین و محوری در عرض سایر اصول کلان اعتقادی و کلامی بدل گشته است؛ بلکه به نظریه‌ای حاکم در منظومه فکری دین و طرح کلی اسلام ارتقا یافته که بر سایر حوزه‌های علمی و عملی مهیمن بوده و به آن‌ها جهت می‌دهد. اندیشمندان دینی نه تنها پاسخگوی شبهات معاصر خویش در موضوع مهدویت بوده‌اند، بلکه مرزهای کلامی قدیم را شکافته و این آموزه را در مقیاس اجتماعی و تاریخی مطرح کرده‌اند. چنین نظریه فراگیر و هویت‌بخش در مسیر تکامل خود، چنان ظرفیتی دارد که بتواند زیربنا و پشتیبان سایر علوم و کارشناسی‌های موردنیاز حکومت اسلامی در جهت تحقق دین حداکثری و ایجاد تمدن جدید اسلامی قرار گیرد.



## منابع

### قرآن کریم

۱. امامی کاشانی، محمد (۱۳۸۷). *خط امان در ولایت صاحب الزمان* عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. پور سید آقایی، مسعود (زمستان ۱۳۸۳). «*انفجار نور، زمینه ساز ظهور*»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۴.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷ الف). *تسنیم*، قم، انتشارات اسراء.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷ ب). *تفسیر موضوعی قرآن (مبانی اخلاق در قرآن)*، قم، انتشارات اسراء.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). *نوآوری های فقهی امام خمینی*، مجله افق حوزه، شماره ۱۹۱.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). *امام مهدی* عجل الله تعالی فرجه الشریف، موجود موعود، قم، انتشارات اسراء.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). *مهدویت و عدل الهی*، نشریه انتظار، شماره ۱۳.
۸. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸). *نگاهی به نظریه انتظار*، در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای (مجموعه بیانات)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۹. خرازی، محسن (۱۳۸۰). *بدایه المعارف الإلهیه فی عقاید الإمامیه*، مترجم: مرتضی متقی نژاد، قم، انتشارات عصر غیبت.
۱۰. \_\_\_\_\_ (تابستان و پاییز ۱۳۸۲). *مصاحبه با آیت الله خرازی*، مجله انتظار، شماره ۸ و ۹.
۱۱. خمینی، روح الله (۱۳۷۸ الف). *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ ب). *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۳۸۰). *مبانی کلامی مهدویت*، نشریه انتظار، شماره ۱.
۱۴. \_\_\_\_\_ (پاییز ۱۳۹۳). *عدل منتظر* (مجموعه‌ای از گفتارهای درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، تهران، آفاق.
۱۵. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق). *نهج البلاغه*، مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت.
۱۶. صدر، سید صدرالدین (۱۴۲۴ ق). *المهدی فی کتب الصحاح والسنن*، بیروت، دارالرافدین.
۱۷. صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۷ ق). *بحث حول المهدی* عجل الله تعالی فرجه الشریف، محقق: دکتر عبدالجبار شراره،

قم، مرکز الغدير للدراسات الإسلامية.

۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۲۸ق). *الانسان والعقیده*، قم، نشر باقیات.

۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی

للمطبوعات.

۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *شیعه در اسلام*، قم، بوستان کتاب.

۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). *غیبت، ظهور و رجعت*، نشریه موعود، شماره ۵۳.

۲۲. طبرسی، احمدبن علی (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی.

۲۳. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴). *آفتاب ولایت*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی.

۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷). *آموزش عقائد*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل

سازمان تبلیغات اسلامی.

۲۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). *فرهنگ مهدویت و دکترین انتظار* (سخنرانی در دومین

همایش دکترین مهدویت)، فصلنامه فرهنگ پویا، شماره ۵.

۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). *ولاءها و ولایتها*، تهران، صدرا.

۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱ الف). *مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی*، با ترجمه وحی و نبوت، تهران،

صدرا.

۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱ ب). *ختم نبوت*، تهران، صدرا.

۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲ الف). *امامت و رهبری*، تهران، صدرا.

۳۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲ ب). *خاتمیت*، تهران، صدرا.

۳۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲ ج). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران، صدرا.

۳۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳). *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، تهران، صدرا.

۳۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). *یادداشتها*، تهران، صدرا.

۳۴. میریاقری، محمد مهدی (۱۳۹۸). *عصر جدید* (خوانشی از مفاهیم و راهبردهای بیانیه گام

دوم)، قم، تمدن نوین اسلامی.





## سیر تطور آثار مکتوب (برگزیده) مهدوی در سده اخیر حوزه علمیه قم<sup>۱</sup>

سید مجتبی معنوی<sup>۲</sup>

### چکیده

«تطور صد سال مطالعات مهدویت در حوزه علمیه قم»، موضوعی است که پژوهش حاضر به آن پرداخته است. روش تحقیق در این مقاله از نوع میدانی و کتابخانه‌ای است. هدف از انجام تحقیق، ارائه سیر تطور آثار برگزیده مطالعات کمی و کیفی مهدویت، در حوزه علمیه قم است. تمرکز مقاله بر مطالعه مهدویت در حوزه علمیه طی سده اخیر و مقایسه رویکرد به آن، قبل و بعد از انقلاب اسلامی است. تحلیل حدیثی مهدویت، تبیین مهدویت، کتاب‌شناخت مهدویت و تحقیق علمی، از مهم‌ترین مراحل تطور مطالعه مهدویت در حوزه علمیه قم به شمار می‌آیند که این رویکرد، به نشر بیش از دوهزار مقاله علمی، سیصد و پنجاه رساله و بیش از شش‌هزار اثر توصیفی تحلیلی، در عرصه‌های مختلف منجر شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند در عرصه‌های پژوهش و نشر آثار مهدویت جهش مطالعاتی مناسبی روی داده است و به پدید آمدن تطورات مهمی در مطالعه مهدویت منجر شده است. این تطورات، مطالعه مهدویت را در حوزه علمیه قم از مسئله‌ای حدیثی و کلامی به حوزه مطالعات علوم تربیتی، سیاسی و اجتماعی توسعه داده است.

**واژگان کلیدی:** مهدویت، تطور مطالعات مهدویت، حوزه علمیه قم، سده اخیر، آثار مکتوب.

---

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله تألیف شده است.

sm.manavi@chmail.ir

۲. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، ایران

## مقدمه

بررسی تطور آثار مهدویت از هزاره اول غیبت تا کنون نشان می‌دهد طی هزار و اندی سال که از غیبت کبرا می‌گذرد، مسئله مهدویت، فراز و فرودهای مطالعاتی مهمی داشته است. این مسئله از قرون گذشته تا کنون، با رویکردهای، حدیث‌نگاری، تبیین، توصیف، تحلیل، نقد و... مورد توجه محدثان و متکلمان و محققان قرار گرفته است. از آن جا که تبلور این مطالعه در آثار روایی و کتاب‌های ناظر به ثبت تراث حدیثی مشهودتر است؛ سیر بحث و بررسی حدیثی مهدویت بر تولد، تجمیع و تبویب حدیث متمرکز شده است.

مطالعات انجام شده در زمینه مهدویت، پیشینه سیر تطور مطالعه این مسئله را به صورت مستقیم به ما چندان نشان نمی‌دهد؛ هر چند برخی آثار به صورت تک نگاشته در این باره قابل مطالعه است. حسینی عربی در مقاله‌ای که، آثار مهدویت در دوره قاجار را بررسی کرده است، بیش‌تر به معرفی چهره‌هایی پرداخته که مجموعاً بیش از صد و بیست اثر مکتوب در باره مهدویت قلم زده‌اند (حسینی عربی، ۱۳۷۸: ص ۴۷). الهی نژاد در کتاب «مهدویت پژوهی تطورات و آسیب‌ها»، گونه‌های مطالعات مهدوی را به بحث گذارده است. او معتقد است از ابتدای قرن اول تا پایان غیبت صغرا در مجموع شصت و سه کتاب و از شروع غیبت کبرا تا قرن سیزدهم سصد و سی و پنج کتاب تألیف شده است و این، به آن معناست که در دوران غیبت صغرا هر سه سال و در دوران غیبت کبرا هر پنج سال به صورت میانگین یک کتاب نوشته شده است (الهی نژاد، ۱۴۰۱: ص ۱۸۶). با وجود این، آثار منسجمی که بتوان بر آن‌ها به عنوان پیشینه سیر تطور آثار مکتوب مهدویت در سده اخیر حوزه علمیه قم تکیه کرد؛ سامان نیافته است.

تأمل در آثار مهدوی مکتوب نشان می‌دهد سیر مطالعه مهدویت در قرون اولیه مطالعه مهدویت، بر تجمیع و تبویب حدیث استوار است. کتاب‌های «غیبت» نعمانی، «کافی» کلینی، «کمال‌الدین» صدوق و «غیبت» طوسی از این قبیل‌اند. این روش تا قرن چهاردهم هجری ادامه داشته است. «بحارلأنوار» و «اثبات الهداة» بهترین کتاب‌هایی هستند که در قرن یازدهم نگارش شده‌اند. از قرن چهاردهم، یعنی از صد سال پیش، سیر مطالعه مهدویت به تدریج وارد مرحله جدیدی شده است که به تکمیل، تصحیح، و تحقیق کتاب‌های حدیث و دیگر مراحل منجر شده است.



## مرحله اول: اندیشه ورزی اعتقادی و تربیتی در باره مهدویت

سیر مطالعه مهدویت در سده اخیر و همزمان با مکتب سامرا در زمان میرزای شیرازی، روند بهتری به خود گرفته و با نگارش سالی دو کتاب، مجموع کتاب‌های مهدویت به ۶۶۷ کتاب می‌رسد. با وجود این، در کمال تعجب، قبل از انقلاب هیچ نشریه مهدوی شامل مجله، روزنامه و هفته‌نامه و ماهنامه مستقلی نمی‌یابیم. تنها آثاری پراکنده و معدود در این زمینه، تدوین شده‌اند.<sup>۱</sup>

ولی اتفاق مهمی که در این دوران، یکی از مراحل مهم تطور مطالعه مهدویت را رقم می‌زند، توجه به مهدویت به عنوان اندیشه‌ای مؤثر بر اعتقادات و اخلاق است. تدوین کتاب‌هایی با این رویکرد، بن مایه خود را از روایات مهدویت گرفته و حتی در پاره‌ای از موارد به سبک کتاب‌های حدیثی نوشته شده‌اند؛ اما این بار، نگارش همه احادیث به منظور حفظ تراث ائمه صورت نمی‌گیرد و مهدویت به عنوان موضوعی اعتقادی مورد توجه قرار گرفته و با گزینش و تبویب احادیث متناسب با رویکرد اعتقادی در قالب مسئله محور، آثار اخلاقی و تربیتی مهدوی شکل می‌گیرند. در این آثار که به زبان فارسی و عربی نوشته شده‌اند، تلاش می‌شود اندیشه مهدویت به عنوان بنیان اعتقادی مطرح و مورد توجه قرار گیرد. هرچند تعداد قابل توجهی از آن‌ها در این مرحله خارج از حوزه علمیه قم نگارش شده‌اند؛ همین مرحله بستر مطالعه مهدویت با رویکرد دیگری را در حوزه علمیه قم پدید آورد.

### مهم‌ترین آثار مهدوی منتشر شده قبل از انقلاب اسلامی:

منتهی الآمال (به صورت ضمنی)، شیخ عباس قمی (۱۳۵۹ق)؛ قیام و انقلاب مهدی، مرتضی مطهری (۱۳۹۹)؛ المهدی فی کتب اهل السنه، سید حسین بروجردی (۱۳۳۵ق)؛ منتخب الاثر، لطف‌الله صافی گلپایگانی (۱۳۷۳ق)؛ دانشمندان عامه و مهدی موعود، علی دوانی (۱۳۴۸).  
چنان که پیدا است مشهورترین آثار مهدوی مکتوب درحوزه علمیه قم، قبل از انقلاب معدود

۱. البته در آن زمان، مجلاتی مانند مکتب اسلام، مکتب تشیع و مکتب جعفری چاپ می‌شدند؛ لکن مختص مهدویت نبودند و چه بسا به آن ارتباطی نداشتند.





بوده و تطور مطالعاتی مهدویت در آن‌ها به توصیف مهدویت با رویکرد اعتقادی معطوف است.

### مرحله دوم: تحلیل حدیثی (رویکرد حدیث پژوهی)

همزمان با طرح کلی اندیشه مهدویت و تأکید بر آن به عنوان اعتقاد به امامت، بزرگان حوزه قم دریافتند روایتگری مهدویت در بین فرقه‌ها و مذاهب اسلامی، از جمله اهل سنت و برخی از جریان‌های انحرافی، نه تنها به معرفت‌زایی و هدایت ایشان منجر نشده است، بلکه منشأ اختلاف عقیده، ادعاهای دروغین و القای شبهه در مورد مهدویت شده است. آیت‌الله صافی که مرجعی آگاه، زمان‌شناس و حدیث‌پژوه بود، با اشاره مستقیم به این مطلب می‌نویسد:

آنچه موجب شد ما این کتاب را به خوانندگان گرامی تقدیم کنیم، نشان دادن ادعای بوچ مدعیان مهدویت و امامت در دوران غیبت، به ویژه در قرن اخیر است و این حرکت به دست استعمارگرانی صورت گرفته که برای تفرقه‌افکنی میان مسلمانان در برخی از کشورها بعضی افراد پست و سطح پایین را تحریک نموده تا ادعای مهدویت کنند؛ در حالی که نشانه‌های مصلح جهانی آن قدر دقیق و متنوع است که امکان تحقق آن، جز در یک شخص خاص امکان ندارد (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۳).

این امر به معنای آن بود که احادیث مهدویت نیازمند تحلیلی جامع‌اند که از آسیب پاره‌گویی حقیقت و یا ارائه وارونه آن در امان باشند. در این زمان، مرحله دیگری از تطور مطالعه آثار مکتوب مهدویت شکل گرفت و کتاب‌هایی چون «منتخب‌الاثار» و «معجم احادیث امام مهدی» تدوین شدند.

### الف) جامع روایی، منتخب‌الاثار

همزمان با فعالیت فرقه ضاله بهائیت در ایران و مبارزه آیت‌الله بروجردی با آنان، کتاب «المهدی فی کتب اهل السنه» از سوی ایشان تألیف شد. در این زمان، آیت‌الله صافی متوجه این واقعیت می‌شود که روایات مهدویت در منابع حدیثی، پراکنده و دور از دسترس مخاطب هستند و چنانچه در اختیار مخاطب قرار گیرند، فاقد خانواده حدیث هستند و ارائه آن‌ها به شکل پراکنده و غیر منسجم، به تنویر افکار مخاطب منتج نمی‌گردد (نبوی رضوی، ۱۴۰۰: بهائیت شناسی، ش ۲۳، ص ۵۲). به همین دلیل ایشان در سال ۱۳۷۳ قمری نگارش کتاب



«منتخب الاثر» را آغاز می‌کند.<sup>۱</sup> هر چند تکمیل و ویراست و ترجمه آن پس از انقلاب اسلامی صورت گرفته است؛ این کتاب، به لحاظ تحلیل روایات مهدویت با رویکرد فقه الحدیثی و تبیین مهدویت و تفسیر آن با روایات مهدویت همچنان در صدر آثار مکتوب در این زمینه قرار دارد.<sup>۲</sup> این اثر ارزشمند به بازتبیین مهدویت از منظر احادیث پرداخته است. مطالعه مهدویت در این کتاب به منظور احصای کامل روایات مهدویت با تبویب جامع و کاربردی، برای پاسخ به جویندگان حقیقت در باره مهدویت تألیف شده است.

در زمان تألیف کتاب، از طرفی فعالیت بهائیت به اوج خود رسیده و مهدویت دستاویز فرقه ضاله بهائیت قرار گرفته بود و ایشان به عنوان شاگرد برجسته آیت‌الله بروجردی تصمیم می‌گیرد با آنان مقابله کند.<sup>۳</sup> از سوی دیگر، لازم بود پاسخی مناسب به شبهات مهدویت ارائه شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ص ۱۵)؛ لکن به دلیل تکیه مهدویت بر دلایل نقلی، امکان مواجهه با بهائیت با تمرکز بر منابع حدیثی اولیه مهدویت فراهم نبوده است. علاوه براین، تبیین این مسئله و پرداختن به ابعاد آن، منابع معتبر و متعددی می‌طلبید که به طور معمول در دسترس نبودند و مطالب آن‌ها پراکنده و غیر منسجم بود.

تبویب ناقص کتاب‌های حدیثی، ترجمان ناقص و متناقض از مهدویت نیز، مشکل بزرگی بود که باید حل می‌شد تا راه برای تبیین مهدویت از کتاب‌های مختلف حدیثی فراهم کند که طبعاً هر مخاطبی از آن استقبال نمی‌کرد. به همین دلیل آیت‌الله صافی گلپایگانی به نگارش کتاب جامع روایی منتخب الاثر مصمم شدند.

اهتمام به خانواده حدیثی و اثبات تواتر روایات در مسائل مختلف مهدویت، از مؤلفه‌های قوت کتاب «منتخب الاثر» است. در حقیقت، ایشان مجموعه‌ای از احادیث مهدویت را گردآوری کرده است که با تبویب گسترده و مناسب، اصالت مهدویت در اندیشه اسلامی را اثبات

۱. استادی، ۱۳۷۰: «آثار و تالیفات آیت‌الله بروجردی»، دوفصلنامه حوزه، شماره ۳۴، ص ۵.

۲. کتاب «منتخب الاثر» از معدود آثاری است که نسخه نهایی آن، طی هفتاد سال مطالعه و ویراست علمی تدوین شده است و برای نكوداشت آن، كنكره هفتادمین سال تألیف كتاب مذکور، در دهم خرداد ۱۴۰۱ در قم برگزار شده است (خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۱۰۲۷۴۱۱).

۳. استادی، ۱۳۷۰: «آثار و تالیفات آیت‌الله بروجردی»، دوفصلنامه حوزه، شماره ۳۴، ص ۵.

کرده است و با شاخص قرار دادن روایات مختلف برای تبیین مسئله مهدویت در عرصه‌های گوناگون، راه را برای تضعیف و تحریف روایت بسته است. تدوین روایات در «منتخب الاثر» در باره مهدویت به شیوه‌ای که آیت‌الله صافی روش مطالعه آن را ارائه کرده است؛ روایت دقیق‌تری از مهدویت را پیش روی جوینده حقیقت قرار می‌هد. به عنوان نمونه آیت‌الله صافی با اشاره به روایت جابر از ابی سلام بن ابی عمیره، آن را بعید دانسته است. در سند روایت آمده است:

حدثنا أبو الحسن علي بن سنان الموصلي المعدل قال: أخبرني أحمد بن محمد الخليلي الأملي قال: حدثنا محمد بن صالح الهمداني قال: حدثنا سليمان بن أحمد قال: أخبرني الريان بن مسلم، عن عبد الرحمن بن يزيد بن جابر قال: سمعت سلام بن أبي عميرة قال: سمعت أبا سلمى راعي إبل رسول الله ﷺ يقول: سمعت رسول الله ﷺ يقول: «آيت الله صافی با درایتی که در حدیث شناسی دارد بر این بارو است که باید برای علی بن سنان صفت «الموصلی المعدل» آورده شود و «سلام بن ابی عمیره» به «ابی سلام الاسود» تغییر یابد:

أقول: الظاهر أنّ السند هكذا: علي بن سنان الموصلي المعدل عن أحمد بن محمد الخليلي عن محمد بن صالح الهمداني عن سليمان بن أحمد عن زياد بن مسلم أو ريان بن مسلم عن عبد الرحمن بن يزيد بن جابر عن أبي سلام الأسود عن أبي سلمى. أمّا سلام بن أبي عميرة الخراساني فهو يروي عن الإمام أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام و يبعد روايته عن أبي سلمى، و الله هو العالم (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ج ۱ ص ۱۹۹).

دلیل تغییر از منظر آیت‌الله صافی این است که علی بن سنان الموصلی المعدل از احمد بن محمد الخلیلی از محمد بن صالح الهمدانی از سلیمان بن احمد از زیاد بن مسلم او ریان بن مسلم از عبدالرحمن، بن یزید، از جابر از ابی سلام الاسواد از ابی سلمی روایت کرده‌اند؛ اما سلام بن ابی عمیره خراسانی کسی است از امام باقر و امام صادق روایت می‌کند و بعید است از ابی سلمی روایت کرده باشد.

مطالعه دقیق مهدویت با تبویب مناسب در نگارش منتخب الاثر باعث شده است از انبوه‌نگاری پرتکرار در کتاب مذکور جلوگیری شود و با تکیه بر تواتر روایات در باره موضوع، به آن ارجاع داده شود. این سبک ابتکاری، در تدوین متون روایی سابقه نداشته است. بدون شک، این نوآوری با فکر و تأمل فراوانی صورت گرفته است و با توجه به دلالت هر روایتی آن را ذیل موضوع خاصی قرار داده‌اند؛ به گونه‌ای که ذیل باب ذیل فصل هفتم در باره پر شدن

زمین از عدل، به هشت حدیث از ۱۵۴ حدیث اشاره می‌کند و درباره ۱۴۸ حدیث به فصول قبل ارجاع می‌دهند. و یدلّ علیه أيضا ۱۴۸ حدیثا من ب ۳ ف ۲۶ (ج ۲، ص ۲۲۲) (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۱۵۷).

تدوین کتاب در یازده باب و یکصد فصل، نشان از مطالعه عمیق مهدویت در جامع حدیثی منتخب الاثر است.<sup>۱</sup>

۱. فصل اول: اشاره به احادیثی است که به صراحت بر تعداد امامان دلالت می‌کنند و تصریح دارند که امامان معصوم به تعداد نقبای بنی اسرائیل دوازده تن بودند که اول آنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و دوازدهمین آن‌ها حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد.

مؤلف بزرگوار این فصل را در هشت باب قرار داده و متن کامل ۲۴۳ حدیث را درج کرده و به ۶۶۳ فراز، از فرازهای احادیث دیگر ابواب ارجاع داده است.

فصل دوم: احادیثی مشتمل بر نوید ظهور آخرین مصلح غیبی، از عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، از تبار حضرت فاطمه علیها السلام، از نسل امیرالمؤمنان علیه السلام، از اولاد امام حسین علیه السلام و از صلب امام حسن عسکری علیه السلام است. این فصل در ۴۹ باب تنظیم شده است و متن کامل ۲۵۲ حدیث را در بر دارد، و ۴۰۷۶ عبارت از عبارتهای یاد شده در دیگر فصلها ارجاع داده است.

فصل سوم: درباره تاریخ ولادت حجت یزدان، سرگذشت امام گرامی، معجزات حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - و داستان نیک بختانی است که در عهد امام عسکری علیه السلام توفیق تشریف به محضر قبله موعود را پیدا کرده‌اند. این فصل در سه باب تنظیم شده است و ۳۴ حدیث را در بردارد، به ۱۰۸ حدیث نیز ارجاع داده است.

فصل چهارم: در این فصل، معجزات حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - در غیبت صغرا، زندگانی نواب خاص و داستان باز یافتگان به پیشگاه آن حضرت، پس از رحلت امام عسکری علیه السلام آمده است. این فصل در سه باب تنظیم شده است و ۵۳ حدیث را در بر دارد و به ۲۱ حدیث دیگر ارجاع داده است.

فصل پنجم: در مورد معجزات حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - در غیبت کبرا و سرگذشت سعادت‌مندانی است که در عصر غیبت کبرا به محضر مقدس آن حضرت شرفیاب شده‌اند. این فصل در دو باب تنظیم شده است و ۱۶ حدیث را در بردارد و به ۹ حدیث دیگر ارجاع داده است.

فصل ششم: درباره کیفیت ظهور، نشانه‌ها و فتنه‌های پیش از ظهور، سال و ماه و محل ظهور، خروج سفیانی و دجال، بانگ آسمانی، کیفیت بیعت و ممنوعیت تعیین وقت است. این فصل در ۱۱ باب تنظیم شده است و ۱۲۸ حدیث را در بر دارد، و به ۹۲ حدیث دیگر ارجاع داده است.

←



مطالعه دانش مهدویت با رویکرد به موضوعات مختلف، پس از انقلاب اسلامی در حوزه علمیه قم رونق خاصی گرفته است؛ به گونه‌ای که آیت‌الله صافی با این که به تألیف منتخب‌الاثار اقدام کردند، با مطالعه مهدویت با رویکرد موضوع محور در شاخه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و حتی برای عموم مردم، به تدوین مهم‌ترین اندیشه اسلامی به زبان بسیار ساده مبادرت ورزیدند؛ آثاری از قبیل «اصالت مهدویت»، «انتظار عامل مقاومت»، «باورداشت مهدویت»، «تجلی توحید در نظام امامت»، «عقیده نجات بخش»، «فروغ ولایت در دعای ندبه»، «نظام امامت و رهبری»، «ولایت تکوینی و تشریحی»، «وابستگی جهان به امام زمان»، «پیام‌های مهدوی»، «نوید امن وامان»، «به سوی دولت کریمه»، «سیمای امام مهدی در دعای ندبه»، «معرفت حجت خدا»، «پاسخ ده پرسش»؛ ثمره رویکرد تحلیل حدیثی به مهدویت است که در نیمه دوم سده اخیر در حوزه علمیه قم انجام شده است.

### ب) معجم احادیث امام مهدی

به منظور تبیین مسئله مهدویت، «معجم احادیث امام مهدی» مطالعه حدیثی مهدویت را با رویکرد جست و جوی گسترده مصادر اولیه حدیثی و بررسی تفاوت متون آن‌ها آغاز کرده است.

→

فصل هفتم: فتوحات بی‌ظنیر، ظاهر شدن گنج‌های زیرزمین، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام، کشتن دجال، پیکار با سفیانی، تکامل عقل‌ها، آبادانی جهان و پر شدن روی زمین با عدل و داد، موضوعات این فصل‌اند. این فصل در ۱۲ باب تنظیم شده است و ۳۷ حدیث را در بردارد، و به ۲۰۹ حدیث دیگر ارجاع داده است.

فصل هشتم: درباره فضایل و مناقب اصحاب ۳۱۳ گانه آن حضرت، رشادت و صلابت آنان است. این فصل در دو باب تنظیم شده است و ۹ حدیث را در بردارد و به ۱۰ حدیث دیگر ارجاع داده است.

فصل نهم: درباره مدت حکومت، دعوت، سیرت، خوراک، پوشاک و شیوه زندگی آن حضرت است. این فصل در سه باب تنظیم شده است و ۷ حدیث را در بردارد و به ۲۲ حدیث دیگر ارجاع داده است.

فصل دهم: در مورد انتظار فرج، وظایف شیعیان در عهد غیبت، فضیلت درک محضر، پیروی و اعتقاد به آن حضرت، حرمت انکار، کیفیت تسلیم بر آن حضرت و برخی از دعاهای صادره از ناحیه مقدسه است. این فصل در ۷ باب تنظیم شده است و ۵۱ حدیث را در بردارد و به ۷۷ حدیث دیگر ارجاع داده است.

بنابراین، تعداد فصل‌های کتاب: ۱۹، تعداد باب‌ها: ۱۰۰، تعداد احادیث: ۸۳۰، تعداد ارجاعات: ۵۳۸۷ و مجموع احادیث و عبارت‌های ارجاع شده، ۶۲۱۷ می‌باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰).



هدف از انجام این مطالعه ارائه دیدگاه علما در باره احادیث مهدویت و بررسی غریب الحدیث، شناسایی نشانه‌ها و رموز روایی و گونه‌بندی فهرست احادیث مهدویت است.

و في نفس الوقت حرصنا على كل ما ينفع الباحث والقارئ من استقصاء مصادر الحديث من أول مصدر ورد فيه إلى عصرنا، و فروق متونه، و كلمات العلماء حوله، و شرح أهم غريبه، و استعمال العلامات و الرموز العلمية، و تنويع الفهارس التي يحتاج إليها أنواع الباحثين في هذا الموضوع أو ذاك (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۱).

در این مطالعه، تلاش شده است مهدویت در پرتو روایات به گونه‌ای نشان داده شود که به احادیث مروی از پیامبر و صحابه، غیر از اهل بیت پیامبر و از ائمه پرداخته شود. در یک مورد، برای اشاره به جایگاه امام مهدی به روایت صحابه به ورود حدیث «مُحَمَّدٌ وَوَلَدٌ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ سَادَةٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ جَعْفَرٌ وَ حَمَزَةٌ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمُهَدِيُّ»، در مصادر حدیثی از تاریخ طبری تا منتخب‌الآثر اشاره شده است (همان، ص ۲۲۵).

از دیگر ویژگی‌های این کتاب، گستردگی و گوناگونی موضوعات آن است. افزون بر احادیث مربوط به دوازده‌گانه بودن امامان و احادیث لزوم شناخت امام زمان؛ روایات مقدمات و اشراط السّاعة، یاجوج و ماجوج، دابة الارض، رجعت و... نیز به صورت مفصل ذکر شده در مطالعه مذکور، آثار حدیثی به منظور بازشناسی مصادر حدیثی، اعتبار سنجی محتوا، ارائه سیر تطور حدیثی مهدویت به حسب نقل از معصوم، کثرت روایی در موضوع، و رویکرد تطبیقی حدیثی عامه، صورت گرفته است. در این نوع از مطالعه، در یک مورد می‌توان اشاره به وقوع غیبت برای امام مهدی را در احادیث هر یک از ائمه مشاهده کرد؛ اما این که مسجد کوفه مصلاى امام مهدی است، در حدیث امام علی علیه السلام با مصادر متعدد مورد اشاره قرار گرفته است (همان، ج ۴، ص ۱۶۱).

در حقیقت، مطالعه عمیق مهدویت به پژوهشی مستند نیازمند بود تا بتواند در درجه اول از مهدویت به عنوان مسئله‌ای معتبر، اعتقادی و ریشه‌دار در میراث حدیثی دفاع کند و سپس زمینه تحلیل آن را فراهم آورد؛ اما از آن جا که اصول و مصادر اولیه مهدویت به لحاظ سندی به بررسی فقه الحدیثی نیازمند بودند، مطالعه عمیق آن‌ها در منابع گسترده و بدون نظم منطقی ممکن نبود. به همین دلیل لازم بود در گامی اساسی روایات مهدویت با رویکرد معجم‌نگاری



مهدویت، در حوزه قم مورد مطالعه قرار گیرد تا با تحلیل مصدرشناختی و مطالعه منبع‌شناختی روایات، زمینه پژوهش در آن‌ها تسهیل گردد.

معجم احادیث امام مهدی، تألیف جمعی از محققان معاصر<sup>۱</sup> در مؤسسه معارف اسلامی، ثمره رویکرد مطالعاتی مذکور به دانش مهدویت پس از انقلاب اسلامی است. امتیاز ویژه این مجموعه حدیثی، فراهم آوردن امکان مطالعه سیر تطور احادیث مهدویت است. در واقع، مهم‌ترین امتیاز این کتاب، تتبع فراوان و استخراج هر حدیث از مصدرهای مختلف و متنوع است. محققان حوزوی با مطالعه منابع احادیث نبوی و سپس احادیث ائمه، آن‌ها را گردآوری و چینش کرده‌اند. از این رو، سیر تطور منابع و احادیث مهدویت در معجم احادیث امام مهدی قابل مشاهده و تحلیل است و این اقدام مهم، امکان بررسی فراز و فرود موضوعات مهدویت را در ادوار مختلف به لحاظ صدور از اهل بیت، پیش روی محقق قرار می‌دهد. علاوه بر این، از آن‌جا که در معجم احادیث امام مهدی، مطالعه مهدویت در منابع عامه صورت گرفته، امکان مقایسه مهدویت در اندیشه فریقین و مطالعه تطبیقی در مهدویت فراهم شده است. درحقیقت، توجه به تقریب دیدگاه عامه به خاصه با توجه به مهدویت در احادیث نبوی به برکت این مطالعه عمیق پس از انقلاب اسلامی فراهم شده است.

توجه به اختلاف دیدگاه فریقین در باره مهدویت و کشف خلأهای معرفتی که عامه در شناخت مهدویت با آن مواجه هستند؛ از جمله تبارشناسی و ولادت امام مهدی به عنوان «حجت حی»، با مطالعه معجم امام مهدی امکان‌پذیر است و توجه به این مطالعه می‌تواند مانع از ارائه دیدگاه‌های افراطی به مهدویت و انتساب آن به فریقین باشد.

عمق مطالعه در معجم احادیث مهدویت، به گفته محققان آن، چنان هست که محقق با وجود آن، به کتاب حدیثی دیگری نیاز چندانی ندارد (همان، ج ۱، ص ۵). مجموعه مذکور در هشت جلد تنظیم گردیده است. جلد اول و دوم و سوم، به احادیث نبوی و جلد چهارم تا ششم آن، به احادیث ائمه علیهم‌السلام و نیز توقیعات حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکبری اختصاص داده شده است. جلد

۱. پژوهشگران این موسوعه، عبارتند از آقایان: محمدجعفر طبسی، محمدجواد طبسی، سید صالح مدرسی، نجم‌الدین طبسی، عبادالله تهرانی، عزت‌الله مولائی، حامد عبدالخالق و محمدامین پورامینی.

هفتم به روایاتی اختصاص یافته است که طبق آن‌ها، ائمه، آیاتی را به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأویل و تفسیر کرده‌اند. و جلد هشتم حاوی فهرست‌های مختلف است. امتیاز ویژه مطالعه حدیثی مهدویت در معجم احادیث امام مهدی، ارائه سیر تطور محتوایی روایات به حسب صدور از معصومان است. این نوع از مطالعه اهمیت موضوعات مختلف را به حسب طرح آن‌ها و گفت‌وگو در باره آن‌ها را پیش روی محقق می‌نهد و دستیابی به تاریخ‌گذاری و اعتبار بخشی به حدیث را تسهیل می‌کند.

در حقیقت، وجه پرداختن به معجم احادیث امام مهدی را با وجود کتاب «منتخب‌الاثر» می‌توان در سه نکته خلاصه کرد:

الف) مصدر یابی احادیث مهدویت: در کم‌تر اثری همانند «معجم احادیث» به مصادر متعدد حدیثی مهدویت اشاره شده است. به این لحاظ اثر مذکور مشتمل بر منابع و مأخذ پرشمار حدیثی مهدویت است؛

ب) استقصای روایات: تتبع مصادر متعدد و بالغ بر ۴۰۰ منبع حدیثی (همان، ص ۶) و جست‌وجوی گسترده برای یافتن احادیث مهدویت از دیگر ویژگی‌های «معجم احادیث امام مهدی» است؛

ج) ارائه سیر تاریخی پیدایش احادیث مهدویت: چینش احادیث مهدویت در «معجم احادیث امام مهدی» به ترتیب صدور از معصوم، سیر تطور پرداختن ائمه به مهدویت را به ما ارائه می‌کند و نشان می‌دهد در زمان هر یک از معصومان به چه میزان به مسئله مهدویت پرداخته شده است.

### مرحله سوم: تبیین مسئله مهدویت در عرصه‌های مختلف

یکی از اتفاقات مهم پس از انقلاب در حوزه مهدویت، کنشگری علمی و عقلی مطالعات مهدویت است. این اتفاق، در پی پرسشگری مسئله محور و رویکرد پژوهشی به مهدویت روی داده است. ثمره مهم این اتفاق، مطالعه مهدویت بر پایه نیاز مخاطب و با رویکرد تبیین معرفت‌شناسانه است. تحول قابل مشاهده در این عرصه با نشر فزاینده آثار مهدوی موضوع محور قابل مشاهده است؛ به گونه‌ای که کتاب‌های حدیثی مهدویت به عنوان بن‌مایه معارف





مهدوی در نظر گرفته می‌شود و تحلیل داده‌ها و اطلاعات با روش‌های جدید علمی، جایگزین روش نقلی در تبیین معارف شده است. بدون شک، پس از انقلاب اسلامی، مطالعه مهدویت در حوزه علمیه با روش مذکور، به مراتب نسبت به قبل از انقلاب گسترده‌تر شده است. با تمرکز بر این نوع از مطالعه افزون بر شش هزار اثر در عرصه مهدویت پدید آمده است.<sup>۱</sup>

در پی رونق مطالعه کمی مهدویت در حوزه علمیه قم، مطالعات کیفی مهدویت نیز متحول شده است؛ به گونه‌ای که مهدویت که تا قبل از انقلاب، مسئله‌ای اعتقادی و کلامی تلقی می‌شد و توجه به آن از شرح دعای ندبه و معرفت امام، شناخت وظایف منتظران و آرمان‌خواهی ظهور فراتر نمی‌رفت؛ به عنوان حوزه دانشی و تفکری راهبردی مورد توجه قرار گرفت و حوزه در صد تبیین آن بر آمد؛ به گونه‌ای که مطالعه آن در حوزه علمیه قم در دهه سوم بعد از انقلاب، به صورت ویژه و در شمار مراکز تخصصی حوزه علمیه قرار گرفت.

تأمل در این آثار و رشد فزاینده آمار نشر، گویای آن است که همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری تفکر و اندیشه‌ورزی مهدویت، نقطه عطفی در حوزه علمیه قم پدید آمده است که به تحولات چشمگیر علمی کمی و کیفی در حوزه‌های مختلف به ویژه مهدویت منجر شده و ثمره آن در مقایسه با قبل از انقلاب افزایش ده برابری در حوزه آمار است و به لحاظ کیفی، آثار مهدوی مکتوب در حوزه علمیه قم، نسبت به آثار پیشین، به مراتب عمیق‌تر و دقیق‌تر نگاشته شده‌اند.

تبیین مسئله مهدویت با رویکردهای مختلف، اقدام مهمی است که در این مرحله شکل می‌گیرد و به اقدامات مهمی در باره مهدویت منجر می‌شود که شرح مبسوط آن‌ها خارج از این پژوهش است. هر چند برخی از آن‌ها در شمار آثار مکتوب قرار نمی‌گیرند؛ به سبب آن که زیرساخت مطالعه مسئله مهدویت و تبیین و پژوهش در این باره را فراهم آورده‌اند؛ به اجمال به آن‌ها پرداخته می‌شود. این اقدامات عبارتند از:

---

۱. این آثار در کتاب «امام مهدی در آئینه قلم با رویکرد کتاب‌شناختی» معرفی شده‌اند که با توجه به کثرت آن‌ها این تحقیق مجال پرداختن به آن‌ها را ندارد.

## ۱. تأسیس کتابخانه تخصصی مهدویت

اهتمام به کار عالمانه در حوزه علمیه و رونق مهدویت بعد از انقلاب، دغدغه‌مندان این عرصه را به تأسیس کتابخانه تخصصی به انگیزه مطالعه و پژوهش در باره مهدویت واداشته است. این اقدام، مطالعات مهدویت را برای پژوهشگران و محققان آسان کرده است. گردآوری آثار، اسناد، پایان‌نامه‌ها، مجلات علمی، نرم افزارهای تخصصی علوم اسلامی ویژه مهدویت؛ از دستاوردهای مکتب امام خمینی در حوزه علمیه بعد از انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند. هم‌اکنون سه کتابخانه تخصصی ویژه مهدویت در مرکز تخصصی مهدویت، مؤسسه آینده روشن و پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی، در حال ارائه خدمت به پژوهشگران مهدویت هستند.

## ۲. تأسیس مراکز تخصصی و مؤسسات مهدویت

به برکت انقلاب اسلامی، مهدویت، در حوزه علمیه، از مسئله‌ای فرعی کلامی خارج شده و در شمار مسائل کلان کلامی، آن هم به صورت مستقل قرار گرفته و غنای علمی و وسعت این اندیشه به حدی رسیده است که برای مطالعه گسترده در مورد آن، مرکز تخصصی مهدویت، مؤسسه آینده روشن راه‌اندازی شده است و بعضی مؤسسات، مانند پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در زمینه برگزاری همایش، نشست علمی و برگزاری کرسی نقد تخصصی نیز فعالیت دارند. تدوین رساله‌های علمی در حد سطح سه و چهار و ترجمه آثار مستشرقان، تدوین مقالات و تألیف کتاب‌ها، بخشی از فعالیت‌های معطوف به مطالعه مهدویت در حوزه علمیه قم است که در این مراکز انجام می‌شود.

در رویکرد پژوهشی به مهدویت در مراکز تخصصی، مطالعه مهدویت به صورت مسئله محور در قالب آثار علمی ترویجی و یا علمی پژوهشی دنبال می‌شود و مسائل مهدویت مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. در حقیقت، بخش قابل توجهی از تولید علم و نگرش نو به مهدویت در این نوع از مطالعه به مجلات علمی، رونق بخشیده است.

اتفاق مهم در این رویکرد از مطالعه مهدویت، تبیین مهدویت بر پایه تحلیل اطلاعات متون اصلی است. این اقدام در پی آموزش به فراگیران و تربیت نیروی متخصص در فهم مسئله مهدویت، به شکل‌گیری سیر مطالعاتی منظم و منطقی در عرصه مهدویت، کمک فراوانی کرده



است. تهیه و تدوین سرفصل‌های آموزشی نیز در این مراکز تهیه می‌شود و نتیجه آموزش‌ها و پژوهش‌ها به صورت مقالات علمی و پایان‌نامه و کتاب چاپ و نشر می‌شوند. کتاب‌هایی که با موضوعات مختلف، تنها در مرکز تخصصی مهدویت و بنیاد فرهنگی مهدی موعود به چاپ رسیده‌اند؛ حدود ۴۰۰ عنوان می‌باشد.

### ۳. تأسیس مجلات و نشریات علمی ویژه مهدویت

تولید علم و تحلیل و پژوهش درباره مهدویت، بعد از انقلاب اسلامی در حوزه علمیه قم به کلی متحول شده است و توجه به این مسئله در قالب نگارش مقالات علمی پژوهشی و ترویجی رونق گرفته است. رویکرد مسئله محور به مهدویت، فصل جدیدی از مطالعه مهدویت پیش رو نهاده است و با تولید صدها مقاله در باره مهدویت، این مسئله را به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل حوزه علمیه مورد توجه قرار داده است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر بر اساس تحقیقات میدانی، شانزده مجله با موضوع مهدویت به چاپ مقاله می‌پردازند. در این زمینه می‌توان به فصلنامه‌ها و مجلات ذیل اشاره کرد.<sup>۱</sup>

### ۴. رصد شبهات مهدویت و پاسخگویی به آن‌ها

پیروزی انقلاب اسلامی با رهبری اسلامی و ریشه‌دار در اعتقاد به مهدویت، توجه دشمنان

۱. انتظار موعود، مرکز تخصصی مهدویت، محسن قرائتی، روح الله شاکری، ۱۳۸۰؛
۲. بهایی‌شناسی، فصلنامه فرهنگی اجتماعی در نقد بهائیت، عبدالحسین فخاری، ۱۳۹۵؛
۳. موعود پژوهی، جامعه المصطفی العالمیه، سید محمود کاویانی، نفیسه ایران پور، ۱۳۹۸؛
۴. پژوهش‌های مهدوی، مؤسسه آینده روشن، سید مسعود پورسید آقایی، نصرت‌الله آیتی، ۱۳۹۰؛
۵. جامعه مهدوی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نجف لک زایی، حسین الهی‌نژاد، ۱۳۹۸؛
۶. عصر آدینه، مؤسسه آینده روشن، سید مسعود پورسید آقایی، سید رضی موسوی گیلانی، ۱۳۸۶؛
۷. مسجد و مهدویت، بنیاد پژوهش و نشر مقدس جمکران، محمد حسین رحیمان، نجف لک زایی، ۱۳۹۵؛
۸. مشرق موعود، مؤسسه آینده روشن، سید مسعود پورسید آقایی، سید مسعود پورسید آقایی، ۱۳۸۵؛
۹. مطالعات مهدوی، مرکز تخصصی مهدویت، مهدی یوسفیان، مهدی یوسفیان، ۱۳۹۷؛
۱۰. نشریه حوزه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، سید عباس صالحی (استادی)، عبدالرضا ایزد پناه، ۱۳۶۲.

اسلام را به این آموزه بیش از پیش جلب کرده و البته این رخداد به شکل‌گیری شبهات در اطراف این آموزه منجر شده است. خوشبختانه پس از انقلاب اسلامی و به همت مراکز حوزوی که به مطالعه مهدویت پرداخته‌اند؛ شبهات مهدویت مورد رصد و پاسخگویی برای طالبان حقیقت قرار گرفته است. در این نوع از مطالعه از سوی مدافعان و مرزبانان اعتقادی مهدویت، پاسخ‌های مناسب و تخصصی به شبهه‌افکان وهابی و همفکران آن‌ها ارائه شده؛ همچنین نقدهای قابل توجهی به فرقه‌های انحرافی وارد شده و ردیه‌های درخور، بر کتاب‌های ضاله نوشته شده است. در بین محققان حوزه علمیه قم، علی دوانی با تألیف کتاب «دانشمندان عامه و مهدی موعود»، به مطالعه نظر دیدگاه عالمان عامه از قرن چهارم تا زمان معاصر به مهدویت، پرداخته است و با مطالعه روایات صحابه به نقد شبهات ابن حزم اندلسی، خطیب بغدادی و ابن جوزی پرداخته و بر دریافت حقیقت مهدویت از ناحیه دانشمندان عامه تأکید کرده است.<sup>۱</sup>

مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مؤسسه آینده روشن نیز در این زمینه فعالیت بیش‌تری داشته‌اند. آن‌ها در مجموع به هشتصد شبهه در باره مهدویت پرداخته‌اند که سیصد شبهه آن بدون تکرار است و در کتابی به عنوان «زخرف» گردآوری شده‌اند.<sup>۲</sup>

## ۵. ارائه دیدگاه و ترجمه آثار مستشرقان و مهدی‌پژوهان غربی

مطالعه مهدویت با رویکرد بررسی این مسئله از دیدگاه شرق‌شناسان در عرصه تاریخی و پدیدارشناسی، فصلی متفاوت در تبیین مسئله مهدویت ایجاد کرده است. این رویکرد، پژوهشگران فاضل حوزه قم را بر آن داشته است با مطالعه دقیق‌تر مهدویت در آثار مستشرقان و ترجمه آثار ایشان، به دیدگاه آنان در این زمینه دست‌یابند و زمینه نقد افکار آنان را فراهم

۱. این دانشمندان عبارتند از ابن ابی تلج بغدادی، ابوالعباس احمد بن ابراهیم کندی، ابوعلی احمد بن محمد بن علی عمادی نسوی، ابومسعود احمد بن محمد بن عبدالعزیز، ابن خشاب بغدادی، ابونصر بخاری، ابوبکر خوارزمی، شیخ احمد جامی، شیخ فریدالدین عطار، سبط ابن جوزی، خواندمیر، رشیدالدین دهلوی و...  
 ۲. از مهم‌ترین آثار در این زمینه می‌توان به کتاب «حدیث حضور»، نوشته جواد جعفری در پاسخ به شبهات احمد کاتب و کتاب «دلیل روشن»، نوشته نصرت‌الله آیتی در پاسخ به شبهات ناصر قفاری اشاره کرد.

آوردند. کاوش آثار مهدویت، به وضوح نشان می‌دهد قبل از انقلاب، از ترجمه و نقد آثار مستشرقان در حوزه علمیه قم با رویکرد به مطالعه مهدویت اثر معتنا بهی وجود ندارد. این، در حالی است که پس از انقلاب، مطالعه مهدویت در آثار شرق‌شناسان رونق یافته و دیدگاه آنان در این زمینه مورد مطالعه، ترجمه و تحلیل نقادانه قرار گرفته است.

مهدویت در نگاشته‌های مستشرقان، در «دانشنامه امام مهدی» از سوی علی‌راد مطالعه شده است (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۹۳: ص ۱۴۴-۱۶۰). بهروز جندقی به دیدگاه میرچا الیاده، در دایرةالمعارف اسلامی پرداخته است.<sup>۱</sup> سید رضی موسوی گیلانی، «شرق‌شناسی و مهدویت» را تألیف کرده است. عبدالجبار ناجی، در «التشیع و الاستشراق»، به وصف شرق‌شناسانی پرداخته است که دیدگاه خود را در باره مهدویت شیعی ارائه کرده‌اند. زهیر دهقانی «سیر تحول نگاه مستشرقان به مهدویت در ۱۵۰ سال اخیر» را تحلیل و آثار مهم‌ترین آن‌ها از جمله بلوشه، فرید لندر، کلبرگ، مادلونگ و بسیاری از مستشرقان را بررسی و ترجمه کرده است. محمد شهبازیان نیز با تألیف «مهدویت و مستشرقان»، به تکمیل حلقه بحث در این زمینه کمک کرده است. علاوه بر ارائه و ترجمه دیدگاه مستشرقان مشهور، از قبیل هانری کربن، ساشادینا، گلدزیهر و حامد الگار؛ گفت‌وگوهای علمی تخصصی مصاحبه محور<sup>۲</sup> و در حد همایش<sup>۳</sup> با شرق‌شناسان با موضوع مهدویت برگزار شده و مقوله مهدویت را در گستره مفهوم بعد از انقلاب در حوزه علمیه، وارد فصل جدیدی از تطور مطالعه آثار مکتوب کرده است.

#### مرحله چهارم: مطالعه موضوع‌شناختی مهدویت

پس از تبیین مسئله مهدویت بر پایه احادیث، شاهد مرحله دیگری از مطالعه در این زمینه هستیم و آن مطالعه موضوع‌شناختی مهدویت است. این مطالعه در حوزه علمیه قم، زیر بنای تحقیق علمی در باره مسائل گوناگون مهدویت به شمار می‌آید و در آن تلاش شده است با روش‌های جدید تحقیق، موضوعات مختلف در باره مهدویت شناسایی شوند و بستر استخراج

۱. فصلنامه انتظار موعود، ۱۳۸۱: شماره ۶، ص ۲۶۳؛ شماره ۷، ص ۱۱۱ و شماره ۸، ص ۲۱۹.

۲. برای آشنایی بیشتر با مصاحبه‌های صورت گرفته با پیروان ادیان در مورد مهدویت (ر.ک: امامی کاشانی، خط امان).

۳. برای نمونه می‌توان به همایش بین‌المللی دگرترین مهدویت در این باره اشاره کرد.

آن‌ها فراهم گردد.

### الف) دانشنامه امام مهدی (مطالعه موضوعی مسائل اساسی)

«دانشنامه امام مهدی» با مطالعه دانش مهدویت پس از انقلاب اسلامی تلاش کرده است دیدگاه‌های پژوهشی به این مسئله لحاظ و با توجه به آن‌ها، مهدویت در قالب جدید علمی معرفی شود. در حقیقت نگارش دانشنامه، مطالعه مهدویت را از حوزه حدیث به حوزه شریک‌شناسی و مطالعات تطبیقی توسعه داده است؛ حتی فراتر از این مرحله، گرایش‌های علمی معطوف به مهدویت، از قبیل منجی‌گرایی را مورد مطالعه قرار داده و مطالعه بین‌رشته‌ای مهدویت در آن صورت گرفته است. به همین لحاظ، با بازنگری تخصصی معارف مهدویت و تمرکز بر اتقان علمی مطالب به مدخل‌نگاری انبوه پرداخته نشده است. گفتنی است که هرچند قاعده آن است که در مطالعات مهدویت با رویکرد دانشنامه نگاری، فهرست‌واره‌ها بر اساس حروف الفبا تنظیم شوند تا با مراجعه به آن‌ها بتوان به صورتی روش‌مند، از اطلاعات و معارف مهدویت استفاده کرد؛ در دانشنامه امام مهدی تلاش شده است آثاری که به صورت بین‌رشته‌ای به تحلیل و بررسی موضوعات مهدویت پرداخته‌اند، مورد نظر قرار گیرند. لذا برخی از آثار دانشگاهی و مستشرقان نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. به همین دلیل «دانشنامه امام مهدی» که توسط آیت الله محمدی ری‌شهری و همکارانش تدوین شده، فاقد مدخل‌نگاری در زمینه مهدویت است. در عوض، دانشنامه بر پایه احادیث، از چهارده بخش اصلی تشکیل شده است که هر کدام از بخش‌ها دارای فصول متعدد است. به منظور تسهیل دسترسی برای مهدی‌پژوهان، گزیده دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال ۱۳۹۷ شمسی در دو جلد انتشار یافته است. همین امر موجب شده است چنین مطالب در دانشنامه امام مهدی از فهرستی جدید برخوردار باشد. در ادامه پژوهش به آن اشاره می‌گردد.

دانشنامه امام مهدی با تمرکز بر محورها و بخش‌ها و فصل‌ها ذیل تدوین شده است:

۱. مهدویت از نگاه اهل سنت؛
۲. منجی موعود در ادیان ابراهیمی؛
۳. منجی موعود در ادیان غیرابراهیمی؛



۴. نام‌های منجی موعود در ادیان؛
۵. مهدویت در نگاه‌های مستشرقان؛
۶. مهدویت و جهانی‌شدن؛
۷. دلایل غیرنقلی بر ضرورت وجود امام مهدی؛
۸. گزاره‌های اعتقادی و تاریخی مهدویت.

**ب) مطالعه دانش مهدویت با رویکرد موضوعات اجتماعی (نگرش کاربردی به مهدویت در حکمرانی اسلامی)**

مطالعه مهدویت به عنوان تفکری راهبردی و تحول‌آفرینی که بر اساس آن امکان اداره جامعه شیعه در عصر غیبت وجود دارد، لایه عمیق‌تری از مطالعات مهدویت است که از سوی آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در کتابی با عنوان «حکومت جهانی مهدی» مورد توجه قرار گرفته است. بر پایه این مطالعه، مهدویت، به مسائل سیاسی اجتماعی ناظر است که در پرتو آن، به سیر تکامل جامعه انسانی پرداخته و بر هماهنگی مهدویت با نظام آفرینش و فطرت و عدالت انسانی تأکید شده است. توجه به ظهور مصلح، در آینده جهان و تحقق آرمان‌گرایی توحیدی در این نوع از مطالعه مهدویت مورد توجه قرار گرفته است. چگونگی تحقق حکومت امام مهدی و اصلاح تدریجی جوامع برای پذیرش امامت و یا انقلاب منجر به قبول ولایت امام مهدی، زمینه ظهور و آمادگی‌های قبل از آن نیز مورد بحث قرار گرفته‌اند. در مطالعه مهدویت با رویکرد اجتماعی، انتظار ظهور امام مهدی، انقلابی منجر به ظهور است و سازگاری آن با رفتار منفعلانه و بی‌توجهی به اقدامات لازم برای ظهور، مخرب دانسته شده است (مکارم، ۱۳۸۶: ص ۸۱). توجه به الگوگیری از حکومت امام مهدی برای اداره جامعه در عصر غیبت از آثار مطالعه مذکور در عرصه مهدویت است. تحقق حکومت جهانی امام مهدی، نگرشی آرمان‌گرایانه به مهدویت است که مهدی‌باوران بر آن اتفاق نظر دارند. مطالعه اجتماعی مهدویت با تمرکز بر کارکرد امامت در عرصه اجتماعی، راه را بر مدعیان دروغین مهدویت سد کرده و راهبردی برای نقد آنان به شمار می‌آید. شایان ذکر است شهید مطهری در کتاب «قیام و انقلاب مهدی» با رویکرد مذکور، البته به صورت مختصر، مهدویت را مورد مطالعه قرار داده است.



## ب) مطالعه با رویکرد موضوعات عقلی و تحلیلی (نگرش فلسفی به مهدویت، به عنوان تفکری راهبردی در دوران غیبت)

مطالعه دانش مهدویت با لایه معرفتی عمیق و در عین حال روان، با رویکرد تحلیلی و عقلی به این مسئله؛ پس از انقلاب اسلامی در حوزه علمیه به صورتی متمایز از مطالعات گذشته و تا حدی عمیق‌تر صورت گرفته است. تحلیل فلسفی مسئله انتظار و وصف راهبرد شیعه برای خروج از بن‌بست‌های اجتماعی در دیدگاه علامه محمدتقی مصباح یزدی، با تألیف «آفتاب ولایت» را می‌توان در طلیعه آثار مکتوب مهدویت با نگرش فلسفی قرار داد. کتاب «امام مهدی موجود موعود»، اثر آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، در پی ارائه این دیدگاه و ورود پژوهش‌ها در عرصه مهدویت به این مرحله از تطور مطالعاتی این مسئله است. مطالعه دقیق آیات و روایات مهدویت، امامت را با جایگاه ویژه و به عنوان نظام فکری-تربیتی برای مدیریت جامعه مورد توجه قرار داده است. انتظار از مسئله‌ای اعتقادی و کلامی به خط مشی معین، برای شیعه در دوران غیبت دیده شده است. در پی این مطالعه، ظهور امام مهدی، بیش از آن که بر علائم ظهور متوقف باشد؛ بر شرایط ظهور متوقف است.

ارائه نظریه امامت برای اداره هستی، به عنوان نظریه اسلامی در مقابل تفکر غربی انسان محور، از برکات مطالعه عمیق مهدویت پس از انقلاب اسلامی بوده است. با مطالعه مذکور، نگرش منفی به امامت و برداشت غلط از انتظار، ظهور و مقایسه نظام امامت با سیاست و حکمرانی جهانی که امروز غرب مدعی آن است؛ در بوته نقد قرار داده شده است. توجه به براهین عقلی، نیاز فطری انسان به امامت و اثبات حجت زنده در دوران غیبت و کارکردگرایی آن برای جامعه، از امتیازات این نوع مطالعه از مهدویت در حوزه است. با توجه به سیر منظم مباحث مهدویت در این اثر، زمینه پاسخگویی به شبهات مهدویت، برای نسل جوان فراهم شده است. همچنین در مقایسه موعود اسلام و ادیان، بر تحقق وعده الاهی برای مؤمنان و تحقق حکومت جهان‌شمول امام مهدی تأکید شده و تفکر اومانیسیم غرب، به دلیل عدم همگرایی با امامت، رو به زوال دانسته شده است.





## ج) ویکی مهدویت؛ دانشنامه جامع مجازی (رویکرد تخصصی به مهدویت در قالب مطالعات موضوعات گسترده قابل تکمیل در فضای مجازی)

در رویکردی دیگری به مطالعات مهدویت در دهه اخیر سده معاصر، «ویکی»، یا همان دانشنامه جامع مجازی مهدویت، تدوین شده است. این اثر با اهتمام به مداخل الفبایی با دوازده بخش در حال تدوین است. این بخش‌ها عبارتند از: آیات مهدویت، احادیث مهدویت، ادعیه مهدویت، اماکن مهدویت، شخصیت شناسی، علائم ظهور، کتاب شناسی مهدویت، مدعیان دروغین، مستشرقان، معارف مهدویت، منجی در ادیان و مهدویت در اهل سنت. این اثر با بیش از صد مدخل به صورت برخط در «[wikimahdaviat.ir](http://wikimahdaviat.ir)» قابل مشاهده است. امتیاز ویکی مهدویت در مقایسه با دانشنامه‌های دیگر، این است که از سوی متخصصان مهدویت تدوین شده و در آن نظریه‌های علمی جدید در زمینه مهدویت مورد توجه قرار گرفته است.

### مرحله چهارم: مطالعه کتابشناختی

مطالعه دانش مهدویت با رویکرد کتاب‌شناختی (نگرش معرفت‌شناسانه در پرتو کتاب‌های مهدویت)

سیر تطور مطالعات مهدویت نشان می‌دهد پس از این که به مهدویت به عنوان مسئله‌ای دانشی نگریسته شد، آثار فراوانی با رویکرد به موضوعات مختلف مهدویت نگاشته شد. رشد فزاینده آثار مهدوی که هرکدام با در نظر گرفتن موضوعی خاص به مهدویت پرداخته‌اند. پس از انقلاب اسلامی و در نیمه قرن دوم سده اخیر، به بیش از شش هزار کتاب رسیده است (الهی نژاد، ۱۴۰۱: ص ۱۸۶). این اتفاق، بستر مطالعه کتابشناختی مهدویت را پدید آورده و مطالعه مستقلی در این باره را در پی داشته است. کتاب «امام مهدی در آئینه قلم، کارنامه منابع مهدویت»؛ به معرفی آثار موضوعی در باره مهدویت پرداخته است. البته این کتاب در سال ۱۳۸۸ منتشر شده و بدون شک، آثار مکتوب مهدویت، بعد از آن در ده سال گذشته رشد قابل توجهی داشته است. در این اثر تلاش شده است آثار مکتوب مهدوی در حوزه نشر به مخاطب، با ۳۵ مدخل معرفی شوند. برای آسانی شناخت منابع، موضوعات مختلف به ترتیب الفبا مرتب شده‌اند. این مداخل عبارتند از: ادعیه و زیارات مهدویت، ارتباط با امام مهدی، اصحاب امام مهدی، اماکن منسوب



به امام مهدی، امام حسن عسکری، انتظار فرج، پاسخ به شبهات مهدویت، توقیعات و روایات مهدویت، جامعه مهدوی، جنبه‌های سیاسی مهدویت، حکومت امام مهدی، دشمنان امام مهدی، زندگینامه امام مهدی، سیره امام مهدی، شناخت امام مهدی، طول عمر امام مهدی، ظهور امام مهدی، غربت امام مهدی، فرهنگ مهدویت، فضائل امام مهدی، فلسفه مهدویت، کرامات امام مهدی، کلیات مهدویت، گفتمان مهدویت، مادر امام مهدی، مدح و ثنای امام مهدی، مدعیان مهدویت، ملاقات با امام مهدی، موعود باوری، نظریه‌ها در باره امام مهدی، نیمه شعبان، وکالت و نیابت، منابع و متون کودکان و ضمیمه. با توجه به مداخل مذکور، ۷۵۰۰ منبع مرتبط با امام مهدی و مهدویت مأخذ شناسی و موضوع بندی شده است و نیمی از آن‌ها دارای چکیده راهنما است (گروه نویسندگان، ۱۳۸۸: ص ۱۵).

تمرکز بر سابقه تألیف در موضوعات مختلف مهدویت با رویکرد مأخذشناسی، به شناسایی بیش از ۷۵۰۰ منبع در باره مهدویت منجر شده است. منابع این کتاب شناسی‌ها، کتاب، مقاله (اعم از مقاله، نشریات و دایرةالمعارف) و مجموعه مقالات و پایان نامه‌ها را شامل می‌شود و اغلب منابع با مراجعه مستقیم، شناسایی شده و به ذکر نام يك منبع در فهرست‌ها بسنده نشده است. علاوه براین، رویداد کتاب شناخت مهدویت، از جمله اتفاقات قابل توجهی است که در دانشنامه امام مهدی مشاهده می‌شود (همان، ص ۱۵).

در تطور مطالعات مهدویت، چاپ مقالات نشریه، مقاله مجموعه، مقاله دایرةالمعارف و پایان‌نامه، مورد توجه قرار گرفته و معرفی شده‌اند. دسته بندی آن‌ها، به صورت موضوعی و معرفی آن‌ها بر اساس «موضوع»، «پدیدآورنده» و «عنوان» به ترتیب الفبایی قابل مشاهده است. ارائه ریز اطلاعات منابع، خود می‌تواند تطور موضوعات مورد مطالعه جزئی در مهدویت را نشان دهد و فراوانی و یا ضعف تولید محتوا در مسئله را به ما ارائه کند.

فراوانی آثار مهدویت موجب شده است در روش کتاب‌شناخت، هر واحد اطلاعاتی، با يك شماره پیاپی مشخص شود. این واحد، سه قسمت اصلی مأخذ شناسی، چکیده و محتوا را شامل



## مرحله پنجم: تحقیق علمی

الف) مجلات علمی مهدوی (رویکرد تخصصی به روش پژوهشی مطالعات پیشرفته در قالب مقالات علمی معتبر)

مطالعه مهدویت با رویکرد تحقیق علمی در سده اخیر از مجله «مکتب اسلام» شروع شده و به صورت پراکنده به موضوع مهدویت پرداخته است. این مجله سال ۱۳۳۷ شمسی با محوریت آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله سبحانی منتشر شده است. بعد از آن، سالنامه «مکتب تشیع» در سال ۱۳۳۸ به همت آقایان: هاشمی رفسنجانی و باهنر، شکل گرفت. در ادامه نیز مجله «مکتب جعفری» در سال ۱۳۴۰ با تلاش کتابخانه مسجد اعظم انتشار یافت (الهی نژاد، ۱۴۰۱: ص ۱۸۷). با وجود این، نشریات حوزوی قبل از انقلاب اسلامی به مهدویت اختصاص نداشتند و گاه به صورت موردی به آن می‌پرداختند؛ اما پس از انقلاب اسلامی، تطور مطالعات مهدویت در دو دهه گذشته، به مرحله ویژه‌ای از مطالعات کمی و کیفی وارد شده است و مطالعه مهدویت در مجلات علمی با رتبه‌های علمی ترویجی و علمی پژوهشی را با نشر مجله «انتظار موعود» آغاز کرد.

در این رویکرد، مهدویت به صورت موضوع محور، مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌گیرد و با بررسی موضوع خاص در قالب مقاله، به آن پرداخته می‌شود. توجه عالمانه به مسئله و توجیه ضرورت و اهمیت این نوع از مطالعه و تمرکز بر تحلیل موضوع خاص با روشی خاص از امتیازات این نوع از مطالعه در عرصه مهدویت است. حضور پژوهشگران و استادان متبحر و توجه به موضوعات مختلف، به رونق چاپ و توسعه تحقیق و مطالعه در باره مهدویت منجر شده است. درحقیقت، این مطالعه، ورود علمی به مهدویت و نگرش تخصصی به این مسئله را ممکن کرده است. امروزه شمار نشریات و مجلات علمی پژوهشی و علمی ترویجی در باره مهدویت قابل توجه

۱. کتاب‌شناخت مهدویت در اثر «امام مهدی در آئینه قلم»، به شیوه خاص تنظیم شده است؛ به گونه‌ای که در آن ابتدا به مأخذ شناسی و سپس نمایه موضوعی، چکیده نویسی و فهرست‌واره‌ها پرداخته شده است. برای آشنایی بیش‌تر (ر.ک: گروه نویسندگان، ۱۳۸۸: ص ۱۸).

است و با شمارگان بالا در حوزه چاپ و نشر در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرند. تاکنون مجله «انتظار» با ۸۰ شماره و بیش از پانصد مقاله به چاپ رسیده و «مشرق موعود» نیز با ۶۳ شماره و ششصد مقاله انتشار یافته است. مجله‌های علمی دیگری از جمله «عصر آدینه»، «پژوهش‌های مهدوی»، «پژوهش نامه موعود»، «مطالعات مهدوی»، «جامعه مهدوی» و در مجموع حدود ۷۰۰ مقاله را منتشر کرده‌اند. در مجموع قریب دو هزار مقاله علمی بارتبه‌های پژوهشی، ترویجی و تخصصی در حوزه مهدویت در مجلات گوناگون حوزوی ملاحظه می‌شوند.<sup>۱</sup>

### ب) رساله‌های علمی مهدوی

مطالعه مهدویت در قالب رساله علمی، مرحله دیگری از مطالعه مهدویت است که از دودهه پیش در حوزه علمیه مورد توجه قرار گرفته است. در این نوع از پژوهش، موضوعات مختلف در عرصه مهدویت به صورت توصیفی و تحلیلی در سطح سه و چهارم مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این تحقیق، زیر نظر واحد مدارج علمی حوزه علمیه قم به کمک استادان راهنما و مشاور، صورت می‌گیرد. در حقیقت، تولید علم در باره مهدویت در رساله‌های علمی صورت می‌گیرد. گردآوری اطلاعات، طبقه‌بندی آن‌ها، نظریه‌پردازی در باره مهدویت از زوایای گوناگون و نقد دیدگاه‌های مختلف در این زمینه؛ یکی دیگر از مراحل مهم تطور آثار مکتوب در عرصه مهدویت به شمار می‌آید که حوزه علمیه قم آن را بنیان نهاده است. این مطالعه کیفی، زمینه تدوین بسیاری از مقالات علمی و کتاب‌های تخصصی در مورد مهدویت را فراهم آورده است. با توجه به اسناد موجود در واحد مدارج علمی حوزه علمیه قم، بالغ بر ۳۵۰ رساله در سطح سه و چهارم<sup>۲</sup> با موضوع مهدویت تا کنون تدوین شده است.<sup>۳</sup>

۱. برای آشنایی بیشتر و مشاهده مقالات به سایت مجلات مراجعه شود.

۲. در بین رساله‌ها، برخی از آن‌ها از جمله «سیر تحول نگاه مستشرقان به مهدویت در ۱۵۰ سال اخیر (زهیر دهقانی، ۱۳۹۸) در همایش کتاب سال حوزه مورد تجلیل قرار گرفته است.

۳. پایان نامه‌هایی که با موضوع مهدویت نگارش شده‌اند، نسخه‌های آن‌ها در واحد مدارج علمی و مرکز تخصصی مهدویت نگهداری می‌شود.

ج) درس خارج مهدویت (رویکرد فقه الحدیثی به مهدویت در قالب گفتمان تحلیلی در زمینه احادیث، به روش مرسوم در حوزه علمیه)

تطور مطالعه مهدویت پس از یک قرن مطالعه مهدویت که فراز و فرودهای قابل توجهی داشته است؛ اکنون به حدی رسیده است که مهدویت را در حد درس خارج مورد مطالعه قرار داده است. از جمله محققانی که در حوزه مطالعات مهدویت تلاش گسترده‌ای داشته است، آیت الله نجم‌الدین طوسی است. ایشان با مطالعه عمیق روایات مهدویت و مشارکت در تدوین معجم احادیث امام مهدی، در نگرش تخصصی به مهدویت، فصل تازه‌ای از پژوهش‌های مهدویت را در حوزه بنیان نهاد. ایشان در مطالعات مهدویت از جمله محققان پیشگامی است که به بررسی احادیث مهدویت با رویکرد اجتهادی در موضوعات مختلف پرداخته است. توجه به اسناد روایات و تحلیل محتوای آن‌ها در عرصه مهدویت از سوی این محقق، در باره موضوعات مختلف، از جمله تلاش‌های علمی معدودی در حوزه مهدویت است که مسبوق به سابقه چندانی نبوده است. این محقق فرزانه تلاش بسیاری کرده است تا تحقیقات مهدویت را بر پایه منطق فهم حدیث دنبال کند. همچنین با اعتبار سنجی احادیث مورد مطالعه در عرصه مهدویت و بررسی دلالت آن‌ها، خوانشی صحیح از معارف مهدویت ارائه کند.

تبادل نظر و نظریه پردازی در باره مهدویت، بر مطالعه کیفی مهدویت افزوده است. پرداختن به دیدگاه‌های مختلف، ارائه نظر تکمیلی و اصلاح دیدگاه‌ها و در صورت نیاز نقد آن‌ها، عمق مطالعه مهدویت را افزایش می‌دهد. طرح اشکال از زوایای مختلف و پاسخ به آن‌ها و رد و قبول دیدگاه‌ها به شیوه خارج فقه و تقریرات در این زمینه به همان شیوه مفید واقع شده و تا کنون بالغ بر هفتصد جلسه برگزار شده است. حاصل این جلسات تحت عنوان «سلسه مباحث مهدویت»، با موضوعات مختلف به چاپ رسیده است. این آثار عبارتند از:

«التعالیم المهدویه فی رحاب الکلمات الرضویه»، «تا ظهور»، «نشانه‌هایی از دولت موعود»، «سفیانی»، «روایات الیمانی»، «ابحاث حول المهدویه»، «الجزیره الخضراء»، «عرض و نقد»، «چشم‌اندازی به حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، «ادله ولادت امام زمان»، «توقیت»، «سرنوشت یهود در عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف»، «رجعت پیامبر و اهل بیت از نظر شیعه»، «نقش علما در عصر ظهور» (بطلان ادعای مخالفت شیعه با حضرت مهدی)، «ابدال»، «اصحاب حضرت در دوران

غیبت کبرا» (حضرت خضر، ابدال و سی نفر ملازمان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الصریف) «اصحاب حضرت در دوران غیبت صغرا» «نواب اربعه»، «اصحاب امام زمان در عصر ظهور»، «ندای آسمانی»، «جریان‌های آذربایجان قبل از ظهور» و بررسی و نقد روایات یمانی در منابع روایی شیعه و اهل سنت.<sup>۱</sup>

## نتیجه‌گیری

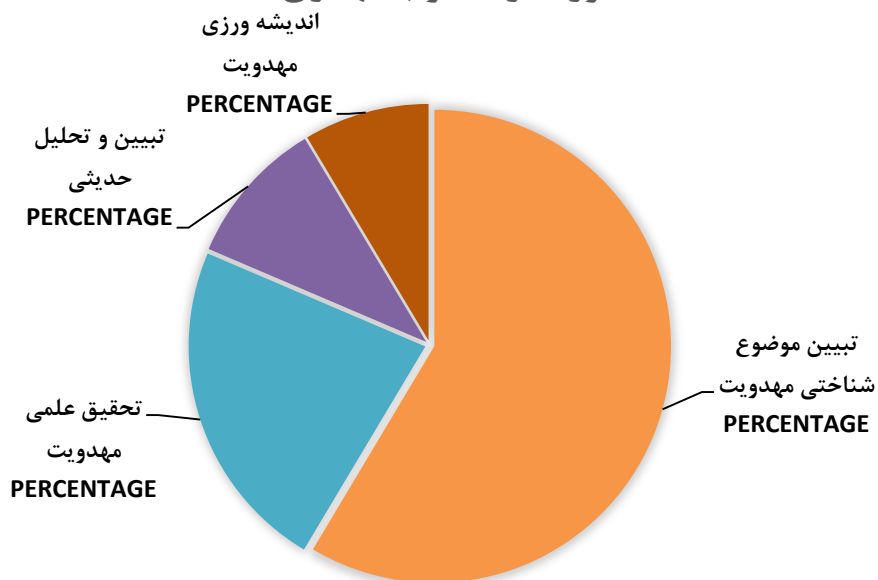
تطور صد سال مطالعات مهدویت در حوزه علمیه قم نشان می‌دهد که مطالعه مهدویت از منظر کمی و کیفی توسعه پیدا کرده است. به لحاظ کمی، مسئله مهدویت از امری اعتقادی فراتر رفته و به عنوان حوزه دانشی عمیقی مورد توجه حوزه علمیه قم گرفته و برای مطالعه عمیق و گسترده آن، اقدامات مهمی صورت گرفته است؛ از جمله تأسیس مراکز، مؤسسات و کتابخانه‌ها.

به لحاظ کیفی، مهدویت که تا نیم قرن پیش بر پایه مطالعه حدیثی متعدد و نامنظم استوار بود؛ پس از انقلاب اسلامی مورد توجه ویژه قرار گرفته و تطورات علمی قابل توجهی را در حوزه نشر پشت سر گذاشته است. اندیشه‌ورزی اعتقادی، تبیین، تحلیل حدیثی، تبیین موضوع شناختی و تحقیق علمی از مهم‌ترین آن‌ها است.

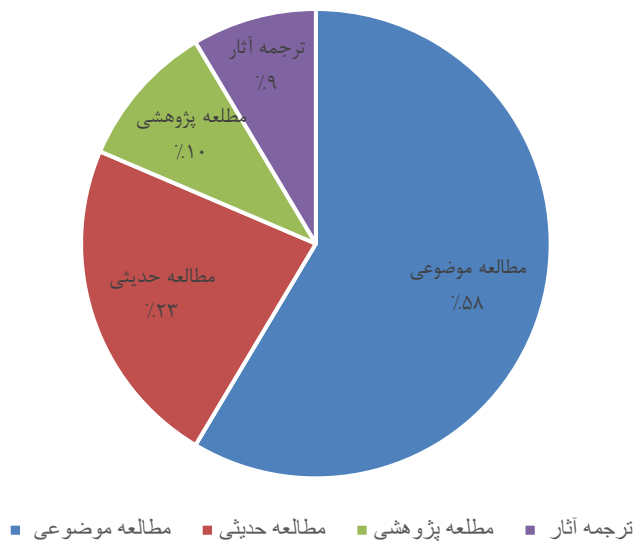
در پی این تحول، آثار مهدویت در حوزه علمیه قم افزایش داشته است. آثار منتشر شده با رویکرد روایت‌نگاری و حفظ تراث ائمه و ثبت و ضبط حدیث، تحلیل روایات و ارائه مباحث اخلاقی، سیاسی اجتماعی، به مرز شش هزار و پانصد اثر رسیده و لذا آثار مکتوب مهدوی در سده اخیر رشد ده برابری داشته است.

۱. از این عناوین ۱۵ عنوان به صورت کتاب چاپ شده است که از طریق انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الصریف در قم و از مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم قابل دسترسی است و مابقی عناوین به صورت جزوه درسی در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم قابل دسترسی است.

## تطور آثار مکتوب مهدوی



## تطور کمی مطالعه مهدویت



## منابع

۱. الهی نژاد، حسین (۱۴۰۱). **مهدویت پژوهی تطورات و آسیب‌ها**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲. امینی، ابراهیم (۱۳۸۰). **دادگستر جهان**، قم، انتشارات شفق.
۳. بروجردی، حسین (بی‌تا). **الامام المهدی عند اهل السنه**، قم، بی‌نا.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۹). **امام مهدی موجود موعود**، قم، اسراء.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). **امام مهدی موجود موعود**، تدوین: سیدمحمدحسین مخبر، قم، اسراء.
۶. حسینی عربی، سیدمهدی (بهار ۱۳۸۷). «**دوره قاجار و تألیفات در باره مهدویت**»، مشرق موعود، شماره ۵.
۷. خراسانی، محمد جواد (۱۳۸۸). **مهدی منتظر**، مشهد، نورکتاب.
۸. دهقانی آرانی، زهیر (۱۴۰۱). **سیر تحول نگاه مستشرقان به مهدویت را در ۱۵۰ سال اخیر**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. شفیع سرورستانی، اسماعیل (۱۳۸۴). **دایرةالمعارف موعود آخر الزمان، موعود عصر رَحْمَةُ الرَّحِیْمِ**، قم، مسجد مقدس جمکران.
۱۰. صافی، لطف الله (۱۳۸۰). **منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر**، قم، مکتبه آیت الله العظمی الصافی الکلیپاگانی.
۱۱. طبسی، نجم الدین (۱۳۹۹). **سلسله دروس مباحث مهدویت، ادله ولادت**، قم، مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.
۱۲. دوانی، علی (۱۳۴۸). **دانشمندان عامه و مهدی موعود**، قم، دار الکتب الاسلامیه.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). **موعودی که جهان در انتظار اوست**، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۹). **شوق مهدی**، مصحح: علی دوانی، قم، انتشارات انصاریان.
۱۵. قائم مقامی، سیدمحمد و دوانی، علی (۱۳۸۴). **پرسش و پاسخ پیرامون امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف**





قم، نور ولایت.

۱۶. قمی، عباس (۱۴۲۲ق). **منتهی الآمال**، قم، جامعه مدرسین.
۱۷. گرجی، علی و باباجانی، علی (تابستان ۱۳۸۷). **آشنایی با پایگاه‌ها و مراکز مهدویت**، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۷۴.
۱۸. پایگاه اطلاع‌رسانی سراسری اسلامی (پارسا) (۱۳۸۸). **امام مهدی در آینه قلم** (کارنامه منابع پیرامون امام مهدی و مهدویت)، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۱۹. گروه نویسندگان (۱۳۸۸). **امام مهدی در آینه قلم**، قم، مسجد مقدس جمکران.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۸). **مهدی موعود**، (جلد ۵۱-۵۳ بحارالأنوار)، مترجم: علی دوانی، تهران، اسلامیه.
۲۱. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۳). **دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه التوفیق بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ**، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). **آفتاب ولایت**، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). **مجموعه آثار**، قم، صدرا.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). **حکومت جهانی مهدی**، قم، نسل جوان.
۲۵. مهدی پور، علی اکبر (۱۳۷۵). **کتاب‌نامه حضرت مهدی**، قم، نشر مؤلف.
۲۶. میرباقری، سیدمحمد حسین (۱۳۹۵). **موسوعه الامام المنتظر**، قم، هاجر.

27. wikimahdaviat.ir.



## تحلیل برون داده‌های غلبه جریان عقل‌گرایی اعتدالی بر نص‌گرایی افراطی در مهدویت‌پژوهی سده اخیر حوزه علمیه قم<sup>۱</sup>

ابوذر رجیبی<sup>۲</sup>

سیدمحمد کاظمی شیخ شبانی<sup>۳</sup>

### چکیده

در ادیان الهی - به ویژه دین اسلام و مذهب تشیع - نسبت به متون دینی، به طور کلی، با دو نگرش و رهیافت مواجه هستیم: «نص‌گرایی» و «عقل‌گرایی». جریان نص‌گرا، در فهم دین محوریت و اصالت را به متن داده و بر فرع و حاشیه بودن عقل تأکید می‌کند و جریان عقل‌گرا (اعتدالی)، ضمن پایبندی به متن، برای عقل نیز شأن کشف معارف دینی قائل است. حوزه علمیه قم در سده اخیر، شاهد حضور این دو جریان در صحنه مهدویت‌پژوهی بوده است. جریان عقل‌گرای اعتدالی با نقد تک‌ساحتی بودن روش نص‌گرایان افراطی، بین عقل و متن و پایایی و پویایی باورداشت مهدویت پیوند و آشتی برقرار کرده و مبارزات علمی بر جریان نقل‌گرای افراطی غالب شد. پژوهش پیش‌رو، از آن‌جا که به دنبال کشف برون داده‌های غلبه جریان عقل‌گرایی اعتدالی بر نص‌گرایی افراطی حوزه علمیه قم در مهدویت است و به توصیف و تحلیل نتایج غلبه تفکر عقل‌گرایی بر نص‌گرایی در آن آموزه می‌پردازد، و بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی مبتنی است؛ از نظر روش اجرای تحقیق، توصیفی - تبیینی خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** عقل‌گرایی، نص‌گرایی، حوزه علمیه قم، مهدویت، فهم دین، انتظار سازنده.

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت

آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله تألیف شده است.

rajabi@maaref.ac.ir

۲. دانشیار گروه مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

smksh1368@gmail.com

۳. دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم، ایران (نویسنده مسئول)

## طرح مسئله

در تاریخ معرفت دینی، مکاتب و روش‌های گوناگونی پدید آمده و در پیشبرد معارف اسلامی نقش آفرینی کرده‌اند. با نگاهی به تاریخ معرفت شیعی، به طور کلی می‌توان به دو رویکرد «عقل‌گرا» و «نص‌گرا» اشاره کرد (شمس ناتری، ۱۳۹۳: ص ۷۶). در تاریخ کلام شیعه و آغاز عصر غیبت کبریا، غلبه با جریان نص‌گرا بود و از شیخ صدوق می‌توان به عنوان نماینده این جریان نام برد (بحرانی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۷۰ و حرعاملی، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۴۴۶). با تلاش‌های علمی شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی معارف دینی و کلام اسلامی از سیطره گرایش نص‌گرا خارج شد و در قرن‌های بعد غلبه با فقها، مفسران اصولی و متکلمان بود و سیطره اندیشه‌های نقل‌گرای رخت بریست و در انزوا قرار گرفت. در قرن یازدهم هجری، محمد امین استرآبادی به احیای روش محدثان نقل‌گرا همت گماشت و به طور رسمی، مکتبی نص‌گرا درون مذهب شیعه پا گرفت و با عنوان «اخباریگری» رشد و نمو یافت (بهشتی، ۱۳۹۰: ص ۱۶). در این مکتب، نقل بر عقل تقدم دارد و نص، نقش محوری را در معرفت دینی ایفا می‌کند. رکن اصلی و بنیادین این مکتب، منحصر دانستن منابع معرفت دینی به روایات اهل بیت علیهم‌السلام است. این رویکرد هر چند بر تبیین آموزه‌های اعتقادی اسلام اثرگذار بود و در رشد اندیشه‌های اسلامی نقش مهمی داشت؛ به دلیل تک‌بعدی بودن، بسندگی به نص و جمود بر نصوص موجود پیامدهایی را به حوزه دین‌شناسی تحمیل کرد و به عنوان مانعی بزرگ بر سر راه بالندگی و پویایی معارف دینی قرار گرفت (یوسفیان و شریفی، ۱۳۷۵: ص ۱۸۳).

با مبارزات علمی آقاوحدید بهبهانی و تلاش‌های گسترده شیخ مرتضی انصاری، عرصه جولان علمی بر نص‌گرایان افراطی تنگ شد و زمینه افول و به محاق رفتن این جریان و دوره شکوفایی و رشد مکتب اجتهادی و عقل‌گرایی اعتدالی - نه عقل بسندگی و راسیونالیسم - فراهم شد (بهشتی، ۱۳۹۰: ص ۸۹). جریان عقل‌گرا با اعتقاد به عقیم بودن روش تک‌بعدی در فهم دین که دارای نتیجه‌ای ناقص است؛ برای آن‌که از ابعاد دیگر دین باز نماند و به طور خاص مهدویت را به گستره‌ای خاص محدود نکند؛ با رویکردی تازه میان عقل و نقل آشتی برقرار کرد و از آن‌جا که باور دارد مهدویت، دارای خاستگاه قرآنی، عقلی و روایی است، با مجموعه‌نگری به معارف دینی، در منظومه معارف الهی و جمع میان عقل و وحی روش جدیدی را بنا نهاد



(الهی نژاد، ۱۳۹۸: ص ۱۷). به تعبیر دیگر، این عالمان دینی با اعتقاد به چند تباری بودن و تنوع و تعدد مسائل در حوزه مهدویت پژوهی، بر این باورند که روش نقل‌گرا به تنهایی به فهم جامع از باورداشت مهدویت قادر نیست. بنابراین، این گفتمان در عرصه روش‌شناسی مستلزم چند روشی است و برای استنباط معارف مهدوی به صورت مجموعه‌نگر به روش‌های دیگری نیز نیازمند است (خسروپناه، ۱۳۸۲: ص ۱۴۸).

چراغ جریان نص‌گرایی افراطی - که مشخصاً از آن در این تحقیق به «مکتب اخباری‌گری» یاد می‌کنیم - به عنوان رویکردی دین‌شناسانه در حوزه فقه، به‌رغم افولش به طور کامل خاموش نشد و تفکرات این جریان، در شکل‌ها و قالب‌های دیگری در ساحت‌های گوناگون دینی ظهور و بروز کرد (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ص ۱۰۹). عدم حضور برجسته آموزه‌های قرآنی و یافته‌های عقلانی، به عنوان گوهری ثمین در دایره شناخت معارف دینی و التزام و تعصب شدید به ظواهر روایات، پیامدهای فراوانی را در معرفت دینی برجای گذاشت. همین امر سبب شد، در سدهٔ اخیر، عده‌ای از عالمان دینی در حوزه علمیه قم، با بینشی عمیق و اندیشه‌ای انبیین در برابر این نگرش عقیم در فهم معارف وحیانی و روشی ناکارآمد در پاسخ به سوالات و شبهات نوپدید و اسلوبی ناقص در ارائه برنامه و راهکارهای مناسب برای نیازهای حیات بشری؛ رهیافتی عقلانی و اجتهادی به جامعه علمی معرفی و اصول و مؤلفه‌های آن را تبیین و ترویج کنند. بنابراین، مجدّدانه در برابر قشری‌گری و ظاهرگرایی قدم علم کردند و برای مقابله با تحجر و سطحی‌اندیشی در ساحت گفتمان مهدویت طرحی نو در انداختند (حیدری، ۱۴۳۷: ص ۳۳-۲۶).

استمرار و تداوم اخباری‌گری و وجود ریشه‌ها و رسوبات فکری آن در مباحث اخلاقی، استنباطات فقهی، رهیافت‌های تفسیری و مسائل کلامی؛ به‌ویژه مهدویت سبب می‌شد گفتمان مهدویت همچون دیگر معارف دینی، از آسیب‌ها و پیامدهای منفی این تفکر در امان نماند و مهدویت را به گفتمانی خنثا و خاموش و مقوله انتظار را به باوری حداقلی تنزّل دهد. با حضور فعالانه جریان عقل‌گرای حوزه علمیه قم در سده اخیر، عملاً مبارزه‌ای علمی شکل گرفت و با گسترش عقلانیت دینی در حوزه مهدویت، صحنه این مبارزه به نفع جریان عقل‌گرا تغییر پیدا کرد. با تلاش این اندیشمندان عقل‌گرا، باورداشت مهدویت در بی‌راهه سطحی‌نگری و تاریک‌راه



ظاهرگرایی نیفتاد و به طور چشمگیری از تفکرات انحرافی به دور ماند و این اندیشمندان مانع نشستن آفات رویکرد نص‌گرایی بر دامن گفتمان حیات‌بخش مهدویت شدند (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ص ۱۹-۱۸).

عالمان جامع‌نگر معتقدند برای اعتلای گفتمان مهدویت، باید چهره این اندیشه حیات‌بخش را به عقلانیت و جامع‌نگری آراست و دامانش را از خوانش‌های سطحی و انحرافی پیراست. این دغدغه علمی و سیر تحول و تطور در مهدویت پژوهی سبب شد تا مطالعات مهدوی از کنشگری منفعلانه به روندی منضبطانه و فعالانه، و قرائت ایستا از مهدویت به خوانشی پویا، و انتظار خاموش به انتظاری فعال، و مهدویت حداقلی به حداکثری ترقی یابد (بیانات در دیدار جمعی از استادان و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

این پژوهش از آن‌جا که به دنبال کشف برونادهای غلبه جریان عقل‌گرایی اعتدالی بر نص‌گرایی افراطی در مهدویت است و به توصیف و تحلیل نتایج غلبه تفکر عقل‌گرایی بر نص‌گرایی در آن آموزه می‌پردازد و بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی مبتنی است؛ از نظر روش اجرای تحقیق، توصیفی-تبیینی خواهد بود.

پایایی و پویایی در گفتمان انتظار، توجه به مسائل و پرهیز از بیان مسئله‌نماها، رصد شبهات و سوالات نوپدید و پاسخ متناسب به آن‌ها، کاربرست منجی‌گرایی در جهت تقریب مذاهب و ایجاد تمدن جدید اسلامی و تشکیل حکومت دینی و ترویج نظریه ولایت فقیه از برونادهای غلبه تفکر عقل‌گرایی بر نص‌گرایی است.

به عنوان پیشینه، تنها به مقاله «پیامدهای سیاسی بازتولید اندیشه اخباری‌گری بر گفتمان انقلاب اسلامی»، از داود فیض‌افرا و دیگران، می‌توان اشاره کرد که در پژوهش مذکور، بر برونادهای غلبه جریان عقل‌گرایی اعتدالی بر نص‌گرایی افراطی در آموزه مهدویت اشاره‌ای نشده و این مسئله را در سده اخیر حوزه علمیه قم مورد بحث و تحقیق قرار نداده است. بنابراین، می‌توان گفت، پژوهش پیش‌رو، در میان تحقیقات گذشته سابقه‌ای ندارد و به نوبه خود ابداعی و بدون پیشینه است.



## بروندادهای غلبه جریان عقل‌گرایی اعتدالی بر نص‌گرایی افراطی در مهدویت

«عقلانیت اعتدالی شیعی»، رویکردی است که در آن بر نقش قوه عقل در کنار معارف وحیانی برای کسب شناخت و معرفت دینی تأکید می‌شود و درصدد است که گزاره‌های دینی را با استدلال عقلانی تبیین کند؛ یعنی در تبیین معارف دینی بیش‌ترین نقش را به عقل می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۲۴۷ و مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۴، ص ۵۲۴). در واقع، این جریان از میان ابزارهای شناخت بر عقل تأکید فراوانی دارد و آن را منبع مستقلی در کنار منابع معرفتی دیگر (نقل، شهود و حس) می‌داند. بر اساس باور اینان، همان‌گونه که نصوص و ظواهر نقلی منبع معرفت دینی شناخته می‌شوند؛ عقل نیز باید مرجع معتبری در فهم معارف دینی به‌شمار آید.

به باور اینان، عقلانیت، فصل‌میز انسان از حیوان است و همه انسان‌ها از قوه درک بدی و تشخیص مناسبی از آن، برخوردارند؛ چون همه انسان و عاقل آفریده شده‌اند. مراد از عقل و عقلانیت در این رهیافت عقل قدسی و الهی است.

این عقلانیت، در درون جهان‌بینی اسلام و مستنبط از منابع اصیل اسلام است. اگرچه عقل‌گرایی شیعی، دارای رویکردهای چهارگانه کلامی، فقهی، فلسفی و عرفانی است؛ در بدو شکل‌گیری با حاکمیت عقل‌گرایی کلامی با محوریت شیخ مفید و بعد شاگردانش بر تمرکز فهم دین با محوریت عقل و نقل تأکید داشتند.

اینان بر این باورند که ارتقای اندیشه دینی، به واسطه خردورزی و اعتماد بر عقل صورت می‌گیرد. رکود و رخوت در دین‌ورزی محصول تعطیلی عقل است و نتیجه آن، جمود بر لفظ و ظواهر دینی خواهد بود. پویایی خردورزی در پرتو اجتهاد دینی سبب می‌شود که با عبور از ظاهر متن، معنای عمیق‌تری از معارف دینی کشف گردد. عقل، ابزار و منبع مناسبی برای یافتن این معنای عمیق است. عقلانیت اجتهادی، دین را صرف ظواهر نصوص نمی‌داند، بلکه بر این باور است که شارع از روی عمد و هدفمند، بسیاری از عرصه‌ها را فاقد حکمی خاص رها کرده است تا مکلفان با مراجعه به عقل و به شرط مخالفت نداشتن با نص، مسیر هدایت و آموزه‌های ناب اسلامی و الهی را بیابند. خداوند با ارائه اصول کلی در نصوص، میدان فراخ و گسترده‌تری را با اجتهاد دینی برای جولان و نقش‌آفرینی عقل در زندگی مؤمنان در نظر گرفته است



(طباطبایی فر، ۱۳۹۵: ص ۱۳۴).

جریان عقل‌گرایی اعتدالی شیعی، قرائتی از دین را پذیرفته است که حضور دین را به شکل حداکثری در امور مختلف فردی و اجتماعی لحاظ می‌کند؛ دقیقاً مقابل جریان‌های روشنفکری دینی که نگرش حداقلی به دین دارد و دین را به امور اخروی محدود می‌داند (بلعید، ۲۰۰۴: ص ۲۸۶؛ حائری یزدی، ۱۹۹۴: ص ۱۴۰؛ بازگان، ۱۳۷۷: ص ۶۱؛ سروش، ۱۳۷۶: ص ۲۵۷ و مجتهدشبه‌ستری، ۱۳۷۷: ص ۱۸-۲۰). طیفی از شریعت‌گرایان سنتی هم که اصل عقلانیت را می‌پذیرند، عملاً به لوازم دیدگاه روشنفکران دینی تن داده‌اند. این طیف، مبتنی بر نص‌گرایی در میان متفکران شیعی، نهایتاً به جریان اخباری ختم شد که امروزه نیز طرفدارانی دارد. در عرصه مهدویت برون‌دادهای جریان عقل‌گرا، با اخباری کاملاً متفاوت و حتی معارض خواهند بود که در ادامه به مواردی اشاره خواهیم کرد.

### ۱. خوانش کلان‌نگر از آموزه انتظار

باورداشت حیات‌بخش انتظار که از مهم‌ترین معارف مهدوی است و نقش موثری در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها - به ویژه مسلمانان - دارد؛ می‌تواند به عنوان مبنایی برای حرکت‌ها، نهضت‌ها و به طور کلی بینش و کنش عالمان دینی و مسلمانان جهان قرار گیرد و تمامی فعالیت‌های آن‌ها را در عصر غیبت تنظیم و مهندسی کند. مبنا قرار گرفتن این باورداشت در عصر غیبت و نقش آن در زندگی بشر به میزان باور آن‌ها در گستره انتظار بستگی دارد. در بحث مهدویت پژوهی که با نگرش تحلیلی و استدلالی و با توجه به مستندات قرآن، روایی و عقلی موضوعات مهدوی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند؛ گفتمان انتظار نیز باید با همین رویکرد مورد ارزیابی قرار بگیرد و بازخوانی شود (الهی نژاد، ۱۳۹۸: ص ۱۸). این آموزه که نقش مهمی در هدایت‌گری و سامان‌بخشی رفتارهای دینی، سیاسی و اجتماعی مردم دارد، مفهومی قرآنی و ایده‌ای فرا اسلامی است که به عنوان یکی از مباحث مهم و جزء جدا ناشدنی مسئله مهدویت، در متون دینی، خصوصاً اسلامی و به ویژه امامیه ساحت‌های گوناگون آن مورد تأکید و تبیین قرار گرفته است و دارای ویژگی فطری است که با سرشت و نهاد آدمی آمیخته است؛ چراکه ذیل کمال‌خواهی انسان توجیه می‌شود (اعتصامی، ۱۳۹۹: ص ۱۶۳).



با مطالعه آثار برخی از عالمان دینی در حوزه مهدویت درمی‌یابیم که آن‌ها در اصل ضرورت انتظار، دیدگاه واحدی دارند؛ ولی در گستره مفهومی آن و وظایف منتظران در عصر غیبت، به دلیل اختلاف در روش فهم نسبت به آموزه‌های دینی دیدگاه یکسانی را مشاهده نمی‌کنیم. از منظر عالمان عقل‌گرا، انتظار ماهیت عقلی و فطری و خاستگاه درونی دارد و بنابراین، تبیین مفهوم و عمده گزاره‌ها و شاخصه‌هایی که درخصوص آن شکل می‌گیرد، تنها با روش عقلی، قابل دفاع و توجیه است و عقل، بیش از دیگر منابع معرفتی عهده‌دار تبیین، تثبیت و دفاع از بسیاری از ساحت‌های انتظار است. غفلت از کارکرد عقل در تبیین این گفتمان می‌تواند پیامدهای معرفتی خاصی بر اندیشه عالمان شیعی و حوزه مهدویت پژوهی تحمیل کند (الهی‌نژاد، ۱۳۹۵: ص ۵۰).

اعتنا به نقش عقل و برجسته بودن آن در منظومه معرفت دینی و بی‌توجهی به این نقش مهم و غفلت از آن، سبب شده است که همواره دو رهیافت و قرائت کلی نسبت به این حوزه دینی وجود داشته باشد: «رویکرد نص‌گرایی» و «رویکرد عقل‌گرایی». نگاه نص‌محور خوانش اقلی درباب مهدویت و انتظار دارد که باید آن را انتظاری منفعلانه و واپس‌گرایانه نامید. در این انتظار، هیچ‌گونه تحرک و پویایی دیده نمی‌شود و بیش از آن که به انتظار شبیه باشد، به مسئولیت‌گریزی همسانی دارد. در این رویکرد، دعا تنها نسخه شفاف‌بخش غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و عاملی شتابناز برای امر ظهور است (باقی، ۱۳۶۳: ص ۱۳۱). ناگفته نماند این نوع نگرش به مسئله انتظار، می‌تواند معلول نوعی مسئله روان‌شناختی باشد؛ چراکه نبود قدرت در دست عالمان و ناامیدی از تشکیل حکومت در عصر غیبت، می‌تواند بر قبول چنین رویکردی موثر باشد (شجاعی‌مهر و لک‌زایی، ۱۳۹۷: ص ۲۴۹).

این عالمان دینی<sup>۱</sup> که در فهم معارف مهدوی رویکرد روایت‌محوری را پذیرفته‌اند، با غفلت از آیات امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران: ۱۰۴ و ۱۱۰) و آیاتی که تغییر و تحول در سرنوشت

۱. بعضی از مؤسسان و مروجان انجمن حجثیه و برخی از عالمان موسوم به «ولایتی» و «شریعت‌گرایان» سنتی (ر.ک: ارشادی‌نیا، محمدرضا، از مدرسه معارف تا انجمن حجثیه و مکتب تفکیک، ص ۲۵ و رجعی، ابوذر، آسیب‌شناسی جریان شریعت‌گرای سنتی در مواجهه با روایات منع قیام در عصر غیبت، مشرق‌موعود، سال سیزدهم، شماره ۵۰، تابستان



انسان‌ها و جامعه بشری را به اراده آن‌ها منوط کرده است و ایجاد تحول را معلول اعمال اراده و مقدمه سازی از طرف انسان‌ها می‌داند (رعد: ۱۱، نساء: ۱۵۵، مائده: ۱۳، اعراف: ۹۶، انفال: ۶۲)؛ و همچنین جمود بر برخی نصوص موجودی که مردم را در عصر غیبت به دعا و نشستن در خانه ترغیب می‌کنند (باقی، ۱۳۶۳: ص ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۲ و نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۹۷)؛ برای اراده انسانی در تحقق ظهور نقش برجسته‌ای قائل نیستند و معتقدند امر ظهور رخدادی ماورایی است و به علتی ماورایی نیاز دارد و زمینه‌سازی شرط ظهور نیست (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۳۷۵-۳۷۶ و نصیری، ۱۳۹۹: ص ۳۱۵).

در مقابل، اندیشمندان عقل‌گرا با توجه به آیات قرآن، روایات اهل بیت علیهم‌السلام و نگرش واقع‌گرایانه به نقش عقل در فهم دین، انتظار را عنصری حرکت‌آفرین، پویا و عملی حیات بخش در عصر غیبت می‌دانند و نگاه حداقلی به انتظار را شدیداً نفی و نقد می‌کنند. این عالمان مجدد که از صحنه‌گردانان معارف دینی و اندیشه‌های کلامی در حوزه علمیه قم به شمار می‌روند، پیامدهای منفی انتظار خاموش و خنثا را به خوبی درک کرده‌اند و با نگاهی جامع به نصوص مهدوی و کاربست عقل در فهم آن‌ها، وظایف منتظران را فراتر از دعا و اعمال عبادی فردی می‌دانند و مقابله با مستکبران و دشمنان اسلام را از مصادیق مهم انتظار به حساب می‌آورند (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ص ۱۸۴ و ۱۸۵). به تعبیر دیگر، انتظار از منظر عقل‌گرایان اعتدالی بیش از آن که «عاطفه‌گرایانه» باشد، «تکلیف‌مدارانه» است و بیش از آن که جنبه فردی داشته باشد، مقوله‌ای اجتماعی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۴۶ و ۶۸ و مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ص ۸۷). این جریان با تمسک به آیات قرآن، سنت الاهی و دلایل عقلی، رخداد ظهور را بدون خواست مردم و زمینه‌سازی محال می‌داند و بر این باور است که هرچند امر ظهور به دست خداوند متعال است؛ با توجه به سنت الاهی که همیشگی و همگانی است، تحقق ظهور باید همراه خواست مردم نیز باشد (صدر، ۱۳۸۸: ص ۲۶ و مطهری، ۱۳۷۴: ص ۱۸-۱۹).

مقام معظم رهبری در نقد انتظار ایستا و تأیید انتظار پویا چنین می‌فرماید:

انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست. انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه‌الکبری آماده کنیم (بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم ۱۳۸۱/۷/۳۰).

امام خمینی نیز به عنوان یکی از عالمان عقل‌گرا در سده اخیر که مکتب عقل‌گرایی معاصر با انقلاب اسلامی ایران به رهبری ایشان نضج و نمو یافت، با رد دعابندگی، انتظار به نشستن و تنها دست به دعا برداشتن را سطحی‌ترین و نازل‌ترین مرتبه انتظار می‌داند و می‌فرماید:

ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان - سلام الله علیه - هستیم، پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم «عَجَلْ عَلٰی فَرَجِهِ» عَجَلْ، با کار شما باید تعجیل بشود؛ شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن این‌که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می‌کند (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۸، ص ۲۶۹).

یکی دیگر از عالمان عقل‌گرا در دوران معاصر، تکلیف‌گریزی در عصر غیبت را نوعی انحراف دینی می‌داند. ایشان عدم کاربست عقل را در تحلیل روایات و معارف مهدوی، عامل چنین انحرافی معرفی کرده است و می‌نویسد:

عقل ما نمی‌تواند تشخیص دهد که این سخن، کلام معصوم است یا نه. ما نباید این روایات را دستور شرعی و تعبدی برای کل جامعه اسلامی در دوره آخرالزمان در نظر بگیریم. این که در دوره آخرالزمان، مسلمانان نباید بچه دار شوند؛ نباید از خانه‌هایشان بیرون روند و نباید در مسائل اجتماعی جامعه شرکت کنند، عقیده بسیار نادرستی است. این عقیده نیز که انسان باید به انتظار ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ گوشه‌ای بنشیند و فقط ذکر بگوید، عقیده‌ای انحرافی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ص ۸۷).

همت و دغدغه عقل‌گرایان اعتدالی در نقد خانه‌نشینی و دعابندگی در عصر غیبت و تذکر دائم بر بطلان چنین عقیده‌ای، نشان از آن دارد که این تفکر که برون‌داد تحجر است، باوری شایع در اذهان برخی عالمان دینی بوده است؛ هرچند این باور را به طور صریح در آثار قلمی خود ذکر نکرده باشند. بر اثر همین مبارزات علمی و تبیین‌های عقلانی عالمان عقل‌گرای حوزه علمیه قم در سده اخیر - به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران - بود که خوانش سطحی و ایستا از گفتمان انتظار جایش را به قرائتی عمیق، جامع و پویا داد و این عالمان عقل‌گرا بودند که در صحنه مهدویت‌پژوهی خودی نشان دادند و برداشت‌های انحرافی و سطحی از باورداشت انتظار را نقد و شکافی را که سال‌ها بین حقیقت انتظار و فهم عقیم و باطل آن وجود داشت و



توسط نص‌گرایان افراطی در حوزه مهدویت پژوهی و سطح جامعه تبیین و ترویج می‌شد؛ ترمیم، و خلأ معرفتی در این حوزه را پر کردند.

تفکر عقلانی در مسئله مهدویت، نه تنها در اندیشه و کنش عقل‌گرایان اعتدالی نضج و ترویج یافت، بلکه مؤسسات و اندیشکده‌هایی با همین رویکرد در حوزه علمیه قم و برخی شهرهای کشور تأسیس شد و شاگردان این مکتب با شیوه‌های گوناگون پژوهشی، اندیشه عقلانی مهدویت را در حوزه دین‌شناسی و مهدویت پژوهی ترویج داده‌اند.<sup>۱</sup>

## ۲. توجه به مسائل و پرهیز از مسئله‌نماها

با توجه به گسترش خردگرایی و عقل‌بستگی در جهان و نفوذ آن در کشور توسط برخی روشنفکران دینی و همچنین پیشرفت علوم تجربی و رسوخ شبهات اعتقادی در افکار و اذهان مردم؛ تبیین عقاید مهدویت با پشتوانه عقلی و رویکرد عقلانی بیش از هر زمان دیگری ضروری می‌نماید. سوگمندانۀ ظاهرگرایی و قشری‌گری، غلبه احساسات و عواطف مذهبی بر عقلانیت دینی، فقدان محتوای کیفی و روی آوردن به محتوای کمی و شدت نجات‌خواهی سبب شده است جریان نص‌گرا با احساس امنیت کاذب مذهبی، تهدیدهای علمی و شبهات نوپدید علیه گفتمان مهدویت را به خوبی درک نکند و تحلیل اجتهادی و عقلانی از این آموزه توسط این جریان مطرح نگردد (صادقی رشاد، ۱۳۹۵: ص ۴۲). در «رویکرد روایت‌محور»، به دلیل ساختارزدگی، فقد زمانه آگاهی، عوام‌زدگی و رعایت مذاق متشرعه و ملاحظه ذایقه عوام، شهرت‌زدگی و احتیاط‌گرایی افراطی در معرفت دینی و فهم نصوص و گزاره‌های مهدوی پا را از آنچه سلف فهم کرده‌اند، فراتر نمی‌گذارد و اصولاً با هرگونه فهم جدید و بازخوانی مجدد اندیشه‌های پیشین اسلامی مخالفت می‌کند. همین امر سبب شده است نص‌گرایان افراطی در حوزه مهدویت پژوهی نتوانند به جامعه هدف خود، فهم نو و عمیقی را عرضه کنند و بی‌توجه به

۱. به عنوان نمونه، «مرکز تخصصی مهدویت» (قم)، «مؤسسه آینده روشن» (قم)، «پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی» (قم)، «فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود»، «فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود» و دیگر مراکز و مجلات مهدوی که با نگرش عقلانی در حال فعالیت هستند.

فعالیت‌های جریان رقیب و مکاتب نوپدید، مهدویت‌پژوهی را به تکرار مکررات، تحشیه‌نگاری و تعلیقه‌زنی بر آثار گذشتگان فروکاسته‌اند (همان: ص ۱۹، ۳۴ و ۴۶).

## ۱-۲. پاسخ‌های نو به پرسش‌های نوپدید

امروزه با گسترش ذهن فلسفی و روح پرسشگر افراد، خلق سوال‌ها و شبهات جدید امری طبیعی به نظر می‌رسد؛ اما یک‌سونگری و حصرگراییِ روش‌شناختی سبب می‌شود حقیقت و کنه مسائل مهدوی روشن نگردد و ابعاد آن تبیین نشود. در نتیجه مهدی‌پژوهان چاره‌ای ندارند جز آن‌که به سوالات جدید، پاسخ‌های کهنه عرضه کنند. بی‌توجهی به مسائل عقلی در حوزه مهدویت و تصلب بر روش نقلی مانع فهم مجموعه‌نگر و خلق نظریه‌های مهم در عرصه مهدویت می‌گردد و مهدی‌پژوه مجبور است رویکرد خنثا یا منفعلی را اتخاذ کند که در این صورت، از مواجهه فعال در برابر چالش‌های مهدوی باز می‌ماند (عرفان، ۱۳۹۹: ص ۵۰ و ۵۶). عالمان عقل‌گرا و مهدوی‌پژوهانی که رویکرد عقل‌گرایی را در پژوهش‌های خود به کار گرفته‌اند، دچار یک‌سو‌نگری نمی‌شوند و فهمی کاریکاتوری از باورهای مهدوی به جامعه هدف عرضه نمی‌کنند. این اندیشمندان دینی در مواجهه با شبهات و سوالات نوپیدا، بدون آن‌که صورت مسئله را پاک کنند و به جای حل مسئله، به حذف آن روی بیاورند، با رویکردی فعال، نیازهای مخاطبان در عرصه اندیشه مهدویت را رصد و نیازهای علمی آن‌ها را برطرف می‌کنند (همان: ص ۵۶). بنابراین، رصد شبهات و سوالات نوپدید و پاسخ متناسب به آن‌ها از مسائل مهم و اساسی در عرصه مهدویت است؛ چراکه انباشته شدن سوال‌ها و گسترش شبهات، بدون آن‌که پاسخی به آن‌ها داده شود، باورداشت مهدویت را دچار آسیب و باورهای مردم را سست می‌کند. از آن‌جا که رویکرد عقل‌گرایی اعتدالی یا همان عقل‌گرایی نقل‌پذیر از آفت نگرش تک‌بعدی و جمود در امان است، به این ضرورت پژوهی توجه داشته و با حساسیت ستودنی با تألیف کتاب‌ها<sup>۱</sup> و مقالات ارزشمند و همچنین طرح مباحث مهم در برخی محافل علمی به صورت

۱. کتاب «امام مهدی موجود موعود»، نوشته آیت‌الله جوادی آملی در جهت پاسخگویی به برخی شبهات وهابیت به باورداشت مهدویت شیعی نگاشته شده است.

خطابه، به دنبال ارائه پاسخ‌های مستدل و تبیین‌های عقلانی است. این مهم تنها از عهده عالمان عقل‌گرایی که به هماهنگی بین عقل و نقل اعتقاد دارند، برمی‌آید که با حضور فعالانه این مکتب در عرصه مهدویت بخش قابل توجهی از نیازها و خلأهای موجود برطرف شده است (شمس ناتری، ۱۳۹۳: ص ۷۷). آیت الله جوادی آملی با به کارگیری رویکرد آشتی بین عقل و نقل در مسئله مهدویت، در مقدمه کتاب «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود موعود»، چنین نوشته است: «کتاب حاضر با استعانت از عقل و استمداد از نقل، جریان مهدویت شخصی حضرت حجت بن الحسن المهدی موجود موعود را ارائه می‌نماید» (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ص ۱۸-۱۹).

## ۲-۲. دوری از مسائل فاقد اولویت

طرح مباحث فاقد اولویت از آفت‌هایی است که دامنگیر حوزه مهدویت شده و این گفتمان انسان‌ساز را به باوری سطحی و صرفاً عاطفی تنزل داده است. همان‌طور که گفته شد، رویکرد تک‌روشی و روایت‌بستگی در فهم نصوص و معارف مهدوی نمی‌تواند زوایای پنهان این اندیشه حیات‌بخش و تحول‌آفرین را بازکاوی کند، بنابراین بدون توجه به حقایق نهفته در این باورداشت عظیم، به طرح مباحث کمی و حجیم و بدون اولویت پژوهی بسنده می‌شود (سلیمیان، ۱۳۹۹: ص ۱۲). این توسعه کمی در مباحث مهدویت و عدم توجه به کارایی و اثربخشی آن‌ها در رفع خلأهای معرفتی و گسترش نظریه‌ها در عرصه معارف مهدوی، برون‌داد عدم درک اهمیت موضوع و عدم توجه به تهدیدهای جریان در حوزه مهدویت است.

بیان مسائل غیرمفید و طرح مباحث فاقد اولویت در پژوهش‌ها و فعالیت‌های مهدوی، همچون خطابه‌های دینی، آفتی است که دامنگیر اندیشه مهدویت شده و در مواردی زمینه تخریب مکتب تشیع را فراهم کرده است (نوری، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۶۶). عالمان عقل‌گرایی حوزه علمیه قم در سده اخیر به این مسئله التفات داشته‌اند و با فهم دقیق و عمیق از معارف اسلامی و آشنایی با اوضاع زمانه - که در روایات، این فهم دقیق و آشنایی با اوضاع زمانه به عنوان ویژگی علمای تراز بیان شده است<sup>۱</sup> - و همچنین رصد فعالیت‌های جریان رقیب از طرح آن‌ها در

۱. امام صادق علیه السلام: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس؛ شبهات به کسی که زمانه خود را بشناسد هجوم نمی‌آورد» (کلینی،

۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۷).

عرصه مطالعات مهدوی امتناع کردند و به مسائل ثمربخش آن پرداختند. با این که در برخی از تالیفات مهدوی، مباحث غیر ضروری همچون احوال شخصی امام، فرزندان، همسر، محل سکونت، تشرفات و رؤیاهایی که به راحتی قابل اثبات نیستند، طرح شده است؛<sup>۱</sup> اما عالمان عقل‌گرای حوزه علمیه قم بیان چنین مسائلی را فاقد ارزش معرفتی قلمداد می‌کنند و با نقد چنین رویه‌ای مهدوی‌پژوهان را به نگرشی اجتماعی و عقلانی به مسائل مهدوی دعوت می‌کنند (عرفان، ۱۳۹۵: ص ۵۰ و ۶۱). مقام معظم رهبری ضمن انتقاد به بیان تشرفات افراطی و معارف سطحی از مهدویت چنین بیان می‌دارد:

همه آحاد مردم توجه داشته باشند این ادعاهای اتصال و ارتباط و تشریف به حضرت و دستور گرفتن از آن بزرگوار، هیچ کدام قابل تصدیق نیست. بزرگان ما، برجستگان ما، انسان‌های با ارزشی که یک لحظه عمر آن‌ها ارزش دارد به روزها و ماه‌ها و سال‌های عمر امثال ما، چنین ادعاهایی نکردند (دیدار قشربانی مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

ایشان در دیدار جمعی از استادان، مؤلفان و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت ضمن مهم خواندن اندیشه مهدویت و لزوم پاسداری از باورهای مهدوی در برابر شبهات معاندان و مهدویت ستیزان؛ مهدوی‌پژوهان را به کار عالمانه در حوزه مهدویت توصیه می‌کنند و می‌فرمایند:

کار عالمانه و مستند درباره موضوع مهدویت و انتظار نیز بر عهده اهل فن و متخصصانی است که علم حدیث و رجال را به خوبی می‌دانند و با مسائل و تفکرات فلسفی آشنایی کامل دارند (دیدار جمعی از استادان و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

ایشان کارهای عامیانه، سطحی، غیرمستند و متکی بر توهمات و تخیلات را از خطرهای بزرگ در حوزه مهدویت می‌دانند و این امور را به عنوان زمینه‌ساز مدعیان دروغین مهدویت و دوری مردم از حقیقت واقعی انتظار معرفی می‌کنند.

۱. ر.ک: امینی گلستانی، محمد، سیمای جهان در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ساده، مجتبی، الفجر المقدس المهدی ارهاصات الیوم الموعود و احداث سنه الظهور و نوری طبرسی، میرزا حسین، نجم ثاقب در احوال امام غایب.

تطبیق قطعی علایم آخرالزمان که در برخی روایات ذکر شده است، از دیگر آسیب‌های روایت بسندگی و ظاهرگرایی افراطی است که حتی برخی عالمان برجسته دینی که نمی‌توان روایت بسندگی را به آن‌ها نسبت داد، به آن دچار شده‌اند و شاید بتوان ادعا کرد که دلیل وجود چنین تطبیق‌هایی (که مستند و معیار معتبری برای اثبات و راستی آزمایشی آن‌ها وجود ندارد) شدت نجات‌خواهی، غلبه احساسات مذهبی بر عقلانیت دینی و روایت محوری یا پذیرش گسترده روایات این باب است (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۶۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۲۴۳؛ ج ۵۷، ص ۲۱۶). برخی از عالمان معاصر نیز به اتصال قطعی انقلاب اسلامی ایران به انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باور دارند؛ در حالی که هیچ دلیل قطعی و علمی بر صحت چنین ادعایی وجود ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ص ۴۲۸ و جعفریان، ۱۳۹۰: ص ۷۶۲-۷۶۳).

مقام معظم رهبری به عنوان یکی از عالمان عقل‌گرای اعتدالی حوزه علمیه قم، این نوع تطبیق‌گرایی را سبب مهجور ماندن اندیشه مهدویت دانسته و می‌فرماید:

همه این موارد غلط و انحرافی است؛ زیرا برخی مطالب درباره علائم ظهور، غیرقابل استناد و ضعیف است و مطالب معتبر را هم نمی‌توان به راحتی تطبیق داد. این‌گونه مطالب غلط و انحرافی، باعث می‌شوند، حقیقت اصلی مهدویت و انتظار مهجور بماند. بنابراین، باید به شدت از کارها و شایعات عوامانه پرهیز کرد (دیدار جمعی از استادان و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۴/۱۸).

هرچند نمی‌توان مدعی شد که طرح مباحث غیرضروری و فاقد اولویت به کلی از صحنه مهدویت‌پژوهی معاصر رخت بر بسته و به انزوا خزیده است؛ می‌توان ادعا کرد با حضور عالمان عقل‌گرای سده اخیر در حوزه علمیه قم، به اندازه قابل توجهی چهره گفتمان مهدویت به عقلانیت دینی و جامع‌نگری آراسته، و دامنش از نگرش‌های سطحی، انحرافی، خرافی، بی‌اهمیت و فاقد اولویت پیراسته شده است. این اتفاق مهم در عرصه مهدویت‌پژوهی، مرهون مبارزات علمی و دغدغه‌های دینی این جریان است. هشدارهای مکرر نمایندگان این جریان نسبت به ورود برخی مطالب خرافی و فاقد اولویت و ترسیم نقشه راه و ترویج رویکرد عقلانی نسبت به آموزه‌های مهدوی، بهترین گواه بر مدعای مذکور است (همان).



### ۳. همپایی با تحولات روز و ابزار جدید

«تفقه» در دین بدون در نظر گرفتن نشر یافته‌ها و معارف دینی، امری عقیم و ابتر است. عالم دینی همان‌طور که به تفقه در دین مامور است، نسبت به انتشار اندیشه‌های الهی ماموریت دارد (توبه: ۱۲۲؛ احزاب: ۳۹ و نحل ۳۵). بدون ارتباط بین انسان‌ها جامعه‌ای تشکیل نمی‌شود؛ چرا که سنگ بنای جامعه و پدیدار گشتن فرهنگ بدون ارتباط ممکن نیست. یکی از ابزارهای ارتباط بین یکایک افراد جامعه، رسانه است؛ وسیله‌ای که فرستنده، پیام مورد نظر خود را به گیرنده منتقل می‌کند. روزنامه، فیلم، عکس، مجله، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و به طور کلی همه تکنولوژی‌هایی که پیام‌ها را به مخاطبان خود در نقاط مختلف جهان، یک کشور و یا یک منطقه می‌رسانند، می‌توانند به عنوان مصادیق رسانه به شمار روند. هنر نیز به عنوان یک پدیده همه‌پسند که با تمامی ذائقه‌های مردم جهان سازگاری دارد، در نشر معارف مهدوی به صورت گسترده بسیار موثر است. رسانه در بسیاری از موارد محتوای خود را در قالب هنر به جامعه هدف منتقل می‌کند و این رسالت رسانه بسته به ایدئولوژی صاحبان آن، یا در خدمت معارف الهی است و یا در جهت ارضای غرایز نفسانی و خواسته‌های شیطانی بشر به کار می‌رود. آلوین تافلر معتقد است عرصه نبرد آینده را رسانه‌ها می‌سازند که از گلوله‌های سلاح‌های جنگی خطرناک و کشنده‌ترند (عرفان، ۱۳۹۴: ص ۲۰ و ۲۳).

مقام معظم رهبری به عنوان یکی از عالمان عقل‌گرای معاصر در حوزه علمیه قم، به اهمیت رسانه تاکید دارد و می‌فرماید:

امروز تأثیر رسانه‌ها و تلویزیون‌ها و هنرها و این شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی و... از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیش‌تر است. امروز دنیا، یک چنین دنیایی است. روزبه‌روز هم دارند این میدان را گسترش می‌دهند (بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸).

باتوجه به گسترش ابعاد و مسائل مربوط به اندیشه نجات‌گرایانه مهدویت، گره خوردن زندگی بشر امروزی با رسانه‌های گوناگون و نقش مستقیم رسانه‌ها در تغییر و تقویت باورها، سبک زندگی، شناخت و رفتار انسان‌ها، تجدید نظر در روش فهم و نشر معارف مهدوی بیش از گذشته رخ می‌نماید؛ چرا که با در نظر گرفتن اوضاع فکری و فرهنگی جامعه امروزی و ضرورت





گره زدن اندیشه حیات بخش مهدویت به زندگی مردم و تعمیق معارف مهدوی در جامعه؛ مهدوی پژوهان باید در بازخوانی و بازنگری در روش فهم و بازتاب اندیشه مهدویت طرحی نو دراندازند. عدم توجه به این دو مهم، جز خاک خوردن معارف مهدویت در گوشه کتابخانه‌ها و منزوی شدن در اذهان مهدوی پژوهان نتیجه‌ای نخواهد داشت (فردرو، ۱۳۹۲: ص ۴۶ و عرفان، ۱۳۹۴: ص ۲۴).

از آن جا که نص‌گرایی افراطی در حوزه دین‌شناسی نوعاً به سکولاریسم ختم می‌شود، از منظر سکولارهای مذهبی، حضور دین در عرصه رسانه و نشر آن توسط رسانه‌های جمعی امری لغو و مردود به حساب می‌آید و آنان عملاً بین مهدویت و رسانه نسبت و ارتباطی قائل نیستند و این دو عرصه را بیگانه از یکدیگر معرفی می‌کنند (عرفان، همان، ص ۳۱). این جریان بر خلاف جریان رقیب در حوزه مهدویت، در برابر فرهنگ مدرنیته و مظاهر غربی منفعل و اساساً از رویارویی با سیطره تمدن غرب روی‌گردان است. نص‌گرایان در عصر غیبت صحنه نبردی برای شیعیان در برابر هژمونی غرب تعریف نمی‌کنند و اساساً سیطره غرب را پذیرفته و رویارویی با این قدرت را لغو تلقی می‌کنند. به بیانی دیگر، این مهدوی پژوهان نص‌گرا با نگاه حداقلی به مقوله انتظار و اعتقاد به انتظار ایستا و خاموش در عصر غیبت، وظیفه‌ای برای خود در امور اجتماعی و سیاسی قائل نیستند (نصیری، ۱۳۹۹: ص ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۸۸).

از دیگر دلایل انفعال و دوری از فعالیت‌های رسانه‌ای و عدم توجه به نقش رسانه در پیشبرد اهداف دینی در عصر غیبت؛ آن است که صاحبان این رویکرد حضور در مناسبات و اظهار نظر در این امور را خلاف شأن اجتماعی و رسالت دینی خود می‌دانند و همین امر سبب شده است در مباحث مهدوی به چنین موضوعاتی نپردازند. امروزه جریان رقیب برای گسترش اندیشه آخرالزمانی خود به طور گسترده و حساب شده از سلاح رسانه استفاده می‌کند و به منظور زمینه‌سازی ظهور از آن بهره می‌برد؛ اما در مکتب شیعی عده‌ای نص‌گرا با ناامیدی از اصلاح‌گری اجتماعی در عصر غیبت و انفعال در برابر امپریالیسم تمدنی غرب و باور به سیطره آن در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی بشر؛ رویارویی با این تمدن همه‌گیر و فراگیر را غیرممکن و سلطه سیاسی و فرهنگی غرب را پذیرفته‌اند و اساساً به کاریست رسانه در جهت مهدوی‌باوری و زمینه‌سازی ظهور اعتقادی ندارند (موسوی، ۱۳۹۸: ص ۴۶ و نصیری، ۱۳۹۹: ص ۲۳۸، ۲۴۶،

۲۸۸). البته ممکن است برخی نمایندگان جریان نص‌گرا در فضای رسانه حضور داشته باشند؛ ولی صرف حضور با توصیه جدی نسبت به انتشار معارف مهدوی در قالب‌ها و شیوه‌های گوناگون در فضای رسانه به عنوان ضرورتی اساسی در دوران مدرنیته بسیار متفاوت است. با توصیه عالمان عقل‌گرا به استفاده درست و حساب‌شده از قدرت و زبان رسانه به منظور ترویج معارف مهدوی و تقویت باورهای دینی نسل جوان، روز به روز شاهد افزایش رسانه‌های گوناگون برای بازنمایی اندیشه مهدویت و تولید محتوای رسانه‌ای در سطح کشور هستیم. مهدوی‌پژوهان عقل‌گرا نیز به اهمیت رسانه در نشر معارف مهدوی توجه دارند و نگارش‌ها کتاب، مقاله، پایان‌نامه در موضوع ارتباط معارف مهدوی و رسانه و همچنین برگزاری همایش‌های گوناگون بدین منظور، شاهدهی بر این ادعاست. هفتمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت با عنوان «رسانه، جامعه و حکومت زمینه‌ساز راهبردها و راهکار»، یکی از چندین برنامه جمعی در بحث ضرورت حضور رسانه در مهدویت‌پژوهی معاصر است. کتاب‌های «رسانه و آموزه مهدویت»، نوشته امیرمحسن عرفان، «آیین برنامه‌سازی مهدویت»، از محمد رضایی آدریانی و همچنین دو جلد کتاب «رسانه و زمینه‌سازی ظهور»، تالیف حسین عساریان‌نژاد و مهدی رضائیان از آثار قلمی مطرح در این موضوع است.

#### ۴. کاربرد منجی‌گرایی در جهت همگرایی مذاهب و ایجاد تمدن جدید اسلامی

تمدن‌سازی در جامعه دینی به معنای پایه‌گذاری تمدن، بر اساس دین و پذیرش مرجعیت دین در ایجاد و تقویت تمدن‌سازی است (عرفان، ۱۳۹۳: ص ۸۲). در دیدگاه عالمان عقل‌گرا، دین اسلام نه تنها برای سعادت معنوی و اخروی بشر، بلکه برای سعادت و خوشبختی دنیوی او نیز برنامه دارد (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ص ۴۰۲ و ج ۵، ص ۱۶۹ - ۱۶۷ و خسروپناه، ۱۳۸۲: ص ۹۱). از منظر این عالمان، ضرورتی ندارد که اسلام در جزئی‌ترین مسائل حیات بشری دخالت کند و برای حل آن‌ها ایده‌ای ارائه کند؛ ولی از دین انتظار می‌رود که در زمینه هرآنچه به سعادت بشر در زندگی دنیوی و اخروی مربوط و در جهت هدایت بشر است؛ طرح و برنامه‌ای را به انسان تعلیم دهد (طباطبایی، ۱۳۷۹: ج ۱۲، ص ۳۲۵). شهید مطهری در تأیید جامعیت قرآن در ساحت‌های مادی و معنوی و همچنین عدم دخالت دین در جزئیات زندگی بشری



می نویسد:

بعضی‌ها جمود به خرج می‌دهند و خیال می‌کنند که چون اسلام دین جامعی است، پس باید در جزئیات هم تکلیف معینی روشن کرده باشد؛ نه، این‌طور نیست. اتفاقاً جامعیت اسلام ایجاب می‌کند که اساساً در بسیاری از امور دستوری نداشته باشد (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ص ۱۹۴).

«تمدن»، به عنوان کلان‌ترین نظام مناسبات انسانی و تمدن‌سازی به معنای عینیت‌بخشی به اسلام اجتماعی با در نظر گرفتن بضاعت‌های عصر غیبت که در اندیشه و کلام رهبر انقلاب اسلامی بروز و ظهور یافته، یکی از مسائل مهمی است که در سده اخیر حوزه علمیه قم توسط عالمان عقل‌گرا مورد بحث و گفت‌وگوی علمی واقع شده و زوایایی پنهان آن مورد واکاوی قرار گرفته است. رهبر انقلاب ضمن تأکید بر ضرورت ایجاد تمدن جدید اسلامی و مقابله با تمدن فراگیر و همه‌گیر غرب، «تمدن‌سازی» را این‌گونه تعریف می‌کند:

تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد. اگر آن تمدن به وجود آمد، آن وقت ملت ایران در اوج عزت است؛ ثروت هم دنبالش هست، رفاه هم دنبالش هست، امنیت هم دنبالش هست، عزت بین‌المللی هم دنبالش هست؛ همه چیز با او خواهد بود، همراه با معنویت (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

تصلب بر مظاهر احساسی و عاطفی و احساسی مهدویت و نادیده گرفتن کارکردهای اجتماعی آن و همچنین عدم کاربست مقوله انتظار، به عنوان عقیده مشترک بین‌الادیانی، فراملی و فرامذهبی در تقویت روابط اجتماعی و نظام بخشی به اجتماع مردم و مسلمانان؛ از برون‌دادهای نگرش نص‌گرایی افراطی در آموزه مهدویت است (صدر، ۱۴۱۷: ص ۵۴). تمدن جدید اسلامی از رهگذر وحدت و همدلی پیروان ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی می‌گذرد. به دلیل موثر بودن وحدت در حفظ کیان اسلام و مذهب تشیع، عالمانی چون آیت‌الله بروجردی و امام خمینی به آن تأکید فراوان داشتند و به سلوک رفتاری و گفتاری، مبتنی بر همدلی و ارتباط در قالب احترام متقابل اصرار می‌کردند (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۳۱-۳۰ و مطهری، ۱۳۷۲:



ص ۲۰۴). با آموزه مهدویت و گفتمان انتظار می‌توان همبستگی و هویت اجتماعی بین مردم مسلمان، پیروان ادیان آسمانی و حتی سایر مردم جهان ایجاد کرد؛ اما سوگمندانۀ ظاهرگرایی و جمود اندیشی که برون‌داد رویکرد نص‌گرایی در معرفت دینی است، سبب شده از ظرفیت کامل و واقعی مهدویت غفلت شود؛ به فطری بودن منجی‌گرایی توجه نشود و آثار و نتایج مورد انتظار از آن اندیشه مبارک ملاحظه نگردد (ملکی‌راد، ۱۳۹۷: ص ۱۱۹ و ۲۳۶؛ نصیری، ۱۳۹۹: ص ۱۷)؛ حتی برخی از نواخباریان که ضرورت وحدت را درک نکرده‌اند، مقابل این دستور راهبری اسلام ایستادند و عملاً با چنین رهیافتی مقابله کردند.<sup>۱</sup> این غفلت و عدم توجه به ظرفیت گفتمان انتظار و اندیشه مهدویت، احتمالاً ناشی از عدم باور به تشکیل حکومت و ناامیدی از تشکیل حکومت در عصر غیبت است که نتیجه این دو امر اعتقاد به ظهور حصولی - نه تحصیلی - خواهد بود. عالمان نص‌گرا به دلیل عدم بهره‌گیری از معارف وحیانی و داده‌های عقلانی در منظومه معرفت دینی، اساساً به زمینه‌سازی ظهور و تشکیل حکومت در عصر غیبت باور ندارند و همین امر کافی است تا اعتقادی به فطری بودن انتظار نداشته باشند و به تبع، برای ایجاد تمدن جدید اسلامی و وحدت بین ادیان و جوامع بشری از آن بهره نگیرند (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۳۷۵-۳۷۶).

عقل‌گرایان تمدن‌ساز که به ظهور تحصیلی و باور به ضرورت زمینه‌سازی ظهور در عصر غیبت اعتقاد دارند، معتقدند با کاربری تمدنی و توجه فطرت نجات‌خواه و منجی‌گرایی فطری در عرصه حیات فرهنگی و اجتماعی، و چشم‌پوشی از سایر تمایزات عقیدتی و فکری و تمرکز بر این عقیده مشترک بین الادیانی، می‌توان با وحدت و همگرایی بین ملت‌ها راه را برای رسیدن به تمدن جدید اسلامی هموار کرد (الهی‌نژاد، ۱۳۹۵: ص ۱۱). این رویکرد مهم و حرکت‌آفرین، از دیدگاه عالمان عقل‌گرا به عنوان آرمان نظام جمهوری اسلامی معرفی شده است. این اندیشمندان دینی بر خلاف جریان نص‌گرا که اساساً رسیدن به تمدن جدید اسلامی در عصر غیبت را غیر ممکن می‌دانند، با تکیه بر معارف قرآنی، روایی، سنت‌های الهی و داده‌های عقلی رسیدن به چنین هدفی را ممکن و جامعه اسلامی را از یأس و ناامیدی در مقابله

۱. ر.ک: حقیقت وحدت در دین و حکمت عید الزهراء، یعسوب الدین جویباری، ص ۶۴.

با تمدن غرب برحذر می‌دارند. از منظر رهبر انقلاب، هرچند شکل‌گیری تمدن بر پایه اسلام به صورت حقیقی و اجرای عدالت واقعی تنها در زمان ظهور حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَامُ رخ می‌دهد؛ این، بدان معنا نیست که رسیدن به چنین قله‌ای - هرچند مرتبه‌ای پایین‌تر از عصر ظهور - در عصر غیبت ممکن نباشد. ایشان در این باره چنین اظهار می‌کند:

کسانی که در گذشته‌ای نه چندان دور آیهٔ یأس می‌خواندند و نه تنها اسلام و مسلمین، بلکه اساس معنویت و دینداری را در برابر هجوم تمدن غرب، از دست‌رفته می‌پنداشتند، امروز سر بر افراشتن اسلام و تجدید حیات قرآن و اسلام، و متقابلاً ضعف و زوال تدریجی آن مهاجمان را به چشم می‌بینند و با زبان و دل تصدیق می‌کنند. من با اطمینان کامل می‌گویم: این هنوز آغاز کار است، و تحقق کامل وعده الهی، یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۹/۱۷).

همان‌طور که گفته شد، تمدن‌سازی بدون توجه به وحدت ادیان و مذاهب کاری ناشدنی و غیرممکن است. بدون شک، هویت اصلی و رکن اساسی تمدن بر پایه وحدت و هم‌بستگی شکل می‌گیرد. به هر اندازه که به سمت وحدت حرکت کنیم، به آرمان میانی (تمدن‌سازی) و مطلوب نهایی (ظهور) نزدیک‌تر شده‌ایم. با بهره‌گیری از آموزه انتظار، می‌توان حرکت در مسیر وحدت را سرعت و جهت داد. این رویکرد کلان که جزو محکومات قرآنی (بقره: ۲۱۳؛ آل عمران: ۱۰۳ و ۱۰۵؛ انفال: ۴۶)؛ و روایی (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۴۴۶ و نهج البلاغه: خ ۱۸) است؛ مسیر حرکت علمی و کنش‌های سیاسی و اجتماعی عالمان عقل‌گرا و تمدن‌ساز را با چنین رهیافت مهمی تنظیم و سنجش می‌کند. این مهدوی‌پژوهان معاصر با نگاه منظمه‌ای به معارف دینی و بهره‌گیری از اقیانوس بی‌کران معارف قرآن و روایات<sup>۱</sup>، به چنین معرفت عمیقی دست یافته‌اند. خداوند

۱. قال رسول الله ﷺ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا فَضَّلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ، وَلَا أَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ، وَلَا لَأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ مردم! آگاه باشید که پروردگارتان یکی است و پدرتان [نیز] یکی است. بنابراین، بدانید که نه عربی را بر عجم، و نه عجمی را بر عرب، و نه سیاهی را بر سفید، و نه سفیدی را بر سیاه برتری است، مگر به تقوا» (کراجکی، ۱۳۹۴: ص ۲۱).

متعال به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾؛ ای اهل کتاب! بیاوید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را-غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد. هرگاه [از این دعوت] سرباز زنند، بگویند: گواه باشید که ما مسلمانیم (ال عمران: ۶۴).

خداوند متعال در این آیه، به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور می‌دهد که مسلمانان و اهل کتاب را در زیر پرچم توحید گردآورد (طباطبایی، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۲۴۷)؛ چرا که توحید به عنوان نقطه کانونی در ادیان الهی، وجه مشترکی به حساب می‌آید و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ماموریت دارد اهل کتاب را به این عقیده مشترک دعوت کند. با دعوت به عقیده مشترک، با وجود تمام اختلاف دینی و مذهبی و سلیق گوناگون می‌توان بین پیروان ادیان وحدت و همبستگی ایجاد کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ج ۱، ص ۲۳۵). همان‌طور که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحدت در عقیده را به عنوان مهم‌ترین عامل وحدت ایجاد کرد و مردم را زیر پرچم لا اله الا الله گرد آورد؛ می‌توان با الگوگیری از این حرکت نبوی و دعوت الهی از عقیده فرامذهبی مهدویت و ایمان فراملی منجی‌گرایی، بین دل‌های مردم پیوندی برقرار و پیروان ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی را به وحدت و همدلی دعوت کرد و در آخر با شکل‌گیری اتحاد، مسیر تمدن‌سازی اسلامی را پیمود (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۳، ص ۷۴۳).

## ۵. ارائه الگوی عینی حکمرانی سیاسی در عصر غیبت

«حکومت»، قدرت سازمان‌یافته‌ای است که مصالح افراد جامعه، نظم و امنیت کشور، هدایت جامعه در مسیر خود را با وضع و اجرای قوانین و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها، تامین می‌کند (شبان‌نیا، ۱۴۰۱: ص ۳۵)؛ و حکومتی که مطابق شرع اسلام شکل گرفته باشد، «حکومت اسلامی» است که در تمام زمینه‌ها، شئون و لوازم حکومت و حتی اطاعت از والیان امر از قانون الهی تبعیت می‌کند و هدف از تشکیل آن، اجرای عدالت و قوانین الهی است (خمینی، ۱۳۸۸:



ج ۲، ص ۶۲۳ و ۶۳۲). در دوران معاصر تشکیل حکومت در عصر غیبت یکی از چالش‌های جدی در محافل علمی به شمار می‌رود. این مسئله سال‌ها مورد اختلاف عالمان دینی بوده و دیدگاه‌های مهمی در مورد آن شکل گرفته است. تمرکز مباحث علمی در این زمینه بر این امر نضج یافته که آیا در دوران غیبت، غیرمعصوم می‌تواند حکومتی بر پایه اسلام تشکیل دهد و به بیان دیگر، آیا تشکیل حکومت در عصر غیبت ضرورت دارد یا خیر؟ در طول تاریخ عالمان شیعی پاسخ‌های گوناگونی به این پرسش داده و هرکدام با رویکرد و روش خاص خود به این مسئله مهم پرداخته است. عده‌ای اساساً تشکیل حکومت را نه تنها برای فقیه، بلکه شأن و وظیفه معصوم را نیز تشکیل حکومت و حاکمیت سیاسی نمی‌دانند و تنها جایگاه و شخصیت امام معصوم را به «قطب معنوی» تعریف می‌کنند (امیرمعزی، ۱۳۹۵: ص ۲۹۱).

نص‌گرایان افراطی و برخی شریعت‌گرایان سنتی که با عنوان نواخباریان از آن‌ها نیز یاد می‌شود (رجبی، ۱۳۹۸: ص ۱۴۲)؛ با بی‌توجهی به معارف قرآنی، معرفت‌های عقلانی و نگرش ناقص و جزیره‌ای به روایات منع قیام قبل از ظهور، مشروعیت حکومت در عصر غیبت را انکار و هرگونه حرکت اصلاح‌گرایانه را برای زمینه‌سازی ظهور نفی می‌کنند (امیرمعزی، ۱۳۹۵: ص ۲۹۱، باقی، ۱۳۶۳: ص ۱۰۶ و آل‌سیدغفور، ۱۳۸۶: ص ۳۰-۳۲). نص‌گرایان افراطی با نگرش بُرشی و ناقص به مجموعه معارف دینی و دوری جستن از هرگونه مظاهر سیاسی و حاکمیتی، به لحاظ بینشی، به سکولاریسم باور دارند و از لحاظ کنشی می‌توان شاهد جهت‌گیری‌های سکولار آن‌ها بود (ارشادی‌نیا، ۱۳۸۶: ص ۲۵). نص‌گرایان افراطی به سبب خلوص‌سازی و روی آوردن به رویکرد محتاطانه در فهم و نشر معارف اسلامی و نگرانی از ورود مباحث غیردینی به حیطة دین؛ نگران حضور دین در عرصه اجتماع هستند و به مشروعیت حکومت در عصر غیبت به دیده تردید می‌نگرند. البته ممکن است بسیاری از نمایندگان جریان نص‌گرا و نواخباری صریحاً مشروعیت تشکیل حکومت در عصر غیبت را انکار نکنند؛ ولی عدم اشاره یا تمرکز به این مهم در آثارشان، نشان از آن دارد که اساساً به دنبال ارائه الگوی عینی حکمرانی سیاسی در عصر غیبت نیستند یا ارائه چنین الگویی را ممکن نمی‌دانند. این احتیاط‌گرایی هرچند در برخی موارد ممکن با نیت و هدفی مقدس باشد؛ بدون شک چنین رویه محتاطانه‌ای، جز مهجوریت معارف مهدوی و گفتمان انتظار و ناکارآمدی آموزه‌های دینی، ثمری نخواهد داشت.

امام خمینی به عنوان یکی از عالمان عقل‌گرای تمدن‌ساز، با ژرف‌اندیشی و واکاوی فقیهانه، ضمن معارض دانستن این گونه روایات با محکمت قرآن و دلایل محکم عقلی، با نقد تفکرات انجمن حجتیه و معتقدان به عدم مشروعیت قیام قبل از ظهور، روایات منع قیام قبل از ظهور را تضعیف و برخی از آن احادیث را جعلی می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۸۸: ص ۶۵-۶۴). ایشان در این باره بیان می‌دارند:

از غیبت صغرا تا کنون که بیش از هزار سال می‌گذرد و ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد؛ در طول این مدت مدید احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود، و هر که هر کاری خواست بکند؟ هر ج و مرج است؟ قوانینی که پیغمبر اسلام در راه بیان و تبلیغ و نشر و اجرای آن ۲۳ سال زحمت طاقت‌فرسا کشید فقط برای مدت محدودی بود؟ آیا خدا اجرای احکامش را محدود کرد به دویست سال؟ و پس از غیبت صغرا اسلام دیگر همه چیزش را رها کرده است؟ اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آن‌ها بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است... هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده، و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است (همان، ص ۲۸-۲۷).

پرچم دار ضرورت تشکیل حکومت در عصر غیبت، تنها امام خمینی نبود، بلکه عالمان دیگری که در مکتب عقل‌گرای حوزه علمیه قم رشد کرده بودند نیز، ضمن باور به ارتباط بین دین با حکومت و سیاست، روایات منع قیام قبل از ظهور را جعلی می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ص ۷۳). سید مصطفی خمینی در این باره می‌نویسد:

عصر خلفای جائز اقتضای جعل این گونه اخبار را داشته و دلیل آن هم خاموش کردن شعله‌های آتش علیه حکومت بوده و این مطلب کاملاً واضحی در همه زمان‌ها و مقتضای کار حیلت‌گران است و حقیقتاً کدام نیرنگی بهتر و کارا تر از جعل احادیث علیه قیام از زبان امامان شیعه است؟ (خمینی، ۱۳۷۶: ص ۶۳).

با مبارزات علمی عالمان عقل‌گرای حوزه علمیه قم در سده اخیر، بر غنای علمی نظریه ولایت فقیه سال به سال افزوده شد و آثار گرانبهایی از طرف عالمان این مکتب بر جای مانده است. ولایت فقیه صرفاً در حد یک نظریه فقهی و کلامی باقی نماند، بلکه با انقلاب اسلامی و حرکت





امام خمینی به این نظریه ارزشمند جامعه عمل پوشیده شد. به تعبیر دیگر، نظریه ولایت فقیه در حصار تحقیق باقی نماند، بلکه عالمان عقل‌گرای حوزه علمیه قم به دنبال تحقق آن در سطح جامعه بودند و با مبارزات علمی و سیاسی این امر محقق شد، بنابراین، باید انقلاب اسلامی ایران را برونداد عملی رویکرد عقل‌گرایی اعتدالی در حوزه مهدویت دانست.



## نتیجه‌گیری

حوزه علمیه قم، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های علمی، فرهنگی، آموزشی و پژوهشی در دانش الهیات و از پررونق‌ترین مراکز پرورش و تربیت طلاب علوم دینی شیعه در جهان اسلام؛ در طول حیات خود شاهد مکتب‌ها و اندیشه‌های گوناگون با روش‌های مختلف فهم دین بوده است. «عقل‌گرایی» و «نص‌گرایی» به عنوان دو رویکرد کلی در فهم معارف دینی مهم‌ترین مکاتب معرفتی در حوزه دین‌شناسی بوده که هر کدام از این دو مکتب، در زمانی خاص صحنه‌گردان اصلی معرفت دینی بوده است. در سده اخیر و مخصوصاً پس از انقلاب اسلامی ایران، شاهد حضور برجسته جریان عقل‌گرا و غلبه آن بر جریان نص‌گرا بوده‌ایم. جریان نص‌گرای افراطی که همان امتداد مکتب اخباری‌گری قرن یازدهم هجری است؛ به دلیل داشتن روش تک‌بعدی در فهم معارف مهدوی و پاسخگو نبودن به نیازهای جامعه و عقب ماندن از اقتضائات و حرکت علمی و تبلیغی جریان رقیب در حوزه مهدویت، نتوانست در سده اخیر جریان غالب در حوزه علمیه قم باشد و جریان عقل‌گرای اعتدالی به دلیل باور به چندساحتی بودن روش فهم دین نتوانست به نیازهای جامعه پاسخگو باشد و از جریان رقیب عقب نماند. جریان عقل‌گرا با ژرف‌نگری و اعتماد به حقایق وحیانی، معارف روایی و داده‌های عقلانی باورداشت مهدویت را بازکاوی کرد و قرائتی پویا، فعال و جامع از گفتمان انتظار به جامعه علمی و مذهبی هدیه داد. این جریان با در نظر گرفتن فعالیت‌های علمی جریان رقیب در حوزه مهدویت، بیش از جریان نص‌گرا احساس مسئولیت کرد و با خوانشی مجموعه‌نگر و عمیق به مسائل اصلی و اولویت‌دار گفتمان مهدویت پرداخت و از پرداختن به شبه‌مسئله‌ها و مطالب فاقد اولویت خودداری کرد. این جریان به اهمیت تکنولوژی و رسانه باور داشت و ضمن توجه به تهدیدهای رسانه، فرصت‌ها و ظرفیت‌های آن را در نظر گرفت و معارف مهدوی را در قالب‌های گوناگون رسانه‌ای به جامعه هدف عرضه کرد. جریان عقل‌گرا که به ظهور تحصیلی و ضرورت زمینه‌سازی برای امر ظهور باور دارد، تقریب مذاهب و همبستگی پیروان ادیان الهی و غیرالاهی را مقدمه ایجاد تمدن جدید اسلامی و مقدمه ساز ظهور می‌داند و از عنصر منجی‌گرایی به عنوان امری فطری و فرادینی بهره می‌برد و در حالی که بسیاری از نص‌گرایان افراطی حضور در مناصب حاکمیتی را خلاف شأن دین و عالم دینی می‌دانستند و مطلقاً در برابر حکومت‌ها حرکت ایجابی یا سلبی



نداشتند؛ عقل‌گرایان اعتدالی به سبب برتری علمی و قوت استدلال در توجیه و اقناع جامعه، توانستند هم در صحنه علمی یکه‌تاز میدان باشند و هم به تشکیل حکومت اسلامی و به دست گرفتن حاکمیت دینی موفق شوند.



## منابع

### قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، محقق: جمال الدين ميردامادی، بيروت، دارالفکر.
۲. ارشادی نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). *از مدرسه معارف تا انجمن حجّتیّه و مکتب تفکیک*، قم، بوستان کتاب.
۳. استرآبادی، ملا محمدامین (۱۴۲۶ق). *الفوائد المدنیة و بذیله الشواهد المکیة* (المسائل الظهیریة، جوابات المسائل الظهیریة)، محقق: رحمت الله رحمتی اراکی، قم، نشر اسلامی.
۴. اعتصامی، محمد مهدی (پاییزو زمستان ۱۳۹۹). «*مؤلفه های اصلی انتظار و فطری بودن حقیقت آن*»، مجله جامعه مهدوی، شماره ۲.
۵. الهی نژاد، حسین (۱۳۹۵). *بررسی و تحلیل انتظار در اهل سنت ظرفیت شناسی انتظار در میان اهل سنت*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). *مهدویت پژوهی (مسئله شناسی، معرفت شناسی و مبانی شناسی)*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. آل سیدغفور، سید محسن (۱۳۸۶). *جایگاه سیاسی عالم دینی در دو مکتب اخباری و اصولی*، قم، بوستان کتاب.
۸. امیرمعزی، محمد علی (۱۳۹۵). *تشیع ریشه ها و باورهای عرفانی*، مترجم: نورالدین الله دینی، تهران، نامک.
۹. باقی، عمادالدین (۱۳۶۳). *در شناخت حزب قاعدین زمان (موسوم به انجمن حجّتیّه)*، تهران، نشر دانش اسلامی.
۱۰. بلعید، صادق (۱۴۲۵ق). *القرآن و التشریح قراءه جدیده فی آیات الاحکام*، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه.
۱۱. بنی هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). *رازی نهانی و رمزبیدایی*، تهران، نیک معارف.
۱۲. بهشتی، ابراهیم (۱۳۹۰). *اخباریگری تاریخ و عقاید*، قم، دارالحديث.
۱۳. پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی (۱۳۹۸). *چکیده مقالات بین المللی نظریه انتظار در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۴. حائری یزدی، مهدی (۱۹۹۴م). *حکمت و حکومت*، انگلستان، نشر شادی.

۱۵. جعفریان، رسول (بهاره ۱۳۹۰). «**نظریه اتصال دولت صفویه با دولت صاحب الزمان** عجل الله تعالی فرجه الشریف»، پیام بهارستان، شماره ۱۱.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). **امام مهدی موجود موعود**، قم، اسراء.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). **ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت**، قم، اسراء.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸). **منزلت عقل در هندسه معرفت دینی**، محقق: احمد واعظی، قم، اسراء.
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶). **المصاحح: تاج اللغة و صحاح العربیة**، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم الملايين.
۲۰. حیدری، سیدکمال (۱۴۳۷ق). **میزان تصحیح الموروث الروائی**، بغداد، مؤسسه الامام جواد للفکر و الثقافه.
۲۱. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶). **طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن**، تهران، صیها.
۲۲. خسروپناه، عبدالحسین (زمستان ۱۳۸۲). «**آسیب شناسی دین پژوهی معاصر**»، قبسات، شماره ۲۸.
۲۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). **گستره شریعت**، قم، نشر معارف.
۲۴. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸). **ولایت فقیه (حکومت اسلامی)**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۲۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). **صحیفه امام**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). **کتاب البیع**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۷. خمینی، سید مصطفی (۱۳۷۶). **ثلاث رسائل ولایت الفقیه**، قم، مؤسسۀ تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی.
۲۸. رجبی، ابوذری (تابستان ۱۳۹۸). «**آسیب شناسی جریان شریعت گرای سنتی در مواجهه با روایات منع قیام در عصر غیبت**»، مشرق موعود، شماره ۵۰.
۲۹. خامنه‌ای، سیدعلی (مرداد ۱۳۸۷). **بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان**، مرداد، [www.farsi.khamenei.ir](http://www.farsi.khamenei.ir).
۳۰. \_\_\_\_\_ (تیر ۱۳۹۰). **دیدار جمعی از استادان و فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت**، [www.farsi.khamenei.ir](http://www.farsi.khamenei.ir).
۳۱. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶). **مدارا و مدیریت**، تهران، انتشارات صراط.

۳۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷). *فربه‌تر از ایدئولوژی*، تهران، انتشارات صراط.

۳۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). *بسط تجربه نبوی*، تهران، انتشارات صراط.

۳۴. سلیمیان، خدامراد (۱۳۹۹). *آسیب شناسی تسامح در نقل روایات مهدویت با تاکید بر آثار روایی معاصر*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۳۵. سید بن طاووس (بی‌تا). *جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع*، قم، دارالرضی.

۳۶. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت.

۳۷. شاکری زوردهی، روح‌الله و زهرا عواطفی (بهار ۱۳۹۷). «*بایسته‌های رسانه اخلاق‌گرا در آموزه‌های مهدویت، معطوف به هم‌گرایی و تقریب مذاهب*»، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۴۵/۲.

۳۸. شبان‌نیا، قاسم (۱۴۰۱ق). *فلسفه سیاست*، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۳۹. شجاعی‌مهر، رضا، نجف لکزایی (تابستان ۱۳۹۷). «*کاربست آموزه مهدویت در سپهر سیاسی انقلاب اسلامی ایران*»، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۴۶/۱.

۴۰. شمس ناتری، علی (۱۳۹۳). *عقل و عقل‌گرایی در اسلام*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۴۱. صادقی‌رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۸). *دین‌پژوهی معاصر (درنگی در گفتمان‌های سه‌گانه‌ی متجمّد، متجدّد و مجدد)*، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴۲. صدر، سید محمد (۱۴۲۷ق). *موسوعة الامام المهدي (تاریخ الغیة الكبرى)*، قم، دار الکتاب الاسلامی.

۴۳. صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۷ق). *بحث حول المهدي* عجل الله تعالی فرجه الشريف، بیروت، مرکز الغدیر.

۴۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *سنت‌های تاریخ در قرآن*، مترجم: سیدجمال موسی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۴۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۹). *المیزان فی تفسیرالقرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۴۶. طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۰). *منطق فهم حدیث*، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۴۷. طباطبایی‌فر، سیدمحسن (۱۳۹۵). گونه‌شناسی جریان‌های فکری حوزه و نسبت آن‌ها با اندیشه انقلاب اسلامی، قم، مکتب اندیشه.

۴۸. عرفان، امیرمحسن (پاییز ۱۳۹۵). «*اثر بخشی کارکردگرایانه آموزه مهدویت در نظام اخلاقی تمدن*

اسلامی»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۵۴.

۴۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). رسانه و آموزه مهدویت، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی

موعود عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى  
وَرَحْمَةً الشَّرِيفِ.

۵۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی،

قم، دفتر نشر معارف.

۵۱. فردرو، محسن (۱۳۹۲). سبک زندگی و رسانه های نوین، تهران، مه آسا.

۵۲. کراجکی، ابوالفتح (۱۳۹۴ق). معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، محقق: سیداحمد حسینی، تهران،

انتشارات کتابخانه مرتضویه.

۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية.

۵۴. گلیو، رابرت (۱۳۹۶). اسلام نص گرا (تاریخ و عقاید اخباریان شیعه)، مترجم: سیدمهدی طباطبایی

و ابراهیم سلیمی نوه، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

۵۵. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۷). «قرائت رسمی از دین، بحرانشها، چاشنها، راه حلها»، مجله راه

نو، سال اول، شماره ۱۹.

۵۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، بیروت، دار

احیاء التراث العربی.

۵۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). آفتاب ولایت، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی (ره).

۵۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶). نظریه حقوقی اسلام، محقق: محمدمهدی نادری قمی و

محمدمهدی کریمی نیا، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۵۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). نظریه سیاسی اسلام، تدوین: کریم سبحانی، قم، انتشارات

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۶۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار، تهران، صدرا.

۶۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲). تکامل اجتماعی انسان، تهران، صدرا.

۶۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴). قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، تهران، صدرا.

۶۳. ملکی راد، محمود (۱۳۹۷). کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی.



۶۴. موسوی، سیده فاطمه و سکینه عبدالعزیز (بهارو تابستان ۱۳۹۸). «کارکردهای فردی و اجتماعی باوردانشت مهدویت»، دوفصلنامه تخصصی موعودپژوهی، شماره ۱.
۶۵. نصیری، مهدی (۱۳۹۹). *عصرحیرت*، قم، انتشارات کتاب طه.
۶۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *کتاب الغیبه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، نشرصدوق.
۶۷. نوری، حسین (۱۳۹۳). *نجم ثاقب در احوال امام غایب*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۶۸. سایت مقام معظم رهبری [www.farsi.khamenei.ir](http://www.farsi.khamenei.ir).







## نقش علمای قم در مبارزه با بهائیت در سده اخیر<sup>۱</sup>

حجت حیدری چراتی<sup>۲</sup>

### چکیده

«بهائیت» از جمله فرقه‌های انحرافی معاصر است که علمای حوزه علمیه قم در یک سده اخیر، نقش محوری در مبارزه با آن داشته‌اند و با تبیین صحیح آموزه‌های دینی تا حدود زیادی از نشر و گسترش آن در جامعه مسلمین جلوگیری کرده‌اند. این جستار به بررسی نقش علمای قم در مبارزه با فرقه انحرافی بهائیت در دوره معاصر پرداخته و با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری مطالب به شیوه کتابخانه‌ای تهیه شده است.

براساس یافته‌های پژوهش، مبارزه علمای قم با بهائیت در ابعاد مختلف با روش غیر مستقیم و یا مستقیم توانسته است مواضع بهائیان را به خطر انداخته و مانع پیشروی‌های گمراه‌کننده این فرقه در جامعه گردد. بررسی سیر تحولات نشانگر آن است که مواجهه علما در مبارزه یکنواخت نبوده و در سه دوره «احیاء»، «تثبیت» و «رشد» حوزه با تطور همراه بوده است. مبارزه در مرحله احیاء، با استفاده از ابزار فقه و تکیه بر مباحث اعتقادی است و در دوره تثبیت، به مواجهه مستقیم تغییر یافت و به صورت مبارزه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مطرح شد. در مرحله رشد و توسعه با تکیه بر مفاهیم سیاسی مذهبی شیعه، مبارزه با بهائیت به لایه‌های عمیق‌تر کشانده شد و از لحاظ کمی و نیز از لحاظ کیفی تغییر یافت و به تخصصی شدن روش مقابله انجامید.

**واژگان کلیدی:** حوزه علمیه قم، احیاء حوزه قم، تثبیت حوزه قم، بهائیت، علمای قم،

فرقه‌های انحرافی

---

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله علیه تالیف شده است.  
۲. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا مرکز تخصصی مهدویت، قم، ایران.

## مقدمه

علمای قم از زمان پیدایش حوزه علمیه تا کنون به فراخور حوادثی که در زمینه‌های فرهنگی و سیاسی پیش می‌آمد و عموماً روند جریان‌های حاکم بر کشور بود تاثیرگذار بوده و موضع‌گیری‌های مقتضی اتخاذ می‌کردند و در ابعاد گوناگون، از جمله مقابله با فرقه‌های انحرافی نقش داشته‌اند. یکی از فرقه‌های منحرف که با کج فهمی از آموزه‌های تشیع و حمایت استعمارگران و اغراض فرهنگی - سیاسی دیگر در جامعه ایران ظهور کرد «فرقه بهائیت» است؛ فرقه‌ای که همواره از زمان پیدایش آن، علمای قم، بر اساس وظیفه دینی خود که همان هدایت‌گری جامعه و مقابله با جریان‌های انحرافی می‌باشد<sup>۱</sup> به مقابله با آن برخاسته‌اند. بهائیت فرقه‌ای منشعب از آیین بابی است که در سده ۱۳ ق/۱۹ م به دست حسینعلی نوری ملقب به بهاء‌الله، از پیروان سید علی محمد شیرازی، مؤسس بابیه پدید آمد (یزدانی، ۱۹۹۹: ص ۷). بهاء‌الله در سال ۱۸۴۴ دعوت سید علی محمد باب را قبول کرد و به تبلیغ آموزه‌های او پرداخت (همان، ص ۱۱ و اشراق خاوری، ۱۹۹۱: ۱۳۴ بدیع، ص ۸۶). حسین علی نوری در سال ۱۸۵۲ م، برابر با ۱۲۶۸ ق ادعای پیامبری کرد و در سال ۱۸۶۳ م برابر با ۱۲۷۹ ق در باغ نجیبیه بغداد دعوتش را به «مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ» و پیامبری آشکار کرد (جورابچی، ۱۳۸۹: ۱۶۷ بدیع، ص ۱۱۱) و بدین طریق با تغییر دعوت از باب به خود، استقلال خود از بابیه را اعلام کرد.

بررسی تحولات گوناگون فرهنگی - علمی صد سال اخیر حوزه علمیه قم، در مواجهه با بهائیت گویای آن است که علمای حوزه علمیه قم در مبارزه با این فرقه، به مقتضای زمان از روش‌های گوناگون استفاده کرده و با تکامل حوزه از مرحله‌ای به مرحله دیگر بر شدت مبارزات خود با بهائیت افزوده‌اند. از این رو، پژوهش حاضر در تلاش برای پاسخ به این سوالات است: نقش علمای قم در مبارزه بهائیت در صد سال اخیر چیست؟ مبارزه علمای قم با بهائیت چه تحولاتی

۱. «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثَّغْرِ الَّذِي بَيْنَ إِبْلِيسَ وَعَقَارِيئِهِ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا وَعَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَشِيعَتُهُ وَالتَّوَاصِبُ أَلَا فَنِي انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الثُّومَ وَالثَّرَكُ وَالْمُزْرَ أَلْفَ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَدْيَانِ مُجِبَّتِنَا وَذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَدْيَانِهِمْ» (طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۱۷).

را پشت سر گذاشته است؟ روش مبارزه علمای حوزه علمیه قم با بهائیت چگونه بوده است؟ عوامل تاثیر گذار بر اتخاذ روش‌های متفاوت در هر دوره کدامند؟

ضرورت انجام این پژوهش از آن جنبه است که پیروان بهائیت در این سده از زوایای مختلف فکری، فرهنگی و مالی مورد حمایت دشمنان اسلام بهره مند بودند و این حمایت‌ها در پاره‌ای از مقاطع از سوی حکومت‌های مدعی شیعه‌گری صورت می‌گرفته‌اند و لذا بهائیت به واسطه آن حمایت‌ها و وظیفه‌ای که برای خود تعریف کرده بود با تمام توان، در پی آسیب رساندن به مبانی اسلامی شیعه برآمده‌اند. از این رو، بررسی نقش علمای حوزه علمیه قم در رویارویی با این فرقه دارای اهمیت است و می‌تواند ما را در شناخت جایگاه علما و شناسایی روش آن‌ها برای پوشش ضعف‌ها و استفاده از قوت‌ها یاری رساند تا با اتخاذ روشی کارآمد در عرصه مقابله با بهائیت از گرایش افراد جامعه به ویژه نسل جوان به سوی بهائیت جلوگیری کرد. بدیهی است که روش مقابله با هر جریان فرهنگی، فکری و سیاسی به شیوه خاصی منحصر نمی‌گردد و لذا از این منظر اتخاذ شیوه‌های مختلف مقابله خصوصاً در بعد نرم افزاری رخ می‌نماید.

آنچه به عنوان فرضیه در پژوهش پیش رو مطرح است:

۱. علمای قم در عرصه مواجهه با بهائیت و شناساندن آثار مخرب آن‌ها در جامعه و نگه داشت آموزه‌های صحیح اسلامی (مهدویت) نقش بسزایی دارند.
۲. علما در هر دوره متناسب با شرایط زمانی در مواجهه با بهائیت از روش‌های مختلف بهره بردند.
۳. حکومت‌ها به عنوان عاملی مستقیم در تغییر سبک مبارزه علما نقش داشتند.

### مراحل مقابله حوزه علمیه قم با بهائیت

بررسی تحولات حوزه علمیه قم، به عنوان نهادی دینی در صد سال اخیر، نشان دهنده نقش محوری و اساسی این نهاد در تاریخ رویدادهای ایران به ویژه در ابعاد دینی، فرهنگی و سیاسی است. با نگاهی به سیر فعالیت این نهاد در یک سده اخیر در مواجهه با بهائیت، می‌توان سه مرحله برای فعالیت‌های گوناگون حوزه در این زمینه ترسیم کرد که این مراحل عبارتند از: مرحله احیا، مرحله تثبیت و مرحله رشد و توسعه که علمای قم در هر مرحله، با در نظر داشتن



شرایط حوزه علمیه قم و مقتضای زمان، با اتخاذ روش‌های مختلف به مبارزه با بهائیت پرداخته‌اند. در ادامه در هر یک از این مراحل، به نحوه مواجهه علمای قم با بهائیت با محوریت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم، مراجع ثلاث و آیت‌الله بروجردی و امام خمینی خواهیم پرداخت.

### ۱. مرحله اول: بازسازی حوزه علمیه قم و مبارزه با بهائیت

در یک بررسی تاریخی از تاسیس و روند حوزه علمیه قم سه سال پایانی پادشاهی قاجار و حکومت پهلوی اول را می‌توان «مرحله بازسازی» حوزه مذکور نامید که این مرحله با ورود آیت‌الله حائری به قم آغاز گردید. به نظر می‌رسد یکی از عواملی که سبب شد تا آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حوزه قم را بازسازی کند، ظهور جریان‌های روشنفکری در این دوره بود (منظور الاجداد، ۱۳۷۹: ص ۳۱۹) و بهائیان با ادعای روشنفکری و ارتباط با برخی روشنفکران (ر.ک: عبدالبهاء، ۱۹۳۴: ص ۷-۱۲ و زاهدانی، ۱۳۸۸: ص ۲۱۱) در سال‌های پس از مشروطه، شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را قدم به قدم بر ضد روحانیت سامان می‌دادند (جعفریان، ۱۳۸۹: ص ۲۷)؛ بهائیان در این زمان با تغییر سیاست در مواجهه با حکومت، خود را به دربار نزدیک و بهائیت را به عنوان مهم‌ترین پرونده امنیتی قاجار از اولویت خارج کردند و برخی از مناصب دولتی را به دست گرفتند؛ مانند بهایی معروف، علی قلی خان نبیل الدوله که به مدت چهار سال کاردار ایران در آمریکا بود<sup>۱</sup> (اسماعیلی، ۱۴۰۱: ص ۱۲۵-۱۳۰). این رویکرد در ایجاد انگیزه ضد دینی در جامعه ایران نقش بسزایی داشت و در کنار سایر جریان‌های ضد دینی به تبلیغ علیه علمای شیعه می‌پرداختند و روحانیت را عامل تمام مشکلات جامعه معرفی می‌کردند (ر.ک: عبدالبهاء، ۱۹۳۴: ص ۲۰). آیت‌الله حائری نیز با اشرافی که به این روند فرقه بهائیت داشت مقابله فکری و فرهنگی با آنان را در دستور کار حوزه علمیه قم قرار داد.

۱. عواملی که در این تحول نقش داشتند، تغییر رهبری از بهاء‌الله به عبدالبهاء و ناکامی تلاش‌های سیاسی این گروه و روی آوردن به اطاعت از حکومت‌ها و از طرفی، حمایت دولت‌های روس و انگلیس از بهائیان از آن جمله‌اند. پشتیبانی‌ای که از طریق آن توانستند به طور قابل توجهی در سفارتخانه‌های اروپایی و دیگر مکان‌های تحت حمایت آن‌ها مشغول شوند و در مجامع سیاسی ایران حضور یابند (شهسواری، ۱۳۸۷: ص ۴۳).

## ۱-۱. عملکرد آیت الله حائری یزدی در مقابله با بهائیت

آیت الله حائری (۱۲۳۰-۱۳۱۵ش)، شاگردی از مکتب سامرای میرزای شیرازی، با مشاهده مدیریت استادش و با تجربه ذی قیمت خود، گام‌های بلندی در مقابله با جریان‌های انحرافی، از جمله بهائیت برداشت و توانست به گونه‌ای موثر، از نفوذ این فرقه انحرافی در میان افراد جامعه بکاهد. می‌توان عملکرد ایشان را در مقابله با انحرافات، در دو بخش پیگیری کرد: ۱. قبل از بازسازی حوزه علمیه قم در دوره قاجار و احیای حوزه علمیه اراک؛ ۲. پس از احیای حوزه علمیه قم در دو مقطع اواخر قاجار و پهلوی اول.

## ۱-۲-۱. احیای حوزه سلطان آباد اراک (۱۲۹۳-۱۳۰۱ش)

آیت الله حائری بعد از آمدن از عراق به ایران، همان‌طور که در عراق شاهد نفوذ استعمار و اندیشه‌های غربی بود، رشد و گسترش این اندیشه‌ها را با وسعت بیش‌تری در ایران مشاهده کرد که استعمارگران وجه همت خود را تبلیغ علیه دین و مذهب می‌دانند و از هر وسیله‌ای علیه مذهب و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی که سردمدار تفکر اسلام به‌ویژه مذهب تشیع هستند اقدام می‌کنند.

آیت‌الله حائری عامل اصلی جولان فرقه‌ها و جریان‌های مدعی روشنفکری در ایران را نبود و عدم اقدام اساسی یک نهاد منسجم دینی می‌دانست و به‌زعم ایشان چنانچه حوزه علمیه قم از جنبه‌های مختلف، خصوصا در ابعاد سیاسی و علمی تقویت شود می‌تواند اهرمی اساسی در مقابله با جریان‌های روشنفکری به‌ویژه بهائیت تلقی گردد. بنابراین، زمانی که استادش، میرزای شیرازی او را به عتبات فراخوانده، در پاسخ به او نوشت:

ایران را با سرعت به سوی فساد و تباهی می‌برند، شما به ایران بیایید تا با تشکیل حوزه علمیه‌ای قوی، در حرکت سریع فساد و تباهی، وقفه‌ای ایجاد کنید (منظور الاجداد، ۱۳۷۹: ص ۳۱۹).

این جواب آیت الله حاج شیخ عبد‌الکریم گویای سه نکته اساسی است:

الف) فساد و تباهی که از سوی جریان‌های روشنفکری به‌ویژه بهائیت دامن زده می‌شد و آیت الله حائری این خطر را به خوبی احساس می‌کرد؛



ب) نقشی که حوزه علمیه می‌تواند در مقابله فکری و فرهنگی با جریان‌ها و فرقه‌های مذکور داشته باشد؛

ج) وظیفه‌ای که در زمینه مقابله با این جریان‌ها و فرقه‌ها بر دوش عالمان دینی است، به‌ویژه مقابله‌ای تشکیلاتی در قالب حوزه علمیه.

بر این اساس ایشان از همان زمان آغاز بازگشت به ایران: ۱. شناساندن دین به مردم و مقابله با انحرافات را در دستور کار خود قرار داد؛ ۲. با احیای حوزه سلطان آباد اراک آن را رونق بخشید؛ ۳. شاگردانی پرورش داد که در جهت حفظ اسلام و مبارزه با انحرافات گام‌های موثر برداشتند.<sup>۱</sup> در همین زمینه رشد مکتب‌های انحرافی و وضعیت نامطلوب حوزه قم، علمای آن را وادار کرد تا از آیت الله حائری که مدیریت موفقی در اداره حوزه اراک به نمایش گذاشته بود، برای احیای حوزه قم دعوت کنند (انصاری قمی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۱۵۱).

### ۱-۲-۲. احیای حوزه علمیه قم (۱۳۰۱-۱۳۱۵ ش)

آیت الله حائری یزدی در سال (۱۳۰۱ ش) در سه سال پایانی حکومت قاجار، بنا به دعوت علما، به قم آمد<sup>۲</sup> و با برنامه‌ریزی دقیق و ایجاد ساختار منظم به دو اقدام اساسی مبادرت ورزید: از یک سو به ترویج مکتب تشیع پرداخت و از سوی دیگر با جریان‌های انحرافی، از جمله بهائیت مقابله کرد. بدیهی است که این دو اقدام مکمل یکدیگرند و می‌توانند در مقابله با جریان‌ها و فرقه‌های استعمارگرانه سهمی منحصر به فرد داشته باشد و لذا آن مرجع دینی با احیای حوزه علمیه قم، به ایجاد نهادی منسجم جامه عمل پوشاند و به دلیل جایگاه بالا و تلاش‌های خالصانه ایشان، حوزه علمیه در قالب یک نهاد مستحکم دینی، حیاتی تازه یافت؛ به

۱. افرادی همچون امام خمینی که نقش ویژه در مبارزه با بهائیت داشتند، از جمله شاگردان حاج شیخ در حوزه سلطان آباد اراک بودند که همراه شیخ به قم مهاجرت کردند. آیت الله سیدمحمد تقی خوانساری، آیت الله میرزا ابوالفضل زاهدی نیز از جمله شاگردان حاج شیخ بودند که از اراک به قم آمدند (استادی، ۱۳۷۵: ص ۵۳-۶۴) و در مبارزه با بهائیت نقش آفرین بودند.

۲. به دعوت علمای بزرگ قم، از جمله آیت الله مهدی پابین شهری، آیت الله فیض، آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر قمی، آیت الله بافقی و... به قم آمدند (شریف رازی، ۱۳۳۲: ج ۱، ص ۱۴).

طوری که اقدامات همه جانبه و تشکیلاتی ایشان می‌توانست اعتراف حتی دشمنان را در جامعیت اقدامات مذکور در پی داشته باشد. یکی از نویسندگان بزرگ بهایی، اشراق خاوری که از نزدیک شاهد مدیریت ایشان بوده، به جایگاه مدیریتی و اخلاص ایشان اعتراف کرده است و می‌نویسد:

شیخ عبدالکریم ... اهل دغل و ریا نبود، بساطی که پهن کرده بود، از روی صفا و صمیمت اداره می‌کرد. برای خودش چیزی قائل نبود. هر سال شاید چند میلیون پول برایش می‌آمد، همه را به طلاب و فقرا می‌داد (اشراق خاوری، بی‌تا: ص ۲۳۴ و همان، ۲۰۰۹: ص ۸۳).

حاج شیخ در قامت زعیم حوزه، با توجه به دغدغه اصلی خود که پاسداری از اسلام و مقابله با جریان‌ها و فرق انحرافی بود، توانست با سازماندهی فعالیت‌های حوزه به عنوان نهادی دینی و جهت دهی افکار عمومی مانع نفوذ بیش‌تر جریان‌های انحرافی، از جمله بهائیت در جامعه شود و از سرعت رشد آن در میان آحاد مردم بکاهد. در مجموع می‌توان گفت آیت‌الله حائری با آگاهی از برنامه بلند مدت استعمارگران و وضعیت فکری ایران در اواخر قاجار، به احیای حوزه علیمه اراک و قم اقدام کرد.

### ۱-۲-۳. مبارزه آیت‌الله حائری در دوره پهلوی اول با بهائیت

هنوز سه سال از احیای حوزه سپری نشده بود که با روی کار آمدن رضا خان، دور جدیدی از چالش‌ها در مقابله با بهائیت برای علمای قم ایجاد شد. از طرفی رضا خان با اعمال خود، علما را در تنگنا قرار داد و سوی دیگر به دلیل تعامل نزدیک وی با بهائیان، زمینه را برای حضور بهائیان در اجتماع فراهم کرد.

دلیل نزدیک شدن رضاخان به بهائیان، براساس اسناد موجود، آن است که پیروان این فرقه، به عنوان عمال استعمار در به حکومت رسیدن رضا خان نقش اساسی داشتند. برخی اسناد موجود حکایت از آن دارد که محفل بهائیت در ایران، از مدت‌ها قبل توسط حبیب‌الله عین‌الملک (پدر عباس هویدا)، رضا خان را کشف و به جاسوس بریتانیا (سر اردشیر ریپورتر) معرفی کرد و رضاخان نیز در مقابل، وعده‌هایی درباره میدان دادن به این فرقه تعهد کرده بود





(حقیقت جو، ۱۳۸۶: ص ۳۴). یونس افروخته، از سران بهایی تهران درباره آزادی بهائیان در این دوره می‌نویسد:

زمان طفولیت (در دوره قاجار) خود را به خاطر آوردم و بلیات آن زمان را از نظر گذرانیدم که به چه اندازه ملاحظه و احتیاط، ... چه رنج‌ها و تعب‌ها... تا این‌که کلمه‌ای را به گوش همدیگر برسانند... امروز (پهلوی اول) الحمدلله به برکت همت اولیا و تاثیر دم شهدا، حکومت عادلانه استقرار یافت، دوستان متشتت و پریشان جمع می‌شوند و انجمن روحانی تشکیل می‌دهند (شهسواری، ۱۳۷۸: ص ۵۹ و ۶۱ و ر.ک: مازندرانی، بی‌تا: ۱۳۲ بدیع، ج ۹، ص ۶۴).

پیروان بهائیت در این دوره در کنار آزادی اجتماعی که داشتند، توانستند به عرصه سیاسی کشور نیز وارد شوند؛ به گونه‌ای که در دوره رضا خان، کلیه امور مالی و دربار دست دو تن از بهائیان مشهور به نام «شعاع الله علایی» و «نور الدین فتح اعظم» قرار داشت (مجدآبادی، ۱۳۹۶: ص ۳۷ و کشتگر، ۱۳۸۸: ص ۳۵۱ و ۳۵۳).

رضاخان به منظور پیشبرد اهداف استعمار، فضا را برای فعالیت بهائیت ایجاد کرد و در مقابل، مبارزه با علما و ارزش‌های اسلامی را در دستور کار خود قرار داد و به قدری بر علمای حوزه قم سخت گرفت که برخی از بزرگان قم می‌گفتند:

ما انتظار هر حادثه‌ای را داشتیم، فکر می‌کردیم که مثل شوروی یا ترکیه با ما برخورد کنند، شبانه ما را جمع کنند و به دریا بریزند یا در بیابان رها کرده، تیرباران کنند (شریف رازی، ۱۳۳۲: ج ۱، ص ۷۰).

این رفتار رضا خان، به این دلیل بود که وی بزرگ‌ترین نماد سنت‌گرایی را در ایران، مذهب شیعه و علمای آن می‌دانست که همانند سدی بزرگ در برابر اصلاحات رضاخانی و غربی‌سازی جامعه ایران ایستاده بودند. این موضع او پس از ملاقات با آتاتورک که با روشنفکران بهایی ارتباط نزدیک داشت، شدیدتر نیز شده بود (ر.ک: دوانی، ۱۳۷۹: ص ۱۹۴). در چنین فضایی، مدیریت توانمند شیخ عبدالکریم حائری بود که توانست هم به نوعی با حکومت تعامل کند و مانع فروپاشی حوزه علمیه گردد و هم به روش غیر مستقیم با بهائیت مبارزه کند و از شدت آسیب تبلیغات ضد اسلامی آن‌ها در جامعه بکاهد که از جمله آن‌ها می‌توان به دو مورد اشاره



کرد: الف) صدور حکم فقهی؛ ب) فعالیت اجتماعی.

### الف) صدور حکم فقهی

«صدور فتوا»، از جمله روش‌های متدوال در میان علمای شیعه برای مقابله با جریان‌های انحرافی است که آیت الله حائری از آن برای کاهش آثار مخرب بهائیت بر جامعه مسلمین استفاده کرد. به طور کلی احکام صادر شده از سوی ایشان در مورد بهائیت را می‌توان در دو دسته «اعتقادی» و «اجتماعی» دسته‌بندی کرد:

#### ۱. حکم اعتقادی

آیا طایفه بهائی جزء کفارند یا خیر؟ ایشان در این زمینه فرمودند:

کافر کسی است که انکار کند خدا یا پیغمبر یا ضرورتی از ضروریات اسلام...؛ یا اعتقادش این باشد که شریعت پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله نسخ شده است. پس از تحقق یکی از این امور، محکوم به کفر و احکام کفر بر آن‌ها جاری است (عابدی، ۱۳۹۱: ص ۴۳).

ایشان با تبیین دقیق از مسئله، با تعیین الگو و معیار مشخص برای ایمان و کفر، با دیدی واکاوانه به یکی از آموزه‌های بهائیت، یعنی ادعای نسخ اسلام (عدم خاتمیت) پرداخته و بدون ذکر نامی از این فرقه به دلیل حمایت حکومت از آن‌ها از ایجاد تنش میان افراد جامعه و نیز از زاویه بیش‌تر حکومت و حوزه علمیه و تنش در جامعه جلوگیری و همچنین مردم را از فریب بهائیت که خود را موعود اسلام معرفی می‌کردند، آگاه کردند.

#### ۲. حکم اجتماعی

آیا جایز است بر مسلم گرفتن عیال از طایفه بهائیه، در صورتی که به عقد و نکاح اسلامی عقد شود یا خیر؟ در صورتی که عیال مذکور [مسلمان] به عقیده سابق خود باقی باشد و عالم در احکام بهائی باشد، پاک است یا نجس؟ ایشان در جواب فرمودند:

مسلمان نمی‌تواند کافر را بگیرد، مگر در بعضی از کفار، آن هم به نحو انقطاع نه دوام، و اما زنی که عقیده‌اش عقیده اسلامی است، تزویج آن جایز است، هر چند احکام غیر اسلامی بداند (همان، ص ۳۷۳).



این استفتا نشان دهنده فعالیت جدی علمای قم در عرصه مبارزه با بهائیت است، تا حدی که برای برخی افراد جامعه این سوال مطرح بوده است که اگر زنی حتی احکام و تعالیم بهائیت را بداند، نیاید با او ازدواج کرد. لذا از شیخ در این زمینه برای رفع شبهه سوال شده است.

### ب) فعالیت اجتماعی: اعزام مبلغ

توجه آیت الله موسس در مقابله با نفوذ فرقه بهائیت تنها به قم منحصر نبود، بلکه یکی از وظایف این نهاد دینی حوزه را پاسخگویی به نیازهای فکری و عقیدتی مردم دیگر شهرها در برابر شبهات بهائیت می دانست که مردم این شهرها، به دلیل حضور کم تر روحانیت در میان آن ها در معرض آسیب بهائیت بودند. به همین دلیل، طلاب دارای استعداد تبلیغی را به صورت هدفمند به دیگر نقاط اعزام می کرد. آقای بهاء الدینی در این زمینه می فرماید:

حاج شیخ، به استعداد یابی طلاب می پرداخت هر که را مناسب فعالیت علمی می دید، تشویق به ماندن در حوزه می کرد و هر کس را مناسب کار علمی نمی دید، او را تشویق به تبلیغ می نمود (مجله حوزه، ۱۳۶۵: شماره ۱۶، ص ۳۷).

البته گاهی به دلیل حساسیت موضوع و اهمیت آن و تبلیغات وسیع بهائیت، برخی از شاگردان برجسته خود را برای مقابله با بهائیت اعزام کرد. برای مثال، آقای انواری از شاگردان برجسته شیخ، به درخواست مردم و به امر حاج شیخ به روستای امزاجرد همدان رفت و در آن جا با ارشاد و تبلیغات خود به مقابله با فرقه انحرافی بهائیت پرداخت. نتیجه حضور ایشان در آن منطقه جلوگیری از انحراف مسلمین و هدایت گروهی از افراد بود که تحت تاثیر تبلیغات بهائیان قرار گرفته بودند. ایشان علاوه بر تبلیغ در مدت زمان اقامت خود در آن جا کتابی در رد بابت و بهائیت تالیف کرد (شریف راضی، ۱۳۳۲: ج ۲، ص ۳۸۱).

حاج شیخ پس از عمری مجاهدت در راه حفظ اسلام و احیای ارزش های اسلامی و مبارزه با جریان های انحرافی و با اقداماتی مانند ایجاد نظام منسجم آموزشی، تنظیم دروس حوزوی، نظام شهریه، جذب استادان قوی و گزینش طلاب مستعد، به حوزه علمی قم، شخصیت حقوقی خاصی بخشید تا حوزه مذکور بتواند پس از ایشان به مسیر خود ادامه دهد (عفتی، ۱۳۹۱: ص ۸۷). آن مرجع بزرگ، در فرودین سال ۱۳۱۵ خورشیدی چشم از جهان فروبست و



زعامت حوزه به سه تن از مراجع عظام سپرده شد.

### ۲-۱. عملکرد مراجع ثلاث در مواجهه با بهائیت

در پنج سال پایانی حکومت رضاخان و با رحلت آیت‌الله حائری، سرپرستی حوزه علمیه قم به سه تن از آیات عظام، یعنی سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای، سیدصدرالدین صدر و سید محمدتقی خوانساری سپرده شد. مراجع ثلاث که در زمان آیت‌الله حائری در اداره نهاد حوزه کمک‌کار ایشان بودند، بعد از رحلت شیخ با توجه به کسب تجربه از مدیریت او، به اداره حوزه پرداختند (ر.ک: قلی‌زاده: ۱۳۸۹).

### ۱-۲-۱. روش آیت‌الله حجت در مواجهه با بهائیت

آیت‌الله حجت، به عنوان بزرگ‌ترین مدرس و روحانی حوزه قم، در دفع شر فرقه‌های منحرف و جلوگیری از گسترش آنان، روش مسالمت‌آمیز و منفی و درعین حال موثر و کارآمدی داشت. او راه دفع آن‌ها را در ایجاد تنش و برخورد سخت نمی‌دانست و بر این باور بود که هیاهو کردن در مورد فرقه‌ها، خود نوعی مطرح کردن آن‌ها و نقض غرض است؛ به علاوه پیامدهای جانبی دیگری دارد که ممکن است به ضرر مسلمانان تمام شود و جامعه مسلمانان را نا امن کند. بنابراین، زمانی که یکی از شاگردانشان از درگیری بین مسلمانان قم و بهائیان خبر داد، ایشان گفتند:

راه دفع چند نفر بهایی و دورساختن آن‌ها از اجتماع مسلمین و طریق امریه معروف و نهی از منکر در این گونه موارد منحصر در آن نیست که ما بیاییم هیاهو به پا کنیم و دست به آشوب بزنیم.... شما بروید با صاحبخانه صحبت کنید تا قرارداد اجاره خانه اش را با بهائی‌ها به هم بزنند و به مسلمانان اجاره دهد، بدین‌گونه فتنه تمام می‌شود... اما مواظب باشید کسی در بیرون، از این موضوع اطلاع نیابد (شریف رازی، ۱۳۳۲: ج ۲، ص ۱۰۵).

آیت‌الله حجت برخورد با پیروان فرقه‌ها و ایجاد تنش در جامعه را قبول نداشت؛ ولی به دلیل آن‌که تعالیم اسلامی را در نهایت استواری می‌دانست و تعالیم فرقه‌ها، از جمله بهائیت را در نهایت سستی و پوچی می‌دید؛ در نشر کتاب‌های فرقه‌های ضاله در جامعه سخت‌گیری نداشت



و براین باور بود که این کار موجب می‌شود تا مردم در برخورد عقاید و آرا نیک و بد را از هم تمیز دهند، آن‌گاه حقایق دیانت پاک اسلام روشن‌تر و آشکارتر می‌شود (مدرسی، ۱۳۵۱: ص ۶).

### ۱-۲-۲. عملکرد آیت الله خوانساری در مقابله بهائیت

آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری (۱۳۷۱-۱۲۶۷ق)، عالم ربانی و مجاهد شیعه برای مبارزه علیه کشف حجاب، که نقش بهائیان و تعالیم بهائیت در آن هویدا بود<sup>۱</sup> با آیت الله حاج آقا حسین قمی همگام شد. او در آن جو پراختناق حاکم بر فضای جامعه که بیش‌تر علما با احتیاط و نرمش مواضع خود را ابراز می‌کردند، به صراحت با دادن فتوایی روشنگرانه همه را به ایستادگی دعوت کرد و نهی از این منکر اجتماعی را وظیفه تمام مردم دانست و بدین طریق افراد جامعه را از گام نهادن در مسیری همسو با اهداف بهائیان حفظ کرد (شریف رازی، ۱۳۳۲: ج ۱، ص ۱۵).

اقامه نماز باران در سال ۱۳۲۰ شمسی، موضوعی بود که سبب شهرت و محبوبیت بیش‌تر آیت‌الله خوانساری شد؛ اما این حادثه حواشی و پشت‌پرده‌هایی داشته که در تاریخ کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است و آن نقش بهائیت برای جلوگیری از اقامه نماز باران بود. بهائیان به نیروهای متفکین که در خاک فرج پادگان داشتند، چنین القا کردند که عده‌ای از اهالی قم قصد دارند چاه آبی را که در اختیار شماسست، تصاحب و حمله سختی به شما کنند و شما را از بین ببرند (همان، ص ۱۴۸)؛ اما اقامه نماز توسط آیت‌الله خوانساری موجب شد که نام حوزه علمیه قم و قدرت معنوی روحانیت در جهان نمایان شود و توطئه بهائیت برای مخدوش کردن آثار معنوی و علمی حوزه علمیه (به عنوان خطری جدی برای کم‌رنگ شدن فعالیت‌های بهائیان) خنثا گردد. این واقعه توسط مقامات رسمی لندن و آمریکا به وسیله رادیو پخش گردید و حقانیت دین اسلام و اثر حوزه قم و علمای آن بر جهانیان آشکار گشت (همان، ص ۱۴۹ و ر.ک: قلی‌زاده، ۱۳۸۹: ص ۳۶-۳۷).

۱. قانون کشف حجاب همسو با سیاست‌های بهائیت بود و بهائیان در اجرای این عمل ضد دینی نقشی آشکار داشتند. پیروان این فرقه انحرافی، همزمان با اجرای این قانون از تبلیغات رسانه‌ای و دیگر پست‌هایی که در اختیار داشتند، استفاده کردند و به عادی سازی بی‌حجابی در جامعه مشغول بودند (ر.ک: الهیاری، ۱۳۸۹: ص ۵۹، ۶۳ و ۶۶).

### ۱-۲-۳. مقابله آیت الله صدر با بهائیت

آیت الله سید محمدعلی بن اسماعیل صدر مشهور به «سید صدرالدین صدر» (۱۲۹۹-۱۳۷۳ق) از مراجع تقلید شیعه بود که با دو روش «ایجابی» و «سلبی» به مبارزه با بهائیت پرداخت.

### روش ایجابی

ایشان در گام نخست، با توجه به تحریف آموزه مهدویت از سوی بهائیان و معرفی باب و بهاء به عنوان موعود اسلام (ر.ک: فروتن، ۱۳۴۴: ص ۶)؛ کتابی درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف تالیف کرد و به موضوعاتی مانند اسما و القاب حضرت، معرفی نسب ایشان که تا آن زمان کتابی در این زمینه با این نظم و ترتیب خاص، نگاشته نشده بود (ر.ک: صدر، ۱۳۹۹: ص ۲۳). این تالیف می توانست پایه های اعتقادی افراد جامعه را تقویت کند و مانع نفوذ تبلیغات بهائیان شود و از اثری جدی و گسترش فرقه منحرف بهائیت که به شبهه افکنی درباره موعود اسلام دامن می زند، جلوگیری کند.

### روش سلبی

آیت الله صدر در گام بعدی، به منظور جلوگیری از اقدامات مخرب بهائیان و آسیب به مسلمین با اتخاذ روش محافظه کارانه و مسالمت آمیز از دولت خواستار کنترل رفتارهای خشونت آمیز بهائیان بر علیه مسلمانان شده نوشتند:

مکاتیب متعدده رسیده که فرقه ضاله مظه بهائی به مساعدت پاره ای از وابستگان دولت، مسلمانان را اذیت می نمایند و شاید در نتیجه مفسده ای رخ دهد که اسباب زحمت دولت شود. مستدعی است که فورا جلوگیری شود و دست خیانتکار قطع گردد (خانه اسناد بهائی ستیزی در ایران،

<https://iranbahai-persecution.bic.org/fa/archive/namh-az-sdraldyn-sdr-kh-dr-shah-znd-arak-bhayyha-bh-msadt-mamwryn-dwlt-mslmanan-ra-adywt>.

در مجموع، آنچه با بررسی دوره احیا به دست می آید، این است که آیت الله حائری و مراجع



ثلاث که ادامه دهنده راه ایشان بودند؛ با احیای حوزه قم، مبارزه با جریان‌های مقابل اسلام، از جمله بهائیت را به یکی از دغدغه‌های حوزه قم تبدیل کردند و به آن، حرکتی مستمر و روبه جلو بخشیدند و با توجه به نشر افکار حاج شیخ که خواهان تلفیق امور فقهی با امور کاربردی جامعه بود، با انسجام بخشی به نهاد روحانیت و احیای مرجعیت در ایران، زمینه را برای مبارزات عمیق‌تر و جدی‌تر آیت الله بروجردی فراهم کردند.

### ۳. مرحله دوم: تثبیت حوزه علمیه قم

در این مرحله، با ورود آیت الله بروجردی و تغییر شاه و سیاست‌های او، مقابله با بهائیت، به‌رغم نفوذ بیش از حد بهائیان در دربار پهلوی، وارد مرحله‌ای قوی‌تر و علنی‌تر شد و به همت آیت الله بروجردی به تثبیت رسید؛ به گونه‌ای که حکومت دیگر نمی‌توانست به راحتی آن را به تعطیلی بکشانند و یا اعتبار آن را در اذهان مردم مخدوش کند. بنابراین، علمای حوزه قم توانستند با تربیت شماری از شاگردان، دامنه نفوذ حوزه را با تکیه بر مفاهیم سیاسی - مذهبی شیعه در جامعه ایران گسترش دهند. در این مقطع، مبارزات اعتقادی و عملی علمای قم در بستر امور اجتماعی و در راستای آسیب‌های جامعه جریان یافت.

### ۳-۱. مقابله آیت الله بروجردی با بهائیت

سید حسین طباطبایی بروجردی (۱۲۵۴-۱۳۴۰ش)، از مراجع تقلید شیعه، هفده سال زعیم حوزه علمیه قم بود. او در سال ۱۳۲۳ شمسی به دعوت علما به منظور ایجاد مدیریت واحد و سرعت بخشیدن به حرکت اهداف بلند مدتی که آیت الله حائری برای نهاد حوزه در نظر گرفته بود، به قم آمد. یکی از دغدغه‌های ایشان قبل از ورود به قم، یعنی زمانی که در بروجرد حضور داشت، مقابله با بهائیت بود (ر.ک: دوانی، ۱۳۷۹: ج ۱۲، ص ۱۱۰). پس زعامت حوزه، با استفاده از ظرفیت حوزه علمیه قم مبارزه‌ای همه جانبه علیه بهائیت شکل داد و به چند روش به مقابله با انحرافات بهائیت پرداخت.

### ۳-۲. مبارزه فکری فرهنگی

بنیاد هویتی و رفتاری هر ملتی، به فرهنگ آن ملت وابسته است و تداوم و حیات هر کشوری

نیز در گرو وجود و اصالت فرهنگی اوست (ر.ک: خسروپناه، ۱۳۹۴: ص ۱۲، و ر.ک: کوئن، ۱۳۷۲: ص ۵۶-۶۲) و واضح است کشوری که اصالت‌های فرهنگی آن بر اسلام بنا شده بود، تغییر سریع در آن امکان نداشت. از این رو، بهائیان با برنامه‌های تعیین شده، نفوذ در مراکز حساس فرهنگی کشور را در دستور کار قرار دادند. برای نمونه یوسف اطلس در مرداد ۱۳۲۶ در مقاله‌ای پس از ذکر خبر درباره آموزگاران بهایی در لاهیجان و جذب دانش‌آموزان دختر به مسلک بهایی می‌نویسد:

بنده می‌گویم باز جای شکرش باقی است که در شهری مثل لاهیجان یک چنین آموزگار بهائی مشغول به خرابی است؛ اما بیچاره شهرستان تاریخی و اسلامی اصفهان که وقتی کانون علما و مجتهدین سترگ و اساتید بزرگ دین بوده و فعلاً شاید مدرسه دخترانه در آن نباشد که لا اقل یکی دو آموزگار بهائی در آن مشغول به مقصود نباشند و اگر احیاناً دبستانی هم فاقد چنین آموزگاران پیدا شود در حکم النادر کالمعدوم است (توکل‌ی‌طرقی، ۱۳۸۰: ص ۳۱ به نقل از دنیای اطلس پرور شماره ۱۳۲۶، ص ۱-۲).

بنابراین، آیت‌الله بروجردی، با آگاهی از ضرورت کارهای فرهنگی در جامعه، به عنوان یکی از اصلی‌ترین زیر ساخت‌های نرم افزاری در رشد، پیشرفت و تحولات اجتماعی؛ با توجه به وظیفه فرهنگی این نهاد دینی، در سطوح فکری کودکان و نوجوانان و بزرگسالان، به فرهنگ سازی بر اساس باورهای اسلامی اقدام کرد. ایشان برای تبیین آموزه‌های اسلامی در سطح کودکان و نوجوانان، در سال ۱۳۲۵ شمسی، درس تعلیمات دینی را برای مقابله با عقاید بهائیت در میان دروس دبستان‌ها و دبیرستان‌ها گنجانده (همان). برای مثال در کتاب تعلیمات دینی سال دوم دبستان (۱۳۲۸ هجری شمسی) از صفحه ۱۶-۲۳ به معرفی پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امامان پس از ایشان پرداخته و نام تک تک ائمه علیهم‌السلام مطرح شده است (وزارت فرهنگ، تعلیمات دینی سال دوم دبستان‌ها، ۱۳۲۸ شمسی).

در همین زمینه، به دلیل اهمیت روشنگری در مسائل مهدوی در مقابل نشر اعتقادات بهائیت درباره موعود اسلام، برای مقابله با تبلیغات بهائیان، به آیت‌الله صافی توصیه کردند کتابی مستدل و مستند به روایات عامه و خاصه درباره حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به رشته تحریر درآورد. لذا مقدمات نگارش کتاب ارزشمند منتخب الاثر از همین جا فراهم شد. و آیت‌الله





صافی خود تصریح کردند که این کتاب در جهت مبارزه با بهائیت تالیف شده است (رجبی، ۱۳۸۸: ص ۶).

### ۳-۲-۱. مبارزه اقتصادی

«اقتصاد» یکی از مهم‌ترین مولفه‌های تاثیر گذار بر حیات، رشد و پایداری فرقه‌های انحرافی است و اگر فرقه‌ای از لحاظ مالی دچار ضعف شود، دچار انحطاط می‌شود و روبه زوال خواهد گذاشت (ر.ک: تالرسیگتر، ۱۳۹۹: ص ۱۳۳ و ۱۳۵). بنابراین بهائیان با فرصتی که در حکومت پهلوی دوم برای آن‌ها فراهم شد، به مال اندوزی و تقویت پایه‌های اقتصادی بهائیت پرداختند و بسیاری از عرصه‌های اقتصادی جامعه را تصاحب کردند. نمونه آن، شرکت‌ها و موسسات مالی متعدد حبیب ثابت پاسبان بهایی و هژبر یزدانی است. این شرکت‌ها علاوه بر تقویت مالی بهائیان، توسعه نیروی کار بهائیان را در پی داشتند که این، امکان مناسبی برای جذب افراد به بهائیت به شمار می‌رفت (ر.ک: مجدآبادی، ۱۳۹۶: ص ۳۷ و مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۴: ص ۱۲).

آیت‌الله بروجردی در مقابل، برای جلوگیری از رشد بهائیت که بخشی از آن به توان مالی این فرقه بر می‌گشت، با صدور فتوایی هرگونه معاشرت و معامله با بهائیان را حرام اعلام کرد:

لازم است مسلمین نسبت به این فرقه، معاشرت و مخالطه و معامله را ترک کنند. فقط از مسلمین تقاضا دارم آرامش و حفظ انتظام را از دست ندهند (نیک‌پیمان، ۱۳۸۸: ص ۵۳۷).

آیت‌الله بروجردی با استفاده از ابزار فقه توانست از قدرت اقتصادی بهائیان که به اهداف فرقه متمرکز بود، بکاهد و عظمت مرجعیت و پیوند مردم با حوزه و علمای دینی که پس از این فتوا شرکت‌های بهایی را تحریم کردند، به نمایش گذارد و از ظرفیت بالای نهاد حوزه بر تاثیرگذاری بر امور اقتصادی پرده بردارد و بر رشد و توسعه اقتصادی بهائیت ضربه سنگینی وارد کند که یک نمونه آن تحریم پیسی کولا بود که آن را با رکود عجیب مواجه و آن را به یک شرکت ورشکسته تبدیل کرد (ر.ک: همان، ص ۵۴۱).



### ۳-۲-۲. مواجهه سیاسی-اجتماعی

فرقه‌های انحرافی، برای پایایی و پویایی در جامعه، به ورود در عرصه سیاسی و اجتماعی ناگزیر هستند و هر فرقه‌ای که به صورت فعال وارد این عرصه نشود، دچار انحطاط و زوال خواهد شد (ر.ک: اسحاقیان، ۱۳۹۹: ص ۱۴۵). بهائیت به دلیل آن که یک تشکیلات و حزب سیاسی است و بدون سازمان اداری هویت نمی‌یابد، در دوره محمدرضا شاه در کنار فعالیت‌های سیاسی با توجه به فرصت پیش آمده به نماد سازی در جامعه اقدام کردند. آن‌ها محفلی را در تهران برای امور اداری سازمان بهائیت به نام «حظیرةالقدس» احداث کردند. این اقدامات بهائیان برای حضور فعال در جامعه، پس از آن بود که شوقی افندی، جانشین عباس افندی (عبدالبهاء) طی نقشه ده ساله که آن را «جهاد روحانی» نامید، دستورهای داده بود:

مضاعف کردن کشورهای دارای بهایی، افزایش مشارک الاذکارها، تشکیل شش محکمه بهائی در تهران و...، افزایش حظیرةالقدسها و... (محفل روحانی ملی بهائیان ایران، بی تا: ص ۳).

آیت‌الله بروجردی در مقابل، برای جلوگیری از عادی سازی حضور بهائیان در جامعه ایران اقداماتی را انجام داد:

الف) با حمایت آیت‌الله بروجردی و سخنرانی‌های تبیینی آقای فلسفی و به دستور آقای بروجردی حظیرةالقدس تخریب شد (ر.ک: کوهستانی: ۱۳۹۰) و بالاجبار با تأیید محمدرضا پهلوی، گنبد آن به دست ارتش شاهنشاهی ایران، با نظارت سپهبد نادر باتمانقلیچ تخریب گردید (دوانی، ۱۳۷۹: ج ۱۲، ص ۲۴۶)؛

ب) مطالبه تصویب قانونی در جهت غیر قانونی اعلام کردن فعالیت پیروان حزب بهایی در ایران (همان، ص ۲۴۴)؛

ج) مطالبه جلوگیری از ورود افراد این حزب در مناصب حکومتی و اخراج آن‌ها از ادارات دولتی (کوهستانی، ۱۳۹۰: ص ۴۱)؛

د) تهدید به خروج از شهر در پی تسامح دولت نسبت به فعالیت بهائیان و آسیب‌های مخرب این فرقه که دولت را به عقب نشینی از مواضع خود مجبور کرد (علوی، ۱۳۷۰: ص ۳۲۸)؛

ه) حمایت از جریان‌های مقابله کننده با تفکر بهائیت: یکی دیگر از فعالیت‌های آیت‌الله



بروجردی حمایت و پشتیبانی از جریان‌ها، گروه‌ها و افرادی بود که به مقابله با تفکر بهائیت می‌پرداختند. یکی از گروه‌هایی که در مبارزه با بهائیت پیش از انقلاب اسلامی موثر عمل کرد، «انجمن خیریه مهدوی» موسوم به «انجمن حجتیه» بود که در سال ۱۳۳۲ شمسی توسط شیخ محمد ذاکرزاده تولایی تاسیس شد و با توجه به سبقه موفق مبارزاتی این گروه با بهائیت، مورد تایید آیت الله بروجردی قرار گرفت (خسروپناه، ۱۳۹۴: ص ۴۱).

عملکرد موفق انجمن مذکور در مبارزه با بهائیت سبب شد تا افرادی مانند آیت الله سیدمحمد رضا گلپایگانی، آیت الله مرعشی نجفی (باقی، ۱۳۶۳: ص ۲۸۲-۲۸۴)؛ همچنین مراجع دیگری مانند آیات عظام میلانی، سید عبدالله شیرازی و بهاء‌الدین محلاتی فعالیت انجمن را مورد تایید قرار دهند و استفاده از سهم امام و نذورات مطلقه را در جهت تقویت انجمن اجازه دادند (خسروپناه، ۱۳۹۴: ص ۷۳۸). امام نیز از مراجعی بود که در ابتدا از انجمن حمایت کرد (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۲۹۹ و باقی، ۱۳۶۳: ص ۲۸۸)؛ اما در ادامه با آگاهی از رویکرد ضد سیاسی انجمن، عدم حمایت خود را از این انجمن اعلام کرد و بسیاری از افراد دیگر نیز به سبب همین موضوع، حمایت خود از انجمن را برداشتند و به نوعی انجمن دچار انشعاب از درون گردید (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۹: ص ۶۲۹).

در مجموع می‌توان گفت در این مرحله، با تثبیت جایگاه حوزه علمیه، آیت‌الله بروجردی با استفاده از ظرفیت این نهاد توانست با وجود نفوذ شدید بهائیان در حکومت، در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی - اجتماعی به مقابله با بهائیت بپردازد و بهائیان را که در تلاش برای جذب نیرو و عادی سازی حضورشان در جامعه بودند، دچار چالش به عقب نشینی در مواضعشان مجبور کند. آیت‌الله بروجردی با کشاندن مبارزه در امور مبتلابه و مسائل روز عرصه را برای مرحله بعدی فراهم کرد.

### ۳. مرحله رشد و توسعه حوزه علمیه (دوران انقلاب اسلامی)

پس از مرحله احیا توسط آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم و گذر از مرحله تثبیت با مدیریت آیت الله بروجردی، مرحله رشد و توسعه توسط امام محقق شد. مرحله رشد و توسعه «ایجابی» (رشد نهاد حوزه) و «سلبی» (مبارزه با فرقه‌های انحرافی) از لحاظ کمی و کیفی توسعه یافت و روش

خاص خود را پیدا کرد. علمای شیعه توانستند مقابله با بهائیت را به لایه‌های عمیق‌تری بکشانند و مبارزات قابل توجهی علیه بهائیت ترتیب دهند؛ به علاوه با روشنگری‌های خود اکثر افراد جامعه را با خود همراه و با شکست نظام استبدادی شاه، در ابعاد گوناگون بهائیت را به بحران جدی دچار کنند.

### ۳-۱. عملکرد امام خمینی در مواجهه با بهائیت

امام خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸ش)، پس از رحلت آیت الله بروجردی، به صورت فعال مبارزه با بهائیت را ادامه داد؛<sup>۱</sup> اما با این تفاوت که امام به مقابله با علت‌های ایجاد و گسترش بهائیت در جامعه پرداخت و توانست با روشنگری‌های خود مانع رشد و نفوذ بهائیت در ایران گردد. با توجه به پیشینه فعالیت‌های امام در مبارزه با بهائیت، می‌توان عملکرد ایشان را در دو بازه زمانی قبل از انقلاب و پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحلیل و بررسی کرد:

### ۳-۱-۱. مقابله امام با بهائیت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

بررسی و دقت در مواضع امام خمینی درباره بهائیت قبل از انقلاب، حکایت از آن دارد که امام با معرفی بهائیت به عنوان یک حزب سیاسی در خدمت استعمار، ادبیات جدیدی در مبارزه با بهائیت ایجاد کرد و با روشنگری‌های خود توانست مانع اجرای اهداف استعماری این فرقه در ایران شود. امام خمینی در مواضع متعدد با تأکید بر این موضوع، در سال ۱۳۴۱، پس از تصویب انجمن‌های ایالتی و ولایتی که موانع حضور بهائیان در پست‌ها دولتی را برمی‌چید، خطر نفوذ بهائیان در ایران را گوشزد کردند و چنین هشدار داد:

بهائی‌ها يك مذهب نیستند، يك حزب هستند، يك حزبی که در سابق، انگلستان پشتیبانی آن‌ها را می‌کرد و حالا هم آمریکا دارد پشتیبانی می‌کند ... این جانب حسب وظیفه شرعیه، به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم که قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیست‌ها است که در ایران به حزب بهایی ظاهر شده‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۱۱۰-۱۱۱).

۱. قابل یادآوری است که امام قبل از رحلت آقای بروجردی نیز نقش ویژه‌ای در مبارزه با بهائیت داشت و در حکم بازوی آیت‌الله بروجردی در مبارزه با بهائیت بود (لاجوردی، ۱۳۸۰: ص ۵۶-۵۷).



رژیم پهلوی با اجرا و تصویب لایحه، به دنبال این بود تا با حذف شرط اسلام از شرایط قضات و نمایندگان که از برنامه‌های استعماری بود، موانع قانونی حضور بهائیان و غیر مسلمانان را در پست‌های حساس کشور بر طرف کند. بنابراین، بهائیان بدون هیچ منع قانونی می‌توانستند بر پست‌های حساس کشور نفوذ کنند و مسلک آن‌ها در کنار دین اسلام در جامعه رسمیت یابد؛ اما با موضع‌گیری‌های امام، و روحانیت این توطئه بهائیان برای رسمیت یابی در کشور ناکام ماند.

همچنین امام خمینی، در سخنرانی ۱۳ خرداد ۴۲ که به دستگیری ایشان و نقطه عطف تاریخ انقلاب اسلامی منجر گردید و قیام پانزدهم خرداد ماه حاصل آن بود (عیوضی، ۱۳۹۰: ص ۱۲۶)، با صراحت، محمدرضا پهلوی را مورد خطاب قرار داد و از اهداف بهائیت که ایجاد تنش بین حکومت و مرجعیت بود پرده برداشت:

اسرائیل مملکت را به باد می‌برد، ... یک حقایقی در کار است، شما آقایان در تقویم دو سال پیش از این یا سه سال پیش از این بهائی‌ها مراجعه کنید، در آن جا می‌نویسد: تساوی حقوق زن و مرد رأی عبدالبهاء، آقایان هم از او تبعیت می‌کنند. آقای شاه نفهمیده می‌رود [در سخنانش آن را تکرار می‌کند] می‌گوید: تساوی حقوق زن و مرد. آقا! این را به تو تزریق کردند که بگویند بهایی هستی، که من بگویم کافر است... (همان، ص ۲۴۷).

امام بار دیگر، سکوت مردم، علما و حوزه‌های علمیه را سکوتی مرگبار خواند و آن‌ها را به مقابله با بهائیت دعوت کرد:

وای بر این مملکت! ... وای بر این دنیا! وای بر ما وای! بر این علمای ساکت! وای بر این نجف ساکت! وای بر قم ساکت!... این سکوت مرگبار، اسباب این می‌شود که زیر چکمه اسرائیل به دست همین بهایی‌ها، این مملکت، این نوامیس ما، پایمال شود... (همان، ص ۲۱۳).

امام در مبارزه با بهائیت، با افشای چهره استعماری و جاسوسی این فرقه و همین‌طور اهداف ضد اسلامی آن‌ها با زنجیره‌ای از هویت‌های همسو، مانند عمال استعمار، یهودیان و اسرائیل توانستند، مردم را به خوبی به صحنه مبارزه با بهائیت آورد که نمونه آن قیام ۱۵ خرداد است که به گزارش برخی اسناد، علاوه بر اماکن مشروب فروشی که به یهودیان متعلق بود، منازل و

دکان‌های متعلق به بهائیان مورد هجوم مردم قرار گرفت (زاهدانی، ۱۳۸۸: ص ۲۱۸).

### ۳-۱-۲. مقابله امام با بهائیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی

در بهمن سال ۱۳۵۷، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید. امام بر اساس چند دهه حضور در حوزه قم و تجربه مقابله با بهائیت، به مبارزه با ریشه نفوذ بهائیت در ایران اقدام و با شکست حکومت استبدادی و دست نشانده پهلوی، طبق اسناد موجود شدیدترین ضربه را به بهائیت در ایران وارد کرد. در گزارش سفارت امریکا به وزارت امور خارجه آن کشور در ژوئن ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۸ ش) آمده است:

یکی از نه نفر مردان متفکر جامعه بهائیت (روسای محفل بهائیان) گفت که جامعه بهائی احساس می‌کند از جهات اداری، اجتماعی و مالی در حال مرگ است و با بدترین بحران در تاریخ ۱۲۸ ساله‌اش مواجه شده است (الهیاری، همان، ص ۸۸).

پیروزی انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین ضربه بر پیکره بهائیت بود و موجب شد این فرقه به یکباره تمام پشتوانه سابق خود در ایران را از دست بدهد. از این رو، بهائیان در چنین اوضاعی تلاش کردند با استفاده از اهرم برخی سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های غربی خود را از این بحران‌رهایی بخشند. برای نمونه می‌توان به حمایت ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا، از بهائیان جاسوس در زندان اشاره کرد که اما خمینی در پاسخ حمایت آمریکا از آن‌ها فرمودند:

نمی‌دانم این که در بعضی رادیوها پخش کردند صحبت رئیس‌جمهور آمریکا را ملاحظه کردید؟ که ایشان از همه دنیا استمداد کردند برای این که این بهایی‌هایی که در ایران هستند و مظلومند و جاسوس هم نیستند و به جز مراسم مذهبی به کار دیگر اشتغال ندارند... اگر این‌ها جاسوس نیستند شما صدایتان در نمی‌آید... بهائی‌ها یک مذهب نیستند، یک حزب هستند، یک حزبی که در سابق انگلستان پشتیبانی آن‌ها را می‌کرد و حالا هم آمریکا دارد پشتیبانی می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۷، ص ۴۵۹).

امام خمینی که بر حزب و جاسوس بودن فرقه بهائی تاکید مکرر داشت، ویژگی‌های منفی دیگری نیز برای این فرقه بر می‌شمرد: ضدیت و عناد دیرینه با اسلام و مسلمانان، توطئه‌گری مستمر علیه اسلام و مسلمانان، و توطئه مداوم برای کسب قدرت سیاسی و به دست گرفتن حکومت (همان، ج ۱، ص ۱۰۴)؛ نفوذ در میان مراکز و محافل و جریان‌های سیاسی و اجتماعی به



منظور منحرف کردن و یا به دست گرفتن عنان این جریان‌ها و مراکز (همان، ص ۱۱۰) و تحریک رژیم شاه برای مبارزه با اسلام و مسلمانان (همان، ص ۲۴۷). بنابراین، امام علاوه بر تکمیل اقدامات آیات عظام، حائری، مراجع ثلاث و بروجردی، در مبارزه‌ای همه‌جانبه تومار تشکیلات استعماری بهائیت در ایران را در هم پیچید و مقابله نهاد حوزه با بهائیت را وارد مرحله جدید کرد.

### ۲-۳. ساختارحوزه علمیه در مواجهه با بهائیت پس از انقلاب اسلامی

فرقه ضاله بهائیت پس از مرگ شوقی افندی در سال (۱۳۶۶ش) روند سازمانی به خود گرفت و با ایجاد «بیت العدل» و محفل محلی و ملی دارای تشکیلات و سازمان اداری شد (رائین، بی تا: ص ۴۵-۶۶). بنابراین، علمای قم با فرصتی که پس از انقلاب برایشان مهیا شد علاوه بر مبارزات فردی، با ایجاد سازمان‌ها و مراکز حوزوی به مقابله با احیای دوباره بهائیت مبادرت ورزیدند.

#### ها و مراکز حوزوی

برخی از سازمان‌ها و مراکز حوزوی که به مبارزه با بهائیت می‌پردازند، عبارتند از: الف) «دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم»، که نهادی است تبلیغی، آموزشی، پژوهشی و فرهنگی در حوزه علمیه قم و یکی از اولویت‌های آن مقابله با جریان‌های انحرافی و ارتقای اثربخشی فعالیت‌های بخش تبلیغی است. برگزاری همایش بین‌المللی «۲۰۰ سال خشونت، خرافه و خیانت فرقه‌ای»، از جمله اقدامات اداری و سازمانی در مبارزه با بهائیت است (سایت دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم)<sup>۱</sup>

ب) «مرکز تخصصی مهدویت» که با همکاری برخی از شخصیت‌های علمی و فرهنگی موافقت مقام معظم رهبری با هدف گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در سطح جامعه (به‌ویژه نسل جوان و فرهیخته) در زمینه مباحث مهدویت و به‌عنوان پشتوانه علمی و فرهنگی در قم تأسیس و راه‌اندازی شد و در دو محور آموزشی، پژوهشی و تبلیغی، به مبارزه با بهائیت و دیگر جریان‌های انحرافی می‌پردازد (کرجی و باباجانی، ۱۳۸۷: ص ۱۶۹). برای نمونه برگزاری



1 . <http://www.dte.ir/Portal/home/?generaltext/13242/161388/148244/>

بیش از دویست دوره تربیت مربی مهدویت در کشور<sup>۱</sup> (معاونت تبلیغ مرکز تخصصی مهدویت)؛  
ج) «موسسه آموزش عالی خاتم النبیین»، از دیگر مراکزی است که «مرکز تخصصی فرق و  
ادیان» را در سال ۱۳۸۸ با هدف تربیت نیروهای کار آمد، به منظور مواجهه با افکار مکاتب و  
ادیان انحرافی تاسیس کرد. این مرکز دارای اهداف زیر می باشد:

یکم. تربیت استاد و پژوهشگر متعهد در رشته های فرق و ادیان (نقد بهائیت)؛  
دوم. تربیت مبلغ توانمند، به منظور پاسخگویی به نیازهای دینی جامع و نقد بهائیت؛  
سوم. فعالیت علمی و پژوهشی در جهت مواجهه با فرقه های انحرافی، شامل درسنامه نقد  
بهائیت، تالیف علیرضا روزبهانی و مجله علمی تخصصی کلام ادیان (سایت مرکز تخصصی فرق  
و ادیان وابسته به موسسه خاتم النبیین، [www.Markazadyan.ir](http://www.Markazadyan.ir)).

### ۳-۲-۲. فعالیت های علمی-پژوهشی در مواجهه با بهائیت

از دیگر دستاوردهای نهاد حوزه در مرحله رشد و توسعه، فعالیت های علمی و پژوهشی این  
نهاد می باشد که رشد فزاینده ای پس از انقلاب اسلامی به خود گرفته است؛ به طوری که بیش از  
یکصد پایان نامه، پنجاه مقاله علمی در مجلاتی مانند انتظار موعود، مجله کلام و ادیان، مشرق  
موعود، مجله هفت آسمان، مجله علمی ترویجی پژوهشنامه موعود ساماندهی شده است.

تفاوت آثار تالیف شده پس از انقلاب، علاوه بر تخصصی شدن مباحث، بر خلاف مراحل  
پیشین که بیش تر از بعد اعتقادی و کلامی به نقد بهائیت پرداخته بود؛ ابعاد دیگر، مثل  
اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی را در بر گرفت؛ مانند کتاب «جریان شناسی ضد  
فرهنگ ها» از عبدالحسین خسرو پناه که در بخشی از کتاب به آسیب های بهائیت پرداخته  
است. با توجه به تخصصی تر شدن مباحث نیاز به نقد عالمانه و دقیق این فرقه ضاله  
درسنامه ها و مقالات علمی متعددی تالیف شد که می توان به «درسنامه فرقه های انحرافی  
(شیحیه، بابیه و بهائیت)»، نوشته گروهی از پژوهشگران حوزه علمیه قم اشاره کرد.

۱. از جمله موضوعات این دوره ها نقد فرقه ضاله بهائیت می باشد.





## نتیجه‌گیری

آنچه این مقاله بدان دست یافت، عبارت است از این‌که علمای قم در مبارزه با بهائیت توانستند به فراخور اوضاع زمانی، این فرقه را در ابعاد گوناگون فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با چالش جدی مواجه کنند که این رویکرد مبارزه‌ای در سه مرحله احیا، تثبیت و رشد و توسعه حوزه علمیه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت:

۱. دوره احیای حوزه علمیه را می‌توان دوره‌ای نامید که در آن زمان، خصومت شدید علیه فرهنگ اسلامی و دین به ویژه با آغاز حکومت پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰) رو به افزایش نهاد و زمینه حضور هر چه بیش‌تر بهائیان در جامعه فراهم گردید. در این دوره، آیت‌الله حائری با احیای حوزه علمیه و انتقال مرکزیت مرجعیت شیعه از نجف به قم، شکل دیگری از مبارزه نهاد دینی را پی‌ریزی کرد و با استفاده از ابزار فقه در ابعاد اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی و تبیین صحیح دین با استفاده از اعزام مبلغان حوزه علمیه قم برای مبارزه با تفکر بهائیت، به مقابله با آن پرداخت. یکی از آثار احیای حوزه علمیه قم بی‌تردید تقویت فرهنگ دینی در جامعه بود که بعدها سبب تفوق اندیشه دینی بر تفکر سکولاریسم شد که بهائیت نیز به تبلیغ تفکر مذکور می‌پرداخت.

مراجع ثلاث (آیت‌الله حجت، محمدتقی خوانساری و سید صدر الدین صدر) به دو روش مستقیم (اعتراض به اقدامات حکومت در میدان دادن به بهائیان و مبارزه با کشف حجاب که به نوعی با تفکرات بهائیان همسو بود) و روش غیر مستقیم (نمونه بارز آن در نماز باران آیت‌الله خوانساری نمود یافت، و با تالیف آثاری در زمینه مهدویت) به مبارزه با بهائیت پرداختند.

۲. در دوره تثبیت حوزه با ورود آیت‌الله بروجردی به عرصه مرجعیت و ورود ایشان به حوزه علمیه قم، فصل جدیدی از مبارزات با تفکر بهائیت شکل گرفت. آیت‌الله بروجردی با تثبیت حوزه علمیه قم به مبارزه با اندیشه بهائیت عمق بخشید:

۱. ایشان در حوزه فکری فرهنگی، با گنجاندن دروس تعلیمات دینی در بین کتاب‌های درسی مدارس و تشوق شاگردان خود به تالیف آثار علمی در زمینه بهائیت و روشنگری در مباحث اعتقادی در سطح عمومی جامعه به مقابله با بهائیت پرداخت؛ ۲. ایشان در حوزه اقتصادی و اجتماعی با تحریم اقتصادی و جلوگیری از نماد سازی بهائیت در جامعه مانع رشد بهائیان

گردید؛ ۳. آیت الله بروجردی علاوه بر مواجهه مستقیم با بهائیت، با حمایت از جریان‌ها و افرادی که در جهت مقابله با بهائیت فعالیت می‌کردند، به طور غیر مستقیم با بهائیت مقابله می‌کرد.

۳. دوره رشد و توسعه حوزه علمیه مرحله دیگر است که با ورود امام خمینی مبارزه با بهائیت ادبیات و روش خاص خود را یافت:

۳-۱. امام توانست با تکیه بر مفاهیم سیاسی مذهبی شیعه و با موضع‌گیری‌های خود مرجعیت سیاسی اجتماعی جامعه را کسب و غالب افراد جامعه را با خود همراه کند. امام با ایجاد هویت‌های همعرض در معرفی بهائیت، همچون حزب سیاسی، جاسوسان استعمار و صهیونیسم در لباس بهائیان؛ ادبیات جدیدی در مبارزه با بهائیت ایجاد کرد و با مبارزه با ریشه‌های نفوذ و گسترش بهائیت در ایران توانست با پیروزی انقلاب اسلامی ضربه سختی بر پیکره بهائیت وارد کند؛ به گونه‌ای که بهائیت به یکباره تمام پشتوانه خود در ایران را از دست داد.

۳-۲. فعالیت حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی دچار دگرگونی و تحول گردید؛ به گونه‌ای که مبارزه با بهائیت بر خلاف دوران قبل از انقلاب، حالت سازمانی و تشکیلاتی به خود گرفت و تبیین صحیح آموزه‌های دینی و هم روشنگری علیه بهائیت با رشد قابل مشاهده‌ای افزایش پیدا کرد و نیروی متخصص در این زمینه تربیت کرد. آثار تالیف شده نیز علاوه بر حالت عمومی و تکیه صرف به حوزه اعتقادی و علاوه بر تخصصی شدن متون؛ رویکرد سیاسی، اجتماعی و تاریخی پیدا کرد.



## منابع

۱. استادی، رضا (۱۳۷۵). *یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی (ره)*، بی جا، نشر انجمن علمی، فرهنگی و هنری استان مرکزی.
۲. اسحاقیان درچه، جواد و حیدری چراتی، حجت (بهار ۱۳۹۹). *تحلیل راهکارهای مشترک نفوذ جریان های مهدویت*، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۶۸.
۳. اسماعیلی، حمیدرضا (۱۴۰۱). *سازمانهای سیاسی بهائیت*، تهران، ناشر موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
۴. اشراق خاوری، عبدالحمید (بی تا). *اقداح الفلاح*، بی جا، موسسه ملی مطبوعات امری.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۹۹۱ م)، *مطالع الانوار تلخیص تاریخ نبیل زرنندی*، نشر موسسه چاپ و انتشارات مرآت، ایران، بدیع ۱۳۴.
۶. اطلس پرور، یوسف (۱۳۲۶). *مقاله وارده*، دنیای اسلام، شماره ۳۹.
۷. افندی، عباس (عبدالبهاء) (۱۳۲۵). *رساله سیاسیة*، تهران، بی نا.
۸. الهیاری، احمد (۱۳۸۹). *بهائیان در عصر پهلوی ها*، تهران، انتشارات کیهان.
۹. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. انصاری قمی، ناصرالدین (۱۳۸۷). *اختران فقاہت بررسی زندگی علمی و سیاسی گروهی از علمای سده اخیر*، قم، دلیل ما.
۱۱. باقی، عمادالدین (۱۳۶۳). *در شناخت حزب قاعدین (موسوم به انجمن حجتیه)*، بی جا، نشر دانش اسلامی.
۱۲. بنیاد فرهنگی نحل (۲۰۰۹ م). *زندگی، آثار و خاطرات اشراق خاوری*، قم، نشر بنیاد فرهنگی نحل.
۱۳. تالرسینگر، مارگارت (۱۳۹۹). *فرقه ها در میان ما*، مترجم: رحیم خدابنده، تهران، نشر ماهریس.
۱۴. توکلی طرقي، محمد (زمستان ۱۳۷۹ - بهار ۱۳۸۰). *بهائی ستیزی و اسلام گرایی در ایران*، مجله ایران نامه، تهران، انتشارات یاران، شماره ۱۵-۲.
۱۵. جعفریان، رسول (۱۳۸۹). *جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران*، تهران، ناشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.



۱۶. حقیقت جو، علی (تابستان ۱۳۸۸). *پیوند عمیق و همه جانبه بهائیت با رژیم پهلوی*، تهران، مجله تاریخ معاصر ایران، شماره ۵۰.
۱۷. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴). *جریان شناسی ضد فرهنگ ها*، تهران، نشر دفتر نشر معارف.
۱۸. خوشدل، یزدانی (۱۹۹۹ م). *تاریخ مختصر دیانت بهایی*، استرالیا، نشر Century Press.
۱۹. دوانی، علی (۱۳۷۹). *مفاخر اسلام*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. رائین، اسماعیل (بی تا). *انشعاب در بهائیت*، بی جا، نشر موسسه تحقیقی رائین.
۲۱. رجبی، محمدحسن (تابستان ۱۳۸۸). *آیت الله بروجردی و بهائیان*، تهران، مجله تاریخ معاصر ایران، شماره ۵۰.
۲۲. زاهد زاهدانی و سید سعید، محمدعلی سلامی (۱۳۸۸). *بهائیت در ایران*، تهران، ناشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۳. شریف رازی، محمد (۱۳۳۲). *آثار الحججه*، قم، نشر کتاب فروشی برقی.
۲۴. شهسواری، ثریا (۱۳۷۸). *اسناد فعالیت بهائیان در دوره بهائیان در دوره محمد رضا شاه*، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۵. صدر، محمدعلی (صدر الدین) (۱۳۹۹). *المهدی*، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۲۶. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مصحح: محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی.
۲۷. عابدی، احمد (۱۳۹۰). *استفتائات از محضر مرجع عالیقدر و مؤسس حوزه علمیه قم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری*، قم، انتشارات زائر.
۲۸. عفتی، قدرت الله (۱۳۹۱). *نیم نگاهی به سیر شکل گیری حوزه علمیه قم*، نشریه مبلغان، شماره ۱۵۰.
۲۹. عیسی نژاد، سید محمد (بهمن و اسفند ۱۳۸۳). *شیخ عبدالکریم حائری، حوزه علمیه قم و تولید علم در سده معاصر*، دوره ۲۱، شماره ۱.
۳۰. عیوضی، محمدرحیم و هراتی، محمدجواد (۱۳۹۰). *درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*، تهران، نشر دفتر نشر معارف.
۳۱. فروتن، علی اکبر (۱۳۴۴). *اسلام و دیانت بهائی*، تهران، موسسه ملی مطبوعات امری.



۳۲. قدس جورابچی، علاءالدین (۱۶۷ بدیع / ۱۳۸۹ق). *بهاءالله بنیانگذار آئین بهائی*، تهران، نشر شرکت کتاب.
۳۳. قلی‌زاده علیار، مصطفی (۱۳۸۹). *مراجع ثلاث*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۴. کرجی، علی و باباجانی، علی (تابستان ۱۳۸۷). *آشنایی با پایگاه‌ها و مراکز مهدویت*، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۷۴.
۳۵. کشتگر، همایون (تابستان ۱۳۸۸). *ماه غسل رژیم پهلوی و بهائیان*، مجله تاریخ معاصر ایران، شماره ۱۳.
۳۶. کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۹۰). *روحانیت - بهائیان* (از سخنرانی‌های حجت الاسلام فلسفی تا قصد مهاجرت آیت الله بروجردی از ایران)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۷. کوئن، بروس (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی*، مترجم: غلامعلی عباس و رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت.
۳۸. لاجوردی، حبیب (۱۳۸۰). *خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی*، انتشارات کتاب نادر.
۳۹. مازندرانی، فاضل (۱۳۲۲ بدیع). *تاریخ ظهور الحق*، بی‌جا، بی‌نا.
۴۰. مجدآبادی، مجتبی (۱۳۹۶). *نفوذ بهائیان در حکومت پهلوی به روایت اسناد*، تهران، نشر موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۴۱. مجله حوزه (۱۳۶۵). *مصاحبه با حضرت آیت الله حاج آقا رضا بهاء‌الدینی*، دوره سوم، شماره ۱۶.
۴۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰). *مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین سیدحسین بدلا*، فروردین، اردیبهشت، خرداد و تیر، شماره ۴۳ و ۴۴.
۴۳. محفل روحانی ملی بهائیان ایران (بی‌تا). *توقیعات مبارکه حضرت ولی‌ام‌الله*، تهران، موسسه ملی مطبوعات امری ایران.
۴۴. مدرسی، مرتضی (۱۳۵۱). *شیخی‌گری، بابی‌گری از نظر فلسفه، تاریخ، اجتماع*، تهران، کتابفروشی فروغی.
۴۵. مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۴). *رجال عصر پهلوی هژبریزدانی به روایت اسناد ساواک*، تهران، نشر مرکز بررسی اسناد تاریخی وزرات اطلاعات.

۴۶. منظور الاجداد، سید محمد حسین (۱۳۷۹). *مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست*، تهران، انتشارات شیرازه.

۴۷. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۳۸۶). *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۴۸. نیک پیمان، محسن (تابستان ۱۳۸۸). *سرمایه داران «بهائی» در ایران عصر پهلوی*، نشریه تاریخ معاصر ایران، شماره ۵۰.

۴۹. وزرات فرهنگ (۱۳۲۸). *تعلیمات دینی برای سال دوم دبستان‌ها*، بی‌جا، نشر چاپخانه علی اکبر علمی و شرکاء.

#### سایت‌ها:

۱. خانه اسناد بهایی ستیزی در ایران، نامه از صدر الدین صدر که در شازند اراک بهائی‌ها به مسلمانان اذیت می‌کنند، .....  
<https://iranbahai persecution.bic.org/fa/archive/>

۲. سایت دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، <http://www.dte.ir/Portal/home>

۳. سایت مرکز تخصصی فرق و ادیان وابسته به موسسه خاتم النبیین

[www.Markazadyan.ir](http://www.Markazadyan.ir)

۴. معاونت تبلیغ مرکز تخصصی مهدویت <http://www.mahdi313.org>





## مکتوبات حوزه علمیه قم در تقابل با جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت و شبهات آنان در سده اخیر<sup>۱</sup>

محمد شهبازیان<sup>۲</sup>

محمد غلامی<sup>۳</sup>

### چکیده

تاریخ یکصد ساله، گواه این نکته است که حوزه علمیه قم از زمان تاسیس و احیا و با زعامت فقیهان بزرگی مانند آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آیت الله سید حسین بروجردی و به تبع آن، انقلاب اسلامی ایران به زعامت امام خمینی؛ در گسترش فرهنگ مهدوی و زدودن انگاره‌ها از این آموزه اصیل نقشی اساسی داشته است. این تلاش در قالب مناظرات، سخنرانی، بیانیه‌ها، مکتوبات و نماهنگ ارائه شده است.

این نوشتار تلاش دارد با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و تاریخ شفاهی، به احصای مکتوبات مهدوی عرضه شده در حوزه علمیه قم و در موضوع نقد جریان‌های انحرافی، از دوران ورود آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۳۰۰ شمسی) تا پایان سده (۱۴۰۰ شمسی) و تحلیل آن بپردازد. پس از تحلیل منابع مکتوب، به خلأها و آسیب‌های برخی از دوره‌ها و منابع پرداخته است تا بتوان با بهره‌گیری از گذشته، گامی موثر به منظور نشر مهدویت و مکتوبات مرتبط با آن در دوران معاصر برداشت.

**واژگان کلیدی:** مکتوبات، حوزه علمیه قم، شبهات، جریان‌های انحرافی، مهدویت، سده اخیر.

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله‌علیه تالیف شده است.

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

m.shahbazian@isca.ac.ir

۳. دانش پژوه سطح چهار مرکز تخصصی مهدویت، قم، ایران.

montazer.mohammad@gmail.com



## مقدمه

«قم» از جمله شهرهایی است که اسلام با فرهنگ علوی و شیعی وارد آن شد و از دوران ائمه اطهار علیهم السلام سنگری برای شیعیان بوده است (قزوینی، ۱۹۹۸: ص ۴۴۳). بنابر برخی از گزارش‌ها، وجه نام‌گذاری «قم»، قیام مردمانی از این منطقه برای یاریگری حضرت مهدی علیه السلام است (قمی، ۱۳۸۵: ص ۵۲). پیشینه اسلام در این شهر به خاندان اشعری می‌رسد (همان، ص ۶۷۹). تاریخ قم نشان می‌دهد که این شهر از جنبه‌های مختلف در طول تاریخ دارای فراز و فرودهایی بوده است و علاوه بر تکوین و رونق‌آزایی مراکز مهم فرهنگی و دینی، بزرگانی از اصحاب اهل بیت علیهم السلام مانند «احمد بن اسحاق قمی» و «احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی» در این شهر زیسته‌اند؛ اگرچه تدریس و تحدیث علوم دینی در قم دارای تطورهایی بوده است؛ همیشه چراغ آن روشن بوده و هیچ‌گاه این چراغ به خاموشی ننشسته است و محدثانی بزرگ در شهر قم حضور داشته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ص ۸۹). این جایگاه، به ویژه در قرن سوم و چهارم هجری به گونه‌ای بوده است که حسین بن روح نوبختی، نایب سوم امام مهدی علیه السلام، کتاب «التادیب» را برای ارزیابی به قم ارسال کرده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۹۰). از طرف دیگر، محمدتقی مجلسی ادعا کرده است که در زمان شیخ صدوق، حدود دویست هزار فقیه و محدث در قم حضور داشته‌اند (مجلسی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۴۷۷). البته در قرون پس از آن، به ویژه در قرن ششم و هفتم و با توجه به حمله مغول‌ها به قم (۶۲۱ق)، شاهد افول حوزه‌های علمی در قم هستیم (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ج ۱۴، ص ۳۵۷) که با روی کار آمدن دولت صفویه، رونق مجددی بر شهر و حوزه‌های علمی حاکم شد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ج ۱۳، ص ۲۷۹). در این دوره، مدارس قم یا تاسیس، یا تعمیر شدند که شاهد این مطلب تاسیس مدرسه «فیضیه» در قم است (ناصر الشریعة، ۱۳۸۳: ص ۲۴). در دوره قاجار، با وجود حضور عالمانی همچون میرزای قمی، فیض قمی و دیگران، حوزه علمیه قم از حضور فراوان طلاب بی بهره بوده است و عمدتاً طلاب علوم دینی به حوزه علمیه نجف هجرت می‌کردند و بنا به تعبیر یکی از معاصران آن دوران، مدارس قم از ساکنان خالی شده بود و فیضیه و دارالشفاء مسکن درویش‌ها و فقرا و بیچارگان گشته بود (شریف رازی، ۱۳۳۲: ص ۷۲). حضور آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی منجر به احیا و رونق مجدد حوزه علمیه قم گردید و جانی دوباره به مدارس قم به ویژه

مدرسه فیضیه و دارالشفاء دمیده شد (همان)؛ به گونه‌ای که شاه ایران (احمدشاه) به دیدار آیت‌الله فقید رفته و علامه آقابزرگ طهرانی در عظمت مرحوم شیخ موسس زبان به مدح گشوده و از تدابیر ایشان و نظم در اداره حوزه علمیه سخن گفته‌است (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۳۰: ج ۱۵، ص ۱۱۶). در ادامه این مسیر و در دوران زعامت آیت‌الله بروجردی رونقی بیش‌تر برای حوزه علمیه پدید آمد و تعداد طلاب حوزه علمیه از دوهزار نفر به بیش از شش هزار نفر رسید (دوانی، ۱۳۷۹: ج ۱۳، ص ۲۹۸). این ایام را می‌توان دوره‌ای دانست که حوزه علمیه قم در زمینه‌های مختلف رشد کمی و کیفی داشت به گونه‌ای که نه تنها آمار تعداد طلاب حوزه علمیه افزایش یافت، بلکه تبلیغات فرا مرزی نیز در دستور کار حوزه و زعامت آن قرار گرفت و لذا مبلغان دینی به اقصا نقاط کشور فرستاده شدند؛ حتی برخی از کشورهای اروپایی از این نعمت بهره‌مند گشته و تعدادی از استادان نمونه همچون «آیت‌الله شهید بهشتی» به کشور آلمان اعزام گشتند (همان، ص ۳۱۲). و این نکته گویای آن است که افق فکری زعامت حوزه فراتر از وضع موجود است.

از سوی دیگر بدیهی بود که رسالت حوزه را نمی‌توان تربیت و اعزام مبلغ در عرصه‌های داخلی و خارجی خلاصه کرد، بلکه تدوین آثار علمی نیز در قالب مقاله، کتاب و مجله می‌تواند به این مهم جامعه عمل بپوشاند بر همین مبناست که بنابر گزارشی تحقیقی از آن دوران، چنین ابراز گشته که ظرف شانزده سال مرجعیت این مرجع فقید، بیش از سیصد جلد کتاب در زمینه‌های مختلف علمی و پاسخگویی به سوالات عقیدتی مردم تدوین گشته و بدان باید نشریات دینی آن دوران یعنی «مکتب اسلام»، «مکتب تشیع» و «معارف جعفری» را اضافه کرد (همان، ص ۳۰۸). پس از انقلاب اسلامی و با توجه به ماهیت این انقلاب که رویکردی اسلامی و بالتبع مهدوی داشت مقوله مهدویت مورد توجه ویژه نهادهای دینی و فکری قرار گرفت و این مهم با توجه به زعامت امام خمینی، با تالیف آثار مهدویت تحقق یافت و لذا طی ده‌های اخیر گسترش مقابله جریان‌های انحرافی را شاهد هستیم (الهی نژاد، ۱۴۰۱: ص ۱۸۵).

البته رسالت حوزه علمیه در طول تاریخ چند بعدی بوده؛ هرچند باید گفت در هر برهه از تاریخ یک یا بیش‌تر از این ابعاد مورد توجه بوده است. تاریخ گویای آن است که گونه‌های مباحث علمی در حوزه حدیثی قم متنوع بوده و افزون بر موضوعات و مسائل فقهی، به مباحث



کلامی و پاسخ به شبهات فرقه‌های انحرافی توجه ویژه شده است. نمونه این کار تدوین کتاب‌هایی است در رد «جبر و تفویض» (نجاشی، ۱۴۱۸: ص ۸۸) و عقاید غالبانه (همان). این رویکرد در زمان دو عالم بزرگوار پیش‌گفته، احیا شد و قسمتی از ادبیات نوشتاری و نشریات آن دوران به رد شبهات کمونیست‌ها، بهائیان، صوفیه و غیره اختصاص یافت (دوانی، ۱۳۷۹: ج ۱۳، ص ۳۰۶ و ۳۰۹). در این نوشتار تلاش شده تا گوشه‌ای از خدمات حوزه علمیه قم (۱۳۰۱ شمسی تا ۱۴۰۰ شمسی) در زمینه مقابله با جریان‌های انحرافی معارض با مهدویت و مدعیان دروغین را بررسی کند.

### پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه تحقیق و عنوان پیش رو، کوشش‌های مولف نشان می‌دهد که در این زمینه تالیفی جامع صورت نگرفته؛ هر چند در برخی از کتاب‌های تراجم به آثار مذکور اشاره‌هایی شده است. از این رو، نگارنده نوشتار خود را اولین منبع در این زمینه دانسته که با بهره‌گیری از منابعی مانند موارد ذیل ساماندهی شده است:

«آثار الحجة»، محمد شریف رازی؛ «گنجینه دانشمندان»، محمد شریف رازی؛ «کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام»، علی اکبر مهدی پور؛ «آینه دانشوران»، سید علی‌رضا ریحان یزدی؛ «مفاخر اسلام»، علی دوانی؛ «آیین داران حقیقت (مصاحبه‌های مجله حوزه با عالمان و دانشوران حوزوی)»؛ «مهدویت پژوهی تطورات آسیب‌ها»، حسین الهی نژاد؛ نشریه «درسهایی از مکتب اسلام» از ابتدا تا سال ۱۳۵۸ شمسی؛ نشریه «مکتب تشیع»<sup>۱</sup>؛ نشریه «آیین اسلام»؛ «امام مهدی علیه السلام در آینه قلم»؛ منشورات مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، شامل کتاب‌های چاپ شده در انتشارات مؤسسه مذکور؛ فصلنامه انتظار موعود و منشورات مؤسسه آینده روشن شامل: کتاب‌های چاپ شده در انتشارات مؤسسه مذکور؛ فصلنامه‌های مشرق موعود و پژوهش‌های مهدوی و منشورات پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ



۱. این نشریه تا سال ۱۳۴۳ شمسی چاپ شده است.

## مفهوم شناسی

## ۱. شبهه

این واژه از ریشه «شبه» بر وزن عِلْم و فَرَس گرفته شده است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۶، ص ۱۱) و جمع آن شُبُهَات، شُبُهَات و شُبُهَات است (آذر نوش، ۱۳۷۹: ص ۳۱۹). نیز برخی از معانی لغوی آن را پوشاندن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ص ۵۰۴)؛ تیرگی، ایهام، دو پهلویی و عدم قطعیت (آذر نوش، ۱۳۷۹: ص ۳۱۹). ذکر کرده‌اند و در اصطلاح شبهه عبارت است از: عدم فهم تفاوت میان دو شیء (چه در ظاهر چه در معنا) به دلیل شباهت با یکدیگر و مخلوط شدنشان (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۴۴۳). از این رو، در زبان عرب، عبارت «و شَبَّهَ عَلَيْهِ» یا «و شَبَّهَ فُلَانٌ عَلِيًّا» به معنای آن است که امر را به گونه‌ای مخلوط کرده‌اند که تشخیص اولیه مشکل است و با امر دیگر اشتباه می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ص ۵۰۴).

حضرت امیر علیه السلام در وجه نام گذاری «شبهه» فرموده‌اند:

وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ؛

شبهه، تنها از این جهت شبهه نامیده شده است که شباهتی به حق دارد [هر چند در واقع باطل است] (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۴۰۳).

به این نکته نیز باید توجه کرد که در نامیدن مطلبی خلاف واقع به «شبهه»، سوء نیت و تعصب وجهی ندارد و کتاب‌های لغت «شبهه» را مفهومی عام‌تر دانسته‌اند. به عبارت دیگر، مطلق مواردی که مخلوط شدن حق با باطل و پنهان شدن حق در لباس باطل را به همراه دارد؛ به عنوان «شبهه» شناخته می‌شود.

۱. ضعف پژوهش پیش‌رو آن است که نگارنده نتوانست تفحصی کامل انجام دهد و به بررسی آثار چاپ شده در حوزه علمیه خواران، جامعه الزهراء علیها السلام و مکتوبات استادان و طلاب حوزه علمیه قم که به صورت شخصی چاپ شده است، اقدام کند؛ چرا که این کار مستلزم زمانی ویژه برای تفحص و دقت در تمامی آثار چاپ شده، به‌ویژه منشورات دارای مجوز از اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم بود که این امکان برای نگارنده فراهم نگردید.

با توجه به نکات ذکر شده، مراد از «شبهات» در این نوشتار، آن دسته از سخنانی است که چه به عمد و چه بدون عمد، دیدگاه نادرستی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و آموزه‌های مرتبط با مهدویت را به شیعیان نسبت داده و علیه آنان استفاده می‌کنند. این موارد از برداشت‌های نادرست ممکن است بر عدم ترجمه صحیح، عدم فهم مراد روایت، تمسک به منابع غیر معتبر، برداشت از منابع متعصبان اهل سنت و غیره مبتنی باشد که به هر رو، موجب خلط بحث و مخلوط شدن حق و باطل می‌شود و بر چهره واقعی حق پرده می‌اندازد و با توجه به این‌که مقوله مهدویت گستره وسیعی از اعتقادات مردم را تشکیل می‌دهد و نیز با توجه به بروز برخی از دست‌های آلوده و افکار مغرض به این حیطة، شاهد بروز بسیاری از شبه‌ها و حتی مطالب سخیف و موهن در عرصه مهدویت هستیم که بی‌تردید وظایف حوزه‌های علمیه و محققان عرصه مهدویت پاکسازی سره از ناسره و درست از نادرست است و بدیهی است که یکی از راه کارهای تحقق این مهم، تفکیک منابع اصیل از غیر اصیل می‌باشد.

## ۲. جریان‌های انحرافی

«جریان» در لغت دارای معنای وسیعی است که از روان شدن یا به حرکت در آمدن چیزی (معمولاً مایع) گرفته تا در مواردی به معنای ماجرا و موضوع به کار رفته است. این واژگان به صورت مضاف در اقتصاد، فیزیک، برق، روان‌شناسی و غیره کاربرد دارد (انوری، ۱۳۸۲: ج ۳، ص ۲۱۲۵). برخی محققان در توضیح معنای جریان معتقدند: «جریان عبارت است از جمعیت مدیریت شده تأثیرگذار بر جامعه»<sup>۱</sup> و نیز اعتقاد دارند چیزی را می‌توان جریان نامید که دارای سه مؤلفه باشد:

۱. باید جمعیتی وجود داشته باشد؛
۲. این جمعیت باید مدیریت شده باشد (مدیریت ممکن است از سوی یک نفر یا چند نفر باشد)؛
۳. در نهایت، جریان باید بر جامعه تأثیر بگذارد (همان).

۱. ر.ک: مصاحبه با حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه

در تعریفی کامل می‌توان گفت که جریان:

پدیده اجتماعی پویا با هویتی نظام واره‌ای غیر رسمی است که متشکل از مجموعه اصول و فروض معرفتی بوده که جمعیتی نظام یافته بر اساس آن معنا و در یک رابطه تاثیر و تاثری با محیط عمل کرده و اثر می‌گذارند (ابراهیم پور، ۱۳۹۹: ص ۱۲۳).

شایان ذکر است در ادبیات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی زمانی که بحث از «جریان» پیش می‌آید، معمولاً نوعی رویکرد مخالف با حاکمیت و البته در برخی موارد موافق با حاکمیت به ذهن متبادر می‌شود و گاه این جریان‌ها به سمت و سویی گرایش دارند که قدرتمندانه می‌توانند معادلات حاکمیت را تغییر دهند و چه بسا نقش تعیین کننده در گرایش اعتقادی مردم داشته باشند. در چنین وضعیتی است که نهادهای دینی و عالمان متبوع بایستی با احساس وظیفه در راه انجام تکلیف گام بردارند.

مراد از «جریان‌های انحرافی» در این مقاله نیز، جمعیت‌های دارای قوانین و چارچوب فکری در آموزه مهدویت‌اند که توانسته‌اند گروهی از مردم را با خود همراه کنند.

قابل ذکر است که با توجه به تقسیم موضوعات صورت گرفته توسط دبیرخانه بزرگداشت یکصدمین سال تاسیس حوزه علمیه قم، معارضان با مهدویت مانند «شرق پژوهان» و جریان‌هایی انحرافی، مانند «بهائیت»، «وهابیت» و «تصوف» مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. از این رو، در این نوشتار به گروه‌هایی خواهیم پرداخت که اولاً، غیر از گروه‌های نامبرده باشند؛ ثانیاً، یکی از آموزه‌های مهدویت را زیر سوال برده یا تحریف کرده‌اند؛ ثالثاً، مکتوب و نوشته‌ای در حوزه علمیه قم و توسط استادان و طلاب در پاسخ به آنان نگاشته شده باشد.

با تفحص در مکتوبات پیش از انقلاب اسلامی، به این نتیجه رسیدیم که عمده جریان‌های محل تامل، «تجدد خواهان و روشنفکران غربزده»<sup>۱</sup>، «قرآن بسندگان»<sup>۲</sup> و «ساکتین» (انجمن حجتیه) بوده‌اند. شاهد آشکار بر این سخن، ادبیات حاکم برنگاشته‌های عالمان دینی در دو

۱. مانند: احمد کسروی و حکمی زاده (ر.ک). جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی، ص ۶۳۷.

۲. مراد از این گروه افرادی هستند مانند سید ابوالفضل برقی و حیدر علی قلمداران که به بهانه تمسک به قرآن و نقد بدون ضابطه روایات، در گرداب عقاید وهابیت قرار گرفتند (ر.ک: همان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، ص ۱۱۷).



نشریه پرمخاطب در آن دوره، یعنی «درسهایی از مکتب اسلام» و «مکتب تشیع» است (مصاحبه با آیت الله هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۴۲). پس از انقلاب اسلامی، تحلیل متمه‌دیان و مه‌دیان دروغین بدین موارد اضافه شده است.

نکته قابل توجه، این که در ساختار مقاله ابتدا به مدعیان و جریان‌های انحرافی مورد نظر پرداخته‌ایم و سپس تحت عناوین دیگر، مباحث کلی مرتبط با مدعیان و جریان‌های انحرافی و یا شبهه‌ای را که توسط یک جریان، مورد نظر قرار گرفته است؛ بررسی کرده‌ایم. توجه دیگر این که، برخی از کتاب‌ها در قالب پرسش و پاسخ به حجمی از سوالات پاسخ داده‌اند که در یک عنوان مستقل به آن مکتوبات در سده اخیر اشاره شده است. در نهایت می‌توان مطالب درج شده در منابع را چنین تقسیم بندی کرد:

### ۱. مدعیان دروغین

مه‌دویت و اعتقاد به آن یکی از مهم‌ترین مصادیق اعتقادی مسلمانان، به‌ویژه شیعیان می‌باشد به عبارتی دیگر، همه مسلمانان معتقدند که بنا به فرموده رسول خدا ﷺ فردی از این خاندان قیام خواهد کرد و جهان را پس از آن که از ظلم و ستم و جهل و نادانی پر شده باشد، از عدالت و معرفت آکنده خواهد کرد و این اعتقاد به صورت کلی در ادیان توحیدی و حتی مسلک‌های غیر توحیدی دیده می‌شود و بی‌تردید باور تشیع در این زمینه از چنان شفافیتی برخوردار است که هیچ راه شکی برای محققان و عموم مردم نخواهد داشت. همین گستره باور به مه‌دویت باعث شده است تا آسیب‌های جدی در عرصه مه‌دویت، رخ بنماید که از این جمله می‌توان وجود متمه‌دیان و مه‌دیان دروغینی را عنوان کرد که در آموزه‌ها و مصداق امام حق تحریف ایجاد کرده‌اند. در این میان، عالمان دینی و استادان حوزه علمیه قم به این ادعاها واکنش نشان داده که برخی از مکتوبات به بررسی کلی این جریان‌ها و گونه‌شناسی آن پرداخته‌اند؛ مانند «متمه‌دیان و مدعیان مه‌دویت»، محمد رضا نصوری، انتظار، ۱۳۸۲، پیاپی ۸ و ۹؛ «پیچک انحراف»، جواد اسحاقیان درچه؛ «اشباح انحراف»، جواد اسحاقیان درچه؛ «قبیله تزویر»، امیر محسن عرفان؛ «مقایسه نقش موعودباوری در ایجاد فرقه‌های نو در اسلام و مسیحیت، در دو قرن اخیر»، مهرباب صادق‌نیا و رضا کاظمی‌راد، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره



۲۷، پاییز ۱۳۹۲؛ «بررسی تأثیر شخصیت مدعیان در بروز ادعای مهدوی»، مرتضی عبدی چاری و محمود ملکی راد، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۹۸؛ «گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت»، نعمت‌الله صفری فروشانی؛ امیرمحسن عرفان، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۳؛ «شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت»، حسین حجامی؛ «دکان‌های کاغذی»، علی محمدی هوشیار؛ «سوء استفاده فرقه‌های غالی از احادیث نبوی در باب مهدویت»، یدالله حاجی‌زاده، مشرق موعود، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۵.

در موارد دیگر، مکتوبات به جریانی خاص اختصاص داشته و با توجه به تأثیر گذاری آن جریان در زمانه نویسندگان، به تحلیل اعتقادات آن‌ها پرداخته‌اند. نمونه آن:

#### ۱-۱. فرقه قادیانیه

یکی از فرقه‌هایی که در زمینه مهدویت اظهار نظر کرده و مولفه‌های گوناگون در مورد عرضه کرده است فرقه «قادیانیه» است. موسس این فرقه غلام احمد قادیانی در سال ۱۸۳۹ میلادی، در پنجاب در روستای قادیان متولد شد و در سال ۱۸۸۸ میلادی، مسلمانان را به بیعت با خود با عنوان «مجدد عصر» و «مامور از جانب خدا» دعوت کرد و در سال ۱۸۹۱ میلادی، داعیه دار مرگ عیسی مسیح علیه السلام و ادعای عیسویت و مهدویت برای خود گردید. او معتقد بود که قبر حضرت عیسی علیه السلام در کشمیر قرار دارد و مهدی موعود همان عیسی بن مریم است (الغوری، ۱۴۲۱: ص ۱۹۵)، نه فردی از نسل حضرت فاطمه علیها السلام؛ و روایت‌های مبتنی بر این را که مهدی موعود از نسل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، ضعیف می‌داند (قادیانی، ۲۰۰۷: ص ۱۷۷). پیرو این سخن، مدعی است که جهاد اسلامی لغو گردیده و مردم نباید از مهدی موعود انتظار جهاد و قتال با مشرکان را داشته باشند (همان، ص ۱۷۸-۱۸۶). این آموزه را می‌توان خدمتی به دولت انگلستان در برابر قیام مردم هند علیه ظلم بریتانیا دانست؛ به گونه‌ای که غلام احمد افتخار خود را لغو هر گونه جهاد در مقابل بیگانگان و استعمار، به ویژه دولت بریتانیا دانسته‌است (الغوری، ۱۴۲۱: ص ۳۴۲). با تغییر ادعاهای وی در سال ۱۹۰۰ میلادی، خود را «نبی الاهی» و





تجلی تمامی انبیای گذشته خواند (همان، ص ۲۲). این جریان انحرافی هم دوره با ادعاهای بابیه و پس از آن بهائیت در شبه قاره شکل گرفته و مسلمانان آن مناطق را به خود مشغول کرده بود. در میان مکتوبات پیش از انقلاب اسلامی، متاسفانه منابع چندانی نمی‌توان یافت که در مورد این گروه و اعتقادات آن کندوکاو کرده باشد، تنها به یک مقاله برخورد کرده‌ایم که با عنوان «قادیانیگری و استعمار»، علی اکبر حسنی، در سال ۱۳۵۴ شمسی تالیف شده است (حسنی، ۱۳۵۴: شماره ۶)؛ اما پس از انقلاب اسلامی مقالاتی در این زمینه به نگارش در آمده‌اند که نمونه آن عبارتند از: «رویکرد قادیانیه در مسئله رجوع حضرت عیسی علیه السلام»، محمد مهدی رضایی موسوی؛ عزالدین رضائزاد، انتظار موعود، شماره ۴۳، بهمن ۱۳۹۲؛ «نقد و بررسی ادله نقلی قادیانیه در موعود انگاری غلام احمد قادیانی»، سید محمد مهدی رضایی موسوی و عزالدین رضا نژاد، انتظار موعود، شماره ۴۶؛ «نقش استعمار در پیدایش و گسترش فرقه قادیانی»، مجاهد علی بهشتی، مشرق موعود، شماره ۱، فروردین، ۱۳۸۶.

## ۱-۲. شیخیه

از دیگر فرقه‌هایی که در زمینه مهدویت مطالبی عنوان کرده است، گروه «شیخیه» نام دارد، این نام معروف برای گروهی از طرفداران شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶-۱۲۴۱ هجری) است که با عناوینی مانند «کشفیه»، «پایین سری»، «تامیه»، «اقلیت» و «رکنیه» نیز از آن‌ها نام برده‌اند (سلطانی، ۱۳۹۴: ص ۳۰). شیخ احمد تا بیست سالگی در احساء بوده است و پس از دیدن رویایی، به دست کشیدن از دنیا و علوم ظاهری ترغیب می‌شود. این رؤیا سرآغاز الهاماتی شد که تحولات به ظاهر معنوی، بعدی را در وی پدید آورد. در گذر زمان، شیخ احمد مدعی گردید در خواب بعضی از ائمه اطهار علیهم السلام را دیده و به او اذکاری را تعلیم داده‌اند که با تعمق در آن‌ها، راه ارتباط با معصومان علیهم السلام برای وی گشوده شد و ابهامات خود را در خواب از ائمه علیهم السلام مطرح می‌کند و مبانی و آرای خود را به دست می‌آورد. احسائی در سیر ادعاهای خود چنین عباراتی به کار می‌گرفت:

«سمعت الخطاب من الجمادات؛ بیان مطالبی را از اشیاء می‌شنیدم»، «فلا تمر بی مسألة فی الیقظه الا و رأیت بیانها فی المنام؛ مسئله‌ای در بیداری به ذهن من نمی‌آمد، جز این که

جواب و تحلیلش را در خواب می دیدم» (افضلی، ۱۳۹۷: ص ۷۶).

رهبران شیخیه، با استناد به سخنان شیخ احمد احسائی، به ادعاهای عجیبت‌تری در مورد خواب‌های رخ داده پرداخته و معتقدند که وی به صورت ارادی هر امامی را که می‌خواست ملاقات می‌کرده است (الموسوی، بی‌تا: ص ۱۱) و تمامی سخنان وی مستقیماً برگرفته از کلمات معصومان علیهم‌السلام است. به همین دلیل، هیچ اشتباهی در تبیین وی وجود نداشته و هیچ مشکلی برای وی مطرح نبوده است (همان).

شایان ذکر است که روند رو به رشد انحراف در شاخه این گروه‌ها امری مبرهن می‌نماید؛ به طوری که ادعای سردمداران این گروه‌ها نشان می‌دهد که آنان چگونه به اعای خود دامن زدند. طبل عصمت خود را به صدا درآوردند. در چنین اوضاعی حوزه علمیه قم با توجه به اشرافی که بر اعتقادات و باورهای این فرقه‌ها داشت و با عنایت به رسالتی که در تبیین برخی از انحرافات این جریان داشته، در قالب کتاب و مقالاتی بدان پرداخته است؛ مکتوباتی مانند:

«شیخیه بستر پیدایش بابیت و بهائیت»، عزالدین رضانژاد، انتظار موعود، شماره ۳، فروردین ۱۳۸۱؛ «دیدگاه‌های غالبانه شیخیه در خصوص مقامات ائمه اطهار علیهم‌السلام»، با محوریت اندیشه‌های شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی، مسلم محمدی و محمد محمدی، انتظار موعود، شماره ۶۰، خرداد ۱۳۹۷؛ «بررسی و نقد دلایل سیدکاظم رشتی و محمدکریم خان کرمانی در علت فاعلی دانستن ائمه علیهم‌السلام»، محمد علی افضلی، انتظار موعود، شماره ۶۵، شهریور ۱۳۹۸؛ «درسنامه فرقه‌های انحرافی (شیخیه، بابیه و بهائیت)»، احمد حاج قلی و جمعی از نویسندگان، انتشارات بنیاد حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۴؛ «درسنامه فرقه‌های انحرافی معاصر (شیخیه بابیه و بهائیه، قادیانیه)»، عزالدین رضانژاد، موسسه آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی، ۱۴۰۱.

### ۳-۱. احمد اسماعیل بصری

از جمله جریان‌هایی که طی چند سال اخیر رخ نموده و در مجامع مختلف طرفدارانی برای خود رقم زده است جریان «احمد بن اسماعیل» یا بنا بر خوانش مریدانش همان «احمدالحسن» می‌باشد در سال ۱۹۶۸ میلادی (۱۳۴۷ شمسی) در عشیره هنبوش و شهر بصره در خاندانی غیر سادات متولد شد و تحصیلاتش را تا لیسانس و اخذ مدرک مهندسی معماری ادامه داد. وی



بدون ارائه دلیلی متقن مدعی است که با چهار واسطه فرزند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و نیز مدعی است که وی، همان یمانی زمینه ساز ظهور، مهدی اول و زمینه ساز ظهور مهدی موعود، امام سیزدهم از میان بیست و چهار وصی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، دارای نبوت ظلی، نایب خاص و غیره است. همچنین مدعی است که سخنان و استدلال‌هایی دارد که جز معصوم نمی‌تواند چنین سخنان و استدلال‌هایی ارائه کند (ر.ک: شهبازیان، ۱۳۹۷: سراسر کتاب).

نقد این جریان در کتاب‌هایی مانند موارد ذیل ارائه شده است:

«نقد و بررسی ایده تعدد قائمیت از دیدگاه فرقه انحرافی یمانی»، مسلم کامیاب، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۱؛ «بررسی و تحلیل نیابت خاص و توقیفی بودن آن با تأکید بر شبهه فرقه انحرافی یمانی»، محمد شهبازیان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۹؛ «از تبار دجال»، نصرت‌الله آیتی، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۴؛ «راه و بیراهه»، نصرت‌الله آیتی، بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۴؛ «ناقوس گمراهی»، نصرت‌الله آیتی، بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۶؛ «رسول ابلیس»، مهدی سلمان پور، انتشارات کتاب جمکران، ۱۳۹۵؛ «درسنامه نقد و بررسی جریان انحرافی احمد الحسن»، علی محمدی هوشیار، انتشارات تولی، ۱۳۹۷؛ «لوح و قلم»، سید مهدی مجتهد سیستانی، دارالتفسیر، ۱۳۹۶؛ «پژوهشی درباره دوازده مهدی»، مجتبی رضایی آدریانی، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۶؛ «توهم ارشاد»، مرتضی کریمی، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۸؛ «ره افسانه»، محمد شهبازیان، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۱۳۹۶؛ «خواب پریشان»، محمد شهبازیان، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۱۳۹۴؛ «رهنمای کور»، محمد شهبازیان، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۱۳۹۶؛ «تحلیل مسأله ازدواج امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، محمدرضا فؤادیان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸؛ «نقد و بررسی جریان انحرافی احمد اسماعیل»، حسین حجامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶؛ «بررسی و نقد مستندات قرآنی جریان انحرافی احمد اسماعیل»؛ جواد اسحاقیان، «نقد و بررسی جریان انحرافی احمد اسماعیل»، حسین حجامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۰؛ «بررسی و رد ادعاهای احمد اسماعیل»، محمد ذکاوت صفت، شکوفه یاس، ۱۳۹۳ و «دوازده خورشید»، سید مهدی مجتهد سیستانی، دارالتفسیر، ۱۳۹۶.

مقالاتی نیز در این زمینه نگاشته شده‌اند که نمونه آن‌ها به شرح ذیل است:

«بررسی و نقد گمانه‌های مشعشعیان و مدعی یمانی معاصر، در پیدایی قائم و مهدی اول قبل از ظهور»، محمد شهبازیان و مسلم کامیاب، پژوهشنامه موعود، شماره ۲؛ «بررسی جریان جدید مدعی یمانی (احمدالحسن)»، محسن حیدری آل کثیری و حجت حیدری چراتی، انتظار موعود، شماره ۳۴؛ «ذریه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نقش آنان در دولت بزرگ اسلامی»، نجم الدین طبسی نجفی و رحیم کارگر، انتظار موعود، شماره ۳۸؛ «بررسی و نقد شگردهای حدیثی احمد الحسن بصری»، روح الله شاکری زواردهی و مرتضی کریمی، انتظار موعود، شماره ۵۷؛ «بررسی و نقد استنادی ایده تعدد قائم در جریان مدعی یمانی احمدبن اسماعیل بصری»، حسین الهی نژاد و مسلم کامیاب، انتظار موعود، شماره ۶۶؛ «بررسی و نقد مستندات قرآنی احمد اسماعیل بصری در موضوع مهدیون»، مجید حیدری فر و حسن رضایی مهر، انتظار موعود، شماره ۷۵؛ «نقد و بررسی بهره‌گیری از استخاره، معجزه و خواب در ادله مدعی یمانی بصری»، محمد شهبازیان و مهدی یوسفیان، انتظار موعود، شماره ۳۹؛ «نقد و بررسی دیدگاه احمد اسماعیل بصری درباره متشابه بودن کُلّ قرآن، مرتضی کریمی و نصرت‌الله آیتی، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۴۶؛ «بررسی اصالة العدالة در راویان حدیث وصیت»، حبیب توحیدی، مشرق موعود، سال چهاردهم، شماره ۵۵؛ «نقد و بررسی آرای مدعیان مهدویت با تکیه بر آرای احمد الحسن»، مشرق موعود، شماره ۲۵؛ نصرت‌الله آیتی؛ «بررسی برخی ادله روایی احمد بصری، یمانی دروغین» مشرق موعود، شماره ۲۷، مهدی یوسفیان و محمد شهبازیان؛ «بررسی و نقد ایده تعدد قائم در جریان احمد اسماعیل بصری با تاکید بر روایات عصر ظهور» مسلم کامیاب و محمد شهبازیان، مشرق موعود، سال چهاردهم، شماره ۵۴؛ «ادعاهای قرآنی برخی مدعیان دروغین در بهره‌گیری از رویا برای تشخیص حجت الاهی»، نصرت‌الله آیتی و محمد شهبازیان، مشرق موعود، شماره ۳۲؛ «بررسی استنادات قرآنی دلایل وصیت، معجزه، رؤیا و استخاره در ادعای امامت احمدالحسن»، سید محمد مهدی موسوی، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۳۱؛ «نقد و بررسی دیدگاه احمد حسن درباره رجعت»، نصرت‌الله آیتی، مشرق موعود، شماره ۳۰؛ «نقد و بررسی انگاره عدم انحصار شمار ائمه در عدد دوازده»، نصرت‌الله آیتی، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۲۹؛ «تحلیل چهره‌شناسی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نقد دیدگاه تعدد قائم»، محمد



شهبازیان و عزالدین رضانژاد، مشرق موعود، شماره ۴۳؛ «حذف عالمان دین راهبرد مشترک فرق انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت»، محمدصابر جعفری، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۲۹؛ «بررسی و تحلیل استنادات روایی جریان‌ات انحرافی بر مذمت فقها»، محمد شهبازیان و عبدالرضا حسناتی، فصلنامه انتظار، شماره ۵۶.

نکته قابل ذکر این است که میزان تالیفات مربوط به بررسی و نقد جریان احمدالحسن در کثرت آثاری که در این زمینه به چشم می‌خورد، گویای تاثیر گذاری جریان مذکور در دهه‌های اخیر می‌باشد و این نکته وظایف نهادهای دینی به ویژه حوزه علمیه قم و سایر مراکز علمی و فرهنگی را در مقابله با جریان‌های انحرافی دو چندان می‌کند.

#### ۱-۴-۱. قرآن بسندگان

«قرآن بسندگی» یا «قرآنیون»، جریانی است که خاستگاه آن، شعار خلیفه دوم (حسبنا کتاب الله) و ترویج آن توسط برخی از مبلغان و نویسندگان اهل سنت همچون سراحمدخان هندی، محمود شلتوت، طه حسین، احمد امین، نصر حامد ابوزید، احمد صبحی منصور است (الهی بخش، ۱۴۲۱: ص ۱۰۰، ۱۵۳ و ۱۸۷). این نگرش در میان برخی افراد، مانند سنگلجی، علی اکبر حکمی زاده، سید ابوالفضل برقی، حیدر علی قلمداران، فرید تنکبانی، مصطفی طباطبایی، مورد پذیرش قرار گرفت که آنان با شاخصه نگرش نقادانه به حدیث، بی‌نیازی از سنت را شعار اصلی خود قرار داده‌اند. این گروه قرآن را تنها عامل شناخت مفاهیم دینی و آموزه‌های اسلامی دانسته و با این تفکر، وجهی کارآمد برای روایات قائل نیستند. این جریان فکری با داشتن مبنای کفایت قرآن، همه‌فهمی قرآن و بهره‌گیری افراطی از عقل مهم‌ترین گزاره‌های اعتقادی امامیه، از جمله مهدویت را نشانه رفته است (جعفریان، ۱۳۸۹: ص ۱۱۷).

از جمله کتاب‌های اختصاصی این جریان در حوزه مهدویت می‌توان به کتاب سید ابوالفضل برقی با عنوان «بررسی علمی در احادیث مهدوی» و کتاب «رجعت»، اثر فرید تنکبانی اشاره کرد.

#### ۱-۴-۱. شبهه طول عمر امام مهدی علیه السلام

این شبهه را می‌توان از قدیمی‌ترین شبهات مخالفان مهدویت و به ویژه جریان‌هایی مانند

قرآن بسندگان دانست (برقی، بی تا: ص ۱۳۷ و ۱۴۲). مقالات و کتاب‌های ذیل هم به این موضوع پرداخته‌اند: «دنیای سرگردان به کجا می‌رود؟» نشریه مکتب اسلام، شماره ۲ (سال دوم) بهمن ۱۳۳۸؛ «بالاخره صحنه زمین به دست مردم صالح می‌افتد»، نشریه مکتب اسلام، شماره ۱۲ (سال سوم) بهمن ماه ۱۳۴۰، به قلم حسین شب زنده دار و کتاب‌های «طول عمر حضرت ولی عصر ارواحنا فدا»، اثر آیت‌الله صافی گلپایگانی؛ «دادگستر جهان»، اثر ابراهیم امینی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵ و کتاب «بحثی پیرامون طول عمر امام غائب»، اثر داوود الهامی. پس از انقلاب اسلامی ایران نیز این سوال مورد تحلیل قرار گرفته و مکتوباتی چون موارد ذیل به این مهم پرداخته‌اند:

«امام مهدی علیه السلام و طول عمر (پیشینه و دلائل)»، اثر غلامحسین زینلی، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۶؛ «طول عمر امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن، روایات، تاریخ و علوم تجربی»، اثر شکرالله جهان مهین؛ درس‌هایی از مکتب اسلام، خرداد ۱۳۹۵، شماره ۶۶۱؛ «مهدی، حقیقتی انکار ناپذیر»، اثر محمد صفر جبرئیلی، پاسدار اسلام، ۱۳۷۷، پیاپی ۲۰۴؛ «پاسخ‌های قرآنی تفسیری به شبهه طول عمر امام مهدی علیه السلام»، اثر محمد مهدی حائری پور، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، شماره ۲۳، زمستان ۱۳۹۶ و برخی از کتاب‌هایی که در قسمت پرسش‌ها و پاسخ‌ها خواهد آمد.

#### ۱-۴-۲. عدم ولادت حضرت مهدی علیه السلام

در خصوص ولادت حضرت مهدی علیه السلام در میان دو مذهب تشیع و تسنن اختلاف دیدگاه وجود دارد که این اختلاف نظر در آثار مربوط به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بزرگان شیعه تردیدی وجود ندارد که امام حسن عسکری علیه السلام دارای فرزندی بوده و این فرزند همان مهدی موعود می‌باشد؛ اما اوضاع سخت دوران حاکمیت بنی العباس و تلاش آنان برای از بین بردن فرزند امام حسن عسکری علیه السلام، باعث گردید تا امام یازدهم علیه السلام ولادت فرزند خویش را مخفی نگه دارد و تنها خواصی از شیعیان را به این امر آگاه کنند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۷۸ و ۱۰۷). از این رو، بدخواهان تشیع دوازده امامی در آن دوران و قرآن بسندگان در دوران معاصر (برقی، بی تا: ص ۷۱) و گروهی از مدعیان دروغین مانند جعفر کذاب، در نفی تولد فرزندی در



خانه امام حسن عسکری علیه السلام تلاش داشته و از مخفی بودن ولادت، انکار آن را نتیجه گرفتند. اگرچه رسالت این نوشتار بررسی روایت‌های ذکر شده در باره تولد حضرت مهدی علیه السلام نیست؛ می‌توان به اختصار چنین ادعا کرد که روایت‌های ذکر شده در مورد ولادت ایشان نه تنها از حد استفاضه گذشته است، بلکه تواتر آن قابل اثبات می‌باشد (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ص ۲ و صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۳۶۹) و این‌ها روایت‌هایی هستند که از راویان مختلف و غیر از حضرت حکیمه ذکر شده‌اند (ر.ک: آیتی، ۱۳۹۳: ص ۱۶۰). از این رو، باید توجه کرد که این دسته روایات به بررسی سندی در اثبات ولادت نیاز ندارند و برای شیعه یقین‌آور هستند. تحلیل این مسئله در مکتوباتی مانند «بشارت‌های قرآن و احادیث به ظهور حضرت صاحب الزمان»، اثر آیت‌الله صافی گلپایگانی؛ «تولد حضرت ولی عصر علیه السلام»، اثر علی دوانی (دوانی، ۱۳۴۰: شماره ۸، ص ۲۴) و کتاب «دادگستر جهان»، نوشته ابراهیم امینی (امینی، ۱۳۸۰: ص ۱۰۱ و ۱۱۸) و «مستندات تاریخی ولادت امام زمان علیه السلام»، تألیف سید عبدالله هاشمی، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۹۷، ذکر شده است.

#### ۱-۴-۳. شبهات دعای ندبه

«دعای ندبه» از جمله ادعیه مهدوی است که مورد پرسش قرار گرفته و شبهاتی درباره اصل آن مطرح شده است. اشکالات مورد نظر نیز به سند و محتوای آن بازگشت دارد. پاسخ‌های متعددی به این سوالات داده شده است (ر.ک: مهدی پور، ۱۳۸۰: سراسر کتاب)؛ از جمله:

«فروغ ولایت در دعای ندبه»، اثر آیت‌الله صافی گلپایگانی؛ «چهارده پرسش پیرامون دعای ندبه»، اثر آیت‌الله صافی گلپایگانی؛ «تحقیقی درباره دعای ندبه» (بی‌نام، ۱۳۵۱: شماره ۶، ص ۶۰)؛ «اسناد دعای ندبه» (بی‌نام، ۱۳۵۱: شماره ۷، ص ۶۵)؛ «پاسخ ما به گفته‌ها»، تألیف سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی؛ «تحقیقی درباره دعای ندبه»، نوشته رضا استادی و «بررسی دعای ندبه»، اثر علی اصغر رضوانی.

#### ۱-۴-۱. شبهات رجعت

روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام درباره «رجعت» به دست ما رسیده‌اند که این تعداد قابل توجه، بیان‌گر جایگاه ویژه این آموزه است؛ تا جایی که برخی از این احادیث، انکارکننده رجعت

را از دایره تشیع خارج می‌داند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۴۵۸). برخی آن را از معتقدات مسلم و جزو ضروریات مذهب شیعه شمرده‌اند (حر عاملی، ۱۳۶۲: ص ۶۷) و برخی دیگر، اگرچه آن را جزو ضروریات ندانسته‌اند، انکار آن را هم جایز نمی‌دانند (ر.ک: صدر، ۱۴۳۰: ص ۲۲ و ۲۳). متکلمان بزرگ شیعه این امر را ضروری دانسته و در اثبات آن سخن گفته‌اند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ج ۷، ص ۳۲ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۵۰).

برخی از قرآن بسندگان و تجدد خواهان، مانند علی کبر حکمی زاده، فرید تنکابنی و سید ابوالفضل برقی که امام خمینی از آن‌ها تعبیر کرده‌اند به کسانی که «نیمخورده وهابیت» را بیان می‌کنند (خمینی، بی تا: ص ۱۰)؛ به نقد رجعت و دیگر آموزه‌های شیعی پرداخته و آن را جزو خرافات معرفی می‌کردند (ر.ک: طبسی، ۱۳۹۶: شماره ۲۲). پیش از انقلاب اسلامی، کتاب «الامامیة و الرجعة»، اثر میرزا عبدالله رزاق همدانی؛ «ایمان و رجعت»، اثر آیت‌الله سید احمد زنجانی؛ در پاسخ به شبهات درباره رجعت نگاشته شده‌اند و پس از انقلاب اسلامی، مقالاتی مانند «بررسی آرای عبدالوهاب فرید تنکابنی و سید ابوالفضل برقی در نقد عقیده رجعت»، در دو فصلنامه امامت پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۲، ملاحظه می‌شود.

## ۲. جریان‌های انحرافی

### ۲-۱. گروه‌های قائل به انتظار ایستا

تاریخ نشان داده است که عالمان دینی و مراجع تقلید، هیچ‌گاه از دخالت در مسائل اجتماعی و سیاسی شانه خالی نکرده و در عرصه‌های مبارزه با استعمار انگلیس و سلطه‌گیری آنان ورود داشته و در مواردی فتوای جهاد داده‌اند (ذاکری، ۱۳۸۳: ص ۲۰۶). آیت‌الله حائری یزدی این عملکرد سیاسی را دنبال کرد و به اقتضای روزگار عکس العمل نشان داد که نمونه آن توجه به مسئله اشغال فلسطین و ارسال نامه به محمد رضا شاه پهلوی است (همان، ص ۲۱۳). آیت‌الله بروجردی نیز با عمق نگرش سیاسی خود، مباحث ولایت فقیه را مطرح کرد و شان ویژه‌ای برای فقیه در امور اجتماعی و سیاسی قائل بود (دوانی، ۱۳۷۹: ج ۹، ص ۳۴۱). در این میان گروه‌هایی مانند شیخیه (کرمانی، بی تا: ص ۲۶)؛ صوفیه گنابادیه (تابنده، ۱۳۸۴: ص ۱۴۵) و انجمن حجیته - که نگرشی تکامل یافته از انباشته‌های آرای دیگر بوده و جهاد در دوران غیبت





را به جهاد علمی تفسیر کرده- هر گونه قیام در دوران غیبت را باطل شمرده و به صراحت قیام‌های قبل از ظهور را خیریت (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۴، ص ۵۲۰)، خودکشی (باقی، ۱۳۶۳: ص ۴۳)؛ خارج شدن دین از محبوبیت عمومی (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۴، ص ۱۷۳ و ج ۱۵ ص ۱۰)؛ طاغوت و مخالف با شکل‌گیری ظهور امام مهدی علیه السلام می‌دانند (همان، ج ۱۵، ص ۱۲۴ و ۱۳۵). از این رهگذر، یکی دیگر از تحریف‌های مرتبط با دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام سخن راندن از لزوم تبعیت از شاه ایران و عدم دخالت در عرصه سیاست و رخداد‌های اجتماعی است. بنابر گزارش آیت الله هاشمی رفسنجانی از آن دوران، برخی از اهل علم و متدینان، استدلال خود را مبنی بر لزوم سکوت همسان با رفتار ائمه اطهار علیهم السلام در دوران امامتشان قرار داده بودند. از این رو، انقلابیان در آن زمان تلاش کردند با مروری دوباره بر زندگانی سیاسی ائمه علیهم السلام و طرح و گسترش نظریه ولایت فقیه و جواز و بلکه لزوم استقرار حکومت دینی و حاکمیت فقیه در دوران غیبت به این نگرش تخدیری پاسخ مناسب دهند (همان، ص ۴۲ و ۴۴). نمونه‌ای از این اقدام در کتاب «دادگستر جهان»، اثر آیت‌الله ابراهیم امینی و «انتظار پویا» اثر آیت‌الله محمد مهدی آصفی قابل ملاحظه است.

پس از انقلاب اسلامی ایران و در سال ۱۳۶۲ شمسی، آقای عماد الدین باقی، مجموعه نوشتارهای خود در روزنامه اطلاعات را تکمیل کرد و با عنوان «در شناخت حزب قاعدین» به چاپ رساند. وی در این کتاب به مبانی فکری و آرای انجمن حجتیه پرداخت و مخالفت آنان را با انقلاب اسلامی ایران متذکر شد. همچنین، مقاله‌ای با عنوان «نهی از قیام در بوته نقد و تحلیل روایی»، از آیت‌الله نجم‌الدین طبری، انتظار موعود، شماره ۵؛ «نقد و بررسی روایات نافعی حکومت و قیام در عصر غیبت»، از محمدعلی قاسمی، مجله انتظار موعود، شماره ۷، «نقد و بررسی روایات نهی از قیام و رابطه آن با نیروسازی»، از محمود ملکی راد و علی جعفرزاده، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۴۳؛ کتاب «قیام قبل از ظهور»، از محمدرضا فوادیان، از جمله مکتوبات حوزه علمیه قم است.

## ۲-۲. برداشت انحرافی: ایجاد گناه برای ظهور

معتقدان به این دیدگاه بر این باورند که ما نه تنها نباید جلو معاصی و گناهایی که در جامعه

وجود دارند، بگیریم، بلکه باید به آن‌ها دامن بزیم تا زمینه ظهور حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف هرچه بیش‌تر فراهم شود. امام خمینی در تحلیل بر این نظر می‌فرماید:

يك دسته از این بالاتر بودند، می‌گفتند: باید دامن زد به گناه‌ها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف تشریف بیاورند. این هم دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته منحرف‌هایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند. منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصد به این دامن می‌زدند (همان، ج ۲۱، ص ۱۴).

امام خمینی این دیدگاه را به شدت مورد انتقاد قرار داده و در ادامه سخنان‌شان می‌فرماید:

یعنی خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست، این معنا که ما دیگر معصیت بکنیم تا حضرت صاحب بیاید! حضرت که تشریف می‌آورند برای چه می‌آیند؟ برای این که گسترش بدهند عدالت را، برای این که حکومت را تقویت کنند؛ برای این که فساد را از بین ببرند. ما برخلاف آیات شریفه قرآن، دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند. حضرت بیایند چه می‌کنند؟ حضرت می‌آیند! می‌خواهند همین کارها را بکنند. الان دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد؟ بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد؟! (همان).

افزون بر آنچه امام خمینی در مخالفت این دیدگاه انحرافی با آیات قرآن تذکر داده‌اند، روایات متعددی وجود دارند که با این تفکر منافی‌اند؛ مانند تاکید صریح روایت‌ها مبنی بر همیشگی بودن حلال و حرام خدا تا روز قیامت (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۸)؛ دستور به رعایت تقوا و ورع (که مقامی بالاتر از عدم ارتکاب گناه است) در دوران غیبت (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۰۰) و این که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه‌ای خطاب به شیخ مفید، استمرار عنایت الهی را به عدم گناه و دوری از حرام الهی وابسته دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۹۹). در این زمینه می‌توان به مقاله «پاسخ به یک سفسطه بزرگ»، اثر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۳۴۰: ص ۷ و همان، ص ۹) اشاره کرد.

### ۳. گونه‌شناسی انحرافات و پاسخ به شبهات

برخی از کتاب‌ها، رسالت خود را پاسخ به شبهات در قالب یک مجموعه می‌دانند و از این



طریق تلاش دارند که مطالبی جامع و سهل الوصول به مخاطب خود ارائه کنند. نمونه آن چنین است:

۱-۳. «چکیده آفرینش؛ پرسش و پاسخ پیرامون مهدویت و موعود جهانی»، اثر سید مرسلین قریشی و عباسعلی مشکانی: این کتابچه به آسیب‌ها و کجروی‌ها و شبهات کج اندیشان درباره مهدویت، پاسخ داده است. پرسش‌هایی در مورد انتظار، عدل جهانی، انقلاب جهانی حضرت، معنای ظهور دین جدید، نقش زنان در انقلاب موعود و لزوم تاسیس حکومت اسلامی قبل از ظهور، از مهم‌ترین موضوعاتی است که مطرح و پاسخ داده شده است.

۲-۳. «موعودشناسی و پاسخ به شبهات»، اثر علی اصغر رضوانی:

نویسنده با دلایل عقلی، قرآنی و روایی و نظریات عالمان شیعی و سنی، وجود امام عصر را ثابت می‌کند و به شبهات طول عمر، فلسفه غیبت، کیفیت ظهور آن حضرت پاسخ می‌دهد.

۳-۳. «موعود ادیان، پاسخ به شبهاتی پیرامون امام زمان»، اثر حسینعلی منتظری:

نویسنده درصدد است به تمام شبهات، پاسخ مناسب بدهد؛ از جمله هدایت الهی در کتاب و سنت، اشاره قرآن به امام زمان، تواتر روایات مهدی، مهدی و دین جدید، تفاوت امام زمان شیعه و سنی، شباهت‌های مسیح و حضرت مهدی، شبهاتی درباره ولادت و غیبت مهدی، علم امامان به حوادث و کتاب‌های آسمانی.

۴-۳. «خاتم الأوصیاء»، اثر محمد مهدی مومن: در این کتاب شبهات مربوط به غیبت، طول عمر، ظهور و فایده وجودی آن حضرت مورد بحث قرار گرفته است.

۵-۳. اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، اثر محمدصابر جعفری: در این کتاب به موضوعاتی مانند: برداشت‌هایی انحرافی از مقوله انتظار فرج، افراط و تفریط در ارائه چهره مهر و قهر از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، شتابزدگی و تعجیل، توقیت و تعیین وقت ظهور، ملاقات‌گرایی، مدعیان دروغین مهدویت و نیابت خاصه و عامه اشاره شده است.

#### ۴. روش شناسی ترفندها و معیار شناخت

در مباحث مرتبط با شبهات و جریان‌های انحرافی، تحلیل چرایی‌گرایی، بررسی ترفندها و چگونگی تمیز میان مدعیان دروغین و امام حق؛ از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مباحث است. در

این زمینه نوشته‌هایی مانند موارد ذیل به رشته تحریر درآمده‌اند:

«معیارهای شناسایی مهدی موعود و تمایز آن از مدعیان دروغین»، اثر محمد شهبازیان، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۴۰۱؛ «بررسی معیار تشخیص امام مهدی علیه السلام از مدعیان مهدویت، هنگام ظهور»، اثر معصومه رضوانی و روح‌الله شاکری زواردهی، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۴۷، بهمن ۱۳۹۳؛ «درآمدی بر معیارهای شناخت امام»، اثر نصرت‌الله آیتی، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۵۱، مهر ۱۳۹۸؛ «تأویل‌گرایی در انحرافات مهدویت»، اثر محمدعلی فلاح علی‌آباد، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸؛ «روش مواجهه اهل بیت علیه السلام با مدعیان دروغین»، نوشته امیر محسن عرفان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۹۵؛ «بررسی و نقد شاخصه‌های تأویل‌گرایی در جریان‌های انحرافی مهدویت»، اثر محمد علی فلاح علی‌آباد، مجله انتظار موعود، شماره ۵۵؛ «بازشناسی تطبیقی تأویلات فرقه‌های انحرافی در علائم و شرایط ظهور»، اثر محمدعلی فلاح علی‌آباد، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۹۶؛ «بازنمایی ترفندهای عالم‌گریزی از سوی مدعیان مهدویت در ایران معاصر»، اثر سیدمسعود پورسیدآقایی و محمد غلامی، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۸؛ «کاوشی در مقوله تحریف، بسترها و شیوه‌های ایجاد در جریان‌های انحرافی مهدویت»، اثر محمد شهبازیان، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۸؛ «ترفندشناسی جریان‌های انحرافی در مقابله با فرهنگ مهدوی، حجت‌حیدری چراتی، مطالعات مهدوی، شماره ۵۴؛ «روش‌شناسی القای شبهه توسط مخالفان و مدعیان دروغین مهدویت»، سیدمسعود پورسیدآقایی و سیدمحمد فهیمی اصفهانی، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۳۹؛ «بررسی زمینه روانشناسی موثر بر پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر»، مسلم کامیاب، انتظار موعود، شماره ۷۳، شهریور ۱۴۰۰؛ «تبیین و نقد ترفندهای عوام‌فریبی جریان‌های انحرافی مهدوی در تاریخ معاصر»، عزالدین رضانژاد و مسلم کامیاب، انتظار موعود، شماره ۶۳، بهمن ۱۳۹۷؛ «ترفندهای روان‌شناختی مدعیان دروغین مهدویت، در ایران معاصر»، نعمت‌الله صفری فروشانی و مسلم کامیاب، انتظار موعود، شماره ۵۵، بهمن ۱۳۹۵.



## ۵. تخدیری بودن انتظار

یکی از اشکالاتی که روشنفکران غربزده و گروهی از نویسندگان اهل سنت مطرح کرده‌اند، این است که، انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عامل تخدیر اجتماع است و مردم با منتظر بودن، در اصلاح امور فعلی خود تلاش نخواهند کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱: ص ۶). این باور در میان فقیهان و نویسندگان حوزه علمیه مورد توجه قرار گرفت و در پاسخ به آن، مقالاتی ساماندهی شد؛ از جمله «بالاخره صفحه زمین به دست مردم صالح می‌افتد»، حسین شب زنده دار (شب زنده دار، ۱۳۴۰: ص ۳۰)؛ «آفتاب حق همیشه می‌درخشد» (بی‌نام، ۱۳۴۰: ش ۱۱، ص ۷) و کتاب «انتظار عامل مقاومت»، آیت‌الله صافی گلپایگانی و «دادگستر جهان»، آیت‌الله ابراهیم امینی (امینی، ۱۳۸۰: ص ۲۵۰).

## تحلیل و بررسی

همان‌گونه که در دسته بندی پیش‌گفته مشهود است و از مطالعه منابعی که مکتوبات آن دوره را ذکر کرده‌اند به دست می‌آید، دقت در نکات ذیل از دوران تاسیس تا سال ۱۴۰۰ شمسی ضروری است:

۱. عمده شبهات از طریق قرآن بسندگان، مدعیان دروغین مهدویت و ساکتین، مانند انجمن حجتیه بوده است. با این توصیف، عالمان دینی افزون بر گفت و گوها و مناظر، مکتوباتی در نقد این جریان‌ها داشته‌اند که نشان از اهتمام آنان در محافظت از کیان دین دارد.
۲. مکتوبات مهدوی در مکتب سامراء حدوداً ۶۷۷ اثر بوده و توسط شاگردان میرزای شیرازی، به ویژه مرحوم محدث نوری نگاشته شده است (الهی نژاد، ۱۴۰۱: ص ۱۳۳)؛ اما در دوره آغاز به کار حوزه علمیه قم و تاسیس مجدد آن، حجم اندکی از کتاب‌های تالیف شده را درباره مهدویت مشاهده می‌کنیم که چه بسا این ضعف، به علت توجه فقهای آن زمان به شکل دادن چارچوب‌ها و تشکیلات فقهی و اصولی در حوزه علمیه قم و همچنین بسندگی به کتاب‌های نگارش یافته از جانب مکتب سامراء بوده باشد؛ اما پس از انقلاب اسلامی ایران و به ویژه در دو دهه اخیر و با توجه به تاسیس مراکز تخصصی حوزوی در زمینه مهدویت و پژوهشکده‌های تحقیقاتی درباره آموزه‌های مهدوی، رشد فزاینده‌ای در نشر مکتوبات حوزه علمیه قم را



شاهدیم که تاثیر آن نه تنها بر کمیت بلکه بر کیفیت و ساختار بندی مقالات نیز مشهود است. ۳. کتاب‌هایی که پیش از انقلاب اسلامی درباره مهدویت نگاشته شده‌اند، رویکردی اثباتی و موسوعه نگاری نداشته‌اند، بلکه انگیزه این مکتوبات، پاسخ به شبهات و تحلیل آسیب‌های پیش آمده بوده است. به عنوان نمونه حتی کتابی مانند «منتخب الاثر»، در رد مدعیان دروغین، به ویژه بهائیت و منکران مهدویت نگاشته شده است.

۴. در آثار پیش از انقلاب اسلامی ایران، تالیفی در نقد «شیخیه» و دیدگاه آنان درباره مهدویت ملاحظه نمی‌شود. در دو دهه اخیر، محققان به ریشه یابی و تاثیر شیخیه بر شکل‌گیری بابیت و بهائیت اشاره کرده‌اند.

۵. در مکتوبات پیش از انقلاب اسلامی، به بررسی و تحلیل شبهات پرداخته شده و از بررسی علل و عوامل گرایش یا ایجاد سخنی گفته نشده است؛ اما در منشورات پس از انقلاب اسلامی و به ویژه دودهمه گذشته، رویکرد جریان شناسانه به مطالعات فرقه‌ای اضافه گردیده و تحلیل چرایی گرایش و بسترهای زمینه‌ساز گرایش به مدعیان تحلیل شده است.

۶. گمان می‌رود که پر رنگ بودن فتنه بهائیت (به ویژه حمایت‌های ویژه از آنان در دوران پهلوی اول و دوم) و تجدد خواهان قرآن بسنده، به تلاش‌ها در پاسخ‌گویی به این فرقه متمرکز شد و لذا دیگر فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی کم‌تر دیده شده‌اند.

۷. مهم‌ترین نشریه‌ای که به تحلیل روایات مهدوی و پاسخ به شبهات پرداخته «مکتب اسلام» بوده است.

۸. در دو دهه گذشته، بیش‌ترین حجم تحلیل مدعیان دروغین مهدویت و متمهدیان، به جریان مدعی یمانی معاصر عراق (احمد اسماعیل بصری) اختصاص یافته است.

۹. از مسائل مهم در تحلیل جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت، گفت و گو از شبهات درباره فقاقت و فقیهان امامیه است که در برخی از مقالات دوران پس از انقلاب اسلامی بدان پرداخته شده است.

۱۰. یکی از نیازهای جامعه دین‌دار، بررسی راه‌های شناخت موعود حقیقی از مدعیان دروغین بوده است که در مکتوبات پیش از انقلاب بدان توجه نشده و در دهه اخیر، توسط پژوهشگران حوزوی بدان اعتنا شده است.



۱۱. در تمامی زمان‌ها، مسئله طول عمر امام از سوالات مشترک میان جریان‌ها بوده است که عالمان دینی بدان پرداخته‌اند.

۱۲. در بحث گستراندن گناه در دوران غیبت، جریانی آشکار دیده نمی‌شود و جریان یا افرادی خاص بدین نکته پرداخته‌اند و بحث‌ها به سخنانی قبل از انقلاب ناظر است.



## نتیجه‌گیری

زمانی که حوزه علمیه قم توسط آیت الله حائری یزدی احیا گردید، به گونه‌ای که تأسیسی جدید از آن به مشام می‌رسید؛ توجه به ایجاد انسجام و قدرت حوزه علمیه قم از منظر فقهی و اصولی مانعی برای توجه گسترده به علوم دیگر در حوزه علمیه شده است. از این رو، در این دوره بیش‌ترین حجم نگاشته‌ها در قالب پاسخ به شبهات بوده و در تدوین کتاب مهدوی نوآوری وجود ندارد. در مقابل، پس از انقلاب اسلامی حجم مطالعات به دلیل گستردگی مباحث مهدویت و فراگیر شدن شبهات در فضای مجازی و افزایش مطالبات جامعه دین دار، بیش از گذشته شده و مراکز تخصصی شکل گرفته در زمینه مهدویت نقش به‌سزایی در حل مسائل و افزایش مکتوبات حوزه علمیه قم داشته‌اند.

چنانچه بتوان به آثار چاپ شده حوزه علمیه خواهران، جامعه الزهراء ع.ا.ع. و مکتوبات استادان و طلاب حوزه علمیه قم که به صورت شخصی چاپ شده‌اند، دسترسی یافت و همچنین از منشورات دارای مجوز اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی قم استفاده کرد، بر غنای محتوای این مقاله افزوده خواهد شد. پیشنهاد مشخص آن است که در این زمینه، محققان بذل همت کنند.





## منابع

۱. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹). **فرهنگ معاصر عربی-فارسی**، تهران، نشرنی.
۲. آیتی، نصرت الله (۱۳۹۴). **از تبار دجال**، قم، آینده روشن.
۳. ابراهیم پور، علی (۱۳۹۹). **روش شناسی جریان شناسی**، قم، طه.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**، بیروت، دار صادر.
۵. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). **کشف الغمة فی معرفة الائمة**، تبریز، بنی هاشمی.
۶. افضلی، محمد علی (۱۳۹۷). **شیخیه و غلو در موضوع امامت**، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۷. الهی بخش، خادم حسین (۱۴۲۱ق). **القرآنیون و شبهاتهم حول السنة**، طائف، مکتبه الصدیق.
۸. الهی نژاد، حسین (۱۴۰۱). **مهدویت پژوهی تطورات و آسیب‌ها**، قم، پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.
۹. امینی، ابراهیم (۱۳۸۰). **دادگستر جهان**، قم، شفق.
۱۰. انوری، حسن (۱۳۸۲). **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران، سخن.
۱۱. آقا بزرگ طهرانی، محمدمحسن (۱۴۳۰ق). **طبقات اعلام الشیعة**، بیروت، دار احیاء التراث.
۱۲. باقی، عمادالدین (۱۳۶۳). **در شناخت حزب قاعدین زمان**، تهران، نشر دانش اسلامی.
۱۳. برقی، ابوالفضل (بی‌تا). **بررسی علمی در احادیث مهدی**، موجود در سایت:  
<http://borqei.com/?q=book/۱۰۴>
۱۴. تابنده، سلطان حسین (۱۳۸۴). **نابغه علم و عرفان در قرن چهاردهم**، تهران، حقیقت.
۱۵. جمعی از نویسندگان زیر نظر غلامعلی حداد عادل (۱۳۸۹). **دانشنامه جهان اسلام**، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
۱۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰). **دایرةالمعارف تشیع**، تهران، حکمت.
۱۷. جمعی از نویسندگان مجله حوزه (۱۳۸۲). **آئینه داران حقیقت**، مصاحبه با آیت الله هاشمی رفسنجانی، قم، بوستان کتاب.
۱۸. جعفریان، رسول (۱۳۸۹). **جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران**، تهران، موسسه فرهنگی دانش.
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲). **الایقاظ من ההجعة**، تهران، نوید.

۲۰. حسنی، علی اکبر (خرداد ۱۳۵۴). **قادیانی گری و استعمار**، مجله مکتب اسلام، شماره ۶.
۲۱. خرمشاد، محمدباقر و سادات، سید ابراهیم (بهار ۱۳۹۲). «**جریان شناسی سیاسی به مثابه روش**»، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۲.
۲۲. دوانی، علی (۱۳۷۹). **مفاخر اسلام**، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۳. ذاکری، علی اکبر (بهمن ۱۳۸۳). **رفتارشناسی سیاسی آیت‌الله حائری**، نشریه حوزه، شماره ۱۲۶.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). **مفردات الفاظ القرآن**، بیروت-دمشق، دار القلم-الدار الشامیة.
۲۵. سلطانی، مصطفی (۱۳۹۴). **آشنایی با جریان‌های انحرافی**، قم، انتشارات ادیان و مذاهب اسلامی.
۲۶. شب زنده دار، حسین (بهمن ۱۳۴۰). «**بالاخره صحنه زمین به دست مردم صالح می‌افتد**»، نشریه مکتب اسلام، شماره ۱۲.
۲۷. شریف رازی، محمد (۱۳۳۲). **آثارالحجة**، قم، دارالکتاب.
۲۸. شهبازیان، محمد (۱۳۹۷). **ره افسانه**، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۲۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۹). **منتخب الاثر**، قم، انتشارات آیت الله صافی گلپایگانی.
۳۰. صدر، سید محمد (۱۴۳۱ق). **بحث حول الرجعة**، بیروت، دار مکتبة البصائر.
۳۱. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). **عیون اخبار الرضا**، تهران، نشر جهان.
۳۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق). **من لایحضره الفقیه**، قم، دفترانتشارات اسلامی.
۳۳. طباطبایی، سیدمحمد کاظم (۱۳۹۰). **تاریخ حدیث شیعیه (۲)**، قم، انتشارات دارالحديث.
۳۴. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). **الاحتجاج**، مشهد، نشر مرتضی.
۳۵. طبسی، سید علی محمد (مهر ۱۳۹۶). «**بررسی آرای عبدالوهاب فرید تنکابنی و سید ابوالفضل برقی در نقد عقیده رجعت**»، دو فصلنامه امامت پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۲.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). **رسالة العقائد الجعفریة**، قم، نشر اسلامی.
۳۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق). **الغیبة**، قم، دارالمعارف الاسلامیة.
۳۸. الغوری، عبدالماجد (۱۴۲۱ق). **القادیانی و القادیانیة**، بقلم الشیخ ابی علی المودودی، ابی



الحسن الندوی، احسان الہی ظہیر، بیروت - دمشق، دار ابن کثیر.

۳۹. قادیانی، غلام احمد (۲۰۰۷م). **باقة من بستان المهدي**، انگلستان، الشركة الاسلامية.

۴۰. قزوینی، زکریا بن محمد (۱۹۹۸م). **آثار البلاد و اخبار العباد**، بیروت، دار صادر.

۴۱. قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۵). **تاریخ قم**، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۴۲. کرمانی، محمد کریم خان (بی تا). **سی فصل**، برگرفته از سایت مکارم الابرار به آدرس:

<http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/book/....pdf>

۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامية.

۴۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**، بیروت، داراحیاء التراث.

۴۵. مجلسی، محمد تقی (۱۴۱۴ق). **لوامع صاحبقرانی**، قم، اسماعیلیان.

۴۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۱). **مساله انتظار**، قم، نسل جوان.

۴۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹). **پیام امام**، قم، دارالکتب الاسلامية.

۴۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). **المسائل السروية**، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.

۴۹. مصطفوی، سیدحسن (۱۳۶۸). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، وزارت فرهنگ و

ارشاد.

۵۰. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۹). **صحیفه امام**، تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار امام

خمینی.

۵۱. \_\_\_\_\_ (بی تا). **کشف اسرار**، بی جا، بی تا.

۵۲. موسوی، سیدعلی بن عبدالله (بی تا). **احوال الشیخ احمد الاحسایی و الشیخیه**، موجود در

سایت الابرار به آدرس:

[https://www.alabrar.info/library/SHARH\\_JS/f](https://www.alabrar.info/library/SHARH_JS/f)

۵۳. مهدی پور، علی اکبر (۱۳۸۰). **بادعای ندبه در پگاه جمعه**، تهران، نشر موعود.

۵۴. ناصر الشریعه، محمد حسین (۱۳۸۳). **تاریخ قم**، تهران، رهنمون.

۵۵. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۸ق). **رجال**، قم، نشر اسلامی.

۵۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). **الغیبة**، تهران، صدوق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الانتظار الموعود مجلة فصلية علمية -  
تحقيقية

انتظار الموعود

تم وحسب الرسالة المرقمة ٦٠٦٤ والصادرة بتاريخ ١٨ / ٧ / ١٣٩٥ من قبل شوراي وهيئة إصدار التراخيص العلمية التابعة للحوزة العلمية ترقية مجلة الانتظار الموعود وجعلها في مصاف المجلات العلمية - التحقيقية

### هيئة التحرير (حسب تسلسل الحروف):

- بهرزوى لك، غلام رضا  
(استاذ فى جامعة باقر العلوم عليه السلام)  
جبارى، محمد رضا  
(معيد فى مؤسسة الإمام الخميني عليه السلام التعليمية والتحقيقية)  
خسروپناه، عبدالحسين  
(استاذ فى مركز الدراسات الثقافية والفكر الإسلامى)  
رضانجاده، عزالدین  
(استاذ فى جامعة المصطفى عليه السلام العالمية)  
رضائى الاصفهاني، محمدعلى  
(استاذ فى جامعة المصطفى عليه السلام العالمية)  
زارعى متين، حسن  
(استاذ فى جامعة طهران)  
شاكزى الزواردهى، روح الله  
(معيد فى جامعة طهران)  
صفرى القروشاني، نعمة الله  
(استاذ فى جامعة المصطفى عليه السلام العالمية)  
كلباسى، مجتبى  
(استاذ فى الحوزة العلمية)  
محمد الرضائى، محمد  
(استاذ فى جامعة طهران)

### صاحب الامتياز:

مركز المهديه التخصصى الحوزة العلمية قم المقدسة

### المدير المسئول:

حجة الإسلام والمسلمين الشيخ محسن القرائتى

### رئيس التقرير:

حجة الإسلام الدكتور روح الله الشاكزى الزواردهى

### المدير الداخلى و سكرتير التحرير:

محسن رحيمى الجعفرى

### المحرر:

ابوالفضل عليدوست

### التنضيد والإخراج:

مسعود سليمانى

### مصمم الغلاف:

عباس فريدى

### المترجم الإنجليزى:

زينب فرجام فرد

### المترجم العربى:

ضياء الزهاوى

المواقع المعتمدة فى نشر المجلة:

www.entizar.ir

موقع مجله الانتظار الموعود

www.isc.gov.ir (ISC)

موقع علوم العالم الإسلامى

www.magiran.com

بنك المعلومات للصحف والمجلات

www.noormags.com

موقع نور للمجلات التخصصية



العنوان: قم المقدسة شارع الشهداء (صفائىة) زقاق آمار، مركز المهديه  
التخصصى

الهاتف: ٢٥٣٧٨٤١٦٦١ - رقم الفاكس: ٢٥٣٧٧٣٧١٦٠

موقع المجلة: www.entizar.ir

البريد الإلكتروني: Entizarmagg@gmail.com

قيمت: ٢,٠٠٠,٠٠٠ ريال

## المقاربات المختلفة للمهدوية في الحوزة العلمية في قم في القرن الأخير<sup>١</sup>

مجتبى كلباسي<sup>٢</sup>

محمد علي فلاح شيخخري<sup>٣</sup>

تعتبر القضية «المهدوية» هي من القضايا التي حازت على الإجماع في أوساط الأمة الإسلامية ولاسيما علماء الطائفة الشيعية. ونرى في الوقت نفسه إن هناك إختلاف في الرؤى والأفكار في هذا الموضوع بين العلماء وبذلك يمكن التعرف على علماء الإسلام في مختلف العصور وتصنيفهم من هذه الزاوية وفي القرن الماضي، كان المفكرون والعلماء في العالم الإسلامي، بما في ذلك الحوزة العلمية في قم، متفقين على مبدأ المهدوية، وكانت وجهات نظرهم وآرائهم بهذا الموضوع متباينة، ويمكن تصنيف وتقسيم هذه الآراء المختلفة الى عدة تقسيمات عامة وكلية وهي: المنهجية الروائية، العقلية، العرفانية، التاريخية، الإجتماعية، السياسية وغيرها.

وهذه المقالة هي بصدد بيان المقاربات والإتجاهات المختلفة الناظرة لهذا الموضوع وأيضاً التعريف بالشخصيات البارزة في كل إتجاه والتطرق الى سير هذا الإتجاهات والمعطيات التي حدثت في القرن الرابع عشر الشمسي في الحوزة العلمية لمدينة قم المقدسة والإسلوب الذي تم إتباعه في هذه المقالة هو الإسلوب التحليلي \_ الوصفي وذلك عن طريق دراسة الآثار المدونة للمهدوية في القرن الأخير والتي تناولتها الحوزة العلمية في قم.

المصطلحات المحورية: الحوزة العلمية في قم، المهدوية، الإتجاهات والمقاربات المهدوية، القرن الأخير، معرفة المنهجية.



١. لقد تم تأليف وكتابة هذه المقالة بدعم من جانب أمانة مؤتمر الذكرى المئوية لإعادة تأسيس الحوزة العلمية في قم وإنجازاتها وتكريم وتجليل آية الله الحاج الشيخ عبد الكريم الحائري رحمته الله.
٢. أستاذ في الحوزة العلمية والجامعة، قم، ايران، (الكاتب المسؤول).
٣. طالب في المرحلة الرابعة في الحوزة العلمية قم، ايران.

## مسار تطور الرؤية المهدوية للحوزة العلمية في قم خلال القرن الأخير<sup>١</sup>

روح الله شاكري زواردهي<sup>٢</sup>

السيد محمد حسيني ورد نجاني<sup>٣</sup>

مصطفى اسلامي<sup>٤</sup>

لقد إتبع الحوزة العلمية في قم في القرن الأخير النهج الأكثر نجاحاً وطموحاً في زمان حياتها ونظراً للعلوم والمعارف الغنية التي تركها أهل البيت عليهم السلام والتي إستندت على العقل والنقل فقد هيئة الأرضية المناسبة لموروث قيم يساهم في نقل المعارف الدينية وبالطبع فإن واحدة من تلك الموارث والتعاليم التي شهدت نوع من الصعود والهبوط في الحوزة العلمية القمية خلال هذا القرن هي العقيدة والرؤية المهدوية ولكنها تزامنت مع حدوث تغييرات وتحولات عديدة إذ قورنت بالنسبة الى القرن السابق وتم في هذه المقالة بيان خمسة من تلك التطورات التي حصلت في الرؤية المهدوية في القرن الأخير وهي: ١- التطور المنهجي ٢- التطور المجالي ٣- التطور التفسيري والذي تم فيه التركيز على عقيدتين وهما عقيدة الإنتظار والنيابة العامة ٤- التطور الغائي ٥- التطور العرضي، والذي يربط هذه التطورات الخمسة معاً هو «التطور الغائي» ولاشك فإن الشواهد والقرائن الموجودة كلها تؤكد وتبين بأن تم في الحوزة العلمية في قم وفي القرن الأخير تبديل الرؤية المهدوية من العقيدة العقدية فقط الى رؤية إستراتيجية الهدف المنشود منها ليس الدفاع عن نوعية الإعتقاد فحسب وإنما تسجيدها في جميع الأبعاد الحياتية الفردية والإجتماعية وبالتالي تأثير المجتمع وشراخه بهذه العقيدة في جميع الامور. وتسعى هذه المقالة ومن خلال الإعتقاد على الآثار المدونة في هذا القرن بيان وشرح المسير الذي قطعته هذه التطورات.

المصطلحات المحورية: المهدوية، التطور، الإنتظار، العقل، الحوزة العلمية في قم، الثورة الإسلامية الإيرانية.

١. لقد تم تأليف وكتابة هذه المقالة بدعم من جانب أمانة مؤتمر الذكرى المئوية لإعادة تأسيس الحوزة العلمية في قم وإنجازاتها وتكريم وتجليل آية الله الحاج الشيخ عبد الكريم الحائري رحمته الله.
٢. معيد في قسم معرفة الشيعة جامعة طهران، ايران (الكاتب المسؤول).
٣. طالب في مرحلة الدكتوراه في قسم كلام الإمامية، جامعة طهران، ايران.
٤. طالب في مرحلة الدكتوراه في قسم كلام الإمامية، جامعة طهران، ايران.

## مسار التطور الحاصل للعقيدة المهدوية في رؤية الفلاسفة والمتكلمين في الحوزة العلمية في قم خلال القرن الأخير<sup>١</sup>

حسن بناهي ازاد<sup>٢</sup>

محمد كاظم خواجه احسني<sup>٣</sup>

زهراء تام<sup>٤</sup>

تعتبر مسألة «الولاية» و «الإمامة» مركز التعليم والمعارف الشيعية وقد كانت العقيدة المهدوية ونتيجة إتصالها وانتسابها الى الإمام المحي والحاضر تتمحور ويطالها دوماً المساعي العلمية والعملية للحوزات العلمية للعالم الشيعي وأعلامه وذلك عبر طول التاريخ. وقد سعى حكماء الحوزة في القرن الرابع عشر الشمسي والذين كانوا في مركز التحولات والتغييرات النظرية والعينية ومن خلال إيجاد النظريات حول هذه العقيدة الراسخة الإجابة على الشبهات ورفع الحاجات والمتطلبات العلمية وبالتالي هداية المجتمع الشيعي وايصاله الى بر الامان. ويحاول هذا البحث وبواسطة دراسة أفكار علماء الحوزة العلمية في قم تحليل النظريات والإبتكارات لمسير تطورها ونقاط العطف عليها وتم في سياق ذلك العمل على تحليل أهم الأراء التي جاد بها كبار المتكلمين والفلاسفة الحوزويين في موضوع المهدوية ومن ثم دراسة مسار التطور الحاصل في ذلك لاسيما في ثلاثة مجالات والتي كانت في مركز إهتماماتهم وتاملاتهم يعني «إثبات وجود الإمام صاحب العصر والزمان عجل الله فرجه الشريف» و «الإنتظار» و «المدينة المهدوية الفاضلة».

المصطلحات المحورية: المهدوية، فلاسفة الحوزة، متكلمي الحوزة، إثبات الإمام المهدي عجل الله فرجه الشريف الإنتظار، المدينة الفاضلة.



١. لقد تم تأليف وكتابة هذه المقالة بدعم من جانب أمانة مؤتمر الذكرى المئوية لإعادة تأسيس الحوزة العلمية في قم وإنجازاتها وتكريم وتجليل آية الله الحاج الشيخ عبد الكريم الحائري رحمته الله.
٢. أستاذ مساعد في الأسس الإسلامية النظرية، جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.
٣. طالب في مرحلة الدكتوراه في قسم كلام الإمامية، جامعة طهران، ايران، طهران، (الكاتب المسؤول).
٤. طالبه في المرحلة الرابعة قسم التفسير جامعة الزهراء عليها السلام، قم، ايران.

## عملية تطور الآثار المكتوبة (المنتخبة) المهدوية لحوزة قم في القرن الأخير<sup>١</sup>

السيد مجتبي المعنوي<sup>٢</sup>

تتناول المقالة التي بين أيدينا موضوع «تطور الدراسات المهدوية في المائة عام في الحوزة العلمية لمدينة قم المقدسة»، وأسلوب البحث الذي إتبعته المقالة هو من النوع الميداني والمكتبي. والهدف المنشود من القيام بهذه المقالة هو عرض سير التطور الحاصل في الآثار المنتخبة للمهدوية كماً وكيفاً الذي حصل في حوزة قم، وقد ركزت المقالة على دراسة المهدوية في هذه الحوزة خلال القرن الأخير ومقارنة منهجيتها قبل حدوث الثورة الإسلامية وبعدها. وتعد تحليل الأحاديث المهدوية وبيان المهدوية ومعرفة الكتب المهدوية والتحقيق العلمي من أهم المراحل التي مرت بها عملية التطور الدراسات المهدوية في حوزة قم وأدت هذه المنهجية الى نشر أكثر من ألفي مقالة علمية وثلاثمائة وخمسين رسالة وأكثر من ستة الاف مؤلف وأثر وصفي تحليلي في شتى المجالات. واما المخرجات التي خرجت بها المقالة فهي تظهر بأنه قد وقعت طفرة كبيرة ونوعية ومناسبة للغاية في المجالات البحثية ونشر الآثار المتعلقة بالقضية المهدوية وبالتالي ظهور تطورات مهمة على السطح في الدراسات المهدوية وقد أدت هذه التطورات إلى تطوير دراسة المهدوية في حوزة قم العلمية من مسألة حديثة وعقائدية إلى مجال توسعة دراسات العلوم التربوية والسياسية والاجتماعية.

المصطلحات المحورية: المهدوية، تطور الدراسات المهدوية، الحوزة العلمية في قم، القرن، الآثار المكتوبة.



١. لقد تم تأليف وكتابة هذه المقالة بدعم من جانب أمانة مؤتمر الذكرى المئوية لإعادة تأسيس الحوزة العلمية في قم وإنجازاتها وتكريم وتجليل آية الله الحاج الشيخ عبد الكريم الحائري رحمته الله.  
٢. طالب في المرحلة الرابعة، الحوزة العلمية في قم، ايران.



## تحليل نتائج ومخرجات غلبة العقلانية المعتدلة على النصوية المتطرفة في أبحاث المهدوية في القرن الماضي في حوزة قم العلمية<sup>١</sup>

ابو ذر جبي<sup>٢</sup>

السيد محمد كاظمي شيخ شباني<sup>٣</sup>

نرى في الأديان السماوية- وخاصة الإسلام والتشيع - إننا نواجه موقفين ومقاربتين عامتين تجاه النصوص الدينية، وهما «النصوية» و«العقلانية». ولاشك فإن الاتجاه النصي في فهم الدين يؤكد على مركزية النص المعطى وأصالته وعلى فرع وهامشية العقل واما الإتجاه العقلي «المعتدل» فإنه وبالإضافة الى التزامه بالنص، فإنه يعطي أهمية للعقل أيضاً لاكتشاف المعرفة الدينية، وقد كانت الحوزة العلمية في قم المقدسة في القرن الأخير شاهدة على وجود هذين الإتجاهين في مجال التحقيقات المهدوية. وقد أقام الإتجاه العقلاني المعتدل علاقة ومصالحة بين العقل والنص والعقيدة والرؤية المهدوية وذلك من خلال انتقاد أحادية البعد للنص الإفراطي وبالنتيجة فقد انتصرت الصراعات العلمية على الإتجاه النقلي المتطرف. والمقالة الحاضرة تسعى الى كشف المخرجات والتي ساهمت في إنتصار الإتجاه العقلي المعتدل على الإتجاه النصي الإفراطي للحوزة العلمية في قم في موضوع المهدوية وتطرقت الى وصف وتحليل النتائج الحاصلة من غلبة وإنتصار التفكير العقلي على النصي في هذه العقيدة. وإعتمدت على الدراسات المكتبية والوثائقية وأما من حيث منهج التنفيذ فسيكون البحث وصفاً توضيحياً.

المصطلحات المحورية: العقلية، النصية، الحوزة العلمية في قم، المهدوية، فهم الدين، الإنتظار البناء.

١. لقد تم تأليف وكتابة هذه المقالة بدعم من جانب أمانة مؤتمر الذكرى المئوية لإعادة تأسيس الحوزة العلمية في قم وإنجازاتها وتكريم وتحليل آية الله الحاج الشيخ عبد الكريم الحائري رحمته الله.
٢. معيد في قسم الإسلام النظري، جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.
٣. باحث في المرحلة الرابعة في الحوزة العلمية في قم، ايران (الكاتب المسؤول).

## دور العلماء الأعلام في الجهاد ضد البهائية في القرن الأخير<sup>١</sup>

حجت حيدري جراتي<sup>٢</sup>

تعتبر الفرقة «البهائية» واحدة من الفرق المنحرفة المعاصرة وقد لعب العلماء الأعلام في الحوزة العلمية في قم في القرن الأخير دوراً محورياً وأساسياً في إشهار الجهاد والكفاح ضدها والحيلولة ومن خلال بيان وطرح التعاليم والعقائد الدينية الصحيحة من نشر وتوسعة رقاعتها في أوساط المجتمع الإسلامي بشكل كبير. وتناولت المقالة هذه دراسة دور علماء قم في الجهاد ضد الفرقة البهائية المنحرفة في المرحلة المعاصرة. وقد تم كتابتها بالإسلوب الوصفي - التحليلي وجمع المعلومات بالمنهجية المكتبية.

وطبقاً للنتائج الحاصلة منها ان الجهاد الذي قام به العلماء الأعلام في قم والذي كان في أبعاد مختلفة وبالإسلوب غير المباشر والمباشر أستطاع من أن يضع تلك الفرقة المنحرفة في مكان الخطر وتحجيمها وبالتالي عوق من التقدم المضلل لهذه الطائفة في أوساط المجتمع ويظهر دراسة التغييرات بين مواجهة و جهاد العلماء لم يكن في مستوى واحد وقد ارتبط التطور للحوزة في ثلاثة فترات ومراحل وهي: «الإحياء» و «التثبيت» و «النمو» وكان يتم الإستفادة في مرحلة الإحياء من وسيلة الفقه والإعتماد على البحوث العقديّة واما مرحلة التثبيت فقد تغير الوضع فاضحت المواجهة المباشرة هي السمة البارزة لها وطرحت بشكل الجهاد الثقافي والإقتصادي والإجتماعي. واما مرحلة النمو والتوسعة فقد تزامنت الجهاد ضد الفرقة البهائية وتوسعت الى طبقات أكثر عمقاً وذلك بعد الإستناد على المفاهيم السياسية الدينية للشيعّة وتغيرت بلحاظ الكم والكيف وأدت الى التخصص في منهجية المواجهة والمقابلة معها.

المصطلحات المحورية: الحوزة العلمية في قم، إحياء الحوزة في قم، تثبيت الحوزة في قم، البهائية، علماء قم، الفرق المنحرفة.



١. لقد تم تأليف وكتابة هذه المقالة بدعم من جانب أمانة مؤتمر الذكرى المئوية لإعادة تأسيس الحوزة العلمية في قم

وإنجازاتها وتكريم وتجليل آية الله الحاج الشيخ عبد الكريم الحائري رحمته الله.

٢. محقق في معهد المهدوية وموعد الإنتظار الحركي، مركز المهدوية التخصصي، قم، ايران.

## مدونات الحوزة العلمية في قم في مواجهة التيارات المنحرفة ومن يدعي المهدوية والشبهات الواردة لهؤلاء في القرن الأخير<sup>١</sup>

محمد شهبازيان<sup>٢</sup>

محمد غلامي<sup>٣</sup>

مائة عام من التاريخ شاهد حي على نقطة مفادها ان الحوزة العلمية في مدينة قم المقدسة ومنذ التأسيس والإحياء ووجود زعامة من الفقهاء العظام من امثال آية الله الشيخ عبد الكريم الحائري اليزدي وآية الله السيد حسين البروجردي ومن بعدهم وعلى آثرهم حدوث الثورة الإسلامية في ايران بقيادة الإمام الخميني لعبت دوراً أساسياً وحيوياً في توسعة وإنتشار الثقافة المهدوية وإزالة الصور المشوهة والضبابية عن هذه العقيدة الأصيلة والعمل على صقلها.

وكانت تطرح هذه المساعي والجهود في قالب المناظرات والمحاضرات والبيانات والمدونات والمصورت. وتسعى هذه المقالة التطرق ومن خلال إعمالها الأسلوب الوصفي - التحليلي والإستفادة من المصادر المكتبية والتاريخ الشفاهي الى إحصاء المدونات المهدوية التي تم إيجادها في الحوزة العلمية لمدينة قم والعمل على تحليل نقد التيارات والحركات المنحرفة وذلك منذ وجود آية الله الشيخ عبد الكريم الحائري اليزدي ( ١٣٥٥ ) وحتى نهاية قرن ( ١٤٥٥ ) ومن ثم الإخذ على عاتقها وبعد تحليل المصادر المكتوبة تناول الثغرات والأضرار التي حدثت في بعض الفترات والمصادر كي تتمكن وبالإستفادة من تجارب الماضي أن تخطوا خطوات مؤثرة من أجل نشر المهدوية والمكتوبات والمدونات التي تتعلق بها في المرحلة المعاصرة.

المصطلحات المحورية: المدونات، الحوزة العلمية في قم، الشبهات، التيارات المنحرفة، المهدوية، القرن الأخير.



١. لقد تم تأليف وكتابة هذه المقالة بدعم من جانب أمانة مؤتمر الذكرى المئوية لإعادة تأسيس الحوزة العلمية في قم وإنجازاتها وتكريم وتجليل آية الله الحاج الشيخ عبد الكريم الحائري رحمته الله.
٢. أستاذ مساعد في معهد العلوم والثقافة الإسلامية، مركز المهدوية والدراسات المستقبلية، قم، ايران (الكاتب المسؤول).
٣. طالب في المرحلة الرابعة في مركز المهدوية التخصصي، قم، ايران.

# Writings of the Qom Seminary against Deviant Movements and False Claimants of Mahdism and their Doubts in Recent Century<sup>1</sup>

*Muhammad Shahbaziyan<sup>2</sup>, Muhammad Gholami<sup>3</sup>*

The century-old history testifies to the fact that the seminary of Qom, under the leadership of eminent clerics such as Ayatollah Sheikh Abdul Karim Haeri Yazdi and Ayatollah Seyed Hossein Borujerdi, and consequently, during the Islamic Revolution of Iran under the leadership of Imam Khomeini, played a fundamental role in the dissemination of the Mahdavi culture and the eradication of misconceptions from this authentic doctrine. This effort has been presented in the form of debates, speeches, statements, writings, and visual media.

This essay aims to present and analyze the written works of Mahdavi scholars in the scientific domain of Qom seminary, as well as to limit deviant movements, using a descriptive-analytical approach and drawing from library sources and oral history. It will focus on the period from the arrival of Ayatollah Sheikh Abdul Karim Haeri Yazdi (1921 CE) to the end of the century (2021 CE), and analyze them. Following the analysis of written sources, it has delved into the gaps and shortcomings of certain periods and sources in order to make meaningful strides towards the dissemination of Mahdism and related written works in the contemporary era.

**Keywords:** Written works., Qom Seminary, doubts, deviant movements, Mahdism, ;ate crnturey.

- 
1. This article has been written with the support of the secretariat of the 100th anniversary commemoration conference of the establishment of the Qom Seminary and its achievements and commemoration of the esteemed Ayatollah Hajj Sheikh Abdul Karim Haeri (Peace be upon him).
  2. Assistant Professor at the Islamic Culture and Science Research Center, the Research Center of Mahdism and Futurology, Qom, Iran. (Corresponding Author)
  3. Student pf Level 4 at the Specialized Center of Mahdsim, Qom, Iran.



## The Role of the Scholars of Qom in Fighting Baha'ism in Recent Century<sup>1</sup>

*Hojjat Heydari Charati*<sup>2</sup>

The Bahá'í Faith is one of the contemporary deviant sects, against which the scholars of Qom seminary have played a central role in fighting against it in the past century, largely preventing its spread and dissemination within the Muslim community by providing a correct interpretation of religious teachings. This study examines the role of Qom scholars in combating the deviant Bahá'í sect in the contemporary period, using a descriptive-analytical approach and collecting materials in a library-based manner.

Based on the findings of the research, the struggle of the scholars of Qom against Baha'ism in various dimensions has been able to endanger the positions of the Baha'is and prevent the misleading advancements of this sect in society through indirect or direct methods. The examination of the process of the evolutions indicates that the scholars' confrontation in the struggle has not been uniform and has been accompanied by development in the three periods of "revival," "consolidation," and "growth." The struggle in the revival stage relied on the use of jurisprudential tools and theological discussions, while in the consolidation period, it changed to direct confrontation and emerged as a cultural, economic, and social struggle. In the stage of growth and development, relying on the concepts of Shia political religious beliefs, the struggle against Baha'ism was drawn into deeper layers and changed quantitatively and qualitatively, leading to the specialization of the opposing method.

**Keywords:** Qom seminary, revitalization of Qom seminary, consolidation of Qom seminary, Bahá'í Faith, Qom scholars, deviant groups.

---

1. This article has been written with the support of the secretariat of the 100th anniversary commemoration conference of the establishment of the Qom Seminary and its achievements and commemoration of the esteemed Ayatollah Hajj Sheikh Abdul Karim Haeri (Peace be upon him).

2. Researcher at the Research Center of Mahdism

## **An Analysis of Extrinsic Factors Prevailing on the Balanced Rationality of Moderation over the Excessive Textualism in the Mahdavi Studies of the Recent Century at Qom Seminary<sup>1</sup>**

*Abuzar Rajabi<sup>2</sup>, Seyyed Muhammad Kazemi Sheikh Shabani<sup>3</sup>*

In the Abrahamic religions - particularly Islam and Shiism- we encounter two general approaches and attitudes towards religious texts: "textualism" and "rationalism." The textualist approach gives centrality and authenticity to the text in understanding religion, emphasizing the subordinate nature of reason, while the rationalist (moderate) approach, while adhering to the text, also recognizes the importance of reason in discovering religious knowledge. In recent century, the Qom seminary has witnessed the presence of these two currents in the arena of Mahdism studies. The rationalist moderate movement has established reconciliation through criticism of the monolithic approach of extremist text-oriented thinkers, linking the beliefs of Mahdism to the balance between reason and scripture, and stability and dynamism. Scientific struggles have dominated the extremist traditionalist movement. This progressive research aims to discover the prevalence of the moderate rationalist movement over the extremist textualism orientation in the scientific domain of Qom Seminary in relation to Mahdism. It delves into describing and analyzing the implications of the prevalence of rationalistic thinking over textualism in this doctrine and is based on library and documentary studies; it will be descriptive-explanatory in terms of research methodology.

**Keywords:** rationalism, textualism, Qom seminary, Mahdism, religious understanding, constructive anticipation.

- 
1. This article has been written with the support of the secretariat of the 100th anniversary commemoration conference of the establishment of the Qom Seminary and its achievements and commemoration of the esteemed Ayatollah Hajj Sheikh Abdul Karim Haeri (Peace be upon him).
  2. Associate Professor of Theoretical Foundations of Islam, Faculty of Islamic Studies, University of Islamic Maaref, Qom, Iran.
  3. Student of Level 4 at Qom Seminary, Iran. (Corresponding Author)



## The Evolution of the Mahdavi Written Works (selected) in Recent Century in Qom Seminary<sup>1</sup>

*Seyyed Mojtaba Manavi<sup>2</sup>*

The evolution of one hundred years of studies on Mahdism in the Qom seminary is the subject that the present research has addressed. The research method in this article is both field and library based. The aim of the research is to present the evolution trend of selected quantitative and qualitative studies on Mahdism in the Qom seminary. The focus of the article is on the study of Mahdism in the Qom seminary during the recent century and comparing the approach to it before and after the Islamic Revolution. The analysis of Mahdism traditions, the elucidation of Mahdism, the recognition of Mahdism literature, and scientific research are among the most important stages of the evolution of the study of Mahdism in the Qom seminary. This approach has led to the publication of over two thousand scientific articles, three hundred and fifty theses, and more than six thousand descriptive and analytical works in various fields. Research findings indicate that significant scholarly advancements have occurred in the field of Mahdism research and literature dissemination, leading to important developments in the study of Mahdism. These developments have expanded the study of Mahdism in the Qom seminary from a purely theological and traditional issue to the realms of educational, political, and social sciences.

**Keywords:** Mahdism, evolution of Mahdism studies, Qom seminary, century, written works.

---

1. This article has been written with the support of the secretariat of the 100th anniversary commemoration conference of the establishment of the Qom Seminary and its achievements and commemoration of the esteemed Ayatollah Hajj Sheikh Abdul Karim Haeri (Peace be upon him).

2. Graduate Student of Level 4 at Qom Seminary, Iran.



## The Evolution of the Doctrine of Mahdism in the Thought of Recent Century's Philosophers and Theologians at the Qom Seminary<sup>1</sup>

*Hasan Panahi Azad<sup>2</sup>, Muhammad Kazem Khajeh Ahsani<sup>3</sup>, Zahra Taam<sup>4</sup>*

The concepts of "vilayat" and "imamate" encompass the teachings of Shiism. The doctrine of the Mahdism, due to its association with the living and present Imam, has always been a focal point of the scholarly and practical efforts within the academic institutions of the Shi'a world and its esteemed figures throughout history. Scholars of the fourteenth century AH, who themselves were at the center of theoretical and practical transformations, have endeavored to not only address doubts and fulfill scholarly needs, but also provide leadership and guide the Shi'a community by theorizing about this lofty teaching.

This research endeavors to examine the Mahdism thoughts of the scholars of the Qom seminary, while analyzing their most important theories and initiatives, investigating the process of their evolution, and elucidating their crucial points. In this regard, the most prominent views of the theologians and philosophers of the seminary on the subject of Mahdism are analyzed, and subsequently, the evolution of these views, especially in the three areas that have been the focus of their attention and contemplation, namely "Proof of the existence of Imam Mahdi (AJ)", "Awaiting", and "Ideal City of Mahdism", have been examined.

**Keywords:** Mahdism, seminary philosophers, seminary theologians, proof of the existence of Imam Mahdi (AJ), awaiting, ideal city.



---

1. This article has been written with the support of the secretariat of the 100th anniversary commemoration conference of the establishment of the Qom Seminary and its achievements and commemoration of the esteemed Ayatollah Hajj Sheikh Abdul Karim Haeri (Peace be upon him).

2. Assistant Professor of Theoretical Foundations of Islam, University of Islamic Studies, Qom, Iran.

3. Ph.D Student at the Department of Kalam at the University of Tehran, Tehran, Iran . (Corresponding Author)

4. Student of Level 4 of Interpretation, Jamehat Al-Zahra University, Qom, Iran.



## The Evolution of Mahdism Thought in Recent Century at Qom Seminary<sup>1</sup>

*Rouhollah Shakeri Zavardehi*<sup>2</sup>, *Seyyed Muhammad Husseyni Verdenjani*<sup>3</sup>,  
*Mustafa Islami*<sup>4</sup>

In recent century, Qom seminary has had the most prominent approach during its lifetime. Attention to the teachings of the Ahl al-Bayt, relying on reason and revelation, has provided a valuable heritage for religious teachings. The concept of Mahdism is one of these teachings, which despite the ups and downs it has experienced in this century, has been accompanied by numerous developments and changes compared to the previous century. In this essay, five developments in the concept of Mahdism in recent century have been outlined: 1. Methodological development, 2. Scope development, 3. Explanatory development, which here focuses only on the two principles of waiting and deputyship for the general public, 4. Ultimate development, 5. Presentational development. The link among these five developments is the "ultimate evolution". Evidence and indications suggest that in recent decades, in the seminary of Qom, the ideology of Mahdism has been transformed from a purely doctrinal belief into a strategic ideology whose aim is not only to defend a certain belief, but also to manifest itself in all aspects of individual and social life, and to impact society in all its affairs. This essay aims to elucidate the path taken in these developments, relying on the written works of this era.

**Keywords:** Mahdism, evolution, waiting, reason, the seminary of Qom, the Islamic Revolution of Iran.

---

1. This article has been written with the support of the secretariat of the 100th anniversary commemoration conference of the establishment of the Qom Seminary and its achievements and commemoration of the esteemed Ayatollah Hajj Sheikh Abdul Karim Haeri (Peace be upon him).

2. Associate Professor of Shia Studies Group at, Tehran University, Iran. (Farabi Faculty) (Corresponding Author)

3. Ph.D Student of Imamate Kalam, Tehran University, Iran. (Farabi Faculty)

4. Ph.D Student of Imamate Kalam, Tehran University, Iran. (Farabi Faculty)



## Various Approaches to the Notion of the Mahdism in Recent Century in the Qom Seminary<sup>1</sup>

*Mojtaba Kalbasi<sup>2</sup>, Muhammad Ali Fallah Sheikhleri<sup>3</sup>*

"The concept of Mahdism" is a subject of consensus among the Islamic community, especially among Shiite scholars. However, there are noticeable differences in the perspectives on this issue among scholars, such that Islamic scholars can be categorized and classified from this perspective throughout different eras. In recent century, thinkers and scholars in the Islamic world, including those in the seminaries of Qom, despite the consensus on the principal belief in Mahdism, have different views and perspectives on the subject. These different perspectives can be categorized into several general approaches: traditional, rational, mystical, historical, social-political, and so on.

This article aims to delve into the various approaches to the topic of Mahdism, as well as to introduce prominent figures within each approach, tracing these lines in the fourteenth century AH within the Seminary of Qom. The method employed in this research is analytical-descriptive, conducted through examining the written works on Mahdism of the recent century within the seminaries of Qom.

**Keywords:** Qom Seminary, Mahdism, Mahdist approaches, recent century, approach studies.



- 
1. This article has been written with the support of the secretariat of the 100th anniversary commemoration conference of the establishment of the Qom Seminary and its achievements and commemoration of the esteemed Ayatollah Hajj Sheikh Abdul Karim Haeri (Peace be upon him).
  2. Professor at the Seminary and University, Qom, Iran. (Corresponding Author)
  3. Graduate Student of Qom Seminary, Qom, Iran.

According to the letter No.6064 of the council for granting licences and scientific privileges to the seminaries dated 18.7.1395, the journal of "Awaiting the Expected" was promoted to the rank of scientific-research.

IN THE NAME OF ALLAH  
فصلنامه علمی - پژوهشی

انتظار مود

*Entizar-e-Moud (aj)*

**Editorial Board: (In Alphabetical Order)**

Behrouzi Lak, Gholamreza (Professor at Baqir-al-Ulum University)

Jabbari, Muhammadreza (Associate Professor at Imam Khomeini Educational and Research Institution)

Khosro Panah, Abdol Husseyn (Professor at center of Islamic Culture and Thought)

Rezanezhad, Ezzodeen

(Professor at AL-Mustafa International University)

Rezaee Isfahani, Muhammad Ali (Professor at AL-Mustafa International University)

Zare'ee Matin, Hasan

(Professor at University of Tehran)

Shakeri Zavardehi, Rouhollah (Associate Professor at University of Tehran)

Safari Foroushani, Ne'matollah (Professor at AL-Mustafa International University)

Mojtaba Kalbasi

(Professor at Qom Seminary)

Muhammadreza'ee, Muhammad (Professor at University of Tehran)

**Owner:**

Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

**Managing Director:**

Hojjat al-Islam Mohsen Ghara'ati

**Editor in Chief:**

Dr. Rouhollah Shakeri Zavardehi

**Internal Manager and Editorial Secretary:**

Mohsen Rahimi Jafari

**Editor:**

Abolfazl Alidoust

**Layout Specialist:**

Masoud Soleimany

**Cover Designer:**

Abbas Faridi

**English Translator:**

Zeynab Farjambard

**Arabic Translator:**

Ze'ya az-Zahavi

**Full text in:**

[www.entizar.ir](http://www.entizar.ir)  
[www.isc.gov.ir](http://www.isc.gov.ir) (ISC)  
[www.magiran.com](http://www.magiran.com)  
[www.noormags.com](http://www.noormags.com)

Address: The Office of Entezar-e-Mo'oud Journal, Specialized Center of Mahdism, Amar Alley, Shohada Street (Safa'eeyeh), qom.

Tel: +982537841661

Fax: +98253773160

Journal site: [www.entizar.ir](http://www.entizar.ir)

Email: [entizarmagg@gmail.com](mailto:entizarmagg@gmail.com)

Price: 2.000.000 Rials



## هزینه اشتراک

نوع درخواستی	پست عادی (ریال)
تک شماره	۲۰۰۰۰۰۰۰ + ۱۰۰۰۰۰۰
دوره یک ساله	۸۰۰۰۰۰۰ + ۴۰۰۰۰۰۰

### نحوه پرداخت:

وجه اشتراک را به حساب سیبا (۰۱۰۹۵۷۶۶۳۶۰۰۷) و یا شماره کارت ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۵۳۲۰۷۵ بانک ملی شعبه حجتیه قم، کد ۲۷۱۱ به نام انتشارات مرکز تخصصی مهدویت و اریز و اصل فیش بانکی را همراه این فرم به نشانی ذیل ارسال یا فاکس کنید:

قم، فیابان شهدا (صفائیه)، کوچه شماره ۲۲ (آمار)، بن بست شهید علیان،

مرکز تخصصی مهدویت (مندوق پستی ۳۷۱۳۵/۱۱۹) - فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ - تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۶۶۱



### یادآوری:



از ارسال وجه نقد به نشانی مرکز خودداری فرمایید. در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را به این مرکز اطلاع دهید. تعداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص کنید.

### فرم اشتراک فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود

نام خانوادگی ..... میزان تحصیلات .....

شغل ..... نشانی .....

کد پستی ..... تلفن .....

تعداد درخواستی ..... شروع اشتراک از شماره .....

مبلغ پرداختی .....

تک شماره های .....  
نوع درخواست حواله .....

کد اشتراک ..... نوع درخواست:  پست سفارشی  پیشتاز

محل امضا